





مرکز تدوین آثار شهید



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



خط رهبر

جلد دهم

رهبر شهيد پروفيسور برهان الدين ربانى



شناسنامه کتاب

عنوان کتاب: خط رهبر، جلد ۱۰؛

عنوان فرعی: مجموعه از سخنرانی‌های رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی (۱۳۶۹)؛

گردآورنده: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

حروف‌نگاری: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ویرایش: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تصحیح: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

تحشیه: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید؛

طراح جلد: عصمت‌الله احراری؛

برگ‌آرا: خیرالله خیرخواه؛

سال چاپ: ۱۴۰۰ خورشیدی؛

نوبت چاپ: نخست؛

محل چاپ: کابل؛ افغانستان؛

شناسه افزوده: گفتارها، سیاسی، دینی و اجتماعی...؛

شمارگان: ۳۰۰۰ جلد؛

شمار برگه‌ها: ۲۷۵؛

قطع: رقیعی؛

بها: ۱۵۰ افغانی؛

چاپ‌خانه: بهیر؛

نشانی ما: صفحه رسمی آثار رهبر شهید؛ 

نشانی برقی: sh.rabbani1390@gmail.com؛

حق چاپ برای مرکز تدوین محفوظ است.

فهرست

۱۱.....	پیشگفتار.....
۱۳.....	خطابه یک صد و چهل هشتم.....
۲۹.....	خطابه یک صد و چهل نهم.....
۴۵.....	خطابه یک صد و پنجاهم.....
۵۳.....	خطابه یک صد و پنجاه و یکم.....
۵۷.....	خطابه یک صد و پنجاه و دوّم.....
۷۳.....	خطابه یک صد و پنجاه و سوّم.....
۷۹.....	خطابه یک صد و پنجاه و چهارم.....
۱۰۱.....	خطابه یک صد و پنجاه و پنجم.....
۱۰۵.....	خطابه یک صد و پنجاه و ششم.....
۱۲۳.....	خطابه یک صد و پنجاه و هفتم.....
۱۳۷.....	خطابه یک صد و پنجاه و هشتم.....
۱۴۵.....	خطابه یک صد و پنجاه و نهم.....
۱۵۷.....	خطابه یک صد و شصتّم.....
۱۷۵.....	خطابه یک صد و شصت و یکم.....
۱۸۷.....	خطابه یک صد و شصت و دوّم.....
۲۱۵.....	خطابه یک صد و شصت و سوّم.....
۲۲۹.....	خطابه یک صد و شصت و چهارم.....
۲۳۷.....	نمایه.....
۲۶۵.....	رویکردها.....

پیشگفتار

چنانکه در پیشگفتارِ جلدِ نهم «خط رهبر» گفتیم: بدون شک سرزمینی به‌نام افغانستان، در بطن خود مردان بزرگی را درگذر تاریخ، پرورش داده و تقدیم جامعهٔ انسانی کرده است و آموزه‌های اعتقادی و دینی این مرزبوم، در کنار دیگر انگیزه‌های منقول و معقول، در ساختار شخصیتی این ابرمردان نقش آفرین بوده‌اند و اما مردانی که توانسته باشند، دین و دنیا را به هم گره زنند و از آزمونگاه خدا و بشر کامیاب به درآیند، عظیم‌تر و شکوهمندترند.

جایی بسی مسرت و حیرت است که در این بستر پر از بحران، چنین مردان بزرگی پا به صحنه گذاشتند و ملّتی را در خم‌وپبیج روزگار هدایت دادند، بدون اندک‌ترین گمانی رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربّانی G نه‌تنها یکی از این بزرگان تاریخ ماست؛ بلکه سرخیل خوبان جامعهٔ ماست؛ اما شاید به دلایلی این عظمت و بزرگواری از دیدهٔ شماری از خوبان جامعهٔ ما پنهان مانده باشد؛ لذا «مرکز تدوین آثار رهبر شهید» خواسته است که در جهت کاستن این نقیصه و بلند بردن دانش دینی و سیاسی هم‌میهنانمان گامی بردارد و گامی دلکش‌تر از این نبود که آثار رهبر شهید را به خدمت عزیزان جامعهٔ خویش قرار دهد و آغاز چنین کاری را هم کردیم و اینک به عون و یاری پروردگار «جلد دهم خط رهبر» را که حاوی سخنرانی‌هایی از ۱۳۶۹ خورشیدی است، در خدمت قرار می‌دهیم.

البته کار ما در این اثر چنین بوده: در گام نخست، سخنان رهبر شهید را حروف‌نگاری می‌کنیم و بعد مطابق دستورالعمل تدوینی خویش دست به تصحیح می‌زنیم و از آن بعد در کنار مَعْرِفِی نام‌ها، اماکن، گروه‌ها،

اصطلاحات، استخراج احادیث، ارجاع آیات، مستندسازی روایات و نقل قول‌ها، ترجمه آیات، احادیث و متون عربی و توضیح نکات قابل توضیح، تدوین رویکردها و ویرایش، نمایه‌ای از آیات، احادیث، اشعار، اشخاص، اماکن، احزاب، گروه‌ها و مفاهیم وارده در کتاب را در پای آن ردیف می‌کنیم.

درگُل؛ چشم‌داشتِ ما از این کار این است: نسلی که به دلایلی از معیت با این خطابه‌های روشنگر، به دور بودند؛ امروزه در متن این خطابه‌ها قرار گیرند تا رغبتِ جنیدن در آنان بیدار شود و تذکرها باشد به آنانی که همگام با این خطابه‌ها بودند تا فراموش نکنند که چه عهدی بسته بودند. به هر رو - چنانکه پیش‌از این گفتیم - ما متعهد به خط رهبریم و این خط را خط اصیل و خردمندانه جامعه خویش می‌دانیم، از این رو ما «خط رهبر» را عنوان کردیم، اینک به یاری الله توانستیم که جلد دهم خط رهبر را روانه چاپ‌خانه کنیم.

پیش از بستن این پیشگفتار، بر خود لازم می‌دانم که از همکاران مرکز تدوین هریک: خیرالله خیرخواه، دلاور نسیمی، محمدکامل عمران و عبدالحمید اواب سپاسگزاری کنم که در تدوین این اثر تلاش‌های زیادی کردند، اجرهم علی الله.

به امید روزی که بتوانیم همه فرآورده‌های استاد شهید را در خدمت شما نیکان قرار دهیم تا «خط رهبر» هرچه بیشتر چهره بنماید، وَمَا ذَلِكَ عَلَيَّ اللَّهُ بِعَزِيزٍ.

فضلی آماج

رئیس مرکز تدوین آثار رهبر شهید

خطابهٔ یک صد و چهل هشتم
در کنفرانس تنظیم جوانان مسلمان جمعیت اسلامی افغانستان
هفته‌نامهٔ مجاهد؛ شنبه، ۱۱ حمل ۱۳۶۹ هـ ش / رمضان المبارک ۱۴۱۰ هـ ق / ۳۱ مارچ ۱۹۹۰ م.



الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على إمام المجهدين مُحَمَّد وَعَلَى آلِهِ
الطَّيِّبِينَ الطاهرين وعلى خلفائه المهديين الراشدين وَعَلَى سائر صحابته وَمَنْ دعا
بدعوتِهِ إلى يوم الدين.^۱

جوانان عزیز! امید جهاد و انقلاب اسلامی افغانستان! السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

من در سیمای معصومانه شما عزیزان و شما فرزندان عزیز انقلاب، یاد دوران
جوانی خلیل بت‌شکن را می‌بینم؛ آری، ابراهیم خلیل در دوران جوانی، بت‌ها را
درهم شکست و اعلام قیام و شورش در برابر کفر و الحاد، کرد و در سیمای شما
جوانان عزیز؛ یادی از اسماعیل ذبیح - علیه السلام - در ذهنم تجسّم می‌کند که
در راه رضای خدا، به پدر بت‌شکنش فرمود:

﴿..افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾^۲

([ای پدر!] آنچه را که خداوند - جل جلاله - به تو امر کرده، انجام بده، مرا
از جمله صابران خواهی یافت.)

زیرا شما فرزندان انقلاب، بت‌های زمان معاصر را به دست خود و یا به
دست پدران و برادران بزرگ‌تان در هم شکستید، پس صبر و استقامت و تحمّل

۱. ستایش خدایی را که پروردگار عالمیان است، درود و سلام بر پیشوای مجاهدان محمد و بر پیروان
پاک‌طینت و پاک‌باز او و بر جانشینان هدایت‌شده و راشد او و بر همه یاران و همه دعوت‌گران راه او
تا روز رستاخیز. «مرکز تدوین»

۲. الصافات / ۱۰۲. ﴿فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعْيَ قَالَ يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَاذَا تَرَى
قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ (و وقتی با او به جایگاه سعی رسید،
گفت: ای پسرک من! من در خواب [چنین] می‌بینم که تو را سر می‌برم. پس ببین چه به نظرت
می‌آید، گفت: ای پدر من! آنچه را مأموری بکن ان‌شاءالله مرا از شکیبایان خواهی یافت.) «مرکز
تدوین»

اسماعیل ذبیح در شما وجود دارد.

انقلاب اسلامی تان را از میان گذرگاه‌های پرخطر، با قبول صبر و استقامت و تحمّل سختی‌ها، ان‌شاءالله تا مرحله تکامل و رسیدن به هدف نهایی حکومت جهانی اسلام،^۱ به‌پیش خواهید برد.

من در سیمای شما عزیزان؛ یادی از قیام اصحاب کهف و رقیم را می‌بینم که در برابر جباران قیام کردند، در شما ان‌شاءالله شجاعت امام حسین،^۲ درایت و مبارزهٔ پیگیر مُصْعَب بن عُمَیر^۳ - که در مرگش پیامبر گرامی، با نثار اشک‌های گهربار اظهار حزن نمودند، در سیمای شما می‌بینم، در میان شما همت معاذ و معوذ^۴ را می‌بینیم که در خدمت پیامبر قرار داشتند، باوجودی که در زمانی

۱. جهانی‌بودن یکی از ویژگی‌های حکومت اسلامی است. این ویژگی را می‌توان در کتاب «فقه سیاسی» دکتر یوسف قرضاوی، خواند. «مرکز تدوین»

۲. حسین بن علی بن ابی‌طالب: فرزند دخت رسول الله Y است که پس از برادر بزرگ‌ترش حسن بن علی V در ماه شعبان سال ۴ هـ.ق، متولد شد و به تاریخ ۱۰ محرم ۶۱ هـ.ق، در شهر کربلا در عراق به شهادت رسید. وی در دوران کودکی، رسول الله Y را درک کرد و در هنگام رحلت رسول الله Y هنوز کودک بود. پس از رسول الله Y خلیفهٔ بزرگوارش ابوبکر صدیق - وی را گرامی می‌داشت و پس از او عمر بن خطاب و عثمان بن عفان V - نیز - او و دیگر بزرگواران اهل بیت را بسیار گرامی می‌داشتند. نگاه: داستان شهادت حسین بن علی - و سخنی دربارهٔ ماه محرم. «مرکز تدوین»

۳. مُصْعَب بن عُمَیر - نخستین سفیر اسلام و دعوتگر رسول الله Y ، از بزرگان صحابه و از نخستین کسان است که اسلام آورد. اسلام او هنگامی بود که پیامبر در خانهٔ ارقم به دعوت سزی مشغول بود. او تا پیش از اسلام آوردن، خوش‌گذران‌ترین جوانان قریش بود و مادرش توجه ویژه‌ای به او داشت. او زیباترین لباس‌ها را می‌پوشید و همه امکانات زندگی آن روز را در اختیار داشت. مصعب درنبرد بزرگ بدر شرکت داشت و درنبرد اُحُد پرچمدار رسول الله Y بود. درنبرد اُحُد پس از آنکه هردو دستش را از دست داد، پرچم را با بازویش به سینه چسبانده بود و تا آخرین لحظه مقاومت کرد و سرانجام توسط «ابن قِیْمَةَ اللَّیْثِی» به شهادت رسید - ابن قِیْمَةَ که گمان کرده بود که پیامبر را به شهادت رسانده است، در میان قریش فریاد می‌زد که محمد را کشتیم - گفته شده است که عمر او در هنگام شهادت، چهل سال یا کمی بیشتر بوده است و بر اساس قولی، آیهٔ ۲۳ سورهٔ احزاب دربارهٔ این یار گرامی رسول الله Y نازل شده است. نگاه: سیر اعلام النبلاء، ص: ۷۸، الطبقات الکبری، ج: ۲، ص: ۱۲۱ - ۱۲۲. «مرکز تدوین»

۴. معاذ و معوذ: پسران عمرو بن الجموح بودند؛ آنان دو نوجوان کم‌سن‌وسالی بودند که با درخواست‌های مکرر از رسول الله شامل معركة بدر شدند. پس از اینکه به وسیلهٔ رهنمایی عبدالرحمن بن عوف رضی الله عنه، ابوجهل را در میدان نبرد بدر مشاهده کردند، برق‌آسا به او حمله‌ور شدند و او را از پای درآوردند. سپس به حضور رسول الله بازگشتند و خبر کشته‌شدن ابوجهل را به آن حضرت دادند. رسول الله به آن دو فرمودند: «اَیُّکُمَا قَتَلَهُ؟» «کدام یک از شما او را کشتید؟» هریک از آن دو گفتند: من کشتیم! رسول الله فرمود: آیا شمشیرهای خود را از خون پاک کرده‌اید؟ گفتند: نه. رسول الله به شمشیرهای آنان نگاه کرد، دید هر

که مجاهدین را برمی‌گزیدند، برای آنان سن معینی تعیین شده بود که کودکان نمی‌توانستند به علت خردی سن و سال‌شان، به جنگ بروند، در چنین سن و سالی، معاذ و معوذ شمشیری را به گردن آویزان کرده بودند و از اینکه خردسال بودند، سلاح‌شان به زمین می‌خورد و از پاهای‌شان به زمین کش می‌شد، این‌ها قد خود را بلند می‌کردند تا نشان بدهند که ما خردسال نیستیم تا پیامبر گرامی برای‌شان اجازه بدهد که به سنگ‌های خونین جهاد بشتابند.

برادران عزیز!

شما وارثین میلیون‌ها تن از شهدای عزیز در جهاد اسلام و یک‌ونیم میلیون شهید گلگون قبا در کشور عزیزتان افغانستان‌اید؛ لذا مسئولیت شما سخت سنگین است، انتظار از شما خیلی فراوان هست، در این روزها که جهان اسلام معراج نهضت و قیام خود را آغاز کرده، باید هم بدانیم که تنها عاطفه و احساسات کاری را از پیش نمی‌برد.

باید متوجه باشیم که نیروهای جوان مانند سیلاب خروشنده‌ای است که باید درست توجیه شود و در جهت سرنگونی و ویرانی بنیان کمونیزم^۱ توجیه گردد. چنانکه دیدیم، بنیان مارکسیزم^۲ در سراسر جهان فرو ریخت، اگر این نیرو

دو به خون رنگین است، به آنان فرمود: «كَلَاكُمَا قَتْلُهُ» «هردوی شما او را کشته‌اید.» نگاه: الذهبی، ابو‌عبدالله محمد بن احمد بن عثمان بن قایماز، سیر اعلام النبلاء، ص: ۱۲۷، ناشر: مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۳ هـ.ق. «مرکز تدوین»

۱. کمونیزم و یا کمونیسم: این اصطلاح از ریشه لاتینی «کمونیس» به معنای اشتراکی گرفته شده است. اصطلاح کومون یا جامعه اشتراکی نخستین بار در فرانسه، در سال ۱۸۲۹م، به کار رفت. به قول طرفداران این اصطلاح، گویی این نظام بدون طبقه است. کمونیزم شخصیت انسان را تابع اقتصاد و در چوکات محدودیت‌ها و قیودات خفقان‌آور اجتماعی محبوس می‌کند. همچنان کمونیزم به انسان، حقوق و آزادی‌هایش از دریچه اقتصاد نگریسته، «مالکیت اشتراکی» را نخستین پایه مستحکم نظام خود قرار داده و آزادی‌هایی را که حق طبیعی انسان‌هاست محدود و فشرده می‌سازد. خوش‌بینانه‌ترین قضاوت در مورد منطق کمونیزم این باشد که گرایش به این مکتب، به معنای تباهی گوهر انسانیت، اغفال و إغرای انسان از توجه به گنه حالت خودش، خودفراموشی و پایمال کردن شخصیت انسان در حد کالای کم از بازار است و - نیز - به معنای تنزل ارزش خون و آبروی آدمیت است. نگاه: دانشنامه سیاسی، از: داریوش آشوری، ص: ۲۶۱-۲۶۳ و مقاله «ارزش خون در کمونیزم و اسلام» نوشته شهید محمدکاظم شارق، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، سال ۱۳۶۰ هـ.ش. «مرکز تدوین»

۲. مارکسیزم و یا مارکسیسم: مکتب سیاسی و اجتماعی است که تحت تأثیر اندیشه‌های کارل مارکس، فیلسوف آلمانی در اواخر قرن نوزدهم پیدا شد، به معنای وسیع کلمه مارکسیزم یک مکتب

- خدای نخواستہ - در جهت ویرانی ارزش‌ها توجیه شود، ما خطر این کار را در افغانستان عزیز آشکارا دیدیم.

فراموش نکنیم همین مارکسیست‌های ویرانگر، در اصل تعدادی از کودکان و جوانانی بودند که در غیاب بیداری امت اسلامی مان. در غیاب غفلت دستگاه حاکم، در دوران فساد و در دوران انحراف رژیم‌های منحرف، در دامن کفر و الحاد سقوط کردند و در لجنزار کمونیزم جوانان ما فاسد شدند، حتی دستگاه رژیم منحن و فاسد گذشته، وقتی که شکایت بلند می‌شد، آخر کار که می‌شد، این جنبش ویرانگر کمونیستی در افغانستان آژیر خطر را به صدا درآورده که چرا خاموش نشسته‌اید؟

منطق‌شان این بود که می‌گفتند: «از این چند بچه سر لُج پا لُج و یا از چند شعار خیابانی آن‌ها، بنیان سلطنت هرگز متزلزل نمی‌شود!»

آن‌ها تنها در غم استحکام بنیان فاسد سلطنت بودند، نه در غم انحراف ملت مسلمان ما، نه در غم انحراف جوانان ما.

آن رژیم فاسد تصوّر می‌کرد که با ارتباطی که با زعامت فاسد دستگاه‌های الحادی دارد، می‌تواند لبه تیز این کشمکش را متوجه علما و اسلام بسازد و خودش در امن وامان زندگی کند. تشویق می‌کردند تا قرآن شریف پارپاره شود، تشویق می‌کردند تا علیه علما شعار بدهند، علیه اسلام فعالیت صورت بگیرد، فکر می‌کردند که به این وسیله، معادله امنیتی را در کشور می‌توانند تأمین کنند.

از جانبی؛ کمونیست‌ها و از جانب دیگر مسلمانان در کشمکش واقع می‌شوند و خودش در مابین دو قوه مطمئن و در امن به سر می‌برد؛ در حالی که چنین نشد.

فلسفی سیاسی و اشتراکی است که شاگردان روسی مارکس پلخانف و لنین اند، علامه شهید سید قطب G در اوج این اندیشه، در مورد آن چنین گفته بود: «مارکسیزم که در آغاز ظهورش شمار زیادی را در شرق - و حتی در غرب - به خاطر تلقی کردن آن به عنوان یک سیستم ایدئولوژیک به خود جذب کرد، از ناحیه طرز فکر عقب‌نشینی بسیار واضحی داشته است و تقریباً هم اینکه به دولت و نظام‌های آن محدود می‌باشد که از اصول سیستم فاصله بسیار زیادی گرفته‌اند و درکل مارکسیزم با طبیعت فطرت بشری و مقتضیات آن در تضاد است و جز در یک محیط درهم‌شکسته یا محیطی که روزگاران دراز با نظام دیکتاتوری خو گرفته باشد، نمی‌تواند رشد کند و حتی در این محیط‌ها - نیز - در بُعد مادی اقتصادی - که زبرنا و مایه مباهات آن است - به تدریج به شکست مواجه می‌شود. نگاه: نشانه‌های راه، ص: ۱-۲ و فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۵۱۶ - ۵۲۱. «مرکز تدوین»

پس ما باید سخت متوجه عنصر متحرک و پرقدرت جوان باشسیم و بیش از همه شما جوانان عزیز، جوانان عزیزی که باز در سیمای معصوم شما چهرهٔ حبیب‌الرحمن شهید،^۱ چهرهٔ سیف‌الدین نصرتیار،^۲ چهرهٔ داکتر عمر شهید،^۳ سیمای نورانی مولوی حبیب‌الرحمن^۴ و سایر رزمندگان عزیز و پیش‌آهنگان

۱. انجینیر حبیب‌الرحمن فرزند صفت‌الله خان در سال ۱۳۲۹ هـ ش، در روستای جمعه‌خیل ولسوالی نجراب ولایت کاپیسا به دنیا آمد، بعد از اتمام دورهٔ ثانوی در سال ۱۳۴۹ هـ ش، شامل دانشکدهٔ پول‌تختیک کابل شد. این خردترین عضو نهضت اسلامی افغانستان برای بار نخست در زمان رژیم شاه‌ی دستگیر و مدت شش ماه در نظارت‌خانهٔ کابل باقی ماند و بعداً آزاد گردید. بار دیگر در قوس ۱۳۵۲ هـ ش، در زمان رژیم داود خان از کارتهٔ پروان شهر کابل حینی که او کارهای تنظیمی و دعوتی را سرورسامان می‌داد، توسط عمال داود گرفتار شد و برای چند وقتی در وزارت داخله توقیف بود و بعداً به زندان دهم‌زنگ برده شد و شش ماه در آنجا در حبس بود؛ تا اینکه در ماه اسد سال ۱۳۵۳ هـ ش، به عمر ۲۳ سالگی از سوی رژیم داود به شهادت رسید. نگاه: البیان المرصوص، العدد: ۲۶، شعبان ۱۴۰۹ هـ / مارس ۱۹۸۹ م والمجاهدون، ۴۴، العدد (۱۸) - رمضان ۱۴۰۹ هـ / آپریل ۱۹۸۹ م. «مرکز تدوین»

۲. سیف‌الدین نصرتیار فرزند نصرالدین نصرتیار: یکی از پیش‌کسوتان نهضت اسلامی افغانستان است که در شهر پلخمری ولایت بغلان چشم به جهان گشوده بود. شهید نصرتیار پس از فراغت از لیسهٔ خان‌آباد کنده با سپری کردن امتحان کانکور در دانشگاه کابل به دانشکدهٔ انجینیری راه یافت؛ اما بنا بر فعالیت‌های دعوتی و مشکلات موجود آن زمان، خود را از دانشکدهٔ انجینیری به دارالمعلمین سید جمال‌الدین تبدیل کرد و در آنجا حلقات منظمی از خواهران را جهت دعوت و بیداری ایجاد کرد. شهید نصرتیار از جمله خانواده‌های مسلمان است که بیشترین اعضای خانواده از جمله خواهرش را در راه دفاع از عقیده و عزت از دست داده بود. این مرد بزرگ پس از دستگیری توسط رژیم وقت و سپری کردن مدتی در زندان مخوف دهم‌زنگ و پس از آن، همراه با جمع دیگری از برادران نهضت اسلامی در جوزای ۱۳۵۸ هـ ش، در زمان زمامداری حفیظ‌الله امین به شهادت رسیدند. «مرکز تدوین»

۳. داکتر محمد عمر فرزند وکیل عبدالقدوس در سال ۱۹۵۱ م، در شهرستان کشم ولایت بدخشان به دنیا آمد، دروس خویش را در زادگاهش فراگرفت و بعد از ختم دورهٔ متوسطه به کابل آمد تا اینکه مرحلهٔ ثانوی را به پایان رساند. بعد از ختم دورهٔ ثانوی در سال ۱۹۷۰ م، وارد دانشکدهٔ طب دانشگاه کابل شد. به اثر فعالیت دینی و دعوت، در سال ۱۹۷۲ م، از سوی رژیم ظاهرشاه دستگیر و زندانی شد و سرانجام در سال ۱۹۷۷ م، از طرف رژیم داود خان به اعدام محکوم شد و به شهادت رسید. نگاه: البیان المرصوص - العدد ۲۶، شعبان ۱۴۰۹ هـ / مارس ۱۹۸۹ م، ص: ۳۹. «مرکز تدوین»

۴. این مرد بزرگ مولوی حبیب‌الرحمن فرزند مولوی عبدالحی است که در روستایی در ولایت لغمان چشم به جهان گشودند، در آغاز پدرش ایشان را به مدرسهٔ دینی «تجم المدارس» فرستادند و پس از فراغت از این مدرسه، به شغل تدریس در «مدرسهٔ ابوحنیفه» پرداختند. در همین مدرسه بود که با برادران «جنبش اسلامی» آشنایی پیدا کرد و از آن به بعد وارد دانشکدهٔ شرعیات شدند و با قوت هر چه تمام در راه‌پیمایی‌هایی که ضد فعالیت‌های کمونیستی به راه انداخته می‌شد، شرکت می‌کردند. این بود که زندانی می‌شود و یک‌سال را در زندان سپری کردند، او در قیادت و رهبری جنبش نقش بارزی داشتند، ایشان • در پی یک درگیری - که میان جنبش و کمونیستان رخ داد - یک‌چشمش را

نهضت پرثمر اسلامی دیده می‌شود، شما برادران باید به‌عنوان دلسوزترین وارثان انقلاب و وارثان خون شهدا، قیام اسلامی را تا سرحد پیروزی و تار سیدن به معراج تکاملش به‌پیش ببرید و یقیناً که چنین صبر و استقامت و چنین همت و شجاعت، اراده و تصمیم، آگاهی و بصیرت در شما فرزندان عزیز انقلاب سراغ می‌شود.

برادران عزیز!

هر چند انقلاب شکوهمند اسلامی مان مراحل شکوفایی خود را تا مراحل پیشرفته‌ای به‌پیش برده است؛ اما هنوز هم کارهای زیادی باید صورت بگیرد؛ بعد از این، با همه جلال و عظمت نظامی مان اجازه ندهیم که رکود نظامی در جبهات مان حاکم شود، اجازه ندهیم «مادی‌گری»^۱ بر ذهن و دماغ فرماندهان عزیز و مجاهدین عزیز ما حاکمیت پیدا کند، نباید اجازه بدهیم که جهاد ما یک بزنس شود.

می‌شنویم و شاید غلط باشد که بعضی از جبهات در بعضی از نقاط، گاه‌گاهی می‌گویند: «اگر ما این منطقه را فتح کنیم، دیگر تنظیم‌ها برای ما چیزی نمی‌دهد، بگذارید این منطقه فتح نشده بماند که کم‌از کم از تنظیم‌ها سلاح ببریم و امکانات نظامی در اختیار ما بوده باشد.»

اگر این سخن راست باشد، یک نوع انحرافی خواهد بود که گاه‌گاهی در پیکر پاک جهاد ما، مانند موربانه داخل می‌شود و ما امیدواریم که دروغ باشد.

برادران عزیز!

تبلیغات گسترده‌ای علیه انقلاب اسلامی تان روان است، نمی‌خواهند که انقلاب اسلامی و افتخارات انقلاب مربوط به نهضت اسلامی شود. خفاشان

از دست داد. پس از کودتای داود خان دوباره راهی زندان شدند و شکنجه‌های فراوان شدند، رژیم داود دست به دستگیری خانواده ایشان زدند و حتی دستگاه حکومت، نیروهای خاص را جهت انتقال خانواده مولوی شهید فرستادند. خلاصه مولوی شهید در زندان باقی ماند و باایمان و صبر و صلابت همه انواع شکنجه‌ها را تحمل کرد، تا اینکه دادگاه حکم اعدام او، داکتر عمر و برادر خواجه محفوظ را صادر کرد و این حکم ظالمانه در ۱۹۷۸ م، تنفیذ شد. نگاه: مجله البینان المرصوص، العدد ۲۶، «مرکز تدوین»

۱. برای فهم و درک بیشتر این موضوع، به کتاب «انسان بین مادی‌گری و اسلام» اثر استاد محمد قطب با برگردان فارسی از سید هادی خسروشاهی مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

زیادی هستند که از فروغ درخشنده انقلاب اسلامی می‌هراسند، آن‌ها نمی‌خواهند که این نور فروزان را ببینند.

شما می‌شنوید که امروز در سطح ملی و بین‌المللی، تحولاتی که زاده انقلاب اسلامی و جهاد مردم مسلمان ماست، می‌خواهند آن را مربوط به ابتکارات گورباچف^۱ بدانند، مربوط به آشتی میان شرق و غرب بدانند؛ درحالی که همه تحولات، همه فروریزی بنیان کمونیزم، زاده انقلاب اسلامی و نهضت اسلامی در کشور اسلامی، در افغانستان است، زاده قیام حبیب‌الرحمن شهید، استاد بزرگ، استاد نیازی شهید،^۲ محمد عمر شهید، نصرتیار شهید، مولوی حبیب‌الرحمن شهید، ده‌ها و صدها عالم و شهید گمنام و سپاهیان مخلص انقلاب اسلامی است.

این همه تحولات، زاده صبر و استقامت ملت قهرمان ماست که در آوارگی‌ها و در محرومیت‌ها، صبر و استقامت کردند و در محرومیت‌ها به سر برد و با دست‌خالی با ابرجناور روسی دلبرانه جنگید؛

مربوط به نهضت عظیم اسلامی است که از نیم‌قرن بیشتر به صورت منظم به کار آغاز کرد، علما و رهبران نهضت در نقاط مختلف جهان اسلام، در

۱. میخائیل سرگنیهویچ گورباچف: در ۲ مارچ ۱۹۳۱ م، در روستای پرولنویه در نزدیکی استاوروپول شوروی به دنیا آمد. او آخرین رهبر اتحاد شوروی است و در روسیه از محبوبیت کمی به دلیل نقش وی در فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی سابق و مصایب اقتصادی که آمد برخوردار است. نگاه: خیانت به سوسیالیزم، بخش کتاب، از روجر کیران، توماس کنی. «مرکز تدوین»

۲. استاد پوهاند غلام‌محمد نیازی فرزند عبدالباقی: بنیان‌گذار نهضت اسلامی افغانستان در سال ۱۹۳۲ م، در استان غزنی در قریه رحیم‌خیل ولسوالی اندر در یک خانواده مسلمان و متدین چشم به جهان گشود. تعلیمات ابتدایی را در زادگاهش فراگرفت و بعداً شامل دارالعلوم امام ابوحنیفه گردید و بعداً در دانشگاه جهانی الأزهر رفت و در آنجا با حرکت جهانی اخوان المسلمین نیز آشنا شد. ایشان به درجه ماستری از رشته حدیث از آن دانشگاه فراغت حاصل کرد و در سال ۱۹۵۷ م، به حیث استاد در دانشگاه کابل در دانشکده شرعیات شروع به تدریس کرد و همچنان فعالیت‌های دعوتی و دینی را نیز انجام می‌داد. از استاد آثار و نوشته‌های زیادی در مجله پیام حق و مجله شرعیات به‌جامانده است. ثمره ازدواج استاد سه فرزند به‌نام‌های محمد نسیم، محمد سلیم و محمد عظیم باقی است. سرانجام این استاد دعتوگر و مبارز در هشتم جوزای سال ۱۳۵۸ هـ ش، همراه با ۱۳۵ تن از اعضای برجسته نهضت اسلامی افغانستان در زندان پل چرخ از طرف رژیم آن‌وقت به شهادت رسیدند. نگاه: البیان المرصوص - العدد ۲۶، شعبان ۱۴۰۹ هـ / مارچ ۱۹۸۹ م و یادی از دو شهید از شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی. «مرکز تدوین»

شکنجه‌گاه‌ها و زندان‌ها، شکنجه‌ها دیدند، محرومیت‌ها را تحمّل کردند. هستند در سطح محلی مان کسانی که قیام اسلامی شمارا به‌عنوان یک قیام خودجوش می‌دانند، عناصر مفسّدی که تا دیروز در صف الحاد قرار داشتند که عناصر بزدلی که دیروز از دود و باروت می‌هراسیدند، امروز قیام اسلامی شمارا نمی‌خواهند که مربوط به نهضت اسلامی، به نهضت جوان و نهضت علمای امت ما در افغانستان بدانند.

برادران عزیز!

شما باید متوجه این حقیقت باشید که هستند عناصر مفسّدی که می‌خواهند انقلاب شکوفان اسلامی را تفسیرهای غلطی بکنند و با تفسیرهای ناروایی، می‌خواهند گویا نشان بدهند که اصلاً انقلاب اسلامی در افغانستان انقلاب خودجوشی است که در میان مردم افغانستان به میان آمده، مربوط به نهضت اسلامی نیست.

دردناک‌تر از این همه، این است که عده‌ای از هم‌راهان جهاد شما، می‌خواهند این همه افتخارات عظیم را در پای جلاّدان بریزند و امروز هم خواسته می‌شود که خلقی‌ها هم گویا به‌عنوان ناجیان ملت افغانستان قد علم کنند و در ارتباط به اوضاع فعلی، در ارتباط به کودتای اخیر، موضع‌گیری ماوشما و موضع‌گیری حکومت عبوری مجاهدین، بر اساس عقده نبود و بر اساس عقده نیست. موضع‌گیری شعاری نیست، موضع‌گیری سطحی‌گرایانه هم نبوده و نیست؛ بلکه این موضع‌گیری بر مبنای دلسوزی به جنبش اسلامی، بر مبنای واقعیت‌های انقلاب‌مان بوده است.

به‌راستی آیا دور از عدالت نیست که ما در مرحله‌ی معراج پیروزی خود، عناصری را اشتریک بسازیم و آن‌هم در مرکز قیادت و رهبری ملت خودمان، عناصری که کفرشان کم‌تر از کفر ابولهب و ابوجهل نیست، آنانی که در دشمنی با اسلام از هیچ ظلم و ناروایی دریغ نکردند، آنانی که روزی می‌گفتند: «ما نیازی به بیست میلیون و شانزده میلیون افغان نداریم، ما خاک افغانستان را می‌خواهیم، تا در خدمت کمونیزم بین‌المللی قرار بگیرد.»

آیا جفا به خون شهدای عزیز نیست؟ به آن یارانی که در آخرین لحظات زندگی‌شان، حکومت اسلامی گویان جان می‌دادند، جفا به آنان نیست که هنوز قطرات خون پاک آن شهیدان از دست این جلّادان می‌چکد؟ آثار خون‌شان مشاهده می‌شود و دست‌شان به خون آن شهیدان عزیز رنگین است؟

با وجود این همه جنایات آن کفار، به خود حق بدهیم و یا برای کس دیگری حق داده شود که آن‌ها یک شورای مشترکی با جلّادان کافر و دشمنان‌شان تشکیل دهند و در نهایت باز جلّادان ملت ما، خائنین و غدارانی که ملت ما را سوختاندند، افغانستان را ویران کردند و می‌خواستند جهان اسلام را به زنجیر کمونیزم ببندند، بر سرنوشت این ملت مجاهد حاکم گردند و در این صورت، همه تشکیلات سِزی کمونیست‌ها محفوظ باقی می‌ماند و به علت اینکه همه این‌ها جزء ارگان‌های رسمی دولت بودند، هیچ‌کسی نمی‌توانست که به اصطلاح یک «آمپلق» بر آن‌ها بزند، اگر کامیاب می‌شدند، آن‌ها در سطح حاکمیت قرار داشتند؛ زیرا آن‌ها می‌گفتند: «ما بودیم که یکدیگر خود را کشتیم و قدرت را گرفتیم، شما چه هستید که دعوی حاکمیت سیاسی را می‌کنید؟»

اگر موفق می‌شدند، در مابین این‌ها و مجاهدین دیگر و مردم افغانستان جنگ را درمی‌دادند، یک تعداد از مجاهدین به غلط در صفوف جلّادان قرار می‌گرفت و دیگران در صف مقابل، و شما خوب دقیق شوید، اگر به راستی این‌ها حکومت را به این گروهی که از آن‌ها حمایت سیاسی کرده، بخشیده‌اند، پس چرا چندین فرقه و چندین ولایتی که به اعتراف خودشان کاملاً در اختیار این‌ها بود، مجاهدین مربوط به این تنظیم را نیاروندند که اداره فرقه‌ها را به دست می‌گرفت، کم‌از کم که امروز چند فرقه به اختیار این تنظیم می‌بود، کم‌از کم یک چند پوسته که را به اختیار این‌ها می‌گذاشت.

شما بگویید؛ کدام است آن پوسته‌ای که در این دوران به دست این تنظیم فتح شده باشد؟ یعنی اختیار یک پوسته را هم ندارند، حتی تعجب است که یکی از افراد این تنظیم در صحبت رادیویی خود می‌گوید که ما با این‌ها از زمان‌ها پیش رابطه داشتیم؛ اما از این دیگر، در وقتی که در غار است، در وقتی که شکست خورده

و همه چیز را از دست داده، پرسان می شود که تو مسلمانی؟ او هم می گوید: هیچ تفاوتی در مابین خلقی و مسلمان وجود ندارد! خلقی بودن من با مسلمان بودنم، یکی است! تا اینکه مشاورش به وی شانه می زند و می گوید: بگو که من مسلمانم! نمی دانم این دوستان چه اطمینانی داشتند که حکومت اسلامی را با چنین عناصر معاندی که در لحظات شکست خود هم آماده نیستند، نام اسلام را به زبان آرند، تشکیل بکنند. کسی که در اعلامیه ای هم که صادر می کند، طرف خطابش ملت افغانستان نیست؛ بلکه خلقی های اصیل است، به خلقی های اصیل که در انقلاب سهم بگیرند!

پس موضع گیری در برابر حوادث اخیر یک موضع گیری اسلامی و شرعی است و راهی را که دوستان حامی کودتا طی کردند، کج و ناروا بوده و مخالف همه حرف ها و شعارهای گذشته شان بود.

به همه حال؛ منظور از این تذکر، تنبیه شما فرزندان عزیز انقلاب است که در برابر انحرافات که در کمین انقلاب اسلامی ماست و در برابر دسایس مختلفی که علیه انقلاب اسلامی ما به راه انداخته شده، بیدار و هوشیار باشید و مطابق حدیث پیغمبر ﷺ که می فرماید:

﴿اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ﴾^۱ شما باید قضایا را به نور روشن اسلام ببینید

برادران عزیز!

شما گوهرهای عزیز انقلاب اسلامی ما هستید، دل های پاک و مغزهای شما به غیر از اندیشه اسلامی از هر نوع فکر ناروا و منحرفی شسته شده، نباید با اندیشه های تخریبی آلوده شود. اجازه ندهید فساد پیشگان علیه انقلاب اسلامی شما تبلیغ بکنند، وحدت و یکپارچگی خود را حفظ بکنید، وحدت این ملت ما

۱. نگاه: اسناد ضعیف، أخرجه الترمذی برقم ۳۱۲۷ وقال غریب والعقیلی فی الضعفاء (۱۲۹/۴) والطبرانی فی الکبیر (۱۰۲/۸) برقم ۷۴۹۷ وابن عدی فی الکامل (۳۴۵/۵) وفي اسناده عطية العوفی ومصعب بن سلام وفيهما كلام معروف، ويعنى عنه حديث: إن لله عبداً يعرفون الناس بالنوسم، رواه الطبراني في «الأوسط» (۲۰۷ / ۳) وابن جرير الطبري في «التفسير» (۴۶ / ۱۴) قال الهيثمي: رواه البزار والطبراني في الأوسط وإسناده حسن «مجمع الزوائد» (۲۶۸ / ۱۰) وحسنه الشيخ الألباني في «السلسلة الصحيحة» (۱۶۹۳). «مركز تدوين»

توسط یکپارچگی و وحدت شما فرزندان عزیز انقلاب به میان می‌آید. هستند دست‌های تخریب‌گری که می‌خواهند ملت ما را چند پارچه بسازند، می‌خواهند به دسته‌ها و فرقه‌های مختلف تقسیم‌بکنند، اجازه ندهید که در میان ملت واحد ما چند پارچگی به میان آید.

برادران عزیز!

مشکلات فراوانی دامن‌گیر انقلاب ماست؛ اما راه ما تعیین شده است. راه مسلمانان انقلابی و مبارز و راه مجاهدان راستین، راه پر از رنج و درد است:

﴿حُقَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ وَ حُقَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ﴾^۱

ما از میان رنج‌ها و دردها، راه خود را باز می‌کنیم، قسمی که از میان خون و آتش و از میان اشک و آه، بالاخره انقلاب ما به مرحله پیروزی نزدیک شده؛ اما هنوز دزدان و قطاع‌الطریق‌ها، دشمنان آشکارا و پنهانی در کمین‌اند. هوشیار باشید، هوشیارانه مبارزه کنید، ترس و تقوای الهی، عمده‌ترین سلاح شما باید باشد، بکوشید که اگر ما پا کج می‌نهیم شما ما را به راه حق دعوت کنید.

اگر ما شما را به راه حق رهنمایی می‌کنیم، با سماع و طاعت قبول بکنید؛ باید تشکیلات خود را به‌عنوان هسته‌های قدرتمند و انقلابی، فشرده‌تر و قوی‌تر بسازید و با برنامه‌ریزی‌های طویل‌المده و قصیر‌المده، در عمق انقلاب جا بگیرید و مشکلات را رفع کنید و با انحرافات که گاه‌گاهی ملاحظه می‌کنید، دلسوزانه بکوشید که کجی‌ها و انحرافات از راه انقلاب دور شود، مطمئن باشید که اگر ما یکپارچه و متحد و در راه اسلام روان باشیم، هیچ دست‌ناپاکی نمی‌تواند جلو رسیدن ما را به اهداف والای اسلامی مان بگیرد و خوشبختانه که امروز جهان اسلام به‌سوی پیروزی‌های عظیمی گام برداشته، انقلاب‌های اسلامی در هر جای جهان، یکی باعث تقویه دیگر خود می‌شود.

﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾^۲

۱. معنای حدیث مبارک این است: «پیرامون جهنم را شهوت‌ها فرا گرفته است و پیرامون بهشت را دشواری‌ها.» نگاه: صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۸۲۲. «مرکز تدوین»
 ۲. توبه / ۷۱. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ

ما همه امت اسلامی یکپارچه و متحدیم، افغانستان عزیز باید افغانستان واحد و یکپارچه باقی بماند.

برادران عزیز!

جنبش اسلامی مان قسمی که در آغاز و در پیشاپیش قیام قرار داشت و تا امروز قیام را رهبری می کند، باید در رهبری اداره و سیاست های افغانستان هم قرار بگیرد و اجازه ندهیم، انقلاب مان دزدیده شود.

برادری، سه شب پیش تر به من گفت: در یک جمعی از جوانان الجزایری بودم، می گفت: همیشه نامه ها و تلفن هایی که به ما می رسد، مخصوصاً بعد از این کودتا یک شب حتی سه تلفن از الجزایر گرفتیم که می گفتند: به برادران تان بگویند که انقلاب تان را دزدی نکنند؛ زیرا که آن ها انقلاب شان دزدیده شده بود، می دانستند که افراد ناجور و ناباب در آخرین مراحل پیروزی انقلاب را سرقت کردند و در افغانستان ما هم نزدیک بود که انقلاب به نام تنی^۱ و خلقی ها تمام شود. راستی که این وضع دردناک است و باید جلو این کارها را بگیریم و به آن برادرانی که اگر راستی می خواهند با صفوف جهادی همراه باشند، به عنوان ناصح امین برای شان می گوئیم که راه رفته تان غلط بود، شعارهایی که داشتید، چیزی و راهتان چیز دیگری است.

به هر حال؛ شما جوانان فشرده تر شوید، ان شاء الله انقلاب اسلامی به پیروزی رسیده و می رسد.

من در نهایت مطلبی را به ارتباط شما جوانان اشاره می کنم و آن این است

وَيُؤْمِنُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ (و مردان و زنان با ایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده وامی دارند و از کارهای ناپسند بازمی دارند و نماز را برپا می کنند و زکات می دهند و از الله و پیامبرش فرمان می برند، آنان اند که خدا به زودی مشمول رحمت شان قرار خواهد داد و خدا بسی توانا و حکیم است.) «مرکز تدوین»

۱. شهناز تنی: یکی از جنرالان برجسته حزب دموکراتیک خلق در زمان حکومت کمونیستی در افغانستان بود که در سال ۱۳۲۸ هـ ش، در شهرستان تنی ولایت خوست، در جنوب شرقی افغانستان به دنیا آمده است. او از سال ۱۹۸۸ - ۱۹۹۰ م، وزیر دفاع حکومت کمونیستی در زمان نجیب بود و در کودتای هفتم ثور ۱۳۵۷ هـ ش، فرمانده واحد کوماندویی ارتش را به عهده داشت و در این کودتا نقش برجسته و فعال داشت. او با راه انداختن کودتای نظامی در ۱۶ حوت ۱۳۶۸ هـ ش، علیه حکومت نجیب، از مقامش برکنار شد و با یک فروند هلیکوپتر نظامی به پاکستان فرار کرد. تنی فعالاً (سرطان ۱۴۰۰ هـ ش)، در قید حیات است. «مرکز تدوین»

که آداب اسلامی را جداً رعایت کنید. شما قرآن عظیم‌الشأن را همیشه تلاوت کنید و وقتی که قرآن خوانده می‌شود، باید به آن گوش فراداده شود، این یک ادب اسلامی ماست.

در خطبه نماز جمعه، حتی وقتی که خطیب مشغول خطبه خواندن است، ما نباید نفل و سنت بخوانیم، در فقه حنفی ما خطبه هم از جمله ارکان عید و جمعه است.

در احادیث آمده است که رسول الله ﷺ زمانی که صحبت می‌کردند، اصحاب سراپا گوش می‌شدند؛ یعنی چنان بودند که گویا:

﴿كَانَ عَلَى رُؤْسِهِمُ الطَّنِيْزُ﴾^۱

یعنی مثلی که در سرشان پرده‌ای باشد که اگر خود را حرکت بدهند، پرده بپرد.

به هر حال؛ در اجتماعات تان نظم و دیسپلین را مراعات بکنید، از برادران بسیار عزیز و محترمی که در اینجا حضور دارند و از مسئولین طلبه جوان و از تنظیم جوانان جمعیت اسلامی و از همه شما جوانان عزیز اظهار قدردانی و شکران می‌کنم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِيْ وَلَكُمْ^۲ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱. نگاه: الشمال، از امام ترمذی، شماره حدیث: ۳۵۲. «مرکز تدوین»

۲. (می‌گوییم: سخن من همین است، به خود و شما از الله -جل جلاله- آمرزش می‌طلبم) با این جمله، پیامبر ﷺ و یاران مبارکش، گاه‌گاهی سخنرانی‌های‌شان را خاتمه می‌دادند. نگاه: ابن جبّان، شماره حدیث: ۳۸۲۸ و السلسلة الصحيحة، از ناصرالدین آلبانی، شماره حدیث: ۲۸۰۳.

«مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و چهل نهم

در اجتماع معلولین و معیوبین انقلاب اسلامی افغانستان

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ سال دوازدهم نشراتی، شمارهٔ مسلسل ۱۱۷،

پنج‌شنبه؛ ۳۰ حمل ۱۳۶۹ هـ ش / ۲۴ رمضان المبارک ۱۴۱۰ هـ ق / ۱۹ اپریل ۱۹۹۰ م



برادران عزیز! شهدای زنده انقلاب اسلامی و قهرمانان گران قدر و عزیز! نمی‌توان از مقام شامخ شما تمجید کرد، حرف‌ها و کلمات برای بیان جانبازی‌ها و فداکاری‌ها، قهرمانی‌ها و خود گذری‌ها، جهاد و مبارزه برحق شما عاجز است؛ بل، از مقام شما، از جهاد شما، قربانی، شهامت و مردانگی شما، نمی‌توان با زبان و قلم تمجید به عمل آورد و تنها بایان مَوْجَز کلام خداوندی است، می‌توان از مقام سنگر نشینان قهرمان و از مقام شهدای گلگون قبا، مقام معلولین عزیز انقلاب‌مان تجلیل و تمجید به عمل آورد، آنجا که خداوند می‌فرماید:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۱

یعنی از میان مؤمنان؛ هستند کسانی که در پیمانی که با الله بسته بودند، استوار ماندند و برخی در انتظارند.

یعنی همه مؤمنان و همگی مسلمانان، این مقام شامخ و این افتخار بزرگ نصیب‌شان نشده است؛ بلکه بعضی از این مؤمنان‌اند که در پیمانی که با خداوند بسته‌اند، صادقانه عمل کردند.

آری همین‌که گفتند:

«زندگی من، مرگ من، قربانی من، نماز من، تنها خاص برای رضای پروردگار عالمیان است.»^۲

۱. احزاب / ۲۳. «مرکز تدوین»

۲. انعام / ۱۶۲. ﴿قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ﴾ «مرکز تدوین»

بلی، این گروه مؤمنان صادقی است که در راه خدا قیام کردند و این افتخار شامل همهٔ مسلمانان نیست؛ بلکه عده‌ای از مسلمانان است، به این لطف خداوندی دست می‌یابند.

از جملهٔ مسلمانان، مردانی هستند که خداوند، یعنی سنگرنشینان قهرمان ما را به نام مردان ثابت یاد می‌کند، به این معنا که همهٔ مسلمانان این شهامت و مردانگی را ندارند؛ بلکه بعضی از این‌ها مردان باشهامتی‌اند که در تعهدی که باخدای خود بستند، صادقانه عمل کردند.

بلی، این پیداست که امروز صلابت شما و یاران گلگون قبا و شهدای هم‌سنگرتان را، زبان‌تان و قلب‌تان بیان کرده نمی‌تواند. صدق و مردانگی شما از بدن‌های معلول، از اجسام زخم‌خورده و مجروح‌تان و از اینکه دست خود، پای خود و چشم خود را از دست دادید و برای نظام پروردگار در سنگر خون و شهادت آمادهٔ قربانی و فداکاری شدید، پیداست؛ زیرا آنچه در توان داشتید، دریغ نکردید؛

سرهای خود را بر کف‌های خود گرفته و در سنگر اسلام به‌پیشگاه رضای پروردگار تقدیم کردید؛ اما مقدرات الهی طوری بود که گروهی در سنگر اسلام از یاران شما جام شهادت نوشیدند؛ ولی شما به‌عنوان شاهدان زنده، شهیدان زنده‌ای که گویای صدق، صفا و راستی در تعهدتان است، در برابر چشمان امت اسلامی قرار دارید.

هر کسی نمی‌تواند به‌آسانی در سنگر بنشیند، جهاد کار ساده‌ای نیست، قربانی و فداکاری، کار هر مدعی نیست؛ بلکه تنها آن راست‌گویانی در راه خدا با صدق و صفا به جهاد پرداختند که مانند شما قهرمانان عزیزی که در سیمای نورانی‌تان نور ایمان تجلی می‌کند.

بلی بودند. شما متعهدین صادق اسلام‌اید که به‌راستی باکمال صدق و صفا مبارزه کردید و نشان دادید که در راه خداوند آمادهٔ هر نوع قربانی‌اید. گروهی از یاران شما جام شهادت نوشیدند که تاکنون بیش از یک‌ونیم میلیون فرزندان توحید در افغانستان عزیز به لقاءالله پیوسته‌اند و شما که به شوق شهادت در سنگر

پرافتخار دفاع از اسلام قرار داشتید، نیز به این آرزو بودید، تا در راه رضای خدا جان‌های شیرین خود را قربان کنید؛ اما مطابق به مقدرات الهی زنده ماندید. شما شاهد صادقی برای سنگر نشینان عزیزید.

به راستی که نمی‌توان از مقام بزرگ شما، از قربانی و عظمت‌تان تمجید کرد، صرف ذات یکتاست که از شما به‌عنوان مردان صادق، سنگر نشینان راست‌گوی یاد می‌کند.

یعنی شما کسانی‌اید، در تعهدی که باخدای خود بسته‌اید، صادقانه عمل کردید، عده‌ای از یاران شما جام شهادت نوشیدند و گروهی که در قید حیات‌اند، هرگز اجازه نخواهند داد تا در مسیر باصفای اسلام، کمترین تغییر و تحوّل‌ی به میان بیاید.

قهرمانان عزیز!

حقّا که شما وارثان خون‌های گران‌بهای شهیدای عزیزید و ما از آن شهدا و یاران که با شما هم‌سنگر بودند، چه خاطرات بزرگ و باارزشی را با خود داریم! چه قهرمانی‌ها و چه کارنامه‌های عظیمی که به دست توانای شما فرزندان عزیز اسلام ثبت تاریخ شده است که اگر هزاران سال مؤرخین و واقعه‌نگاران جهان اسلام در مورد قهرمانی‌ها و فداکاری‌های شما و یاران شهیدتان بنویسند، باز هم هرگز ممکن نیست که بتوانند عظمت جهاد شما و قهرمانی‌های‌تان را به‌درستی تمثیل کنند.

برادران عزیز!

این افتخار جهانی برای شما می‌زیبد که بگوید، شما قهرمانان عزیز و یاران هم‌سنگران بودید که امروز در جهان ما، انقلاب عظیمی را به میان آوردید. شما می‌دانید که کمونیزم بین‌المللی به سردمداری روسیه جهان‌خوار می‌خواست که با هجوم خود در افغانستان، جغرافیای عالم اسلامی را تغییر بدهد، افغانستان مسلمان، پاکستان^۱ مسلمان و سایر کشورهای اسلامی را از نقشه جهان حذف

۱. جمهوری اسلامی پاکستان: کشوری است که در جنوب غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۷۹۶۰۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۱۸۴۴۰۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن اردو، انگلیسی، پایتخت آن شهر «اسلام‌آباد» و واحد پول آن روپیه پاکستان است.

کند و به عوض، امپراتوری خون آشام کمونیزم را مسلط سازد؛ اما به لطف پروردگار و همت والای شما قهرمانان عزیز، نه تنها جغرافیای جهان اسلام عوض نشد؛ بلکه جغرافیای امپراتوری خون آشام روسیه تغییر یافت و امروز شما شاهدید که بنیان کمونیزم در جهان فرومی‌ریزد و شما شاهدید که کشورهای کمونیستی یکی بعد دیگری با جباران کمونیزم و احزاب کمونیستی از دنیا حذف می‌شود و شما امروز شاهدید که در جهان تغییراتی آمد که هرگز تصور نمی‌شد.

روز گذشته کسی که تازه از ازبیکستان برگشته بود، به من می‌گفت: «وقتی که سوار هواپیما در ازبیکستان شدیم و از یک جمهوریت به جمهوریت دیگری می‌رفتیم، برای اولین بار چیزی که حتی در اکثر کشورهای اسلامی تا هنوز وجود ندارد، شنیدیم و آن این بود، وقتی که طیاره اوج گرفت، آوازی از همکاران پیلوت بلند شد: بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ * السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ.»

چه کسی تصور می‌کند، در دنیای کمونیزم امروز حتی در میان هواپیمای‌شان، نعره‌های بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ و السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللّٰهِ بلند شود؟ کسی تصور نمی‌کرد که روزی فرابرسد آواز اللّٰهُ اَكْبَر را کسی به جرئت از مؤذنه و مناره مساجد تاشکند^۱ و سمرقند^۲ بلند بکند؛ اما امروز نه تنها از مناره‌های مساجد؛ بلکه در میان هواپیمایی که حتی در اکثر کشورهای اسلامی ای که گویا هواپیما و راکبین آن مقید به هیچ قیدی نیستند و در کشوری چون ازبیکستان صدای بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ به زبان پیلوت‌های طیاره که ازبیک‌اند، بلند می‌شود.

امروز شما می‌دانید، بعد از هفتادسال مسلمانان تحت استعمار روسیه آنجایی که روس‌ها هیچ اثری از اسلام را اجازه نمی‌دادند تا در زندگی اجتماعی‌شان منعکس شود، وقتی که جوانان تاجیک قیام می‌کنند، پیغام‌شان این است که باید

نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۰. «مرکز تدوین»

۱. تاشکند یا تاشکنت: پایتخت و بزرگ‌ترین شهر ازبیکستان و یکی از پرجمعیت‌ترین شهرهای آسیای میانه به شمار می‌رود. «مرکز تدوین»

۲. سمرقند: شهر بزرگی است به ماوراءالنهر، آبادان و با نعمت بسیار و جای بازرگانان همه جهان است و او را شهرستان قهندز است و ربض است و از بالای بام بازارشان یکی جوی آب روان است و رود بخارا بر در شهر سمرقند بگذرد. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

حکومت اسلامی در تاجیکستان به میان بیاید، باید علمای دین حکومت را به دست بگیرند، جوانانی که اصلاً نمی‌دانستند اسلام یعنی چه؟ و در آذربایجان روسیه،^۱ قیام خونینی با فریاد کوبنده **اللَّهُ أَكْبَرُ** بلند می‌شود، قیام‌هایی در جهان اسلام چون کشمیر^۲ و فلسطین^۳ به راه می‌افتد و یا تحولات عظیمی در اروپای شرقی^۴ رخ می‌دهد و این قیام‌ها منجر به فروریزی دیکتاتوری‌های کمونیست و نظام‌های کمونیستی می‌گردد.

ما همه شاهد چنین رویدادهاییم، پس خوشا بر شما فاتحین جهان و خوشا و مبارک باد بر شما، نجات انسان‌هایی که سال‌ها در زنجیر اسارت به سر می‌بردند، واقعاً این افتخار مربوط شماست؛ اما اینکه شما چه مقامی در پیشگاه خداوند دارید، خدا خوب می‌داند. پیامبرش **ﷺ** در مورد شهدا و خونی که از وجود یک مجاهد فرومی‌چکد و یا جراحی که یک مجاهد در دوران جهاد می‌برد، چنین می‌فرماید:

﴿اللُّونُ لَوْنٌ دَمٍ وَالرَّيْحُ رِيحٌ مِسْكِ﴾^۵

۱. آذربایجان: کشوری است که در قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۸۶۶۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۹۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر باکو، واحد پول آن منات جدید آذربایجان و زبان رسمی آن ترکی آذربایجانی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶. «مرکز تدوین»

۲. کشمیر: منطقه‌ای در شمال غربی شبه‌جزیره هند است که از ایالت جامو و کشمیر تحت کنترل هند، ایالت گلگت و کشمیر آزاد تحت کنترل پاکستان و منطقه اقصای چین تحت کنترل جمهوری خلق چین تشکیل می‌شود. نگاه: ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان، ص: ۶۶. «مرکز تدوین»

۳. فلسطین: بخشی از بلاد شام است که در ساحل شرقی دریای مدیترانه و در تقاطع سه قاره بزرگ آسیا، اروپا و آفریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۶۲۶۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۴۳۴۲۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن قدس است. بیت المقدس؛ نخستین قبله مسلمانان و اسراگاه رسول اکرم - صلی‌الله‌علیه‌وسلم - نیز در آن موقعیت دارد. نگاه: لغت‌نامه دهخدا و اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»

۴. اروپای شرقی: به گروهی از کشورهای گفته می‌شود که عضو پیمان ورشو و کومکون بودند (لهستان، آلمان شرقی، چکسلواکی، یوگسلاوی، مجارستان، بلغارستان و رومانی) همراه با کشورهای کمونیست؛ ولی غیرمتعهد یعنی یوگسلاوی سابق و آلبانی، پیش از فروپاشی نظام دوقطبی، اتحاد شوروی نیز در زمره «اروپای شرقی» به شمار می‌آمد. نگاه: سازمان‌های بین‌المللی و نظریه‌های روابط بین‌الملل، دکتور غلامرضا صراف یزدی و محسن صبری، ص: ۲۴۶. «مرکز تدوین»

۵. کامل حدیث مبارک این است: **﴿وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَا يُكَلِّمُ أَحَدًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ - وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَنْ يُكَلِّمُ فِي سَبِيلِهِ - إِلَّا جَاءَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَجُرْحُهُ بِنَتْعَبٍ دَمًا، اللَّوْنُ لَوْنٌ دَمٍ وَالرَّيْحُ رِيحٌ مِسْكِ﴾** یعنی

خداوند در روز قیامت به شهدا، مجروحین و قهرمانانی که در راه اسلام زخمی شدند، شهید شدند و خونشان در سنگ ریخته است، نشانه‌های بزرگی را نصیب می‌کند، زخم‌های جهاد بزرگ‌ترین نشان قهرمانی و افتخارشان در برابر بندگان الهی در روز قیامت است. رنگ خونشان، رنگ خون؛ اما بوی آن هنگامی که به مشام می‌رسد، گواراست و خوشبو!

پس خوشا به حال شما قهرمانان عزیز.

برادران عزیز!

ما یقین داریم که حق شما بالای فرد فرد ما و همه امت اسلامی و حتی انسانیت، به قدری است که اگر شب‌ها و روزها در خدمت شما بایستیم، باز هم هرگز نمی‌توانیم حق یک ساعت و یک لحظه‌ای که شما در سنگر با جسم علیل و مجروح خود قرار داشتید، ادا کنیم.

خداوند برای شما مقام بزرگی را عطا کرده است، مقامی که خداوند به زبان پیغمبرش ﷺ می‌فرماید:

﴿رَبَّاطٌ يَوْمَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا..﴾^۱

یعنی یک شبانه‌روز در سنگر نشستن بهتر است از دنیا و ما فیها؛

این شماست که ماه‌ها و سال‌ها در سنگر نشسته‌اید و امروز هم با جسم علیل و ناتوان خود باز هم به فکر سنگرید.

برادران عزیز!

اگر امروز شما بی‌دست و بی‌پا، علیل و مجروح‌اید، هرگز نباید احساس یأس و نومیدی کنید؛ زیرا شما عزیزترین بندگان خداوند بودید؛ چون هر قدر ابتلا، هر قدر امتحان و هر قدر مشکلات بالای بنده مسلمان زیاد شود، به همان اندازه مقامش در پیشگاه خداوند بلند است. همین است که سخت‌ترین امتحان بالای پیغمبران است.

سوگند به او که جان من در دست اوست، هیچ‌کسی در راه الله زخم بر نمی‌دارد - و الله خود می‌داند که چه کسی در راه او زخم برداشته است - مگر اینکه در روز قیامت چنان می‌آید که از زخمش خون فوران می‌کند، خونی که رنگش رنگ خون است و بویش بوی مشک. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۵۵۳۳. «مرکز تدوین»

۱. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۸۹۲. «مرکز تدوین»

در حدیثی از رسول اکرم ﷺ روایت است که مسلمانان در دورانی که تا هنوز اعلان و اجازهٔ جهاد داده نشده بود، در رنج و عذاب قرار داشتند:

بلی، پیامبر گرامی و یاران باصفا و راستین‌شان هر یکی مورد تکلیف و آزار مشرکین قرار می‌گرفتند. روزی عده‌ای از اصحاب - که سخت تحت شکنجه و عذاب قرار داشتند - به خدمت پیغمبر ﷺ آمده گفتند: یا رسول‌الله! دعا کن که خداوند مشکلات ما را کم بکند و ما زودتر پیروز شویم. چون در حال شکنجه و آزار قرار داریم، قدرت تحمل ما محدود است، پیغمبر ﷺ در جواب فرمودند: شما تعجیل نکنید، شما تاریخ مسلمانانی را که پیش از شما گذشته‌اند، به یاد آورید! در میان امت‌های پیشین، مسلمانانی بودند که در راه دفاع از دین خود به مشکلات سختی دچار می‌شدند و ایشان دامن صبر و تحمل را از دست نمی‌دادند. طوری که برای بعضی این‌ها زمین حفر می‌شد و بر سرشان آزه گذاشته می‌شد و به ایشان گفته می‌شد که از راه اسلام برگردید، *إلا* از فرق سر تا انگشت پای‌تان آره خواهد شد، باز هم آن‌ها تسلیم نمی‌شدند و از عزم خود منصرف نمی‌گردیدند،

بلی پیغمبر ﷺ فرمودند: «آنان کسانی بودند که در دوران شکنجه و آزار با شانه‌های نوک‌تیز آهنین گوشت و استخوان‌شان، از استخوان‌شان جدا می‌شد و از آنان خواسته می‌شد که از راه اسلام و دین خود روگردان شوند، آن‌ها مقاومت می‌کردند و از دین خود بر نمی‌گشتند.»^۱

یقیناً راه مسلمانان واقعی همین است که یاران شما در میان امت‌های پیشین گذشتانده بودند و امروز شما باین حال و با صبر و استقامت، همان امتحانی را می‌دهید که مسلمانان در دوره‌های مختلف داده بودند.

پس خوشا به حال شمای که - ان‌شاء‌الله - مطابق به فیصلهٔ پروردگار و فرمودهٔ رسول اکرم ﷺ که در جمعی از اصحاب می‌فرماید: ای اصحاب! در زمانه‌های آخر روزگاری می‌آید که حال شما به حال آن بندگان که در آن دوران

۱. متن حدیث مبارک این است: *إِذْ كَانَ مِنْ قَبْلِكُمْ يُؤْخَذُ الرَّجُلُ فَيُحْفَرُ لَهُ فِي الْأَرْضِ، فَيَجْعَلُ فِيهَا، ثُمَّ يُؤْتَى بِالْمِشْأَرِ فَيُوضَعُ عَلَى رَأْسِهِ فَيُجْعَلُ نَضْفَيْنِ، وَيَمْشَطُ بِأَمْشَاطِ الْحَدِيدِ مَا دُونَ لَحْمِهِ وَعَظْمِهِ، مَا يُصَدُّهُ ذَلِكَ عَنْ دِينِهِ، وَاللَّهِ لَيَتَمَنَّ اللَّهُ هَذَا الْأَمْرَ حَتَّى يَسِيرَ الرَّأْكِبُ مِنْ صَنْعَاءَ إِلَى حَضْرَمَوْتَ لَا يَخَافُ إِلَّا اللَّهَ وَالذَّنْبَ عَلَى غَنَمِهِ، وَلَكِنَّكُمْ تَسْتَعْجِلُونَ* صحیح البخاری، شمارهٔ حدیث: ۳۶۱۲. «مرکز تدوین»

است، چنین می‌باشد که اگر امروز شما از وجیبهٔ دینی یکی را حذف کنید، مورد عذاب قرار می‌گیرید؛ اما روزگاری می‌آید که برادران من از میان ده‌ها عمل اگر یکی را انجام بدهند، به جنت می‌روند.

اصحاب پرسیدند: یا رسول‌الله! مگر ما برادران شما نیستیم؟

فرمودند: شما صحابه‌های من اید و آن‌ها برادران من اند.^۱

پس خوشا به حال شما که پیغمبر شمارا برادر خود خوانده، چنان برادرانی که نه‌تنها در عموم مسایل هیچ کوتاهی از خود نشان ندادند؛ بلکه با شور و شوق همه آنچه در توان داشتند، به‌پیشگاه پروردگار نذرانه تقدیم کردند.

پس خوشا به حال شما که این تجارت بزرگی است که با خدا کرده‌اید؛ زیرا شما جان و مال و همه چیز خود را برای وی و به خاطر وی تقدیم کردید.

برادران عزیز!

امروز تحولاتی که در جهان اسلام می‌آیند، زنجیرهای غلامی و بندگی‌ای که از دست و پای بشریت محکوم در جهان کمونیزم و در جاهای دیگر، درهم می‌شکند، امپراتوری‌های کمونیستی در جهان سقوط می‌کنند، نظام کمونیستی که در همه جهان و حتی در کشورهای کمونیستی به نابودی روبه‌رو می‌شود، قیام‌های مسلمانان کشمیر، جنبش جهادی مسلمانان فلسطین و نهضت عظیم جهانی اسلام در دوان معاصر و ان‌شاء‌الله در میان نسل‌های بعد از ماوشما نیز، همهٔ این افتخارات مربوط شماست.

پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

۱. نتوانستیم به حدیثی دست‌یابیم که این‌گونه به‌صورت مسلسل روایت شده باشد تا جایی ما آگاهی داریم، این سخن ترکیبی از دو حدیث ذیل است که در ذیل می‌خوانید:

۱- ﴿إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ مِّن تَرَكَ مِنْكُمْ عَشْرٌ مَا أَمَرَ بِهِ هَلَكٌ ، ثُمَّ يَأْتِي زَمَانٌ مِّنْ عَمَلٍ مِنْهُمْ بَعْشَرٍ مَا أَمَرَ بِهِ نَجَا﴾ الترمذی، شماره حدیث: ۲۲۶۷ والحدیثی، شماره حدیث: ۷۱۳۱۶. هرچند این حدیث، ضعف در اسناد دارد؛ اما شاهدهی دارد که این‌گونه است: ﴿إِنَّكُمْ فِي زَمَانٍ مِنْ عُلَمَاءِ كَسَبُوا، خَطَابًا قَلِيلًا، مِّن تَرَكَ فِيهِ عَشِيرٌ مَا يَعْلَمُ هَوَى وَنِسْيَانِي عَلَى النَّاسِ زَمَانٌ يَقْبَلُ عِلْمًا وَهُوَ وَيَكْتُمُ فِيهِ خُطْبًا وَهُوَ، مَن تَمَسَّكَ فِيهِ بَعْشِيرٌ مَا يَعْلَمُ نَجَا﴾ رواه البخاری فی التاریخ الکبیر، شماره حدیث: ۲۸۱۹ و أحمد، ۲۱۳۷۲ و اما حدیث دوم چنین است: ﴿وَدِدْتُ أَنِّي لَقِيتُ إِخْوَانِي، قَالَ: قَالَ أَصْحَابُ النَّبِيِّ ﷺ أُولَئِكَ نَحْنُ إِخْوَانُكَ قَالَ: بَلْ أَنْتُمْ أَصْحَابِي وَلَكِنْ إِخْوَانِي الَّذِينَ آمَنُوا بِي وَلَمْ يَزُونِي﴾ الصحيح المسند، شماره حدیث: ۳۲. «مرکز تدوین»

﴿مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُنْقَصَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْءٌ﴾^۱ او کما قال:

یعنی پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: کسی که اساس یک طریق نیک را می‌گذارد، سپس تا روز قیامت کسانی که در این راه روان‌اند و کسانی که به این طریقه عمل می‌کنند، ثواب همهٔ ایشان برای آنان می‌رسد که این طریقه و این سنت را اساس گذاشته‌اند.

جهاد در این سال‌های اخیر به‌عنوان یک فریضه غایب بود، ما در کتاب‌های فقه و سیرت، جهاد را من حیث تاریخ می‌خواندیم؛ ولی در صحنهٔ عمل، در جهان اسلام جهاد عملاً وجود نداشت؛ اما به همت شما فرزندان قهرمان، به همت والای شما عزیزان، امروز مسلمانان نعمت بزرگ جهاد را در همه‌جا به چشم سر می‌بینند و آثار پیروزی جهاد را مشاهده می‌کنند. دیروز کمونیزم به‌عنوان یک هیولا، دنیا را تهدید می‌کرد؛ اما اگر امروز جنازهٔ کمونیزم به جهان عدم روان می‌شود، اگر امروز طلسم کمونیزم شکسته می‌شود، اگر امروز کمونیزم در جهان خریداری ندارد، این همه از برکت جهاد شما، از شهامت و مردانگی شما، از اخلاص و تقوی و سعادت شماست.

خداوند برای شما پاداش بزرگی در دنیا و در آخرت نصیب کند!

برادران عزیز!

به شما یادآوری می‌کنم که جمعیت اسلامی و فرد فرد اعضای مخلص آن، باید به‌عنوان سپاهی در خدمت سنگر، در خدمت سنگر نشینان و در خدمت اولاد شهدا و در خدمت معلولین قرار بگیرند.

ما به شما اطمینان می‌دهیم که اگر امروز به علت مشغولیت‌های

۱. کامل حدیث مبارک است: ﴿مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً كَانَ لَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ. لَا يُنْقَصُ ذَلِكَ مِنْ أَجْرِهِمْ شَيْئًا، سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً، كَانَ عَلَيْهِ وُزْرُهَا وَوُزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ، لَا يُنْقَصُ ذَلِكَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْئًا﴾ یعنی هرکسی که یک روش نیکویی را در اسلام پایه‌گذاری می‌کند، مزد آن کار و مزد کسانی که پس از او، به آن عمل می‌کنند را به‌دست می‌آورد و اما اگر کسی یک روش ناپسند را اساس گذاشت، گناه آن کار و گناه کسانی را که پس از او، به آن عمل کردند را به دوش می‌کشد، این در حالی است که نه از مزد آنان و نه از گناه اینان کاسته می‌شود. صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۱۰۱۷. «مرکز تدوین»

بی حد و حصر نمی‌توانیم به سنگرهای خون و شهادت و معلولین و اولاد ایشان به درستی رسیدگی بکنیم؛ اما ان‌شاءالله هرچه زودتر، همه توجّه خود را، بسیج همگانی خود را در خدمت شما و در خدمت اولاد شهدا قرار خواهیم داد؛ تا همه مطمئن شوند که سنگر نشینان عزیزی که دیروز اولاد خود، فامیل خود و همه چیز خود را گذاشتند، به سنگر شتافتند و جام شهادت نوشیدند، اولاد یتیم‌شان هرگز بی‌سرپرست باقی نمی‌ماند و قهرمانان عزیزی که دست و پای و اعضای خود را از دست داده‌اند، به‌عنوان یک عنصر گمنام فراموش نخواهد شد؛ بلکه در پیشاپیش انقلاب و در پیشاپیش ملت قرار داشته و ما در خدمت او خواهیم بود.

از اینکه در گذشته‌ها و تا هنوز هم به علّتی که هنوز آخرین جرّومه کفر و کمونیزم از افغانستان برداشته نشده، چنانکه شایسته شماست، نتوانستیم در خدمت باشیم؛ مگر ان‌شاءالله خواهیم کوشید تا برای تان حتّی المقدور خدمتی انجام دهیم و در این شب ماه مبارک رمضان به دست نیاز از پروردگار توانا التجا دارم که برای من و برای همه مخلصین جهاد توفیق عطا فرماید تا در خدمت شما باشیم، در خدمت اولاد شما باشیم که ان‌شاءالله این کار را خواهیم کرد.

برادران عزیز!

شما وارث دلسوز انقلاب اسلامی‌اید، شما وارث خون شهدای عزیزی‌اید. امروز اگر کسانی بخواهند جالادانی را که با حمله و حشیانه‌شان یک‌ونیم میلیون یاران شما شهید شدند و شما معلول و مجروح شدید، در کشور ما حاکم بسازند، حکومت مشترکی را با آنها تشکیل دهند، هرگز شما قهرمانان عزیز اجازه نخواهید داد و نیاز به کلاشینکوف ندارد، عصا چوب‌های شما کافی است که عناصر منحرف را در جای خود بنشانید.

من یقین دارم که شعله‌های فروزان انقلاب اسلامی که به دست توانای شما رزمندگان مؤمن روشن شده و میراث شهدای عزیز شماست، هرگز خاموش نخواهد شد و این شعله‌های انقلاب اسلامی، بنیان انحراف را فرو خواهد ریزند. ملت مسلمان و شهیدپرور ما وارثان شهدای عزیز و قهرمان ما، هرگز اجازه نمی‌دهند انحرافی در انقلاب‌شان به میان آید، طوری که خداوند در موردشان

فرموده است:

﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَّلُوا تَبْدِيلًا﴾^۱

هرگز شما اجازه نخواهید داد که راه اسلام را عناصر خودخواه و منحرف

بسازد.

برادران عزیز!

امروز البته دست‌های زیادی هست که می‌خواهد انقلاب شمارا منحرف و به بیراهه بکشاند، آن‌ها می‌دانند که افتخار زیادی در دوران جهاد نصیب ملت ما شد، افتخارات عظیم جهانی که در عرصه جهاد ملت مسلمان به میان آمد؛ حالا دشمنان قسم خورده اسلام در جست‌وجوی مؤامرات و دسیسه‌هایی علیه اسلام و انقلاب اسلامی مایند؛ اما، ما اطمینان داریم که ملت قهرمان و شهیدپرور ما و شما وارثان انقلاب شکوهمند اسلامی و خون شهدا هرگز اجازه نمی‌دهید، تغییری در مسیر انقلاب اسلامی‌تان پدیدار شود.

برای من جای بسیار سعادت است که در این شب ماه مبارک رمضان، ماهی

که پیغمبر گرامی ما در مورد آن می‌فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَقَدْ أَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مُّبَارَكٌ، جَعَلَ اللَّهُ صِيَامَهُ قَرِيبَةً، وَقِيَامَهُ تَطَوُّعًا، مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾^۲

ماهی که خداوند در پیوند به آن فرموده است:

﴿شَهْرٌ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ...﴾^۳

۱. احزاب / ۲۳. (در میان مؤمنان مردانی هستند که در پیمانی که با الله بسته‌اند، راست بوده‌اند، برخی پیمان خود را به سر برده‌اند و شریعت شهادت سرکشیده‌اند و برخی - نیز - در انتظارند، آنان هیچ‌گونه تغییر و تبدیلی را به عهد و پیمان خود راه نداده‌اند.) «مرکز تدوین»

۲. بر اساس بررسی متون حدیث، چنین برمی‌آید که استاد شهید متن دو حدیث را یکجای ذکر کرده، حدیث اول را ناقص و دومی را کامل ذکر کرده است: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ، قَدْ أَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مُّبَارَكٌ، شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةُ خَيْرٍ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، جَعَلَ اللَّهُ صِيَامَهُ قَرِيبَةً، وَقِيَامَهُ لَيْلَةً تَطَوُّعًا، مَنْ تَقَرَّبَ فِيهِ بِخُصْلَةٍ مِنَ الْخَيْرِ كَانَ كَمَنْ أَذَى قَرِيبَةً فِيمَا سِوَاهُ﴾ رواه البيهقي في «شعب الإيمان» ﴿مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾ (خ (۴/۱۱۵/۱۹۰۱)، نس (۴/۱۵۷)، جه (۱/۵۲۶/۱۶۴۱)، م (۱/۵۲۳/۷۶۰)، «مرکز تدوین»

۳. بقره / ۱۸۵. ﴿شَهْرٌ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا

ماه مبارکی که پیغمبر اکرم ﷺ آن را ماه عظیم لقب داده و آن را مبارک خوانده و فرموده است:

«ماهی که روزه در آن فرض و قیام اللیل تطوع و سنت است.»

ما هم نخواستیم که در این ماه مبارک شمارا تکلیف بیشتر بدهیم؛ لذا خواستیم که تراویح را بعدتر بخوانیم؛ زیرا اگر شما عزیزانی که در دوران ادای فریضه جهاد پاهای خود را از دست دادید و حالا قادر نیستید که قیام اللیل بکنید. می‌توانند به کلام مجید گوش دهند؛ اما کسانی که پای دارند و تندرست‌اند، می‌توانند تراویح را تکمیل کنند. فراموش نکنیم که کسی روزه ماه مبارک رمضان را به خاطر انجام حکم الهی با اخلاص و ایمان ادا کند، گناهان گذشته او را خداوند می‌بخشد.^۱

ماه مبارک رمضان، ماهی است که وصف آن در حدیث قدسی چنین آمده:

﴿الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ﴾^۲

(روزه مربوط من است و من خود پاداش روزه را می‌دهم.)

ببینید خداوند -جل جلاله- در این حدیث می‌گوید: این عبادت، عبادتی است که مربوط من است؛ یعنی نسبت روزه را خداوند به خود می‌دهد. این نسبت دادن خود دلیل روشن است و متبلور کننده این حقیقت است که روزه یک عبادت بس بزرگ و عظیم است، کسی که بتواند این فریضه را انجام بدهد، خداوند خودش بر او جزا و پاداش کاملی که سزاوار جلال و عظمت او تعالی است، بر بنده روزه‌دار نصیب می‌کند.

يُرِيدُ بِكُمْ الْعُسْرَ وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ ﴿ماہ رمضان﴾ [همان ماه] است که در آن قرآن فرو فرستاده شده است [کتابی] که مردم را راهبر و [متضمن] دلایل آشکار هدایت و [میزان] تشخیص حق از باطل است. پس هرکس از شما این ماه را درک کند، باید آن را روزه بدارد و کسی که بیمار یا در سفر است. [باید به شماره آن] تعدادی از روزه‌های دیگر [را روزه بدارد] خدا برای شما آسانی می‌خواهد و برای شما دشواری نمی‌خواهد تا شماره [مقرر] را تکمیل کنید و خدا را به پاس آنکه رهنمونی‌تان کرده است، به بزرگی بسنناید و باشد که شکرگزاری کنید. (مرکز تدوین)

۱. اشارتی است به این حدیثی که گذشت: ﴿مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾ [مرکز تدوین]

۲. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۷۴۹۲. «مرکز تدوین»

همچنان رسول اکرم ﷺ در مورد روزه‌دار می‌فرماید:
 ﴿لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ، فَرِحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرِحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ﴾^۱

یعنی روزه‌دار با دو خوشی روبه‌رو می‌شود: یک خوشی در زمانی که افطار می‌کند و خوشی دیگر هنگامی که به لقای پروردگار می‌پیوندد و به‌عنوان یک بنده‌ای که فریضه روزه را انجام داده، خداوند به او پاداش نصیب می‌کند، این فرحت و خوشی، نصیب او می‌شود.

و باز در همان حدیث پیغمبر اکرم ﷺ می‌فرماید:

«رایحه دهان روزه‌دار نزد خداوند، از بوی مشک هم بهتر است.»

برادران عزیز!

خوشا به حال شما که فریضه جهاد را انجام دادید و امروز در ماه مبارک رمضان فریضه صیام مبارک را هم انجام می‌دهید و ان‌شاء‌الله روزگاری نیز فرا خواهید رسید که باکمال افتخار به کشور خود برگردیم.

زما دیر قدرمنو او میرنیو ورونو زه خپلو خبروته له دې کبله دیر زیات دوام نه ورکوم او تاسو ته دا خبره په جرئت وایم چی که تاسو شهیدان ملگری زمونږ داسلامی ټولني په منځ کی نه وای نو اوس پر اوسنی نړی به دکمونیزم سیستم او نظام مسلط وای او تر قیامت پوری به هیڅ تغییرات نه وه رامنځته شوی. ورونو!

تاسوته د دغو ټولو ویاړونو مبارکی در کوم (دغوندی دبرخوالو تکبیر).

مونږ ډاډه یو چی انشاء الله ستاسو دهلو څلو او جهاد په برکت به نن او سبا که آزاد افغانستان، اسلامی افغانستان دټولو مسلمانانو لپاره د فخر نه ډک مرکز منځته راځي او دټولو مسلمانانو لپاره به اسلامی افغانستان یو ستره پناگاه جوړ شی. ورونو! زه ډاډه یم چی تاسو زمونږ د گرانو شهیدانو په توگه هیڅکله هم

۱. متن کامل حدیث مبارک است: ﴿كُلُّ عَمَلِ ابْنِ آدَمَ يُضَاعَفُ الْحَسَنَةُ عَشْرًا أَمْثَلِهَا إِلَى سَبْعِمِائَةٍ ضِعْفٍ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا الصَّوْمَ فَإِنَّهُ لِي وَأَنَا أَجْزَى بِهِ يَدْعُ شَهْوَتَهُ وَطَعَامَهُ مِنْ أَجْلِ لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ فَرِحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرِحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ. وَلِخُلُوفٍ فِيهِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللَّهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ﴾ یعنی رسول الله فرمودند: هر عمل فرزند آدم از ده چند گرفته، هفت صد چند، پاداشش بالا می‌رود؛ مگر الله متعال می‌فرماید که به‌جز روزه که روزه برای من است و من خود پاداش آن را می‌دهم؛ زیرا او شهوت و طعامش را به خاطر من رها کرده است و برای روزه‌دار دو خوشی است: یکی در هنگام افطار و دیگری در حین دیدار پروردگار و بوی دهان روزه‌دار نزد الله از بوی مشک هم بهتر است. صحیح مسلم، شماره حدیث: ۲۷۶۳. «مرکز تدوین»

هیچ‌آنه اجازه نه ورکوی چی زمونږ دجهاد په لوری کی کوم بدلون او انحراف منخته راوړی خدای تعالی دی تاسوته په دنیا او آخرت کی هغه ثواب او هغه اجر چی مجاهدینو، مخلصانو ته خدای مقرر کړی دی در په نصیب کړی.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ،^۱... إِنَّهُ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ.^۲

۱. گذشت.

۲. این بخشی از این آیت کریمه است: ﴿قُلْ يَا عِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِن رَّحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَفْوُ الرَّحِيمُ﴾ زمر / ۵۳ (بگو: ای بندگان من که بر خویشتن زیاده‌روی روا داشته‌اید، از رحمت الله نومید مشوید، در حقیقت الله همه گناهان را می‌آمرزد که او خود آمرزندهٔ مهربان است.) «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صدوپنجاهم
به مناسبتِ تجلیل و گرامیداشت از مقام والای شهدا

بریده‌هایی از یک خطابه

ساعت ۸:۰۰ صبح، یک‌شنبه، ۲ ثور ۱۳۶۹ هـ. ش، در جوار کمیتهٔ نظامی جمعیت اسلامی افغانستان واقع چمکنی از طرف ریاست نمایندگی‌های ولایات جمعیت دایر گردیده بود.

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ شمارهٔ ۱۱۸، ص: ۱ و ۶



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالصَّلَاةُ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ وَبَعْدُ:

با درود به روح پاک حضرت سرور کاینات و پیروان راستین او، در حالی که به روح همه شهدای عزیزمان اتحاف دعا می‌کنیم، متأسفیم که نسبت ضیقی وقت و نامحدود بودن فهرست شهدای عزیز، نمی‌توانیم از هریکی از آنان در این مجلس نام بریم؛ اما به صورت نمونه، نام چند شهید قهرمان و عزیزمان را یاد می‌کنیم که طی شش ماه اخیر در سنگرهای جهاد، جام شهادت نوشیده‌اند. از جمله برادر شهیدمان قاری کمال‌الدین^۱ آمر عمومی سالنگ‌ها^۲ که در

۱. قاری کمال‌الدین فرزند فخرالدین: در سال ۱۳۳۲ خورشیدی، در روستای «خنج» استان پنجشیر دیده به جهان گشود. با سپری کردن دوران طفولیت، پا به مدرسه گذاشت، در کنار کسب علوم دینی و قرآن عظیم‌الشان را در مدرسه کاسانی کندز حفظ کرد. موصوف تعلیمات ابتدائیه و متوسطه را نیز با نمرات عالی و با موفقیت کامل سپری کرد؛ اما به سبب اوضاع نامناسب از ادامه تحصیل بازماند. قاری صاحب کمال‌الدین در روزهای آغاز تجاوز مستقیم شوری وقت به افغانستان، به صف مجاهدین، علیه کفر و کمونیزم پیوست. در اواخر سال ۱۳۶۱ خورشیدی، هم‌زمان با شهادت فرمانده غلام‌علی خان، به حیث فرمانده عمومی قطعه متحرک تعیین گردید و مدت پنج‌سال به صفت فرمانده در قطعه موصوف ایفای وظیفه کرد، جهت فعالیت‌های دعوتی مدت هفت ماه جهت بسیج و انسجام مجاهدین در بدخشان نیز ایفای وظیفه کرد و در سال ۱۳۶۴ خورشیدی، به حیث فرمانده قرارگاه تعیین شد، قاری صاحب مدت دو سال به حیث فرمانده سالنگ‌ها وظیفه اجرا کرد و سرانجام در هشتم میزان ۱۳۶۸ خورشیدی، در منطقه کفترخانه سالنگ، در یک جنگ رویاروی با دشمن به شهادت رسید. «مرکز تدوین»

۲. سالنگ: یکی از شهرستان‌های استان پروان است که در ۱۵ کیلومتری شمال شهر «چاریکار» موقعیت دارد. مردم این شهرستان مصروف مالداري و تعداد اندک آنان مصروف کارهای زراعتی می‌باشند. جمعیت آن به اساس سرشماری‌های اخیر حدود ۲۴۹۰۰ نفر تخمین شده است، شاهراه سالنگ، شمال و شمال شرق افغانستان را به مرکز (پایتخت افغانستان) وصل می‌سازد. نگاه:

بر خورد خونین با دشمن سفاک جان به جان آفرین سپرد؛
 برادران قهرمان ما از ولایت ننگرهار،^۱ برادر تورپاچا شهید و برادر حاجی نور
 شهید که در سنگر خونین شهادت جان داده‌اند.

از برادران عزیزمان که در «باب الجهاد» (لوگر)^۲ از برادر حاجی عبداللطیف
 که یکی از قهرمان‌های عزیزی بود که به دست ناپاک دشمنان اسلام غافلگیرانه
 شهید شد، می‌توان نام برد.

برادر ما پاینده محمد - که سال‌ها در سنگر جهاد قرار داشت، بالاخره جان به
 جان آفرین سپرد، برادر عزیزمان مولوی حبیب‌الله - که به دست جاهلان حرفوی
 - جام شهادت نوشید؛

شهید کفرشکن ما برادر قهرمان محمد هاشم معاون نظامی قرارگاه شهید
 استاد غلام محمد نیازی در سرزمین قهرمان پرور هرات جام شهادت نوشید؛
 قوماندان عزیز و قهرمان ولایت کندز^۳ برادر ملا عبدالصمد شهید در اثر
 مین‌گذاری دشمنان اسلام شهید شد؛

برادر شهید دیگر ما از ولایت نیمروز شهید محمدناصر صارم، برادر شهید و
 همیشه در سنگر ما ملا عبدالله از علاقه‌داری ورسج و ده‌ها و صدها تن از شهدای
 عزیزی که در این اجتماع نمی‌توان از هریک آنان نام برد، همه مجموعه‌ای
 از مشعل داران انقلاب اسلامی مایند که در دوران حیات پربار و برکت‌شان در
 خدمت اسلام، قهرمانی‌ها و شهکاری‌های بزرگی از خود نشان داده و سرانجام
 داعی اجل را لبیک گفتند.

جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۲۸۵. «مرکز تدوین»
 ۱. ننگرهار: یکی از ولایات شرقی افغانستان است. مساحت آن ۷۶۴۱٫۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن
 در سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۱۴۳۶ هزار نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر جلال‌آباد است. نگاه:
 جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۸۳ - ۱۱۹۷. «مرکز تدوین»
 ۲. لوگر: در ۶۵ کیلومتری جنوب کابل موقعیت دارد. مساحت آن حدود ۴۵۶۸ کیلومتر مربع است.
 جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ ۳۷۳٫۱ نفر بوده و مرکز آن شهر «پل علم» می‌باشد. نگاه: جغرافیای
 عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۴۰ - ۳۴۳. «مرکز تدوین»
 ۳. کندز: یکی از ولایات شمال شرقی افغانستان است. مساحت آن ۸۰۸۰٫۹ کیلومتر مربع و جمعیت
 آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۹۵۳٫۸ نفر محاسبه شده است، مرکز آن شهر «کندز یا کهندژ»
 می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۹۵. «مرکز تدوین»

روح همه‌شان شاد و راه‌شان گرمی و مستدام باد!

هیچ‌یک از بندگان خداوند، بعد از اینکه داخل بهشت می‌شوند، نعمت‌های گوارای بهشت به آن‌ها هرگز اجازه نمی‌دهد که چیزی در خیال و خاطرشان بگردد که از خداوند بخواهند که دوباره آنان را به زندگی دنیوی‌شان برگرداند؛ زیرا زندگی پر مشقت دنیوی را هیچ‌کسی نمی‌خواهد؛ مگر تنها شهید است که هنگامی که خداوند -جل جلاله- به او می‌گوید: «برایت همه چیز را ارزانی فرموده‌ام، دیگر چه می‌خواهی؟ در جواب می‌گوید: پروردگارا! همه نعمت‌ها را برای من عطا نموده‌ای؛ اما تنها چیزی که من می‌خواهم، این است که حیات دوباره‌ام بخش تا دوباره به سنگر برگردم و بار دیگر در راهت شهید شوم.»^۱

جای تعجب نیست که شهدا در بهشت چنین تقاضا و آرزوی را به دل پیورراند.

ما یقین داریم، پیروزی عظیمی که امروز نصیب ملت مسلمان ما و انقلاب اسلامی مان شده است، از برکت خون همین شهدای عزیز است که با شور و شوق به سنگرهای خونین شتافتند، دلیرانه رزمیدند و سرانجام به نعمت بزرگ و مقام عالی شهادت نایل شدند.

اگر منظور آقاخان^۲ از حوزه‌های «زون صلح» مناطق تحت نفوذ مجاهدین باشد و آن مناطق را «زون صلح» می‌نامند، آیا چه کسی آنجا امنیت را گزنتی می‌کند که سکا‌د‌ها و اورگان‌های روسی، مجاهدینی را که سال‌ها در محرومیت و بیچارگی و خانه‌به‌دوشی قرار دارند، دوباره زیر باران موشک‌ها قرار نمی‌دهند؟ و اگر این مناطق را به همکاری حکومت مزدور به حیث منطقه صلح قبول کنیم، پس این امر، جز قبول یک پلان آشتی و صلح ملی با نجیب^۳ چیز دیگری بوده

۱. متن حدیث مبارک این است: ﴿مَا أَحَدٌ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ يُجِبُ أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا وَلَهُ مَا عَلَى الْأَرْضِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا الشَّهِيدُ، يَتَمَنَّى أَنْ يَرْجَعَ إِلَى الدُّنْيَا، فَيُقْتَلَ عَشْرَ مَرَّاتٍ، لِمَا يَرَى مِنَ الْكِرَامَةِ﴾ صحیح البخاری، شماره حدیث: ۲۶۶۲. «مرکز تدوین»

۲. کریم آقاخان یا آقاخان چهارم: زاده ۱۳ دسامبر ۱۹۳۶ م، است و چهل و نهمین امام شیعیان اسماعیلیه جهان به شمار می‌رود و هنوز (سرطان ۱۴۰۰ خورشیدی) در قید حیات می‌باشد. «مرکز تدوین»

۳. نجیب: در اگست ۱۹۴۷ م، در شهر کابل به دنیا آمد. نجیب از اعضای جناح پرچم حزب دموکراتیک خلق افغانستان بود. پس از کودتای هفت ثور ۱۳۵۷ هـ ش، در حزب کمونیست مشغول

نمی‌تواند.

این‌ها می‌خواهند این ملت محروم، همیشه در شکنجه‌گاه‌ها و محرومیت‌ها به سر ببرند، به‌نام «زون صلح» از یک آوارگی و در به‌دوری به آوارگی و در به‌دوری دیگری در داخل افغانستان قرار بگیرند و همیشه دست‌نیزشان به‌سوی دشمنان اسلام دراز باشد.

دیروز کسی برایم گفت و البته تا هنوز سندی به دست نیامده؛ مگر راوی‌اش ثقة است: تعدادی از پرسونل یکی از مؤسسات خیریه جهت پاک‌سازی مین‌های فرش‌شده توسط روس‌ها در شمال افغانستان اعزام شده بودند، در جریان مین‌پاکی، تعدادی از سگ‌های تربیه‌شده هالندی در اثر انفجار مین از بین رفتند، در بازگشت هیئت به مؤسسه مربوطه‌شان، به آنان گفته شد که چرا به عوض سگ‌ها، افغان‌ها را برای پاک‌سازی مین استخدام نکردید تا آن‌ها کشته می‌شدند؟ این است دلسوزی و کمک‌های انسانی، کسانی که حتی سگ‌های هالندی را هم نسبت به ملت ما ترجیح می‌دهند.

به کار شد. در سال ۱۹۷۳م، به‌وسیله شاه محمد دوست و حزب کمونیست هندوستان عضویت K.G.B را می‌گیرد و بانام مستعار «پوتوموک» در آرشیف K.G.B درج می‌شود. وی مدتی بعد به مسکو رفت و همراه با قوای شوروی در دسامبر سال ۱۹۷۹م، به کابل آمد و به‌عنوان رئیس دستگاه استخباراتی (خاد) دولت، تعیین شد. در این دور جنایات نابخشودنی را علیه زندانیان مسلمان انجام داد. او با جرئت بی‌ریا رئیس پولیس مخفی استالین، حکم اعدام و بازداشت هشتاد هزار انسان بی‌گناه را بی‌رحمانه امضا کرد و بدان افتخار هم می‌کرد، تکنیک‌های شکنجه‌گری خاد شامل بی‌خوابی، تکان برقی، شلاق زدن، مشت و لگدزدن، استعمال بوتل فانتا، اماله آبجوش در روده‌ها، کندن موی سر و کشیدن دندان و ناخن دست و پای و ده‌ها نوع دیگر شکنجه بود. K.G.B نه‌تنها تمویل و آموزش کارمندان آن را به عهده داشت؛ بلکه ابزارهای شکنجه مخصوص برای کشیدن ناخن را نیز در خدمت آن‌ها گذاشته بود. آهن تیز و میخ ماندنی را در لبه میز کوفته بودند که بیشترین زندانیان به آن میخ شکنجه می‌شدند. انگشتان دست و پای زندانی را محکم گرفته و انگشت را به‌گونه‌ای قرار می‌دادند تا همان میخ نوک‌تیز در زیر ناخنش برابر شود و بعد آهسته و عذاب دهنده انگشت زندانی را به‌سوی میخ فشار می‌دادند؛ تا میخ زیر انگشت قربانی فرورود. وی در سال ۱۹۸۶م، جانشین ببرک کارمل شد و قدرت را به دست گرفت. سرانجام نجیب در صبحگاه نخستین روز ورود طالبان به کابل در تاریخ ۲۷ سپتامبر ۱۹۹۶م، از مرکز سازمان ملل در کابل بازداشت گردید و به همراه برادرش شاهپور احمدزی در چهارراهی آریانا در نزدیکی ارگ ریاست‌جمهوری به دار آویخته شد و اعدام گردید. نگاه: انتصر الافغان وسقط المنجل والسندان، از دکتور محمد مورو، رها در باد، ص: ۳۸۴-۳۸۵ و کتاب «ک.جی.بی، در افغانستان» از واسیلی میتروخین، ترجمه احمدضیا رهگذر. «مرکز تدوین»

حالا که ماهیت به اصطلاح کمک‌های انسانی بر ملا شد، پروگرام اعلان شده توسط آقاخان هم در محرومیت قرار دادن و ظلم بیشتر ملت محروم ما چیز دیگری نخواهد بود.

هندوستان^۱ می‌خواهد، منطقه را به یک میدان جنگ تبدیل کند. تهدیدهای مسلسل هندوستان علیه مردم پاکستان ادامه دارد؛ اما این حقیقت را هم می‌دانیم که ملت کشمیر چه آرزو دارد، از حقوق مسلم خود، از فیصله‌ای که در ملل متحد در حق ملت کشمیر صورت گرفته بود که آن‌ها می‌توانند یا به پاکستان ملحق شوند یا به هندوستان و یا آزاد و مستقل باشند.

همه‌پرسی از مردم کشمیر صورت بگیرد، امروز آن فیصله‌ای که از طرف ملل متحد صورت گرفته، ملت کشمیر برای به دست آوردن آن قیام کرده‌اند؛ اما هندی‌های گاوپرست با کمال بی‌رحمی، ملت کشمیر را سرکوب می‌کنند. ما از حق ملت مسلمان کشمیر قاطعانه دفاع می‌کنیم و اگر روزی هند به پاکستان حمله کند، ملت قهرمان افغانستان، ملت پاکستان را در محنتش تنها نمی‌گذارد.

یادداشت:

چنانکه در یادداشت «مجاهد» آمده است، حضرت استاد شهید W در این سخنرانی همچنان بر قضایای فلسطین، آذربایجان، تاجیکستان اشاره نموده و پشتیبانی ملت افغانستان را از حرکت‌های اسلامی در این سرزمین‌ها نیز اعلان کردند.

۱. هند یا هندوستان: کشوری است که در جنوب قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۳۱۶۵۵۹۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۱۱۷۳۱۰۸۰۰۰ نفر تخمین شده است که دومین کشور پرجمعیت دنیا پس از چین به شمار می‌آید. زبان رسمی آن هندی و انگلیسی، واحد پول آن روپیه هند و پایتخت آن دهلی است. هند معجونی از ادیان مختلف و فرقه‌های مذهبی گوناگون است. پیشینه ورود اسلام به هند از اواخر قرن ۱ قمری و با سقوط پادشاهی ساسانی آغاز شد، گسترش اسلام در دوران سلطان محمود غزنوی و تصرفات وی در پنجاب ادامه پیدا کرد و در دوران حکومت گورکانیان هند به اوج خود رسید. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۲. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و پنجاه و یکم

بریده‌هایی از یک خطابه

استاد شهید در مسجد جامع چمکنی قبل از ادای نماز عید سعید فطر

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ سال سیزدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۱۹، دوشنبه؛ ۱۷ ثور ۱۳۶۹ هـ. ش / ۱۲

شوال المکرم ۱۴۱ هـ ق / ۷ می ۱۹۹۰ م.



ملت ما سعادتمند است که به‌عنوان یک ملت مسلمان و مجاهد، اگر کودکان‌شان از عید و خوشی‌های عید محروم‌اند، اگر خانه‌های‌شان در روزهای عید و در سالیان جهاد ویران و نابود شده است، توانستند اسلام عزیز را برای امت اسلامی حفظ کنند؛

ملت مجاهد ما به لطف خداوند، توانست کمونیزم را که خطرناک‌ترین سد راه بشریت بود، در همه جهان به نابودی بکشاند؛

آری، اگر ملت ما خودش از خوشی‌ها محروم گردید، برای خانواده‌های بی‌شماری، امنیت و استقلال را نه تنها در تاریخ معاصر؛ بلکه تا قرن‌های متمادی - ان‌شاءالله - کاملاً ذمه‌داری کرده است.

اینجاست که سنگر داران قهرمان کشور ما، در خوشی و سُرور همه خانواده‌های مسلمانان در سراسر جهان شریک‌اند.

یادداشت:

بنا بر گزارش هفته‌نامه مجاهد، رهبر شهید در این سخنان‌شان، اهمیت روزه و مقام روزه‌دارانی را که با تقوی، طهارت و شب‌زنده‌داری، ماه مبارک صیام را سپری کرده‌اند، بیان داشته، حلول عید سعید فطر را به سنگر داران خون و شهادت، معلولین جهاد، فرزندان یتیم و بازماندگان شهدای گران‌قدر انقلاب و مهاجرین دور از میهن مبارکباد گفتند.

خطابهٔ یک صدوپنجاه و دوّم

در اجتماع جوانان و محصلین

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ سال سیزدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۲۰، دوشنبه ۲۴ تور ۱۳۶۹ هـ ش /
۱۹ شوال ۱۴۱۰ هـ ق / ۱۴ می ۱۹۹۰ م.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ^۱

برادران خیلی گران قدر و عزیزى که در دوران انقلاب شکوهمند اسلامى مان و نوجوانان عزیزى که در کشمکش‌های خونین انقلاب، در نشیب و فرازها، در آوارگی‌ها و هجرت‌ها، در زیرِ عُرُش توپ و تانک‌ها، در ویرانه‌های کشور، در سرزمین آوارگی و دور از میهن عزیزتان، در میان دردها و رنج‌های فراوان، رشد کردید، چشم به جهان کشودید. چه بسا از شماها - که به محض اینکه در آغاز روزهای انقلاب شوم الحادى، دیده به دنیا باز کردید - در بساط زمین و در محیط زندگى تان، همه جا یأس، ناامیدى، تاریكى‌ها و ظلمت‌هایی را دیدید که مصداق حدیث پیغمبر اکرم ﷺ می‌ماند که می‌فرماید:

﴿ظَلَمَ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ...﴾^۲

بلى، شما تاریكى‌هایی را در اطرافتان دیدید، شما می‌دیدید که همه جا لشکر شیطان، دنباله‌روانِ کفر و الحاد، همه چیز را در دست گرفته بودند، علمای ملت‌مان آواره و در به‌در، مساجدمان در حالت خسته و زار، نمازگذاران در حال ترس و وحشت و مردم مسلمان باحالت عدم استقلال به سر می‌بردند، خلاصه،

۱. به نام خداوند بخشنده مهربان. «مرکز تدوین»

۲. متن حدیث مبارک در صحیح مسلم، شماره حدیث: ۱۱۸، این گونه آمده است: ﴿عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَالَ: بَادِرُوا بِالْأَعْمَالِ فَتَنَّا كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ. يُصْبِحُ الرَّجُلُ فِيهَا مُؤْمِنًا وَيُمْسِي كَافِرًا. أَوْ يُمْسِي مُؤْمِنًا وَيُصْبِحُ كَافِرًا. يَبِيعُ دِينَهُ بَعْرَضٍ مِنَ الدُّنْيَا﴾ (از ابوهریره ~ روایت است که گفت: رسول خدا ﷺ فرمودند: «عجله کنید، در انجام اعمال صالح پیش از آنکه فتنه‌هایی برسد که همانند شب تاریک است و در آن، شخص در حالی صبح می‌کند که مؤمن است؛ ولی شب کافر است و در حالی شب می‌کند که مؤمن است؛ اما صبح کافر می‌شود و فرد دینش را به متاع ناچیزی از دنیا می‌فروشد.») «مرکز تدوین»

شما روزهایی را دیدید که قرآن کریم خوب از آن تصویر می‌کند، آنجا که در باب ذکر نعمت‌های بزرگ، به پیغمبر گرامی و باران راستین و باصفایش می‌فرماید:

﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾^۱

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمَ

بلی؛ همه ما بزرگانی بودیم که همه قضایا را یا به چشم سر دیدیم و یا کودکان و نوجوانان ما را در روزهای اول تسلط الحاد در کشورمان، علی‌رغم اینکه هنوز قضایا را درست نمی‌فهمیدند؛ ولی خوب می‌دانستند که چه وقایعی رخ داده بود، خلاصه وضعیت ما مطابق آنچه بود که خداوند به پیامبر گرامی اش γ فرموده بود:

بلی، ای مسلمانان! روزهایی را به یاد آرید که تعدادتان کم بود، مستضعف بودید، می‌ترسیدید که پولیس‌های رژیم فاسد شمارا دستگیر کند، خداوند شمارا قوی ساخت و از شما پشتیبانی کرد و از میوه‌ها و خوراکی‌های پاک برای‌تان عطا کرد، تا شکر خداوند را به‌جای آرید.

الحق که ما روزهای عجیبی را پشت‌سر گذاشتیم، به یاد می‌آید، روزی که خدا خواست از وطن که بیرون شوم و آن‌هم بعد از اینکه، سه روز خود را در جایی مخفی ساخته بودم، در آن وقت تصوّر کردم که دیگر همه‌جا به روی ما بسته است، به کجا برویم؟ تنها یک امید باقی مانده بود که آن فضل و کرم و دربار خداوند بود. از همان جایی که بودم و داشتم، می‌برآمدم، جز راه زندان، راه دیگری وجود نداشت... هیچ جایی و هیچ کشوری در خیالم نمی‌گشت که ما را پناه بدهد. در یک حجره مسجد با چند برادر دیگر مدت سه روز پنهان شده بودیم، برای اینکه پولیس‌ها در شب اولی که می‌خواستند مرا دستگیر کنند، آن روز نرفتم و بعد از اینکه خبر شدم، خود را مخفی ساختم، سه شب گذشت، فکر می‌کردم که حالا کجا بروم؟ یک راه بود که باید علناً در میان پوهنتون خود را تسلیم بکنم،

۱. احزاب / ۲۶. (و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک و مستضعف بودید می‌ترسیدید مردم شمارا بر بایند پس [خدا] به شما پناه داد و شمارا به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد باشد که سپاسگزاری کنید). «مرکز تدوین»

این‌طور نشان بدهم که ما از مرگ نمی‌ترسیم، ما به استقبال شهادت روانیم، همان بود که پیش از نماز صبح «در وقت نماز تهجد»^۱ من از آن مخفیگاه خود در شوربازار^۲ حرکت کردم، به خیرخانه رفتم، پولیس همه‌جا را می‌پالید و می‌خواست که من را پیدا کند؛ اما من رفته بودم، به خانه، البته آن شب اطفالم را خواب نبرده بود و زمانی که زنگ دروازهٔ منزل را فشردم، آن وقت تازه اذان بامداد از فراز گلدسته‌ها بلند شده بود و من زمانی که داخل منزل شدم و نماز صبح را ادا کردم، بعدش وصیت‌نامهٔ خود را نوشته کردم و به مادر اطفال گفتم - که کودکان را که در آن زمان بسیار خرد هم بودند - تربیهٔ اسلامی بکند، زندگی و مرگ از طرف خداوند است، انسان باید در راه خدا کشته شود؛ زندانی شود، هیچ تأسف و تأثیری نداشته باشید، خداوند تو و اطفال را نگه می‌کند.

کتاب‌ها و امانت‌هایی که نزد من بود، مونوگراف‌های^۳ شاگردان صنف‌های چهار فاکولتهٔ ادبیات را همراه خود گرفتم تا بعد از تصحیح، برای‌شان بسپارم. القصه هنگام خروج از منزل، به محض اینکه در موتر پوهنتون^۴ سوار شدم، دسته‌ای از پولیس‌ها که شب و روز مرا تعقیب می‌کردند، به اطراف سرویس پوهنتون جمع شدند و استادان پوهنتون حیران مانده بودند و فکر می‌کردند که من دستگیر شده‌ام و استادان فکر می‌کردند که شاید من در آن سه روز گذشته، از بین رفته باشم و جالب‌تر اینکه از ترس، حتی کسی درست هم‌رایم احوال‌پرسی هم نمی‌کرد که مبادا تحت اشتباه قرار گیرد و دستگیر شود.

به هر حال؛ مستقیماً به صنف رفتم، برادر اسماعیل طارق شهید^۵ را - که در صنف دوّم بود و خداوند غریق رحمتش کند - در صنف نشسته بود، با سایر

۱. تهجد: به معنای شب‌زنده‌داری برای عبادت است، نماز تهجد نمازی را می‌نامند که در شب ادا می‌گردد و وقتش بعد از فراغت از نماز خفتن شروع و تا به طلوع فجر ادامه دارد. «مرکز تدوین»

۲. شوربازار: ساحه‌ای است در دامنهٔ بال‌احصار شهر کابل. «مرکز تدوین»

۳. پایان‌نامهٔ دورهٔ کارشناسی / لیسانس. «مرکز تدوین»

۴. دانشگاه. «مرکز تدوین»

۵. قاضی محمد اسماعیل طارق: امیر عمومی جبهات جهادی ولایت لغمان و امیر زون شرق و منشی شورای نظار جمعیت اسلامی افغانستان بود که در اثر یک توطئه در ۲۳ اسد ۱۳۶۷ هـ.ش، به شهادت رسید. نگاه: کروئولوژی حوادث تاریخی افغانستان، از دکتور جمیل الرحمن کامگار، ص:

۱۰۷. «مرکز تدوین»

بچه‌ها، مثل اینکه عید شده باشد، همه شاد و مسرور شدند؛ زیرا فکر می‌کردند که اکنون در دنیای دیگر رفته باشم.

یادم می‌آید که بسیار باروحیه آرام و سرد، پولیس‌ها درحالی‌که با دو موتر از پشت سر و از پیش رو، مرا دنبال می‌کردند و حیران بودند که مرا در کجا دستگیر کنند؛ اما خداوند چیزی را خواسته بود که آنان نمی‌دانستند؛ به هر حال، من مستقیماً به صنف رفتم و درس را شروع کردم، آن وقت ساعت‌های درسی پنجاه دقیقه بود و پنجاه دقیقه بسیار وقت است، لکچر درس را دادم، بعد از آن برآمدم که دو صاحب‌منصب عسکری، به دنبال آمدند و گفتند که بفرمایید که در بیرون مردم منتظر تان اند.

پولیس‌ها تمام اطراف پوهنتون را گرفته بودند، چه کسی فکر می‌کرد؛ اما خداوند اگر خواسته باشد کسی را نجات دهد، نجات می‌دهد، خوب من به آن‌ها گفتم: چند لحظه اجازه بدهید که من بالا می‌روم، تلفن می‌کنم، رفتم راپورها را اسپردم و گفتم به کسانی که لازم است برسانند، با استادان خداحافظی کردم که من طرف زندان می‌روم. پنج‌صد روپیه در جیب داشتم، پنج‌صد افغانی کس دیگری برابم داد تا چند روزی اگر زنده باشم، مصرف زندان شود. برادر میر حمزه^۱

۱. مولوی میر حمزه فرزند ملا صاحب گلمرجان در سال ۱۹۴۶ م، در شهرستان شینواری غور بند پروان در یک خانواده علم‌پرور و بادیانت چشم به جهان گشود. تعلیمات ابتدایی را در مدارس محل به انجام رساند و جهت آموختن تعلیمات ثانوی شامل مدرسه اسدییه شهر باستانی مزار شریف گردید. در سال ۱۹۷۱ م، از مدرسه تخارستان کنذ سند فراغت حاصل کرد، هم‌زمان با فراغت، جهت پیگیری تحصیلات عالی شامل دانشکده شرعیات دانشگاه کابل گردید و در سال ۱۹۷۴ م، از دانشگاه کابل سند فراغت حاصل کرد و بدون وقفه، دوره مکلفیت خویش را نیز در غند تعلیمی برای مدت شش ماه سپری کرد، در اواخر حیات در جنب مصروفیت‌های جهادی و سیاسی، به کسب درجه ماستری نایل آمد. از اینکه وضعیت سیاسی افغانستان در زمان داود خان برای جناح معارض رژیم و مسلمانانی که به‌منظور نجات کشور عزیز از خطر بلای کمونیزم قابل تحمل نبود، با استفاده از فرصت در سال ۱۹۷۵ م، به عربستان سعودی هجرت کرد. پس از انتظار کوتاه در مکه مکرمه، زمینه ادامه تحصیلات عالی را در دانشگاه امام محمد بن سعود دریافت کرد؛ اما بنا بر وجوبه ایمانی، مسایل جهادی را جدی‌تر دانسته و به‌منظور جهاد مقدس تحصیلش را به تعلیق درآورده و عازم پیشاور گردید. پس از مدتی جهت نظم‌بخشیدن و بسیج جهاد مسلحانه در استان‌های غربی کشور، از جانب رهبری جهاد مردم افغانستان، به نمایندگی آن در بلوچستان توظیف گردید. در سال ۱۹۷۹ م، از جانب رهبری جمعیت اسلامی، در جمله ده نفر به حیث عضو شورای عالی اتحاد اسلامی با حفظ مکانت خویش در کادر رهبری جمعیت اسلامی معرفی گردید و در اتحاد اسلامی برای آزادی افغانستان برای معاونت ریاست دعوت و تنظیم برگزیده شد، بعد از انحلال و فروپاشی اتحاد مذکور، به حیث رئیس کمیته دعوت و تنظیم جمعیت اسلامی و عضو شورای اجرائیه آن ایفای وظیفه کرد. در سال ۱۹۸۰ م، به حیث نماینده باصلاحیت جمعیت اسلامی در اجلاس

تازه فارغ شده بود و اسپستان^۱ بود، او گریبان می‌کرد و پنج‌صد افغانی دیگر را او با وارخطایی از جیبش کشید و برایم داد و سپس من به راه افتادم، وقتی برآمدم دیدم که جوانان صنف‌های چهارم فاکولته همه جمع شده‌اند و گفتند که استاد امروز دو ساعت درس فلسفه است، یادداشت‌های‌تان را برای ما بدهید، لکچر را باز یک روز دیگر برای ما بدهید، به خاطری که ما امروز سیر علمی داریم؛
گفتم: از طرف من آزادید، بروید.

خلاصه هیچ نمی‌فهمیدم، یک‌دو بچه شرعیات گفتند: استاد! تو چه می‌گویی؟ خود را تسلیم می‌کنی؟
برادر قاضی اسلام‌الدین شهید^۲ را خداوند -جل جلاله- ببخشد، ناگهان آمد

که از طرف «المجلس الإسلامی الأوربی» در لندن دایر گردیده بود، اشتراک کرد. در سال ۱۹۸۴ م در اجلاسی که به مناسبت تنفیذ شریعت اسلامی در سودان تدویر یافت، عازم خرطوم گردید و همچنان به حیث عضو هیئت ائتلاف مجاهدین در شانزدهمین اجلاس وزرای خارجه کشورهای اسلامی، در المغرب اشتراک کرد. در سال ۱۹۸۷ م، از طرف امیر و شورای اتحاد اسلامی مجاهدین برای آزادی افغانستان به حیث عضو وفد عازم نیویارک ایالات متحده آمریکا گردید. باوجود مصروفیت‌های سیاسی، در «دانشگاه دعوت و جهاد» در دانشکده اصول الدین استاد بود و تدریس می‌کرد. پس از شکست اتحاد جماهیر شوروی، در اولین حکومت اسلامی مجاهدین به حیث وزیر تعلیم و تربیت برگزیده شد و همین‌گونه نقش برجسته در شورای اهل حل و عقد داشت و در حکومت استاد شهید، نظر به سابقه جهادی و استعداد فوق‌العاده کاری، به حیث معاون رئیس‌جمهور و مسئول دیوان ریاست برگزیده شد و در همین پست ایفاء وظیفه می‌کرد تا اینکه در اوایل سال ۱۹۹۳ م، دچار مریضی گردید و پس از تداوی کوتاه‌مدت به تاریخ ۱۳/۱/۱۹۹۳ م مطابق / ۲۲ جدی ۱۳۷۱ هـ ش، چشم از جهان فرو بست، از مرحوم حمزه سه پسر و دو دختر به‌جا مانده است. کتاب «الإمام ابو داود و اثره فی الحدیث» از تألیفات اوست. روحش شاد و جایش فردوس اعلی باد. منبع: دکتور حامد حمزه، پسر ارشد مرحوم مولوی میر حمزه و رئیس دارالانشاء جمعیت اسلامی افغانستان. «مرکز تدوین»

۱. دستیار. «مرکز تدوین»

۲. شهید قاضی اسلام‌الدین حامد فرزند الحاج ولی خان، در سال ۱۳۳۰ هـ ش، در روستای آقپره شهرستان اشکمش ولایت تخار در یک خانواده متدین دیده به جهان گشود. تعلیمات ابتدایی دینی‌اش را در مسجد فراگرفت. سپس در سال ۱۳۴۶ هـ ش، شامل مدرسه تخارستان ولایت قندز شد. بعد از فراغت از دارالعلوم عربی کابل، در سال ۱۳۵۲ هـ ش، وارد دانشکده شرعیات دانشگاه کابل شد و در سال ۱۳۵۶ هـ ش، از دانشکده شرعیات فارغ‌التحصیل شد. قاضی شهید به صفت یک فرمانده آگاه و مدبر، در همه جنگ‌های ضد روس‌ها و کمونیست‌ها، فعالیت‌های چشم‌گیری از خود نشان داد و سرانجام این عضو برجسته نهضت اسلامی افغانستان به تاریخ ۱۸ سرطان ۱۳۶۸ هـ ش، حین برگشت از یک جلسه قوماندان جمعیت اسلامی از ولسوالی فرخار به‌سوی تخار در حرکت بودند که در ساحة «تنگی فرخار» به دست افراد حزب اسلامی حکمتیار افتاد و به‌صورت بسیار وحشتناک با تعدادی از هم‌زمانش به شهادت رسید. نگاه: میثاق خون، سال چهارم، شماره: ۵ و ۶، سال ۱۳۶۸ هـ ش، ص: ۱۰۱ - ۱۰۴ و برهان‌الدین حامد فرزند ارشد شهید قاضی اسلام‌الدین

و گفت: و الله اگر بگذارم.

گفتم: «برادر! گپ از گپ گذشته، حالا هیچ راهی نیست.»

القصه همه محصلین جمع شدند. من نزدیک شدم تا اینکه به موتر پولیس سوار شوم، در این وقت تکه مام اطراف پوهنتون را دسته‌های پولیس گرفته بود و صاحب‌منصب‌ها مخابره و وسایل زیادی را به کار انداخته بودند و من تازه در قسمت پوهنخی^۱ تعلیم و تربیه رسیده بودم و در دروازه پشت سر تعمیر، یک «جیپ» و یک «فوکس واگون» پولیس ایستاده بود، پولیس‌ها با وزیر داخله در تماس بودند و اطمینان می‌دادند که دستگیر شده است، در همین دم و در همین در آخرین مرحله، یک برادر محصل فریاد زد که و الله اگر استاد بگذارم که تسلیم شوی، نمی‌گذارم.

من به پولیس‌ها گفتم: به همان کسی که به من کار دارد، بگو اینجا بیاید، یکی از آن‌ها گفت: به چشم! مابین ما و پولیس‌ها، هیچ فاصله نبود، ما پس گشتیم و در زینه‌های تعمیر، آمدیم به دهلیز پوهنخی و هیچ فاصله‌ای ما باقی نمانده بود، اگر پرنده هم می‌بود، دستگیر می‌شد؛ اما اینکه چه قسم آن‌ها به دنبال من دویدند و خداوند آن‌ها را کور کرد، این فقط لطف خداوند بود.

خلاصه، این طرف و آن طرف رفتند، این دروازه و آن دروازه را زدند، به بخشی که من به حیث رئیس آن بودم؛ یعنی قسم «فلسفه و عقیده» رفتند و دروازه اتاق من را به لگد می‌زدند که باز کن! باز کن! کجاست؟ و سرانجام می‌دیدند که کسی نیست.

یکی را می‌گرفتند، دیگری را می‌گرفتند، ما همراه دیگر بچه‌ها در فکر آن بودیم که از کجا خارج شویم، همه دروازه‌ها را پولیس گرفته بود، بالاخره از دروازه ادیتوریم رفتیم، یک تکسی پیدا شد و در آن سوار شدیم، چهار، پنج نفر خود را در آن به سرعت انداختند و موتر حرکت کرد تا اینکه تا قسمتی از کارته سخی رفتیم و در آنجا پایین شدیم و در میان کوجه‌ها و بعد به طرف تپه کارته سخی بالا شدیم، اصل حرف من در این است که وقتی بر سر تپه کارته سخی بالا شدیم، به طرف

حامد. «مرکز تدوین»

۱. دانشکده. «مرکز تدوین»

قرغه می‌دیدیم، دامنه کوه، تازه از سبزه‌ها انباشته شده بود، در این فکر بودم که خدایا! باز ما، این سرزمین زیبا را خواهیم دید؟
 آیا در این سرزمین اسلام برقرار خواهد شد؟
 آیا این سرزمین به دست مسلمانان می‌افتد؟ چه خواهد شد؟
 در عین زمان فکر می‌کردیم که کجا برویم؟ به کدام طرف حرکت کنیم؟
 به شمال افغانستان برویم، آنجا حتماً جای پولیس هاست، جای دیگری را هم پیش بینی نکرده بودیم، آخر تصمیم گرفتیم، می‌رویم به طرف جلال‌آباد^۱ و کمر،^۲ به آن سو به حرکت افتادیم.

آن روزها را می‌بینیم و حالا را می‌بینیم، وقتی که هیچ امیدی نبود و هیچ راهی برای ما نبود، دست‌مان خالی بود، پیاده می‌رفتیم، حتی معلوم نبود که با که می‌توانستیم حرف بزنیم؟ با که راز بگوییم؟

به اندازه‌ای به مشکلات روبه‌رو بودیم که حتی وقتی مولوی صاحب حبیب را به لغمان^۳ روان کردیم که کمی آرام بود، سه روز گرسنه ماندیم.
 آن روزها را می‌بینیم، به راستی که باید شکر خدا را به جا آریم:
 ﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ...﴾^۴

خلاصه، هیچ کس شب در خانه خود مطمئن نبود، نه ملا، نه طالب‌العلم، نه متعلم، نه معلم، نه عوام... به جرم اینکه یک کتاب اسلامی در خانه یک کسی

۱. جلال‌آباد: مرکز ولایت ننگرهار است - که نام قبلی آن بنا بر نقل قول‌های تاریخی «جلالکوت» بود - امر ایجاد این شهر از سوی جلال‌الدین اکبر، شاه بزرگ مغول هندوستان صادر شد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۸۳. «مرکز تدوین»

۲. حکایت کامل این داستان، در مصاحبه‌ای از استاد شهید به نام «همگام با رهبر» تاکنون کار نشده است، وجود دارد. «مرکز تدوین»

۳. لغمان: یکی از ولایات شرقی افغانستان است. مساحت آن ۳۹۷۷,۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ ه.ش. ۴۲۴,۱ هزار نفر محاسبه شده است، مرکز آن شهر مهترلام می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۱۷ - ۱۲۱۸. «مرکز تدوین»

۴. احزاب / ۲۶. ﴿وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُم بِنَصْرِهِ وَزَوَّجَكُم مِّنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ (و به یاد آورید هنگامی را که شما در زمین گروهی اندک و مستضعف بودید می‌ت رسیدید مردم شما را بر بایند پس [خدا] به شما پناه داد و شمارا به یاری خود نیرومند گردانید و از چیزهای پاک به شما روزی داد باشد که سپاسگزاری کنید.) «مرکز تدوین»

پیدا می‌شد، به زندان می‌رفت، شکنجه می‌دید؛ اما امروز می‌بینیم که به لطف خداوند از هیبت ماوشما دنیا به لرزه افتاده است، کمونیزم بین المللی سقوط کرد، امپراتوری کمونیزم درهم ریخت، اسلام امروز به حیث یک قدرت بزرگ در جهان مطرح شد و کسانی که دیروز عارشان می‌آمد که نام اسلام را بگیرند، امروز هوس می‌کنند که کاش مسلمان می‌بودند، کاش که نام مسلمان سرشان گذاشته شود و اگر دیروز کسانی بودند که از ریش و از دستار عار داشتند، حالا می‌بینیم که بیشتر از ماوشما ریش را کلان می‌گذارند.

دیروز «سلام» یک عالم و یک متدین را کسی «علیک» نمی‌گرفت، حالا بسیار انتظار می‌کشند که سلامشان را یک ملا و یک عالم علیک بگیرد. این تنها احسان پروردگار است، دیروز به دروازه‌ها می‌رفتیم، کسی دروازه‌ها را به روی ما باز نمی‌کرد.

به راستی که غریب و بیچاره بودیم، هیچ کس دروازه‌اش را به روی ما باز نمی‌کرد؛ اما امروز حالتی به میان آمده که رؤسای دُول به دیدن مجاهدین افتخار می‌کنند و با ملاقاتشان مباحثات می‌ورزند.

این تحوّل، تحول ساده‌ای نیست، این یک تغییر بسیار عظیم است، باید این را حفظ کرد و باید شکر خدا را بجا آورد.

اینک ما در شب‌های عشرهٔ اخیر ماه مبارک رمضان قرار داریم، شب‌هایی که شب‌های نزول رحمت خداوند و نزول قرآن کریم است و شیاطین در زنجیرها بسته می‌شوند و بهشت به استقبال مهمانان مسلمانان مزین می‌شود و عبادت‌های ما تمام گناهان سابق را محو می‌کند:

﴿مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾^۱
 ﴿الصُّومُ لِي وَأَنَا أُجْزِي بِهِ..﴾^۲

یعنی این مقام و این منزلت را در این ماه مبارک، خداوند نصیب ما ساخت، افغانستان و ارزش جهاد ملت ما را به دنیا نشان داد و اسلام را در جهان زنده

۱. یعنی هرکسی که رمضان را از سر ایمان و به خاطر رضایت پروردگار، به پا دارد، خداوند گناهان گذشته او را می‌آمرزد. نگاه: صحیح البخاری، شمارهٔ حدیث: ۳۷. «مرکز تدوین»
 ۲. ترجمه و استخراج حدیث گذشت. «مرکز تدوین»

ساخت.

شما برادران ما که نسل انقلاب اسلامی اید، باید این میراث بسیار گران بها را - که بهای خون یک و نیم میلیون شهید و قربانی های بی دریغ ماست - باید با کمال جوانمردی و شجاعت حفظ کنید و ما باید بکوشیم که ملت ما یکپارچه و واحد باشد، دیروز ما ملا و مکتبی داشتیم، مکتبی به راهی بود و علما و ملاهای ما به راه دیگر؛ اما امروز مسئله ملا و مکتبی نیست، هر مکتبی ملاست، هر ملای ما برادر مکتبی است، هیچ فرقی میان آنان نیست که این پوهنتون دعوت و جهاد است و یا این مدرسه القرآن همگی برادرند و همگی در یک سنگر قرار دارند.

دیگر آن روزها گذشته، ما بعد از این اجازه نمی دهیم که در اینجا به نام هایی در میان ما ایجاد فاصله کنند و هر کسی که بخواهد این صفها را جدا کند، در واقع دارد فقط کار مسیحی ها را می کند که دین را از دنیا می خواهد جدا بسازد، دین را بسپارد در یک مسجد و دنیا را بگذارد به کافر و ملحد.

امروز ملای ما در اداره ما و سیاست ماست، مکتبی ما در منبر ما، باید ملا امام و واعظ باشد؛ این طور نیست که دیروز کسی مکتبی بود، قرآن را خوانده نمی توانست، زبر و زبر را نمی شناخت؛ بلکه حالا جوان مکتبی ما با بهترین لهجه قرائت می کند و با تجوید درست می تواند نماز بدهد، می تواند خطیب شود، به همین شکل علمای ما بی خبر از اوضاع نیستند، باید فکر کنند که چه وضعی در جهان می گذرد؟

حضرت عمر فاروق ^۱ چه خوب گفته است:

۱. عَمْرُ پسر خَطَّاب پسر نفیل ملقب به ابوحفص، فاروق و دوّمین خلیفه راشد. نسبش در کعب بن لؤی به پیامبر Y می رسد. پیامبر Y مدام دعا می کرد که خداوند اسلام را با یکی از دو عمر (عمر پسر خطاب یا ابوجهل) عزّت دهد. خداوند دعای پیامبر را در حق او اجابت کرد و مسلمان شد. به واسطه وی، خداوند اسلام و مسلمانان را عزّت بخشید. وی بعد از ابوبکر صدیق ~ به خلافت رسید. در دوران خلافتش، سرزمین های سوریه، عراق، فارس، بَرَقَه، طرابلس غرب، آذربایجان و نهبوند و گرگان فتح شد. وی اولین کسی است که آغاز تاریخ مسلمانان را هجرت رسول الله Y قرارداد و دفاتر تنظیم و ثبت امور مالی را ایجاد کرد. در پایان بعد از ده سال و شش ماه و چهار روز مدّت خلافتش، به دست ابو لؤلؤ مجوسی در نماز صبح سال ۲۳ هـ.ق، به شهادت رسید. عمر ~ در حجره ام المؤمنین عایشه A در کنار پیامبر Y و ابوبکر صدیق ~ به خاک سپرده شد. نگاه: ستارگان هدایت. ص: ۱۳۵، سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب ~، از حاج ملا عبدالله احمدیان، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از صلاح عبدالفتاح الخالدی، عبقریه عمر ~،

﴿إِنَّمَا تُنْقِضُ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةً عُرْوَةً إِذَا نَشَأَ فِي الْإِسْلَامِ مَنْ لَمْ يَعْرِفِ الْجَاهِلِيَّةَ﴾^۱

بايد جاهليت را بدانيد:

کمونست چيست؟

کپيتاليزم چيست؟

اشتراکيت چيست؟

شيوعيه چيست؟

اين ها را بفهميم، مسلک فاسد و منحرف آن ها را بدانند تا کسی در آن سقوط نکند و به کلی از بين نرود.

ديروز که مردم از اسلام می گريختند، به ذلت مواجه بودند و در واقع مصداق همان فرموده حضرت عمر ~ بودند که می فرماید:

﴿إِنَّ اللَّهَ أَعَزَّكُمْ بِالْإِسْلَامِ..﴾^۲

بلى، به اسلام خداوند ما را عزت داده است، اگر ما عزت را در راه ديگر بخواهيم، خداوند ما را باز دليل می گرداند.

برادران عزيز!

ان شاء الله در عصری به سر می برید که عصر اعاده مجد اسلام است. ياد می آيد، شايد جوانان زيادی امثال من بودند که کتاب های عروج و نزول اسلام از مولانا بسمل^۳ را می خوانديم و می خوانديم که:

ياد ايامی که قلمز، تن به توفان داده بود

زورق رؤيا به گرداب فنا افتاده بود

از عباس محمود العقاد و محمد Y نخستين مربي و آموزگار بشریت از رهبر شهيد پروفيسور برهان الدين ربانی. «مرکز تدوين»

۱. «همانا گروه های اسلام، یکی یکی باز می شود، اگر کسی که در اسلام نشست يابد و جاهليت را نشناخته باشد.» مجموع الفتاوى، ج: ۱۰، ص: ۳۰۰-۳۰۲. «مرکز تدوين»

۲. متن کامل سخن حضرت فاروق اعظم اين است: ﴿إِنَّا كُنَّا أَذَلَّ قَوْمٍ، فَأَعَزَّنَا اللَّهُ بِالْإِسْلَامِ، فَهَمَّا نَطْلُبُ الْعِزَّةَ بغير ما أعزنا الله به أدلنا الله﴾ يعنى ما مردم ذليلی بوديم که خداوند به وسيله اسلام ما را عزيز ساخت و اگر عزت را در جای ديگری جست و جو كنيم، الله ما را باز دليل می دارد. نگاه: المستدرک على الصحيحين، كتاب الإيمان، قصة خروج عمر إلى الشام. «مرکز تدوين»

۳. متأسفانه نتوانستيم به زندگی نامه مولانا بسمل دست يابيم. «مرکز تدوين»

آن روزها در چه حالت بودیم، اشک می ریختیم؛ اما امروز شکر خدا را بجا آریم که ما به کَلِّی دنیا را لرزاندیم.

اسلام امروز باز یک بار دیگر اعاده مجد و عزت کرد، امروز یگانه چیزی که در صحنه بین المللی باقی مانده است، اسلام است؛ نه کمونیزم است، نه کپیتالیزم است. تنها امروز یگانه وسیله اسلام است و بس. امروز تنها اسلام در هر جا به حیث یک قدرت است، نه قدرت اتمی جلوش را می گیرد و نه کدام چیز دیگری جلو اسلام را می گیرد.

برادران عزیز!

شما خود را برای یک آینده درخشان باید آماده سازید، برای تأمین مجد و عظمت اسلام، برای اینکه در دنیا همان حرف هارون الرشید^۱ بوده باشد که با اشاره به ابری گفت:

«باران خود را هر جایی که می بارانی ببار، اگر از سر بغداد تیر می شوی، فکر می کنی که در جای دیگر می باری و کدام زمین دیگر را سیراب می کنی؟
خراج ترا ما می گیریم، اگر در چین هم باران بباری، خراجش را ما مسلمانان می گیریم.»

عظمت اسلام در آن وقت چنان بود که بزرگترین امپراتوری ها از هیبت امپراتوری اسلامی سرشان در زمین بود. این است عظمت:

﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ...﴾^۲

ما باید این عزت را اعاده بکنیم، کفر ذلیل است تا به کی ذلیل ها بالای ما

۱. هارون الرشید: پنجمین خلیفه عباسی است که در سال ۱۴۱ ه. ش، در شهر «زی» به دنیا آمد. وی یکی از نام آوترین خلفای دوره عباسی است که خدمات شایسته ای را به اسلام و مسلمین انجام داده بود. در دربار ایشان، علما مورد تقدیر و تمجید قرار می گرفت. در زمان هارون الرشید، بغداد به اوج شکوه و زیبایی خود رسید، او هم زمان با شارلمانی می زیست و با اروپای آن زمان رابطه بازرگانی گسترده ای به راه انداخته بود، او همچنین با چین رابطه دیپلماتیک برقرار ساخت. هارون الرشید در هنگام سفر به بخش های شرقی فرمانروایی اش بیمار شد و در سال ۱۸۸ ه. ش، درگذشت. نگاه:

تاریخ سیاسی اسلام، از دکتور حسن ابراهیم حسن. «مرکز تدوین»

۲. منافقون / ۸. ﴿يَقُولُونَ لَئِن رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (انها می گویند: «اگر به مدینه بازگردیم، عزیزان ذلیلان را بیرون می کنند!») درحالی که عزت مخصوص الله و رسول او و مؤمنان است؛ ولی منافقان نمی دانند!.) «مرکز تدوین»

حکومت بکنند، تا به کی ما برای آن‌ها اجازه بدهیم که در سیاست ما، در ادارهٔ ما و در اقتصاد ما، دست داشته باشند؟ تا به کی نظام سود و ربا در جامعهٔ ما حاکم بوده باشد، ما باید نظام اقتصادی مختص به خود را داشته باشیم، نظام سیاسی مختص به خود را داشته باشیم، نظام تربیتی مختص به خود را داشته باشیم.

اسلام [یک نظام] شامل و جامع است همهٔ این چیزها را در بردارد. ما نیاز نداریم که از جای دیگری بگیریم. روزهای اولی که ما نو به کار شروع کرده بودیم، خود ما بم می ساختیم، یک کسی آمد و گفت: هیچ تفاوت میان ما و خارجی‌ها نیست، طیاره سازان آن‌ها مثل ماوشما آهنگر بودند، یک آهنگر طیاره ساخته است، آهنگرهای ما هم کوشش کنند که مثل آن‌ها یک چیزی بسازند، ما باید به آن‌ها تسلیم نشویم.

به راستی باید ما همه استعدادهای خود را به کار بیندازیم و تا این حد اکتفا نکنیم. روزگاری بود که هارون الرشید به شارلمان^۱ ساعتی روان کرد، او فکر کرد که جن است و مسلمانان جن را بندی کرده‌اند، ترسیدند و نمی‌گرفتند.^۲

معنای این سخن این است که این اروپایی‌ها کلاً وحشی بودند؛ اما امروز آن‌ها مدنی شدند؛ بلی همین‌هایی که نان خوردن خود را نمی‌فهمیدند؛ اما امروز مدنی شدند. تاریخ روسیه را بخوانید که چطور کثیف مردم بودند، حتی جهانگردان اسلامی زمانی که به روسیه رفتند، می‌دیدند که با چه چتلی‌ای غذای خوردند؛ اما امروز آن‌ها مدنی شده‌اند؛ اما ما مسلمانان که در همه چیز پیشرفته بودیم، امروز عقب‌مانده‌ایم، باید جلو این را بگیریم، کشورمان را اسلامی بسازیم.

من در اخیر شمارا به تقوی و ذکر خداوند، به تزکیهٔ نفس و تزکیهٔ قلب و به اعمال صالح دعوت و توصیه می‌کنم.

شما کوشش کنید که یک مسلمان صحیح به بار آید، وقتی که مسلمان صحیح بار آمدید، دیگر هیچ مشکلی باقی نمی‌ماند، هیچ کسی دیگر مشکل ایجاد

۱. شارلمان و یا شارلمانی: شارلمان زمامدار امپراتوری فرنگ بود که در میان سال‌های ۸۰۰-۸۱۴ بر آنان حکومت می‌کرد. او یکی از زمامداران فرنگ بود که سخت به ساحات مختلفی یورش می‌برد؛ اما در حمله به مسلمانان ناکام بود. «مرکز تدوین»

۲. مستند این سخن در کتاب‌های تاریخی فراوان هست؛ برای مثال نگاه کن به: شارلمان و هارون الرشید نوشتهٔ مرتضی عبدالزهرة. «مرکز تدوین»

کرده نمی‌تواند، باهم برادر باشید، همت عالی داشته باشید، یقین کنید که «آینده در قلمرو اسلام»^۱ است. ادارهٔ آیندهٔ دنیا به دست ما خواهد بود و ما تا چه وقت بگذاریم که در دنیا امریکا^۲ و روسیه حاکم باشد، چرا ما مسلمانان حکومت جهانی را به دست نگیریم؟ چرا آن عظمت بزرگ روحی و معنوی - که ما داریم - در جهان حاکم نشود؟

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِيْ وَلَكُمْ، ولسائر المسلمین.

۱. نام اثری از مفسر قرآن کریم شهید استاد سید قطب است. «مرکز تدوین»

۲. ایالات متحدهٔ امریکا: کشوری است که در امریکای شمالی موقعیت دارد. مساحت آن ۹۳۶۳۳۶۴ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۳۱۰۰۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده است و پایتخت آن شهر واشنگتن است. زبان رسمی آن انگلیسی و واحد پول آن دالر امریکایی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و پنجاه و سوم
در کنفرانس همبستگی با برادران کشمیر، منعقدۀ لاهور
هفته نامۀ مجاهد؛ سال سیزدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۲۱، شنبه، ۵ جوزای
۱۳۶۹ هـ ش / ۹ شوال ۱۴۱۰ هـ ق / ۲۶ می ۱۹۹۰ م.



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى إِمَامِ الْمُجَاهِدِينَ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ
الطَّاهِرِينَ وَعَلَى صَحَابَتِهِ وَمَنْ دَعَا بِدَعْوَتِهِ وَعَمِلَ بِسُنَّتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ ۱ وبعدها:
قَالَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي مُحْكَمِ كِتَابِهِ وَهُوَ صِدْقُ الْقَائِلِينَ: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ
الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ
كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ
ضَعِيفًا﴾^۲

صَدَقَ اللَّهُ مَوْلَانَا الْكَرِيمِ.

برادر گرامی، امیر جماعت اسلامی پاکستان^۳ و حضار محترم!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وبعدها:

در آغاز به خاطر تشکیل این کنفرانس بزرگ و همبستگی با برادران
مجاهدeman، اهالی کشمیر، مراتب سپاس و شکران خود را به «جماعت اسلامی
پاکستان» و امیر آن تقدیم می‌کنم و از همبستگی شما با ملت مظلومی که بیش
از چهل سال است زیر ستم و وحشت دشمنی از دشمنان امت اسلامی به سر

۱. ستایش از آن‌الله است که پروردگار جهانیان است و درود و سلام بر پیشوای مجاهدان و بر آل
طیب و طاهر او و درود بر یاران و بر هرکسی که به راه و دعوت او مردم را فراخواند و به سنت او عمل
کرد، تا قیامت چنین باد. «مرکز تدوین»

۲. خداوند تبارک و تعالی در کتاب استوار خود، درحالی که او راست‌گوترین گوینده است، فرموده
است: پناه می‌برم به الله از شر شیطان رانده‌شده و آغاز می‌کنم به نام الله مهربان و بارحم: (کسانی
که ایمان آورده‌اند، در راه خدا کارزار می‌کنند و کسانی که کافر شده‌اند، در راه طاغوت می‌جنگند. پس
با یاران شیطان بجنگید که نیرنگ شیطان [در نهایت] ضعیف است.) نساء / ۷۶. «مرکز تدوین»

۳. در این زمان قاضی حسین احمد مرحوم امیر است. «مرکز تدوین»

می‌برد، اظهار سپاسگزاری می‌کنم. خداوند در کارهای جماعت اسلامی، برکت نهاد و برای تان جزای خیر دهد!

الله تعالی در کتاب مجیدش می‌فرماید:

﴿وَمَا لَكُمْ لَاتُقَاتُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾^۱

ملتّ مظلوم کشمیر فریاد می‌کشد و برادر مسلمانش را در جهان اسلام ندا در می‌دهد و از همه ملت‌های مظلوم و بیدار، خواستار حمایت است، حمایت از ستمی که سال‌هاست از آن رنج می‌برند.

ما در این روزها، شاهدیم که ظلم بر ملت مسلمان کشمیر روزبه‌روز بر شدتش می‌افزاید و ما تکالیفی را که فامیل‌های مهاجر کشمیری با آن دست و گریبان‌اند، به‌خوبی احساس می‌کنیم. آنانی که سرزمین خود را در زمستان توان‌فروستا ترک کردند، برخی پاهای خود را از دست دادند و برخی هم در راه، جان به جان‌آفرین سپردند که کس نمی‌داند هدفش کجاست؟

ملت مسلمان کشمیر امروز با هجوم وحشت‌بار یک ارتش مسلّح، مواجه است؛ ارتشی که با پیرمردان قامت‌خمیده و اطفال شیرخوار رحم نمی‌کند، به خاطر چه؟

به خاطر اینکه آن‌ها مؤمن‌اند و می‌خواهند زندگی آزاد و آبرومند داشته باشند. ملت مظلوم کشمیر چه می‌خواهد؟

او خواهان آزادی طبیعی هر انسان است، هر انسان حق دارد که آزاد زندگی کند و دینی که به آن باور دارد، مراسم آن را آزادانه ادا کند؛ اما حکومت‌ها، مانند همه حکومت‌های کافر و استعمارگر، خواهان نابودی ملت اسلامی و کشتار مسلمانان است.

امروز طغیان‌ها از مرحله ظلم بر ملت کشمیر، به مرحله تهدید پاکستان

۱. نساء / ۷۵. (و چرا شما در راه خدا [و در راه نجات] مردان، زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید، همانان که می‌گویند: پروردگارا! ما را از این شهری که مردمش ستم‌پیشه‌اند، بیرون ببر و از جانب خود برای ما سرپرستی قرار ده و از نزد خویش یآوری برای ما تعیین فرما.) «مرکز تدوین»

و تهدید ملت پاکستان پا گذاشته است؛ بلی حکومت هند تهدید می‌کند که او به پاکستان حمله خواهد کرد و باید پاکستان دست از مداخله در امور کشمیر بردارد. هند عوض این طغیان و تکبر، باید پند بگیرد که در روسیه چه به وقوع پیوست؟ روسیه وقتی که در افغانستان مداخله نظامی کرد، گمان می‌برد که ملت افغانستان را درهم خواهد کوبید و همه جهان کفر بر این باور بودند و روسیه می‌خواست جغرافیة جهان اسلامی را سر از نو تغییر دهد و افغانستان را درهم کوبد، داخل پاکستان شود و از آنجا پیشروی‌های خود را به خلیج ادامه دهد؛ اما سرانجام چه شد؟ جغرافیة جهان اسلام تغییر نیافت و روس نتوانست ملت مسلمان افغانستان را درهم کوبد؛ اما جغرافیة روسیه تغییر خورد و کمونیزم به هم‌پاشیدن آغاز کرد و جمهوری‌هایی که زیر سیطره کمونیزم روسی به سر می‌بردند، سر از نو خواستار آزادی شدند.

نظام‌های کمونیستی در اروپای شرقی از هم پاشید و ملت‌هایی که بوی آزادی به مشام‌شان نمی‌رسید، احساس آزادی در کشورشان کردند و ما می‌بینیم که اروپای شرقی به طرف آزادی روان است و کمونیزم در جهان از هم فرومی‌پاشد و مسلمانان در آذربایجان، تاجیکستان سر از نو، بوی آزادی به مشام‌شان می‌رسد و خواستار هویت و شخصیت اسلامی خود می‌گردند. این در حالی است که روس در آغاز - که به افغانستان حمله کرد - چنین گمانی را در سر نداشت.

بناء بر هند هم لازم است که از این رویداد تاریخی درس گیرد. هرگاه هند بر کشمیر ستم روا دارد، هند به این حالت باقی نخواهد ماند؛ زیرا در هندوستان، ملت‌هایی هستند که راضی نیستند تا هندویزم بر آنان فرمانروایی کند.

در هند بیش از یک صد میلیون مسلمان و اقلیت‌های دیگر، مثل سیک‌ها زندگی دارند و خواهان آزادی خویشتن بر ضد هندوستان‌اند، هرگاه هند بر پاکستان حمله کند، پاکستان تنها نیست. اگر دولت‌های اسلامی در پهلوی پاکستان نیستند، همه ملت‌های مسلمان در پهلوی پاکستان و ملت کشمیر قرار می‌گیرند و من از عقب این تریبون اعلان می‌دارم که ما مجاهدین افغانستان همراه برادران کشمیری خود هستیم و به آن‌ها می‌گوییم، شما به برکت خدا، به

راه خود ادامه دهید،! شما در منطقه تنها نیستید؛ بلکه برادران مجاهد شما در افغانستان با شمایند و از شما و مرام‌های اسلامی‌تان دفاع خواهند کرد.
 خداوند شما را در جهادتان بر ضد ستمگران اشغالگر هندی موفق گرداند.
 أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ إِنَّهُ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ
 وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

خطابهٔ یک صد و پنجاه و چهارم

در صحبت با مأمورین وزارت اعمار مجدد

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ سال یازدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۲۲، پنج‌شنبه، ۱۷ جوزا

۱۳۶۹ هـ ش / ۱۴ ذوالقعدة ۱۴۱۰ هـ ق / ۷ جون ۱۹۹۰ م.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَكَفَى وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ
اضْطَفَى؛^۱ اما بعد:

طوری که پیش‌تر برادران عزیزمان، بایان شیوای خود در ارتباط با نهضت اسلامی و خصوصیات نهضت اسلامی و مشکلاتی که در مسیر راه نهضت اسلامی قرار دارد، با توطیه‌ها و دسایسی که انقلاب را تهدید می‌کند، اظهاراتی داشتند؛ ولی به علت کمبود وقت نتوانستند بیشتر حق مطلب را ادا کنند، من روی این مطلب بحث کنم که فعلاً ما در کدام مرحله قرار داریم؟ ما با چه اوضاع و احوالی روبه‌رویم، چه باید بکنیم و چه انتظاری، دنیا از ما دارد و مشکل ما در اوضاع کنونی چیست؟

البته شکی نیست که ملت مؤمن ما به همت سنگر نشینان عزیزش، توانست بزرگ‌ترین حماسه‌ها بیافریند و از لحاظ نظامی، پیروزی‌های عظیمی نصیب ما شد؛ اما اکنون در مرحله‌ای هستیم که باید ملت مؤمن ما بعد از این همه دردها و رنج‌ها و بعد از این همه تکالیف بی‌حسابی که متحمل شده است، در سایهٔ پربرکت نظام اسلامی زندگی کنند؛ بلی، ما باید نظام اسلامی را حاکم بسازیم؛ چون یکی از وجایب عمده و از مهم‌ترین فروض دینی ما این است. آیا ما به خاطر داریم که در تاریخ اسلام، در هنگامی که رسول اکرم ﷺ رحلت کردند و هنوز جسد قدسی‌شان دفن نشده بود، مسلمانان روی چه مطلب می‌اندیشیدند؟

۱. به‌نام خداوند بخشندهٔ مهربان، ستایش از آن الله است و بس و درود بر بندگان برگزیدهٔ او. «مرکز تدوین»

در آن حالی که عاشقان و شیدایان پیامبر گرامی Y که حتی تصوّر جدایی و فراق پیامبر را نمی‌توانستند در دماغ خود جای بدهند و حالت آنان چنان بود که زمانی خبر رحلت پیامبر Y منتشر شد و حضرت عمر ~ هنوز خبر را از بعضی زبان‌ها شنید، شمشیر را به دست گرفت و گفت:

«زینهار! کسی که این حرف را به زبان براند که پیغمبر فوت کرده است، هرگز پیغمبر فوت نمی‌کند، او به‌مانند حضرت عیسی به‌پیشگاه پروردگارش رفته است.»
تصوّر مرگ پیغمبر را حتی عالم‌ترین و آگاه‌ترین یار پیغمبر به احکام خداوند-جل جلاله- و هدایات پیغمبر هرگز نمی‌کرد، درحالی که ببین که خداوند-جل جلاله- می‌فرماید:

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا..﴾^۱

زمانی که حضرت ابوبکر صدیق ~،^۲ حرف حضرت عمر فاروق ~ را شنید و دانست که مسلمانان در یک حالت تشنّج عصبی به سر می‌برند که هرگز فراق پیغمبر Y را نمی‌خواهند از هیچ زبانی بشنوند، حضرت صدیق اکبر ~ با فقاہتی که از سرچشمه علم نبوت فرا گرفته بود و با وجود آن همه عشق بی‌مثالش به رسول اکرم Y، بر منبر بلند شد و مسلمانان را مورد خطاب قرار داد و فرمود:

﴿إِنَّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ مِنْ كَانَ يَعْبُدُ مُحَمَّدًا فَإِنَّ مُحَمَّدًا قَدِمَات، وَمَنْ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ فَإِنَّ

۱. آل‌عمران / ۱۴۴. ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَصُرَ اللَّهُ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ﴾ (و محمد جز فرستاده‌ای که پیش از او [هم] پیامبرانی [آمده و] گذشتند نیست، آیا اگر او بمیرد یا کشته شود، از عقیده خود برمی‌گردید و هرکس از عقیده خود بازگردد، هرگز هیچ زبانی به خدا نمی‌رساند و به‌زودی خداوند سیاست‌گزاران را پاداش می‌دهد.) «مرکز تدوین»

۲. نامش عبدالله بن عثمان ابوقحافه، ملقب به عتیق و صدیق است. دو سال و چند ماه از رسول الله کوچک‌تر بود. قبل از بعثت دوست پیامبر Y بود. وقتی که خداوند حضرت Y را با مقام نبوت گرامی داشت، نخستین مردی بود که دعوت رسول الله را لیبیک گفت. یگانه یار و رفیق غار با آن حضرت Y در هجرت به مدینه منوره و همچنان پدر همسر آن حضرت - ام‌المؤمنین عایشه U- می‌باشند. بعد از رحلت رسول الله Y در سال دهم هجری به مقام خلافت برگزیده شد و بعد از دو سال و سه ماه خلافت، به عمر شصت‌وسه‌سالگی به رحمت حق پیوست و در کنار مرقد مطهر رسول گرامی Y؛ در حجره ام‌المؤمنین عایشه U به خاک سپرده شد. نگاه: ستارگان هدایت، ص: ۱۱۵، خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، از صلاح عبدالفتاح الخالدی و محمد Y نخستین مربی و آموزگار بشریت از رهبر شهید پروفیسور برهان‌الدین ربانی. «مرکز تدوین»

الله حي لا يموت ﴿۱﴾

بعد از آن، این آیت را خواندند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا...﴾^۲

بلی، حضرت ابوبکر صدیق ~؛ همین که حواس همهٔ مسلمانان را برهم و درهم دید و دید طوری یک حالت ناگوار بر اعصاب‌شان طاری شده است که هیچ کس سر از پای نمی‌شناسد،

همین بود که حضرت ابوبکر ~ فرمودند: «ای مسلمانان! شما باید بدانید، کسانی که پیغمبر را می‌پرستیدند، پیغمبر از جهان رفت، در اسلام تنها مسلمان خدا را می‌پرستد، پیغمبر بنده‌ای از بندگان خداست و کسی که خدا را می‌پرستد، خداوند حی لا یموت است و هرگز مرگ بر خداوند - جل جلاله - طاری‌شدنی نیست.

و بعداً این آیت را خواند:

«محمد نیست؛ مگر رسولی از رسولان الله، اگر پیامبر فوت کند و یا کشته شود، شما از راه خود برمی‌گردید؟ کسی که از راه خود برمی‌گردد، به خداوند هیچ ضرری نیست...»

حضرت عمر ~ می‌گوید:

«زمانی که این آیت را شنیدم، فکر کردم که این آیت تازه نازل شده و مانند آب سردی بود که بالای عواطف من فروبریزد و یکدم سرد شدم.»

خلاصه در چنین حالی و در چنین یک وضعی که مسلمانان قرار داشتند که عزیزترین عزیزان‌شان و محبوب‌ترین محبوبان‌شان (پیامبر گرامی Y) جان به جان آفرین سپرده، در این لحظات حسّاس فکر می‌کردند و یقین داشتند که چیزی مهم‌تر هست که پیامبر ایشان، به آن دستور داده است و آن عبارت است از: به میان آوردن یک رئیس دولت.

۱. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۱۲۴۱. (هرکسی که محمد را می‌پرستد، اکنون محمد از دنیا رفته است و کسی که خدا را می‌پرستد، خداوند زنده است و هرگز نمی‌میرد.) «مرکز تدوین»
۲. گذشت.

لذا پیش از اینکه جسد مبارک پیامبر اکرم Y را دفن کنند، اجتماعی را تشکیل می‌دهند که تا جامعه مسلمانان برای لحظه‌ای هم بی‌رئیس نباشد و می‌گویند که باید رئیس حکومت تعیین شود.

حضرت ابوبکر صدیق ~ می‌فرماید:

﴿وَلَا بَدَّ لِهَذَا الدِّينِ مَمَّنْ يَقُومُ بِهِ﴾^۱

یعنی باید برای این دین، یک سرپرستی باشد؛ یک رئیس جمهوری باشد؛ رئیس دولتی بوده باشد.

القصة مناقشات در میان اصحاب کاملاً در یک فضای آزاد صورت می‌گیرد، انصار^۲ در یک طرف و مهاجرین^۳ در جانب دیگر، انصار می‌گویند که امیر از جانب ما باشد، مهاجرین می‌گویند که امیر از جانب ما باشد؛ سرانجام انصار گفتند:

﴿مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ﴾^۴

یعنی در صورتی که قبول نمی‌کنید، یک امیر از ما باشد و یک امیر از شما؛ حضرت ابوبکر صدیق ~ استدلال می‌کند که در یک حکومت اسلامی دو سلطنت به میان آمده نمی‌تواند و پیشنهاد می‌کند: ﴿مِنَ الْأَمْرَاءِ وَمِنْكُمْ الْوُزَرَاءُ﴾^۵ یعنی این شده می‌تواند که از ما پادشاه باشد و از میان شما صدراعظم و یا از ما امیر و رئیس دولت و از شما وزرا و مستشاران نزدیکی بوده باشد.

به‌هر حال؛ بالاخره فیصله صورت می‌گیرد، حضرت عمر ~ به حضرت

۱. الموافق، از قاضی عضدالدین ایجی، ج ۳ / ۵۷۹ - ۵۸۰. «مرکز تدوین»

۲. انصار: در تاریخ به آن دسته از مسلمانان اهل مدینه گفته می‌شود که پس از هجرت رسول اکرم Y از مکه به مدینه، بدو گرویدند و او را یاری و حمایت کردند و اینان بیشتر از قبیله اوس و خزرج بودند. «مرکز تدوین»

۳. مهاجرین: گروهی که با رسول الله Y ، از مکه به سوی مدینه هجرت کردند، قرآن کریم در سوره توبه، آیه ۱۰۰، در مورد می‌فرماید: ﴿وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ﴾ (پیشگامان نخستین مهاجران و انصار و کسانی که به نیکی روش آنان را در پیش گرفتند و راه ایشان را به‌خوبی پیمودند، الله از آنان خشنود است و ایشان هم از الله خشنودند و الله برای آنان بهشت را آماده ساخته است که در زیر آن رودخانه‌ها جاری است و جاودانه در آنجا می‌مانند، این است پیروزی بزرگ و رستگاری سترگ). «مرکز تدوین»

۴. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۶۶۷ و تاریخ الطبری، ج: ۳، ص: ۲۰۶. «مرکز تدوین»

۵. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۶۶۷ و الکامل فی التاریخ، ج: ۲، ص: ۳۲۵. «مرکز تدوین»

ابوبکر ~ می‌گوید: «مدیدک أبايع»^۱ دستت را دراز بکن که بیعت بکنم، اولین بار او بیعت می‌کند و به همین مشکل بیعت ادامه پیدا می‌کند.^۲ به هر حال؛ می‌بینیم در این مرحله حساس، مطلبی که برای‌شان بسیار عمده است و حتی از دفن پیامبر ﷺ در نظرشان مهم‌تر است، موضوع تشکیل دولت و تعیین رئیس دولت است.

اکنون از جمله مسئله بسیار عمده و اساسی برای ملت ما تشکیل یک حکومت است و آن هم حکومت اسلامی است.

پرابلم بسیار عمده و اساسی در اوضاع کنونی برای ما انتقال سلطه است، از دست یک‌مشت غدار و خاین به دست ملت مسلمان ما و نماینده‌های برحق و شرعی‌شان، این مطلب در تعبیر امروز به‌نام «حل قضیه افغانستان» مطرح است. مسئله افغانستان باید حل شود، خوب به چه شکلی حل صورت بگیرد؟

ماوشما می‌دانیم که حتی در قضایای اجتماعی، در قضایای فلسفی و در قضایای سیاسی، یک لفظ تعبیرهای مختلفی دارد؛ پس حل قضیه افغانستان به نزد هر کسی مفهوم بخصوصی دارد و حتی به نزد روس‌ها هم حل قضیه افغانستان در مراحل مختلف، معنی‌های مختلفی داشت، در آغاز حمله روس‌ها در دوران حکومت برژنف^۳ حل مشکل افغانستان چه معنی داشت؟

حل مشکل افغانستان، معنای سرکوبی مطلق ملت افغانستان، نابودی اسلام و مسلمانان در افغانستان، ریشه‌کن ساختن هویت اسلامی و ملی مردم افغانستان را داشت و به‌نام‌های خطرانی که از جنوب متصوّر است، یا به‌خاطری که طی چند سالی، امپراتوری روسیه زیادتر امتداد پیدا کند و وسعت بیابد، باید افغانستان هم جزء امپراتوری روسیه قرار بگیرد.

در آغاز حمله، یگانه راه‌حل از نظر روس‌ها سقوط کلی افغانستان بود که حتی برژنف به اعتراف مستشار گورباچف که سفرهای مختلفی به پاکستان داشت و در

۱. تاریخ الطبری، ج: ۳، ص: ۲۲۱. «مرکز تدوین»

۲. صحیح البخاری، شماره حدیث: ۳۶۶۷. «مرکز تدوین»

۳. لئونید ایلیچ برژنف: سیاست‌مدار و دبیر کل کمیته مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که در ۱۹ دسامبر ۱۹۰۶م، میلادی زاده شد و در ۱۰ نوامبر ۱۹۸۲م، درگذشت. «مرکز تدوین»

مصاحبهٔ اخیری که داشت، در آن هم نوشت که برژنف تصمیم داشت در یکی از مراحل، بالای پاکستان هم حملهٔ نظامی صورت بگیرد؛ یعنی در آن دوران پیش روس‌ها حل قضیهٔ افغانستان نابودی کامل افغانستان و تسلط مطلق کمونیزم روسی در افغانستان و حاکمیت ناروای روسی در افغانستان بود و ماوشما هم از زبان کمونیست‌ها زیاد می‌شنیدیم، مخصوصاً در آغاز کودتاهای ناروای‌شان که می‌گفتند: ما اصلاً خاک افغانستان را ضرورت داریم، نه مردم افغانستان را، این خاک باید جزء کشور روسیه شود و این یگانه راه حل‌شان بود؛ اما بعدها باز این راه‌حل در نظر روس‌ها تغییر می‌کند.

زمانی که با مقاومت سرسختانهٔ ملت افغانستان روبه‌رو می‌شوند، طرح راه‌حلی که روس‌ها تقدیم می‌کنند، در مذاکرات طایف در دوران گورباچف و حتی پیش از گورباچف در دوران «آندروپوف»^۱ و «چرنینکو»^۲ راه‌حل تقریباً شکل دیگری پیدا می‌کنند چون به این نتیجه می‌رسند که نابودی افغانستان مسئلهٔ ساده نیست و مقاومت بسیار قاطعانه و جدی است؛ لذا باید یک حکومت مشترکی تشکیل داد.

اولین درخواستی که «ورانتسوف»^۳ از هیئت مجاهدین در طایف^۳ به عمل می‌آرد که ما از افغانستان می‌براییم، به خاک شما کاری نداریم؛ اما یک راه‌حل را شما بپذیرید، حکومت کابل را با خود شریک نکنید و یک حکومت مشترک تشکیل دهید و دیگر ما کاری به شما نداریم و ما هم افغانستان را برای شما می‌گذاریم و کمک‌هایی هم با شما داریم.

یعنی حل قضیهٔ افغانستان را بعد از مرحلهٔ یأس و ناامیدی‌شان - که در آغاز نابودی افغانستان بود - به شکل دیگری تغییر می‌دهند؛ یعنی به شکل تشکیل

۱. یوری ولادیمیرویچ آندروپوف: سیاست‌مدار اتحاد شوروی و دبیر کل حزب کمونیست اتحاد شوروی بود که در ۱۵ جون ۱۹۱۴ م، زاده شد و در ۹ فیبروری ۱۹۸۴ م، به عمر ۶۹ سالگی درگذشت. «مرکز تدوین»

۲. کنستانتین اوستینوویچ چرنینکو: سیاست‌مدار اهل اتحاد جماهیر شوروی و هفتمین رهبر اتحاد جماهیر شوروی بود که در ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۱ م، زاده شد و در ۱۰ مارچ ۱۹۸۵ م، درگذشت. «مرکز تدوین»

۳. یکی از شهرهای عربستان سعودی در مکه مکرمه است. «مرکز تدوین»

یک حکومت مشترک یا حکومت ایتلافی. آن‌ها فکر می‌کردند که مانند پولند، حکومت ایتلافی به میان بیاید و بعد از آن، احزاب دیگر، توسط حزب کمونیست به کلی از بین برود و تشکیلات حزب کمونیست در افغانستان قوی است؛ اما گروه‌های دیگر پراکنده‌اند و ساختمان‌بندی سیاسی و تشکیلاتی‌شان بسیار قوی نیست و آن پشتوانهٔ نیرومندی را هم ندارند که روسیه با همه دستگاه جهتمی خود با حکومت دست‌نشاندهٔ خود در کابل همکاری بی‌حد و حصر می‌کند. به این ترتیب، چهرهٔ خاین و غدارشان و آنان جزء یک حکومت قانونی و مشروعی می‌شوند.

اینجاست که آن‌ها می‌توانند از راه کودتاها، دیگری، بالاخره مجاهدین و مسلمانان و دیگر عناصر را سرکوب بکنند و از بین ببرند و حکومت را بگیرند و آن وقت است که حکومت باز شکل یک حکومت قانونی و شرعی را گرفته است. این راه‌حلی بود که روس‌ها آن را به حیث یکی از شروط اخراج قوای خود از افغانستان تقدیم می‌کردند.

راه‌حل از نظر کشورهای دیگر چیست؟

تعدادی از کشورهایی که به نام کشورهای دوست افغانستان بود، این‌ها هم راه‌های حلی را در مراحل مختلفی به اشکال مختلفی عرضه داشتند. در آغاز هیچ‌کس به فکر پیروزی مجاهدین نبودند و تصور می‌کردند، حلی که باید به قضیهٔ افغانستان فکر شود، این است که مجاهدین باید بتوانند روسیه را به یک کشمکش نظامی و بن‌بست روبه‌رو بسازند و ضرباتی را هم بر پیکر روسیه وارد بیاورند؛ تا حیثیت نظامی و ابرقدرتی روسیه در جهان خدشه‌دار شود و با این کار و به این شکل روسیه به یک‌نیمه شکست روبه‌رو شود.

خلاصه فکر می‌کردند که البته این هم یک راه حلی است؛ اما اینکه حکومتی را مجاهدین به میان بیاورند، این از جمله راه‌های حل نبود؛ البته بعدها وقتی مجاهدین کمی قدرت گرفتند، کشورهای دوست افغانستان، آن‌هایی که هرگز تصور نمی‌کردند که این‌ها صلاحیت و قدرت تشکیل دولت را داشته باشند و با بتوانند ضربهٔ شدیدی بر پیکر روسیه وارد بیاورند و کسی هم تصوری از انفجار در جهان کمونیسم و شکست‌هایی که امروز دامن‌گیر کمونیسم شده، نمی‌کرد

و کسی تصوّر نمی‌کرد که چنین حالتی دامن‌گیر کمونیزم گردد؛ لذا زمانی که دیدند، به‌راستی مجاهدین در مرحله‌ای رسیدند که می‌توانند حکومتی بسازند و کمونیزم هم در سطح جهانی به بن‌بست و مشکل روبه‌رو شده، در اینجا می‌بینیم که راه‌حل در نظر کشورهای که به‌نام دوستِ قضیهٔ افغانستان اند، تغییر کند و در این حالت است آن‌ها به فکر حکومتی غیر از حکومت مجاهدین می‌افتند و راه‌های حل مختلفی مطرح می‌شود.

آن روز شاید همهٔ ماوشما به خاطر داشته باشیم که مسئلهٔ لویه جرگه به اصطلاح به‌نظام کشورهای غربی سازگارترین راه‌حل برای قضیهٔ افغانستان بود؛ بنابراین؛ همه این توصیه را می‌کردند که چرا «لویه جرگه» نمی‌سازید؟ لویه جرگه یگانه راه‌حل تاریخی و ملی شماسست، این‌ها چرا این راه‌حل را توصیه و یا درخواست می‌کنند؟

فکر می‌کردند که اگر لویه جرگه به میان آید، یقیناً مجاهدین در آنجا نقشی نمی‌داشته باشند و افراد دیگری که باب دندان آنان است و موافق سخن و مزاج‌شان، در آنجا جابجا می‌شوند؛ اما زمانی که مجاهدین فیصله کردند که ما یک «جرگهٔ بزرگ اسلامی» را می‌سازیم، در اینجا علاقه‌مندی کاملاً از بین رفت؛ در این وقت هیچ‌کسی آن راه‌حل تاریخی را به زبان نیاورد که دیروز از آن می‌گفتند. چرا تعدادی با این موافق‌اید و عده‌ای با آن، مخالف.

حالا باز موضوع انتخابات سرتاسری و انتخابات تحت نظر ارگان‌های بین‌المللی مطرح است و سهم دادن برای کمونیستان مطرح است. امروز حل کردن مشکلات نظامی و حل کردن مسئلهٔ مناطقی که تحت تسلط حکومت مزدور کابل قرار دارد، دیگر این‌ها به حیث مسایل اساسی به نزد کشورهای که دیروز از «لویه جرگه» پشتیبانی می‌کردند، نیست؛ بلکه موضوع تغییر کرده و شکل دیگری را گرفته است.

امروز که از این مطلب سخن گفته می‌شود که انتخابات عمومی صورت بگیرد، به خاطر این است که این فکر را می‌کنند که شاید تبلیغات گسترده‌ای که علیه مجاهدین، علیه تنظیم‌های جهادی صورت گرفته است و محرومیت‌های

زیادی که دامن‌گیر مجاهدین شده است، مجاهدین ناتوان شده‌اند و می‌روند و بعضی مصاحبه‌هایی را از یک بیچارهٔ مظلوم، در یکی از کمپ‌ها به عمل آوردند که او به فکر برگشتن به وطن خود است و شاید هم او گفته باشد که من به فکر آن نیستم که چه کسی سر صحنه می‌آید، من می‌خواهم که زودتر به وطن خود برگردم، این سخن را به‌عنوان ملاک قضاوت مردم افغانستان تصوّر کرده و فکر کردند که گویا مردم از مجاهدین ناراضی است و مجاهدین را کسی نمی‌خواهد و به‌زعم خودشان نبض مردم را گرفتند که در انتخابات مجاهدین موفق نمی‌شوند؛ لذا باید انتخابات صورت بگیرد؛ اما روزی که احساس می‌کنند که در انتخابات مجاهدین موفق می‌شوند، آنجا باز مسئلهٔ انتخابات، بار دیگر مطرح بحث نیست، باز یقیناً که راه‌حل دیگری جست‌وجو می‌شود.

به‌هر حال؛ در اوضاع کنونی، تمام کشمکش‌ها و همه راه‌های حلی را که این‌ها طرح می‌کنند، در این جهت قرار دارد که باید مجاهدین حکومت نکنند و حکومت به دست افرادی بیرون از حوزه‌های مجاهدین قرار داشته باشد.

البته این مسئله به حیث یکی از مسایل بسیار داغ و یکی از موضوعاتی است که امروز در سطح بین‌المللی مطرح است و در پیوند به موضوع افغانستان تبصره‌های عجیب‌وغریبی صورت می‌گیرد که گویا بعد از این، حل نظامی ناممکن است، باید حل سیاسی در قضیهٔ افغانستان صورت بگیرد.

خوب حل سیاسی هم که صورت می‌گیرد، این چه نوع حل سیاسی باشد؟ اصلاً ما وقتی مشکل کشور خود را می‌بینیم، به این یقین می‌رسیم که باید طوری که پیش‌تر برادران اشاره کردند. در تشکیل دولت رأی مردم معتبر باشد و چنین هم است؛ اما کسانی که کاندیدا می‌شوند، باید صفات بخصوصی داشته باشند. یک غدار و خاین، یک کافر و ملحد و یک انسانی که به هیچ اصلی از اصول اسلامی وابستگی و پیوندی نداشته باشد، نمی‌تواند از مردم یک کشور مسلمان نمایندگی کند؛ ولی در این مرحله این نکته را باید بفهمیم که برای انتقال قدرت، چه نوع فرمولی را به کاربریم تا انتقال قدرت به صورت خیلی مطمئن و در یک فضای امن و اطمینان صورت بگیرد.

اصل مشکل از کجا نشئت می کند؟

اصل مشکل در افغانستان از اینجا نشئت کرده بود که اصلاً در افغانستان انتخاباتی صورت نگرفته بود و بعداً کشمکش به میان آمد و روس ها حمله ور شدند. حمله روس ها به افغانستان فاجعه بار آورد.

اصلاً کمونیست ها نمی خواستند که در افغانستان هیچ نوع انتخاباتی صورت بگیرد؛ بلکه آن ها می خواستند که یک حکومت دیکتاتوری کودتایی را به زور بالای ملت افغانستان بقبولانند. ناگفته نباید گذاشت که اصل مشکل در خود روس ها و در اهداف توسعه جویانه روسیه در منطقه و مخصوصاً در افغانستان است.

اگرچه شاید گورباچف چهره ای غیر از چهره برژنف را داشته باشد؛ اما من آن حرفی را که رئیس جمهور سابق امریکا نیکسون^۱ گفته بود، حرف دلچسپی یافته ام، او می گوید:

«ما در غرب همیشه احمقانه بازی می خوریم، در برابر رهبران و لیدران جهان کمونیزم، مخصوصاً در روسیه فریب می خوریم؛ در حالی که می گوید:

ما به خاطر داریم که در دوران حیات استالین،^۲ همین که نامه نگاران غربی به دیدار استالین رفتند و آن وقت استالین هنوز در مرحله قدرتش قرار نگرفته بود، خبرنگاران در تأثیرات و خطرات خود می نوشتند: که استالین را یک چهره خیلی انسانی یافتیم تا جایی که کودکان معصوم می خواستند خود را در آغوش او قرار بدهند.»

البته طوری که پیش تر برادری گفت:

۱. ریچارد نیکسون (زاده ۱۹۱۳ - درگذشته ۱۹۹۴) یک سیاستمدار و وکیل آمریکایی بود که از سال ۱۹۶۹ الی ۱۹۷۴ به عنوان ۳۷مین رئیس جمهور ایالات متحده آمریکا بود. «مرکز تدوین»
 ۲. ژوزف استالین: سیاستمدار و دومین رهبر اتحاد جماهیر شوروی سابق پس از لنین بود که در ۱۸ دسامبر ۱۸۷۸ م، تولد و در ۵ مارچ ۱۹۵۳ م، درگذشت. وی در سال ۱۹۲۲ م، به مقام دبیر کلی حزب کمونیست اتحاد شوروی رسید و پس از مرگ لنین، موفق شد در مبارزه قدرت در دهه ۲۰ بر «لیون تروتسکی» پیروز شود و رهبری حزب را در دست گیرد. در دهه ۱۹۳۰ م، استالین تصفیه کبیر را آغاز کرد که به کمپانی از سرکوب سیاسی، دستگیری و قتل مخالفان معروف است که در ۱۹۳۷ م، به اوج رسید. جهت آگاهی بیشتر از جنایات استالین، به کتاب «تاریخ سری جنایت های استالین» نوشته الکساندر آرلوف با ترجمه دکتر عنایت الله رضا که از سوی انتشارات کتاب سرا در ۵۰۴ صفحه منتشر شده است، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

فرهنگ سگ‌دوستی، یکی از فرهنگ‌هایی است که در غرب حاکم است. نیکسون هم می‌گوید: خبرنگاران می‌گویند که سگ‌ها می‌خواهند برای استالین دُمک بزنند و این از کمال آدم بودن وی است؛ اما چندی بعدتر دیدیم که همین چهرهٔ انسانی، بیست میلیون از افراد کشور خود را ذبح کرد.

نیکسون می‌افزاید: همچنان در مورد خروشچف^۱ و برژنف نیز همین مطالب را می‌گفتند. برژنف را می‌گفتند: یک انسانی است کاملاً خاصیت غربی دارد و می‌خواهد که در آخرین مدل موتر سوار شود و بهترین دریشی‌ها و نکتایی‌ها را بپوشد، هیچ‌نوع فرقی میان او و غربی‌ها وجود ندارد؛ اما دیده شد که برژنف و خروشچف، چه چهره‌هایی بودند.

مبالغهٔ ما غربی‌ها در قسمت گورباچف به قدری است که بعضی‌ها او را مسیح دوم می‌خوانند؛ اما: ما نمی‌دانیم که فردا از این آدم، چه چهره‌ای به وجود خواهد آمد و چه کاری خواهد کرد؟

خلاصه، همه قیاس‌های ما احمقانه است، گورباچف اصلاً کمونیستی خود را ترک گفته است. او فقط یک روس توسعه جوست، اینکه کشمکش ما غربی‌ها با روسیه ختم شدنی نیست، نباید این حرف را به سادگی بگیریم و نباید برای آیندهٔ خود خوش‌بینانه فکر کنیم.

او همچنان از اشتباهاتی که در قسمت افغانستان دارد، سخن می‌زند و می‌گوید: نباید در مورد افغانستان بازی بخوریم و بالاخره مردم افغانستان باز در کام روسیه سقوط کند. البته او این مسئله را به یک تعبیر دیگری یادآوری می‌کند.

به هر حال، مشکل ما در افغانستان، مشکل امروزی نیست؛ بلکه ما از آغاز به آن دامن‌گیر بودیم. مشکل ما مشکل انتخابات و عدم انتخابات نیست، مشکل ما رأی‌گیری سرتاسری و عدم رأی‌گیری سرتاسری نیست، مشکل یک حکومت باقاعدهٔ وسیع نیست؛ بلکه مشکل اساسی در افغانستان، اصرار روسیه به ادامهٔ

۱. نیکیتا سرگیویچ خروشچف: در ۱۷ اپریل ۱۸۹۴ م. به دنیا آمد و در ۱۱ سپتامبر ۱۹۷۱ م. در مسکو درگذشت. وی رهبر شوروی بعد از استالین و دبیر اول کمیتهٔ مرکزی حزب کمونیست در اتحاد جماهیر شوروی از ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۴ و درعین حال از ۱۹۵۸ تا ۱۹۶۴ نخست‌وزیر اتحاد جماهیر شوروی بود. او پس از رسیدن به رهبری حزب کمونیست، در کنگرهٔ این حزب سخنرانی کرد و جنایات دوران استالین را محکوم کرد. «مرکز تدوین»

تجاوز است، روسیه همانند گذشته می‌خواهد به‌زور حکومت‌های دست‌نشانده را با صدها هزار عسکر خود بالای مردم ما بقبولاند.

روسیه هنوز هم عین همان هدف و برنامه را دارد و هیچ تغییری در دوران گورباچف نیامده است؛ بلکه اگر ما دقیق شویم، معیار جنگ از لحاظ نوعیت سلاح و خطرناک بودن سلاح در دوران گورباچف، خیلی‌ها خطرناک‌تر از دوران‌های گذشته شده است. شدیدترین حملات وقتی بود که گورباچف رئیس‌جمهور تعیین شد، راکت‌های «اسکاد» و «اورگان» و سایر سلاح‌های خطرناکی که در دوران گذشته استعمال نشده بود، در دوران گورباچف استعمال شده است.

اصرار سرسختانه‌ای که روسیه در قسمت دفاع از یک‌مشت عناصر کمونیست خود دارد تا هنوز ادامه دارد، انقلاب افغانستان به خاطر آن نبود که نجیب‌اعلان کند که من مسلمانم؛ یعنی اگر دو صدبار یک کافر ملحد شناخته شده اعلان بکند که من فعلاً کمونیست نیستم؛ [چه فرقی می‌کند.] یعنی این دستاورد انقلاب ما نیست که ما بگوییم که خیر و خلاص، بیاید با این‌ها بسازیم، انقلاب ما دستاوردهای بالاتر از این دارد که یک کمونیست منافقانه دعوی بکند و بالاخره ما هم به‌نام مشکل افغانستان بگوییم، خیر است، حکومت ایتلافی با کمونیست‌ها تشکیل بدهیم، شوراها را ایتلافی با کمونیست‌ها می‌سازیم، برای یک مرحله برای حل قضیه افغانستان؛ یعنی گویا، همه هم‌وغم مردم افغانستان تلاش ملت افغانستان، همه قربانی‌های مردم ما در این بود که ما گویا سرانجام به‌نام حل قضیه خود، یک‌مشت کمونیستی را که چهره خود را تغییر داده‌اند، قبول بکنیم.

به‌هر حال؛ مشکل اساسی یا راه‌حل اساسی در اینجا نباید جست‌وجو شود، راه‌حل مشکل افغانستان کدام معمای پیچیده نیست که روی سیاست‌مدارها و یا مفکرین مختلفی روی آن فکر کنند که از چه راهی ما آن را حل کنیم.

واضح است که یگانه مشکل ما اصرار روس‌ها در تجاوز در افغانستان است که باید روس‌ها از افغانستان برآیند، در امور داخلی ما مداخله نکنند، ملت ما را بگذارند که خودشان سرنوشت خود را از هر راهی که می‌خواهند تعیین کنند،

اگر می‌خواهند انتخابات کنند و اگر می‌خواهند «لوی جرگه» تشکیل بدهند، اگر می‌خواهند بزرگان قوم خود را مجموعاً جمع بکنند، اگر می‌خواهند رفراندوم^۱ بکنند، هر راهی را که آن‌ها مطابق اساسات اسلامی صلاح می‌دانند برگزینند؛ اما در دورانی که یک حکومت غاصب در افغانستان وجود دارد و در دورانی که یک کشور تجاوزگر هنوز هم تجاوزش ادامه دارد، باز هم از ما می‌خواهند که ما حل سیاسی داشته باشیم، یا برنامه‌ای برای حل قضیه افغانستان مطابق مزاج این کشور و آن کشور طرح بکنیم.

فعلاً همه مردم افغانستان، مجاهدین، مهاجرین و کسانی غیر از کمونیست‌ها، انتخابات را از عمق قلبشان نمی‌خواهند؛ اما تنها کمونیست‌ها این کار را برای یک شیطنت و تنها برای یک حيلة خطرناکی می‌خواهند و آن این‌که تمام غدر و خیانتی را که در گذشته مرتکب شدند، با اشتراک در یک انتخابات، همه را از بین ببرند و خود را جزء ملت و جزء مردم جا بزنند و روی تمام خیانت‌ها و جنایت‌های‌شان، چلیپا کشیده شود.

یکی از این خواسته‌های‌شان همین است و دوم این‌که هدف ناپاکی دارند و آن این‌که اگر انتخاباتی صورت بگیرد، دستگاه خاد و پولیس و سایر دستگاه‌های دهشت‌افگنی در داخل افغانستان، دست به ترور^۲ و جنایات بزنند و حتی آن‌ها از مؤسسه ملل متحد می‌خواهند تقاضا کنند که تحت سرپرستی ملل متحد انتخابات صورت بگیرد؛ ولی در حقیقت هدف‌شان قبول مراقبین ملل متحد نیست، من ضمن بعضی صحبت‌ها گفتم: اصلاً ما مجاهدین هیچ ترسی از مراقبین بین‌المللی نداریم و اصلاً چرا ترس داشته باشیم؟ اما نباید آن‌قدر با اعصاب متشنج در برابر آن‌ها قرار بگیریم که ما اصلاً اجازه نمی‌دهیم؛ بلکه ما

۱. همه‌پرسی یا رأی‌گیری مستقیم را گویند که از همه اعضای تشکیل‌دهنده یک سازمان یا جامعه، برای رد یا تصویب سیاستی که رهبران یا نمایندگان پیشنهاد کرده‌اند، استفاده می‌شود. «مرکز تدوین»
 ۲. واژه ترور (Terror) از ریشه لاتینی Terrere به معنای ترس و ترساندن است. این واژه (ترور / Terreur) برای نخستین بار در سال ۱۷۹۶ م، در متمع فرهنگ لغات «فرهنگستان علوم فرانسه» ظاهر شد و تروریزم را چنین معنا کرد: «نظام یا رژیم وحشت». واژه‌نامه فرانسوی روبر دو تعریف برای تروریزم ارائه می‌کند: ۱- اعمال مستمر خشونت در راه یک هدف سیاسی و اعمال خشونت‌آمیز مربوط به آن؛ ۲- رفتار و کردار حاکی از عدم تحمل و مدارا و ایجاد ارباب. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۱۸۸. «مرکز تدوین»

این مطلب را باید بگوییم که در اوضاع کنونی، روس‌ها و رژیم کابل می‌خواهند دسیسه کنند، با ورود افراد مربوط به ملل متحد، کنفرانس وزرای خارجه اسلامی شاید به نام اینکه مجاهدین را بدنام بسازند، دست به دهشت‌افگنی بزنند؛ لذا اوضاع برای آمدن آن‌ها مساعد نیست، دیگر اینکه تا هنوز فهرستی وجود ندارد که بر اساس آن تعداد رأی‌دهندگان تعیین شوند.

مثلاً درحالی که به نظر من هرات^۱ کم‌از کم یک میلیون نفوس داشته باشد؛ اما من امروز در یکی از یادداشت‌های ملل متحد خواندم که بیش از شش صد هزار نفر نوشته شده بود، البته بدخشان^۲ حدود پنج صد هزار نفر نوشته شده بود و بعضی ولایات دولک و بعضی دیگری هم به همین شکل که من فکر می‌کنم، این احصائیه گیری‌ها دقیق نیست.

اگرچه آن احصائیه در سال ۱۹۷۹م، جمع‌آوری شده است؛ اما هنوز هم فهرست درستی که منظم شده باشد و تعداد افراد را درست تعیین کرده باشد، موجود نیست؛ یعنی فهرست در اختیار ملل متحد هم موجود نیست، در اختیار مردم هم نیست.

پس به اساس کدام فهرست و به اساس کدام تعداد رأی‌دهندگان، انتخابات شروع شود؟ کار ملل متحد از کجا آغاز شود؟ لذا در اوضاع کنونی، این کارها عمل ساده‌ای نیست.

بعضی‌ها به خاطری که ایجاد مشکل کرده باشند، موضوع را هنوز پیچیده‌تر می‌سازند تا از مسئله افغانستان یک معمای پیچیده درست کنند و تا به سر رشته گپ از پیش همه گم شود، درحالی که اصلاً حل مسئله افغانستان کدام معمای

۱. هرات: در شمال غرب افغانستان موقعیت دارد و مرکز آن شهر هرات است. مساحت آن ۵۵۸۶۸،۵۳ کیلومتر مربع و جمعیت آن قرار احصائیه سال ۱۳۹۱هـ.ش، حدود ۱۶۷۶۰۰۰ هزار نفر تخمین شده است که از این احصائیه حدود ۹ سال می‌گذرد و ممکن تغییراتی در آمار جمعیت این استان به وجود آمده باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۸۹۲-۹۰۷. (مرکز تدوین)

۲. بدخشان: در انتهای گوشه شمال شرقی افغانستان واقع گردیده است. مساحت آن ۴۴۸۳۵،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱هـ.ش، حدود ۹۰۴،۹ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر فیض‌آباد می‌باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۳۹۱-۴۱۶. (مرکز تدوین)

پیچیده نیست.

روس از افغانستان برآید، مداخلات قطع شود، مجاهدین بین هم بنشینند و خودشان بین هم بسنجند، همه مردم افغانستان را در آن سهم بدهند، مشکل حل می‌شود. تعجب این است که در چنین اوضاعی، خیلی تبلیغات علیه مجاهدین روان است.

تعجب می‌کنم، پادشاه سابق افغانستان که سال‌ها مهر خموشی بر لب نهاده بود، برای اولین بار علیه مجاهدین صف‌آرایی کرده است. او می‌گوید: «این‌ها حق ندارند که مدعی زعامت سیاسی افغانستان شوند.» این سخن خیلی قابل تعجب است! خوب اگر مجاهدین حق ندارند پس که حق خواهد داشت؟

اگر کسانی که در بحرانی‌ترین اوضاع، در پهلوی ملت خود قرار گرفتند و کسانی که نه تاج و تختی داشتند و نه امکانات مادی‌ای از دوره‌های سابق، در اختیارشان بود و با دست‌خالی به کار آغاز کردند و همه خطرها و رنج‌ها را با ملت خود یکجا متحمل شدند و به لطف پروردگار انقلاب به این سرحد رسید، پس آن حق را نداشته باشند که مدعی زعامت ملی خود باشند، پس کسی که اصلاً از تلفن یک اجینت روسیه، در زیر خانه‌ها پنهان می‌شد و می‌ترسید و در دوران حکومت کمونیست‌ها، کم‌ترین جرئتی برای خود نمی‌دید که به نام ملت خود حرفی بزند، آیا او می‌تواند مدعی زعامت شود؟

ما یقین داریم، این حرف‌ها و این تبلیغات، یک سلسله تبلیغات بسیار منظمی است که بر ضد همه مجاهدین صورت می‌گیرد.

امروز بعضی از مجاهدین بسیار زیاد مورد حمله قرار می‌گیرند که این‌ها اخوانی‌اند؛^۱ اما من یقین دارم هر کسی که در صف مجاهدین قرار بگیرد و هریکی

۱. اخوانی: کسی که منسوب به اخوان المسلمین باشد. این جریان، یک جنبش فراملی اسلام‌گراست که در بسیاری از کشورهای اسلامی بزرگ‌ترین جریان اپوزیسیون به شمار می‌رود و مواردی در کشورهای وقت‌های هم که از طریق انتخابات قدرت را به دست گرفتند، کودتا علیه شان به راه انداخته شد و در کشورهای هم یا اقتدار سیاسی به دست هواداران این جنبش است و یا هم هواداران آن سهمیم در قدرت‌اند. این جریان قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین گروه سیاسی اسلامی معاصر به شمار می‌رود که در مارچ ۱۹۲۸ م، در شهر «اسماعیلیه» توسط امام حسن البنا^۲ شهید بنانهاده

از آن‌ها برای ملت افغانستان به حیث زعیّم تقدیم شود، کسانی که نمی‌خواهند از صف مجاهدین زعامت سیاسی به وجود بیاید، حتماً در برابرش صف‌بندی، مشکل تراشی و تبلیغات می‌کنند.

چیزی که برای ما لازم است، اول‌تر از همه، متوجه باشیم که بعد از این مردم ما باید آگاه شوند حقایق به مردم ما برسد، مشکل انقلاب و مخصوصاً مشکل مرحله کنونی انقلاب را به هر کس باید توضیح بدهم، به مجاهدین خود و به قوماندانان‌های خود تشریح بکنیم، فاصله‌ها را از میان برداریم و به مردم بفهمانیم که به راستی اگر همین صف جهادی نمی‌بود و اگر انقلاب اسلامی ما نمی‌بود، امروز جغرافیة جهان اسلام تغییر می‌کرد، افغانستان مستقل و اسلامی نمی‌بود. شما می‌بینید که مزدوران کمونیست در افغانستان حتی در دورانی که اعلان مسلمانی هم می‌کنند، چگونه می‌خواهند برنامه‌های روسیه را پیاده کنند.

یکی از خواست‌های اول روسیه در سال‌های اول تجاوزش که نتوانست تمام افغانستان را اشغال کند، این بود که می‌گفتند:

افغانستان باید یک کشور غیرمسلح باشد، امروز می‌بینیم که نجیب هم در مقدمه - گویا - «قانون اساسی» چهره خاینانه و مزدورانه خود را علناً برملا ساخته و اعلان می‌کند که از راه غیرنظامی ساختن افغانستان باید قضیه حل گردد.

خلاصه می‌خواهند یک ملت قهرمان را و یک ملّتی را که در طول تاریخ باکمال شهامت از استقلال و از دین خود دفاع کرده است، به عنوان یک ملت دست‌بسته در برابر هر تجاوز اجنبی مخصوصاً روس‌ها قرار بدهد و این جنایتی است نابخشودنی.

باید این مطلب به همه مردم مطرح شود، مهاجرین ما که در رنج و محنت به سر می‌برند، تکالیف زیادی را متحمل می‌شوند، می‌خواهند محدودیت‌های

شد، مراحل دعوت در اخوان سه‌اند: ۱. تعریف؛ ۲. ساختن؛ ۳. اجراء کردن؛ اما ارکان بیعت اخوان ده است: فهم؛ اخلاص؛ عمل؛ جهاد؛ قربانی؛ ثبات؛ تجرد؛ برادری؛ اطاعت و اعتماد. و شعار اخوان این‌هاست: «الله - جل جلاله - هدف ماست؛ رسول الله ﷺ رهبر ماست؛ قرآن قانون ماست؛ جهاد راه ماست؛ شهادت در راه الله - جل جلاله - از بزرگ‌ترین آرزوهای ماست.» برای معلومات بیشتر، نگاه شود: اخوان المسلمین هفتادسال دعوت، تربیت و جهاد، از دکتور یوسف قرضاوی و اخوان المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، از استاد جابر. «مرکز تدوین»

بیشتر را در مقابل آنان به میان آرند؛ اما ما یقین داریم که این سختی‌ها، همه گذشته است، باید با صبر و استقامت این مراحل را گذشتاند و باید هر فرد ما به‌عنوان قاصدی که پیام انقلاب را به هر خانواده و به هر کمپ و به هر قریه و شهر می‌رساند برسانیم و باید جلو تبلیغات ناروایی را که علیه انقلاب صورت می‌گیرد را بگیریم.

کمونیستان زمانی که می‌خواستند علیه اسلام تبلیغ بکنند، اسلام را نمی‌کوبیدند، می‌گفتند: اسلام یک دین مترقی و انقلابی است؛ مگر این ملاحظه کنید که تمام مصیبت را آورده‌اند و مانع پیشرفت گویا این ملاحظه‌ها، وقتی که ملاحظه‌ها را خوب می‌کوبیدند و بعضی مردم ساده‌لوح هم می‌گفتند راست است، اسلام عیبی ندارد. همین ملاحظه‌ها که همه عیب به گردن‌شان است؛ هنگامی که زعامت را از دست علما می‌گرفتند، باز می‌گفتند: دینی که زعیمش همین مردم است که در نزد همه ملت منفورند، آن دین و آن ایدئولوژی چیست؟ «العیاذ باللّه»

دیروز این سیستم کار کمونیست‌ها بود، امروز هم به خاطری که انقلاب اسلامی را بکوبند، اول جنبش‌های اسلامی را می‌کوبند، انقلاب اسلامی را به مربوط به یک تحرک جهادی قلمداد نمی‌کنند؛ بلکه انقلاب اسلامی را به حیث یک حرکت سمارقی می‌شمارند که گویا با غرش توپ‌ها از هر جا سر بدر کرده است؛ درحالی که ما باید از این حقیقت جداً دفاع بکنیم که انقلاب ما بر اساس یک عقیده، بر اساس یک فکر و بر اساس تصمیم یک مجموعه عناصر مخلص و مؤمن آغاز شده است، با یک برنامه و لو بسیار دقیق هم نبود، شروع شد و چه بسا انقلاب‌ها که همه محتویات و دساتیر آن از آغاز تدوین شده، به کار شروع نمی‌کند و چه بسا انقلاب‌ها که بعدها دستورنامه‌های خود را می‌نویسند، روش‌ها و تاکتیک‌های جنگی و تبلیغاتی خود را دسته‌بندی می‌کنند.

بعد از انقلاب و یاد در دوران تکامل انقلاب، این چیزها نوشته می‌شود، ماوشما هم باید انقلاب خود را فرمول‌بندی بکنیم، مفکرین ما باید آغاز انقلاب، مراحل بعدی، تاکتیک‌های جنگی و رشد تکامل جنگی مجاهدین را با اسلوب‌هایی که به کار رفته است، با خصوصیات مختلفی که موجود است، تدوین کنند و نواقص

انقلاب را بنویسند، خود را نباید بی‌عیب معرفی کنیم، درست نیست که خود را در کمال خوبی‌ها معرفی کنیم؛ اما این طور هم نباشید که خود را یک مجموعه بی‌محتوا و بی‌ماهیت فکر بکنیم؛ یعنی راهی نداریم، جز در پناه کمونیست‌ها در بگوییم هر چه بادا باد!

یعنی چاره‌ای نداریم جز اینکه خلقی‌ها باز ما را نجات بدهند!

باید خود را از این فکر و اندیشه برحذر داشته باشیم، این خود ما هستیم که می‌توانیم خود را تا آخرین مرحله پیروزی به پیش ببریم، دستگاه تبلیغاتی از هر جایی که هست، باید در برابرش بایستیم. منطقی، مستدل و اصولی در برابر قضایا برخورد بکنیم، نواقص خود را باید بشماریم، نواقصی که در حکومت عبوری داشتیم، در احزاب و تنظیم‌های خود داریم، باید انتقاد را بشنویم، خود را انسان‌های بالاتر از سایر انسان‌ها فکر نکنیم که گویا ما سوپر انسان‌هاییم، ما هم اشتباه می‌کنیم، غلطی‌های ما باید برشمرده شود، غلطی‌های خود را باید بشنویم تا خود را اصلاح بکنیم، ما باید امیدوار باشیم؛ زیرا که انقلاب اسلامی ما در مرحله یأس نیست که قوماندان‌های ما سنگر را بگذارند و کلاً سیاستمدار شوند؛ بلکه باید قوماندان‌های ما به قوت سنگر خود را پیش ببرند و ما باید عینک سیاه به چشم نگذاریم، یأس و ناامیدی را در خود راه ندهیم و از برج‌های عاجی، در مورد مردم قضاوت نکنیم، اگر در سطح حزبییم و یا در سطح کلان‌های احزابیم و یا در سطح حکومتیم، باید روی انتقادها بحث بکنیم و بسنجیم؛ اما انتقادگران هم به اصطلاح بلندگوهای کوچکی و بازار نباشند، باید دلسوزانه و مخلصانه باهم در مجالس و محافل سخنان خود را بگویند - ما مخصوصاً در اوضاع کنونی - به مشوره‌های بیشتر برادران خود نیاز داریم، پیش از اینکه بشنویم که خارجی‌ها چه می‌گویند، باید خودمان انتقاد یکدیگر را بشنویم.

البته حرف خارجی‌ها را همیشه دشمنانه فکر نکنیم، یکی از اصول ماست که ما گپ‌های خوب را از هر جایی که بشنویم، می‌گیریم.
قرآن کریم می‌گوید:

«بهترین مسلمانان کسانی‌اند که حرف را می‌شنوند؛ اما خوب‌ترین آن‌را می‌گیرند»

و از آن متابعت و پیروی می‌کنند.»^۱

به هر صورت، مرحله فعلی فوق‌العاده حساس است. اگر راستی دقیق نشویم، شاید - خدای نخواست - یگان وقت پیروزی‌ها به شکست تبدیل می‌شود، بسیار غرور هم نداشته باشیم که همه کار را تمام کردیم، روسیه را خارج کردیم، دیگر هیچ چیزی باقی نمانده است، خدای نخواست حالتی به میان نیاید که ناخوشایند باشد. ما می‌بینیم در حیات پیامبر Y در جنگ اُحد^۲ پیروزی به شکست تبدیل شد، در حالی که پیامبر Y در میان مسلمانان تشریف داشتند؛ اما اینکه اصول اسلامی را به تمام معنی بعضی‌ها پیروی نکردند، بالاخره شکست را به ارمغان آوردند، ماوشما هم بکوشیم که خدای نخواست شکست از کدام راهی متوجه ما شود.

به هر حال؛ امیدواریم انقلاب ما به کلی به پیروزی برسد و ما هم در داخل کشورمان یک جبهه واحدی را تشکیل بدهیم که باکمال دلسوزی، اخلاص و دین‌دوستی و مردم‌دوستی قضایای جهان را ببینیم و راه‌های درستی را انتخاب کنیم.

وَالسَّلَام

۱. متن آیه مبارکه این است، زمر / ۱۸. ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (به سخن گوش فرا می‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینان اند که خدای‌شان راه نموده و اینان اند همان خردمندان.) «مرکز تدوین»
 ۲. این غزوه در روز شنبه پانزدهم شوال سال سوّم هجرت به وقوع پیوست. در این غزوه دندان و رخسار مبارک رسول گرامی اسلام Y مجروح و خون‌آلود گردید و به تعداد هفتاد نفر از مسلمانان به شهادت رسیدند که در آن میان حضرت حمزه کاکای پیامبر اکرم Y نیز شامل بود. درم قابل از کفار حدود ۲۳ نفر کشته شدند. نگاه: سیرت النبی (درس‌ها و اندرزها)، ص: ۶۰-۵۵ و تاریخ سیاسی اسلام، ص: ۱۲۰. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صدوپنجاه و پنجم
بریده‌ای از: سخنان رهبر شهید
در فاتحه خوانی و مجلس اتحاف دعا برای استاد محمدظاهر خطیب
مکان: چمکنی، پیشاور پاکستان؛
زمان: ۱۴ جوزای ۱۳۶۹ هـ.ش.



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَكَفَى وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَى؛ وبعد:

محلل امروزی ما به مناسبتِ اتحاف به روح شهید مظلومی است که در تقوی و طهارتش و فرشته خصالی اش شهرت عام داشت. شهادت خطیب^۱، دشمنی با خطیب نبوده؛ بلکه دشمنی با خط فکری و دعوت اسلامی می‌باشد. اخیراً در اثر یک سلسله توطیه‌ها در پیشاور، دکتور عبدالله عزام شهید^۲

۱. استاد محمدظاهر خطیبی: یکی از چهره‌های برجستهٔ جهاد بود که بسمت ریاست مجلس شورای ولایتی جمعیت اسلامی افغانستان را در ولایت لغمان به عهده داشت و در عین زمان در دانشگاه «دعوت الجهاد» به حیث استاد دانشکدهٔ اصول دین، ایفای وظیفه می‌کرد. وی در ۱۲ جوزای ۱۳۶۹ خورشیدی، در منزلش، در منطقه «تهکال پایین» توسط افراد نامعلومی به شهادت رسید. نگاه: مجاهد، سال سیزدهم نشراتی، شمارهٔ ۱۲۲، پنجشنبه، ۱۷ جوزای ۱۳۶۹. «مرکز تدوین»

۲. دکتور شیخ عبدالله عزام W: که اصلیت فلسطینی داشت، در سال ۱۹۴۱م، در روستای «سلیله الحارسیه» منطقهٔ جنین به دنیا آمد. در سال ۱۹۶۶م، لیسانس را از دانشگاه دمشق در علوم شرعی به دست آورد. با سقوط کرانهٔ غربی و بیت المقدس، در سال ۱۹۶۷م، در پی حملهٔ عرب‌ها و شکست آنان، شیخ عزام خشمگین از تسلط یهود بر اماکن اسلامی به اخوان المسلمین و سپس برای رویارویی مستقیم، در سال ۱۹۶۸ تا ۱۹۷۰ به رهبری مجاهدین در اردن رسید. وی در جنگ شش‌روزهٔ عرب‌ها و اسرائیل، در صف داوطلبان اخوان المسلمین شرکت کرد. او در دوران تحصیل در مصر با سازمان اخوان المسلمین آشنا شد و به این سازمان پیوست و تا آخرین دم حیات در سال ۱۹۸۹م، به پیمان خویش با این سازمان وفادار ماند. شهید عزام در سال ۱۹۶۹م، فوق لیسانس در رشتهٔ اصول دین و در سال ۱۹۷۳م، از دانشگاه الأزهر دکتورا در اصول فقه را دریافت کرد و با توجه به اقامتش در اردن تا سال ۱۹۸۰م، در دانشگاه‌های اردن به تدریس اشتغال داشت. وی سپس به جده در عربستان سعودی رفت و در دانشگاه ملک عبدالعزیز شروع به تدریس کرد و این بار تا سال ۱۹۸۱م، در جده ماند. از شهید عبدالله عزام به‌عنوان سردار مجاهدین عرب در جهاد افغانستان علیه اتحاد جماهیر شوروی سابق نام برده شده است. او بود که از سال ۱۹۸۰م، زمینهٔ ورود هزاران جوان عرب به‌صفت جهاد افغانستان را فراهم آورد. شیخ عزام در ابتدا در یک جمعیت خبریهٔ عربی در پیشاور

نسیم آخوندزاده و استاد پاینده به شهادت رسیده‌اند و اینک برادر خطیب، جام شهادت نوشید.

انگیزه‌های این قتل‌ها معلوم است، مسئولیت امنیت ما در قدم اول متوجه دولت برادر پاکستان می‌باشد. دشمنان شاید کارهایی انجام داده باشند و دسیسه‌هایی کرده باشند تا دست‌های ما به طرف یکدیگر دراز شود و مصروف کشمکش و جدل بین یکدیگر شویم و این هم هست که عناصر قاتل و آدم‌گشان حرفوی از قتل آدم‌های عادی هم لذت می‌برند.

راه عملی برای پایان دادن کشمکش کنونی، تشکیل یک حکومت است؛ لذا باید تحت یک حکومت واحد تنظیم‌ها جمع شوند. مهم‌ترین موضوعی که ما به آن روبه‌رویم، انتقال قدرت است که چطور از دست یک‌مشت افراد بی‌دین و کافر، به مجاهدین انتقال کند؟!

در مورد حل قضیه و انتقال قدرت، نظریه‌ها مختلف بوده، بعضی‌ها انتخابات را یکسره رد می‌کردند، عده دیگری، انتخابات را در حالت جنگ رد می‌کردند و در حالت امنیت تأیید. هر چند مجاهدین با تشکیل یک جرگه بزرگ و یا شورایی که در آن علما، قوماندانان و کافه ملت شرکت کنند، توافق کرده‌اند؛ اما چون این شوری توسط مجاهدین پیشنهاد گردیده است و مطابق خواست غرب نیست، آن را رد می‌کنند.

برای کمک به مهاجرین افغان مشغول کار شد؛ اما بعداً خود تشکیلات مستقلی را به نام «مکتب الخدمات» اساس گذاشت که با همکاری احزاب جهادی در پیشاور، به مجاهدین و مهاجرین کمک می‌کرد. امام عزام سخنران توانا و نویسنده چیره‌دست بود و در طول مدت جهاد افغانستان از هیچ کوششی برای وحدت و یکپارچگی صفوف مجاهدین افغان دریغ نکرد و همیشه هم‌وغم مسلمانان را در سر داشت، او با حضور در پاکستان به آرزویش که جهاد با کفار بود دست‌یافت و چه جایی بهتر از افغانستان که جبهه آغازین برای مبارزه با کفار شوروی کمونیست بود. شهید عزام توسط یک حمله تروریستی ننگین، هنگامی که روز جمعه تاریخ ۱۴۱۰/۴/۲۵ هـ.ق، برابر با ۱۹۸۹/۱۱/۲۴ م، برای امامت نماز جمعه به همراه دو پسر خود محمد ۲۴ ساله و ابراهیم ۱۳ ساله عازم مسجد بود، به شهادت رسید. نگاه: ماهنامه مشعل، شماره ۳ - ۵ - ۴۱، شماره ۱۹۸۹ مطابق عقرب ۱۳۶۸ هجری شمسی. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صدوپنجاه و ششم
در محفل توزیع شهادت نامه های فارغان اکادمی پولیس
هفته نامهٔ مجاهد؛ شمارهٔ ۱۲۵، شنبه ۲۳ سرطان ۱۳۶۹ هـ ش /
۲۲ ذی الحجہ ۱۴۱۰ هـ ق / ۱۴ جولای ۱۹۹۰ م.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ^۱

امروز به سلسله روزهای خیلی پرارزش در تاریخ انقلاب اسلامی ما، یکی از روزهای خیلی مهم و تاریخی است که گروهی از فرزندان عزیز انقلاب اسلامی مان، بعد از اینکه دوره‌های معین تربیت را در امور امنیتی فراگرفتند، اینک با اخذ شهادت‌نامه‌های خود، عملاً وارد صحنه کارهای عملی می‌گردند.

البته با همه مشکلاتی که دامن‌گیر انقلاب اسلامی ماست، یکی از خصوصیات خیلی‌ها عمده در انقلاب اسلامی ما، این بوده است که ما عملاً به دشمنان نشان دادیم که انقلاب اسلامی در افغانستان موج بی‌دوام و گذران نیست که بعد از یک مرحله کوتاه، چون حباب، ناپدید و نابود گردد؛ بلکه انقلاب اسلامی، امواج مسلسل و خروشنده‌ای است که پیایی، یکی بعد دیگر، در حرکت همیشگی خود به‌پیش می‌رود و اِلی ماشاءالله این حرکت سازنده و انقلابی، ادامه خواهد داشت.

ما باید ثابت کنیم که انقلاب اسلامی، همچون چشمک زدن اخگرهای کم‌عمر نیست که با یک نمایش خیلی‌ها محدود دیگر، نور و فروغ آن برای همیشه ناپدید گردد؛ بلکه انقلاب اسلامی در افغانستان عزیز، اخگر فروزانی است که شعله‌های فروزنده آن، ابعاد مختلف زندگی را روشنایی می‌بخشند.

انقلاب اسلامی در افغانستان، باوجود مشکلات زیادی که دامن‌گیرش بود، خوشبختانه متوجه این حقیقت بوده است که باید بعد از پیروزی، باز دست ما به‌سوی دیگران دراز نباشد و ما در همه جهات، خودکفا باشیم و کادری را

۱. به‌نام خداوند بخشنده مهربان. «مرکز تدوین»

برای آینده حکومت اسلامی بسازیم؛ زیرا ما یقین داریم و تاریخ هم نشان می‌دهد که چه بسا از حمله‌آوران که در حال احتیاج و نیازمندی به عنوان متخصص، به عنوان کارشناس و به عنوان آموزگار، داخل کشورهای اسلامی شدند، حمله آنان و ویرانی‌هایی که توسط چنین افرادی، در کشورهای اسلامی به میان می‌آید، خیلی‌ها تباه‌کننده‌تر از حمله‌آوران مسلح‌اند که با توپ و تانک، بر کشورهای اسلامی حمله‌ور می‌شوند و چه بسا که آثار ویرانی‌های آن‌ها تا سالیان خیلی‌ها دراز دوام می‌کند؛ اما برخلاف ویرانی‌هایی که توسط حمله‌آوران مسلح صورت می‌گیرد، مردم را به قیام و بیداری سوق می‌دهد؛ ولی حمله‌آورانی که به عنوان کارشناس در حال نیاز و احتیاج، وارد کشورهای اسلامی می‌شوند، ملت‌ها را به خود و به گمراهی سوق می‌دهند و در عمق ذهن و اندیشه ملت‌ها، چنان ویرانی‌هایی ایجاد می‌کنند که آبادی آن، کار ساده و آسانی نیست.

ما در دوران انقلاب، باید متوجه این حقیقت می‌بودیم و باید باشیم که انقلاب تنها شلیک مسلسل‌ها و کلاشینکوف نیست، اصلاً انقلاب یک فکر دوامدار و عقیده‌راسخ، تصمیم و اراده خلل‌ناپذیری در راه ایجاد تغییرات بنیادی، در جامعه اسلامی ما و تأسیس یک نظامی است که بر مبنای تعالیم والای اسلامی استوار باشند.

روی این درک، امروز ما شاهد برداشتن یک گام عمده در روند انقلاب اسلامی خودیم. در روزهای پیش، شاهد بودیم که فارغان ما از مدارس مختلف دیگر، مدارس دینی ما، مدارس حربی ما، کورس‌های کمک‌های اولیه صحتی ما، فارغانی داشت و اکنون شاهد یک عنصر عمده دیگری در انقلاب اسلامی می‌باشیم که همانا عبارت از تأمین امنیت است؛ بلی، ما امروز شاهد توزیع شهادت‌نامه فارغان امنیت اسلامی، در کشور اسلامی‌مانیم؛ این گام خیلی باارزش است.

من در حالی که از مسئولین نظامی، رئیس کمیته نظامی و از قوماندانان اکادمی پولیس و استادان عزیزی که با اخلاص و دلسوزی، در این اکادمی درس دادند و شاگردان عزیز را تربیه کردند، با همه محرومیت و بی‌وسیلگی که ما در همه ابعاد

زندگی خود با آن روبه‌رویییم، از همه شاگردان عزیز که با درک و جایب اسلامی و انقلابی خود، در این تربیتگاه مهم، درس امن و حمایت انقلاب را فرا گرفتند، از همه‌شان اظهار شکران و قدردانی می‌کنم.

ماوشما شاهد این حقیقتیم که اسلام امنیت را به‌عنوان بزرگ‌ترین نعمت به جوامع اسلامی به ارمغان آورده است.

امنیت در نظر اسلام، نعمت بزرگی است که با سلب آن، ملت‌ها به تباهی و خرابی روبه‌رو می‌شوند. قرآن کریم مثالی از قریه‌ای، از گروهی و از شهر و مردمی می‌دهد که به قول قرآن کریم ﴿يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ﴾^۱ یعنی روزی آن‌ها در حال، امنیت از هر جانب فرامی‌رسید، قریه مطمینه و آمنة‌ای بود که در محیط آرام آن مردم می‌توانستند دست‌به‌کارهای سازنده‌ای بزنند. یکی از اصول و یکی از اوامر عمده در پیشرفت کشورها، در انکشاف امور و در بازسازی‌ها، مسئله امنیت است. بدون تأمین امنیت، هیچ پلان انکشافی و هیچ پلان سازنده‌ای پیاده شده نمی‌تواند، اگر پلان‌های اقتصادی باشند، پلان‌های عرفانی و تعلیمی باشد و یا کارهای سیاسی و تربیتی باشند، هیچ برنامه‌ای بدون تأمین امنیت صورت گرفته نمی‌تواند.

قرآن کریم مثال قریه‌ای را که در محیط امن آن از زندگی بهره‌مند بودند، رزق و روزی فراوانی در اختیارشان بود و آن‌ها به کارهای انکشافی و سازنده‌ای مشغول بودند، یاد می‌کند؛ اما همین که از اوامر پروردگار عصیان کردند:

﴿فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ..﴾^۲

خداوند نعمت امنیت‌شان را از بین برد و به عذابی، آن‌ها را روبه‌رو ساخت که آن عذاب، خوف، ترس، عدم امنیت و گرسنگی بود.

۱. نحل / ۱۱۲. ﴿وَوَضَعَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ آمِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّنْ كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَاقَهَا اللَّهُ لِبَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ﴾ (و خدا شهری را مثل زده است که امن و امان بود [و] روزی‌اش از هر سو فراوان می‌رسید. پس [ساکناش] نعمت‌های الله را ناسپاسی کردند و الله هم به سزای آنچه انجام می‌دادند، طعم گرسنگی و هراس را به [مردم] آن چشاندید.) «مرکز تدوین»

۲. نحل / ۱۱۲. «مرکز تدوین»

ما در سوره ایلاف^۱ - که قبلاً برادر ما آن را در آغاز محفل قرائت کرد - می بینیم که خداوند یکی از مهم ترین نعمت خود به قریش را از امنیت آنها یاد می کند و دیگر اینکه از گرسنگی، آنها را در پناه خود نگه داشته است. نازکی مطلب را در این تعبیر می بینیم که عدم امنیت را با گرسنگی یکجا ذکر می کند. این مسئله، یکی از موضوعات جانبداری است که ما در زندگی طبیعی خود اهمیت آن را می بینیم و باید پرسید که عواملی که امنیت ها به هم می خورد، چه است؟ یکی از آن عوامل گرسنگی و فقر بسیار است. باز می پرسیم تظاهرات سیاسی و تظاهرات کارگران و سایر مظاهره های مختلفی که در کشورها به وجود می آیند چه انگیزه های دارند و برای چه به میان می آید؟

خوب ناگفته پیداست که وقتی فقر، بیچارگی و گرسنگی در جایی حاکم شد، انقلاب گرسنگان و محرومان در بعضی کشورها به میان می آید.

اینجاست که می دانیم مسئله امنیت با موضوع گرسنگی و فقر، خیلی ها ارتباط دارد که اگر در کشوری، جلو فقر و گرسنگی گرفته نشود، در آنجا امنیت نیز مختل می شود؛ زیرا در یک محیط غیر مطمئن، نمی توان کارهای سازنده را انجام داد؛ لذا دو چیز از نعمت های بسیار عمده است که یکی آن نعمت امنیت است و دیگر نعمت غنا و از بین بردن فقر و محرومیت و فراموش نکنیم که این دو نعمت با همدیگر ارتباط بسیار نزدیک دارند.

در کشورها - چه کشورهای اسلامی و غیر اسلامی - همه و همه به خاطری که بتوانند محیط امنی را به میان بیاورند، باید دستگاه های امنیتی داشته باشند و به خاطری که محیط ترقی و انکشاف در کشوری به میان بیاید، باید امنیت حاکم باشد و برای اینکه نظامی موفق باشد، باید امنیت حاکم باشد و به خاطری که بدامنی در یک جامعه به میان نیاید، باید جلو گرسنگی، فقر و محرومیت را گرفت؛ لذا قرآن عظیم الشان زمانی که از امنیت یاد می کند، از نعمت دیگر که مبارزه با

۱. سوره قریش مکی است و دارای چهار آیت می باشد: ﴿لِإِيَّالَافِ قُرَيْشٍ * إِيَّالَافِهِمْ رَحْلَ الشَّتَاءِ وَالصَّيْفِ * فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ * الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَآمَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ﴾ (برای الفت دادن قریش * الفت شان هنگام کوچ زمستان و تابستان [خدا پیل داران را نابود کرد] * پس باید خداوند این خانه را عبادت کنید * همان [خدایی] که در گرسنگی غذای شان داد و از بیم [دشمن] آسوده خاطرشان کرد.) «مرکز تدوین»

گرسنگی است نیز یاد می‌کند.

در حقیقت مسئلهٔ امنیّت، در اسلام یک موضوع بسیار مهم است، حدیثی از پیامبر ﷺ هست که در آن آمده است:

«عَيْنَانِ لَا تَمْسُهُمَا النَّارُ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ»^۱

یعنی دو چشم است که آتش دوزخ قادر به سوختن آن نیست، این دو چشم یکی چشمی است که از خوف خدا اشک می‌ریزد و دوّم چشمی است که شب‌ها را روز می‌کند و در راه تأمین امنیّت در سرزمین‌های اسلامی و در راه خدا بهره‌داری می‌کند.

بلی؛ این‌ها دوچشمی‌اند که آتش دوزخ قادر به سوختن آن نیست.

پس کسانی که در کارهای امنیّتی مشغول‌اند؛ درحالی‌که به جامعهٔ خود بزرگ‌ترین نعمت را نصیب می‌سازند؛ در عین حال خودشان مقام بسیار بزرگ و باارزشی دارند.

عمدتاً چیزی که جوامع را همیشه دچار اختلال می‌کند، چه چیز است به جز نبود امنیّت؟

ما می‌بینیم، تمام قوانین به خاطر این وضع شده که امنیّت به میان بیاید، انسان‌ها از لحاظ مال خود احساس امنیّت کنند، از لحاظ جان خود احساس امنیّت بکنند. از لحاظ شرف و ناموس خود احساس امنیّت بکنند و از لحاظ تمسک به عقاید دینی خود، احساس امنیّت بکنند.

پنج اصلی از اصول که به نام «مقاصد الشرع» یاد می‌شود و امام غزالی^۲ در کتاب خود «احیاء العلوم» از آن به تفصیل یاد می‌کند، همه بر محور

۱. صحیح ترمذی، شمارهٔ حدیث: ۱۶۳۹. «مرکز تدوین»

۲. حجة الإسلام زین‌الدین ابوحامد امام محمد بن محمد بن احمد طوسی غزالی: در سال ۴۵۰ قمری، در روستای «طابران» و «توقان» که دو شهر مهم طوس بودند، در اواخر عهد طغرل سلجوقی دیده به جهان گشود و در روز دوشنبه ۱۴ جمادی‌الثانی ۵۰۵ قمری، پس از ادای نماز صبح، در سن ۵۵ سالگی در شهر طوس چشم از جهان پوشید. امام غزالی یکی از بزرگ‌ترین متصوفین و علمای جهان اسلام در قرن پنجم و ششم هجری می‌باشد که در انواع رشته‌های علوم اسلامی سرآمد دانشوران روزگار خود گشت و نامش تا به امروز در جهان اسلام زنده و باقی است. این دانشمند وارسته جهان اسلام آثار متعددی در فقه، کلام، فلسفه، اخلاق، تصوف، عرفان و... نوشت.

امنیت می‌چرخد. امام غزالی می‌گوید: اهداف شریعت در طول تاریخ ادیان، در پنج نقطه خلاصه می‌شود که عبارت از: حفظ دین، حفظ نسل (عرض)، حفظ مال، حفظ جان و حفظ عقل.^۱

در تمام ادیان که ما می‌بینیم، اهداف عمده آن‌ها در زندگی انسان‌ها همین پنج چیز است که باید در امنیت باشند و همین پنج چیز باید محفوظ باقی بمانند. نباید عناصر منحرف و ملحد جرأت‌مندانه در برابر دین قیام کنند؛ بلکه نیروهای امنیتی بیدار باشند که هر جا ملحدی را می‌بینند و یا هر جا یک کسی را می‌بینند که در بنای عقیده و اسلام، ویرانگری ایجاد می‌کند، جلوش را بگیرند. حفظ دین به معنای در امنیت بودن دین، از مقاصد اولی شریعت است، دوم حفظ نسل که باید نسل انسان‌ها محفوظ باشد؛ لذا قوانین مختلفی برای حفظ نسل گذاشته‌شده تا نسل بشریت و نسل مسلمانان به صورت مستدام الی قیامت باقی بماند.

برای اینکه نفس و مال انسان‌ها در امنیت باشد، در شریعت اسلامی ما، احکامی آمده؛ برای مثال: کسی که به خاطر دفاع از مال خود قتال می‌کند، شهید است و همچنان شرف و ناموس مسلمانان، باید حفظ باشد و در امنیت باشد و همچنان نفس هر انسان باید در امنیت باشد، تعرض و تجاوز صورت نگیرد. پس وقتی که ما متوجه مقاصد شریعت می‌شویم، اهمیت امنیت و دستگاه‌های امنیتی را در حفظ مقاصد شرعی درمی‌یابیم و می‌بینیم که تا چه حدی امنیت در حفظ مقاصد شریعت اهمیت دارند.

در جهان امروز، در اکثر کشورها دو عنصری که در قرآن کریم به نام «جوع»

کتاب احیاء علوم الدین، از بارزترین و گران‌سنگ‌ترین تألیفات امام به شمار می‌رود که تأثیر عمیق و شگرفی را در جهان اسلام، به‌ویژه در موضوع اخلاقیات، از خود بر جای گذاشته است. برخی از آثار مهم امام غزالی قرار ذیل اند: نصیحة الملوك، کیمیای سعادت، مشکاة الأنوار، جواهرالقرآن، البسیط...، نهافت الفلاسفة، مقاصد الفلاسفة، المستظهری، المقصد الأسنا فی شرح أسماء الله الحسنی و... برای آگاهی بیشتر در مورد زندگی‌نامه این عارف بزرگ جهان اسلام به کتاب «کیمیای سعادت» از ابوحامد امام محمدغزالی طوسی، مراجعه کنید. «مرکز تدوین»

۱. علامه شهید سید قطب G به مقاصد شریعت نگاه کلان‌تری از این دارد که می‌توانید با مراجعه به کتاب «مقاصد الشریعة الإسلامية فی فکر الإمام سید قطب»، از دکتور نصیر زرواق این مطلب را بیشتر بخوانید. «مرکز تدوین»

و به‌نام «امن» از آن یادشده، عنصر اقتصاد و محرومیت و عنصر دستگاه‌های امنیتی‌اند که تقریباً در پشت پرده تمام جهان توسط این دو عنصر است که اداره می‌شود، چه‌بسا که شاید فکر کنیم که کدام کشور کاملاً مستقل است؛ اما متوجه نیستیم که اگر کودتایی به وجود می‌آید، پشت سر آن دستگاه‌های استخباراتی بین‌المللی جهانی قرار دارند که در این کشور کودتایی را به میان می‌آورند، یا هم اگر می‌بینیم، کدام کشور به بحران اقتصادی روبه‌رو شده، باز هم اگر دقیق ببینیم، می‌بینیم که دستگاه‌های اقتصادی بین‌المللی پشت سر این بحران‌های اقتصادی وجود دارد که جهان را کنترل می‌کنند. وجود دستگاه‌های استخباراتی اکثراً در کشورها هستند. این دستگاه‌های امنیتی‌اند که رژیم‌ها را تغییر می‌دهند و عوض می‌کنند، هر چند در ظاهر ما می‌بینیم که فلان حزب موفق شد یا حزب دیگر.

به همین اساس است که ما می‌بینیم، قدرت اساسی و عمدهٔ ابرقدرت‌ها، دستگاه‌های امنیتی و استخباراتی آن‌هاست. نه تنها برای تسلط در کشور خود؛ بلکه به خاطر تسلط خود در کشورهای دیگر امروز دستگاه‌های چون: «K.G.B.»^۱، موساد اسرائیل،^۲ «C.I.A.»^۳ در همه کشورها مانند «اُخْطُبوُ»،^۴ پنجه‌های خود را دراز کرده‌اند.

۱. K.G.B: مخفف نام ادارهٔ اطلاعات و امنیت اتحاد جماهیر شوروی سابق است. نام کامل این اداره به زبان روسی این‌گونه است: «کمیتهٔ امنیت دولتی» این اداره، در سال ۱۹۵۳ م. پس از مرگ ژوزف استالین رهبر وقت شوروی از ادغام وزارت امنیت دولتی و وزارت امور داخلی تشکیل شد. K.G.B یک نام کلی برای فعالیت‌های سرویس اطلاعات شوروی سابق، پلیس مخفی و آژانس اطلاعاتی (جاسوسی) آن کشور بود. به دنبال فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱ م. K.G.B جای خود را به F.S.B (سرویس ضد جاسوسی روسیه) داد. منتقدان عقیده دارند که این تغییر تنها در نام این سرویس است؛ ولی K.G.B همچنان به فعالیت‌های پشت پردهٔ خود ادامه می‌دهد. نگاه: جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، از امیر اعتماد دانشیار و کا. جی. بی در افغانستان، اثر واسیلی میتروخین. «مرکز تدوین»

۲. موساد: سازمان اطلاعاتی خارجی رژیم صهیونیستی اسرائیل است که گویی وظیفهٔ آن خنثی‌سازی فعالیت‌های ضد اسرائیلی است. «مرکز تدوین»

۳. CIA مخفف Central Intelligence Agency: (سازمان اطلاعات مرکزی) یا «سیا»، عبارت از سازمان برون مرزی غیرنظامی دولت فدرال ایالات متحدهٔ امریکا است که وظیفه‌اش گردآوری، تجزیه، تحلیل و پردازش اطلاعات امنیت ملی، عمدتاً با استفاده از اطلاعات گردآوری‌شده توسط افراد، از سرتاسر جهان است. «مرکز تدوین»

۴. اخطبوط: چرتنه، رودپای، هشت‌پا، هشت‌پایک، اختاپوس. «مرکز تدوین»

در حالی که دشمنان اسلام متوجه این مطالب بودند و با وجودی که قرآن کریم در چندین جا بالای مسئله امنیت، محرومیت و اقتصاد، بسیار تأکید می‌کند و حتی همراه با امنیت، موضوع «جوع» و گرسنگی یکجا یاد می‌شود، باید با این همه، متوجه این مطلب می‌بودیم و امیدوارم که حالا متوجه این مطلب بوده باشیم که اگر جلوفقر و محرومیت را نگر فیتیم، امنیت‌ها مختل می‌شود، اگر تأمین امنیت نبود، جامعه هیچ کاری کرده نمی‌تواند، نه کار اقتصادی، تعلیمی، تربیتی و سیاسی؛

به هر حال، برادران ما که در بخش‌های امنیتی کار می‌کنند، به خصوص در اوضاع کنونی که انقلاب ما در مرحله پیروزی رسیده و دستگاه‌های دشمنان خارجی ما دست به یک سلسله بدامنی و بدنظمی در میان ما می‌زنند و بهترین عناصر ما را ترور می‌کنند و دست به ایجاد فتنه می‌زنند، باید هوشیار باشند، هر چند تا زمانی که دولت اسلامی در کشور ما تشکیل شود، یقیناً بدامنی‌ها را بیشتر منتشر می‌سازند؛ ولی با این همه برادران ما متوجه باشند که رسالت اسلامی و وظایف تاریخی و وجایب شرعی‌شان فوق‌العاده عمده و مهم است؛ این‌ها باید متوجه باشند که این برادران اند که با انجام مسئولیت‌های شرعی خود، می‌توانند زمینه را برای تشکیل دولت اسلامی، ادامه انقلاب اسلامی مساعد سازند. اگر - خدای نخواست - ما نیروهای امنیتی آگاه، دلسوز و متعهدی نداشته باشیم، دیگر نیروهای ما از داخل پوسیده می‌شود و از بین می‌رود و به این اساس، باید کسانی که در بخش کارهای امنیتی مصروف کارند، متوجه مطلب باشند که کارهای امنیتی کارهای بسیار بارز و مهم است.

همین است که رسول اکرم ﷺ بهترین و بزرگ‌ترین اصحاب خود را در کارهای استخباراتی و وظیفه می‌دادند.

به حضرت علی ^۱، ز ^۲، سعد بن معاذ ^۳ - و تعدادی از اصحاب که بسیار مقام

۱. جهت معلومات بیشتر در مورد حیات حضرت علی ^۱، به کتاب: «۱۰۰ قصه عن علی بن ابی طالب»، از مجدی فتاحی السید، از نشرات مکتبه التوفیقیة، و کتاب: علی بن ابی طالب ^۲، از دکتور علی محمد صلابی، مراجعه گردد. «مرکز تدوین»

۲. سعد پسر معاذ ^۳: از انصار و رئیس قبیله اوس بود. هنگامی که پیامبر ﷺ مصعب پسر عمیر ^۴ را برای تبلیغ اسلام به مدینه فرستاد، سعد ^۳ به دست او مسلمان شد. او به افراد

بزرگ داشتند را در کارهای امنیتی و کارهای استخباراتی وظیفه می‌دادند، زنی که می‌خواست نامه یا به اصطلاح راپور مسلمانان را از مدینه منوره به مکه مکرمه ببرد و در بین موهای سر خود راپور را جابجا ساخت، گروهی را به رهبری حضرت علی ز، موظف ساختند تا او را دستگیر کنند و راپور را از نزدش گرفتند؛

به هر حال، این مطالب در زندگی انقلاب اسلامی ما موضع بسیار اساسی و حیاتی است. ما امروز به راستی در برابر چلنج‌های مختلفی قرار داریم، چلنج‌های نظامی ما هنوز پایان نیافته؛ اما ما یقین داریم که روس‌ها و غیر روس‌ها هر توطیه‌ای که بکنند، حتی ﴿وَإِنْ كَانَتْ مَكْرُهُمْ لِنُرْوِلْ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾^۱

یعنی هر قدر مکر و دسیسه‌ای بکنند، باید همه بفرمند که دیگر آن روزهایی که انقلاب اسلامی به سرقت برده می‌شد و مسلمانان را در آخرین مراحل پیروزی‌شان غافل گیر می‌کردند، آن روزها گذشت. قشرهای متعهد، کارگر شدند. امروز به لطف خداوند -جل جلاله- در قسمت کادرسازی به صورت محدود، گام‌هایی برداشته شده، ملت ما آگاهی دارند، اگر چه هنوز سطح آگاهی ما به قدری نیست که در همه ابعاد زندگی خود بتوانیم خودکفا باشیم، اگر چه بعضی عناصر مفسد و «ستون پنجم» از پشت سر خنجرزنی‌هایی می‌کنند و علیه انقلاب، تبلیغات و دسایسی را به راه می‌اندازند. به دلیل اینکه امروز محرومیت‌هایی دامن گیر مردم ماست و اطفال محروم و بیچاره مهاجرین ما در خیمه‌های‌شان از شدت گرمی جان می‌دهند و مشکلات شدید دامن گیر جبهات و سنگرهای جهادی و مهاجرین و مردم محروم ماست، بعضی‌ها به فکر این شده‌اند که چرا مجاهدین به یکره حل نرسیدند؟ چرا حکومت زود تشکیل ندادند؟ چرا کابل^۲ را زود فتح

قبیله‌اش گفت: «حرام باد بر من! حرف زدن با شما؛ تا اینکه اسلام را اختیار کنید.» پس از آن، همه قبیله او مسلمان شدند. حضرت سعد در غزوه بدر، أخذ و خندق شرکت داشت. نگاه: اسد الغابه، ج: ۲، ص: ۳۷۳. «مرکز تدوین»

۱. ابراهیم / ۴۶. ﴿وَقَدْ مَكَّرُوا مَكْرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكْرُهُمْ وَإِنْ كَانَ مَكْرُهُمْ لِنُرْوِلْ مِنْهُ الْجِبَالُ﴾ (و به یقین آنان نیزنگ خود را به کار بردند و [جزای] مکرشان با خداست، هر چند از مکرشان کوه‌ها از جای کنده می‌شد.) «مرکز تدوین»

۲. کابل: یکی از ولایات مهم حوزه مرکزی و پایتخت افغانستان است که مرکز آن شهر کابل می‌باشد که دارای ۱۵ واحد اداری است. مساحت آن ۴۵۲۳،۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن به اساس راپور رسمی اداره مرکزی احصائیه: در سال ۱۳۹۲ هـ ش، حدود ۴۵۳۲،۹ نفر تخمین شده است. نگاه:

نکردند؟ توگویی زبان حال شان می‌گوید: خیر است، یک هندویی هم بیاید و منتها ما را از این غم خلاص کند؛ اما آن دوران که هندوها بیاید و یا هندومَنیش‌ها بیاید و ما را از این جنجال خلاص کنند، آن دوران گذشت، دیگر به دست هندوها و هندومَنیش‌ها آزادی مَلّت ما تأمین نمی‌شود.

انقلاب ما قسمی که از آغاز اسلامی آغاز شده، نجات‌نهایی هم به دست عناصر پاک‌دل و سنگر‌نشین مخلص به میان می‌آید که چهره‌های هندومَنیش دیگر در این جریان جای پای ندارد.

مردم افغانستان بعد از این، آن قدر ساده‌دل و ساده‌مزاج نخواهند بود که انقلاب و دستاوردهای انقلابی را فراموش بکنند و با دو حرف تلخ و شیرین و وعده‌های دروغین بعضی‌ها که اگر ما را وقت بدهند، ما افغانستان را گل و گلزار می‌سازیم، فریب بخورند؛ زیرا دیده‌شده است که سال‌ها وقت داشتند و بسیار فرصت‌ها در اختیارشان بود؛ اما نتیجه کارهای شان رسوایی، بدنامی، فاجعه و دردانگیز بود. فرزندان انقلاب اسلامی با وجودی که از محیط خون و آتش برخاستند و محروم بودند و هیچ چیزی در اختیارشان نبود؛ ولی با همه محرومیت‌ها، مَلّت افغانستان را به حیث مَلّت قهرمان در جهان مطرح کردند و ابرقدرت روس را با شکست تاریخی روبه‌رو ساختند و کمونیزم را به لطف پروردگار با بار و بوربایش یکسره جمع کردند و کشورهای زیادی را از اسارت نجات دادند و خودشان - ان‌شاءالله - آزادی کامل افغانستان را اعلان می‌کنند که آن روز رسیدنی است و ما ذَلِکَ عَلَی اللّهِ بَعَزِیزٌ^۱

ما ایمان داریم که انقلاب ما باید از میان مشکلات به‌پیش برود و باید همه در برخورد‌ها با بن‌بست‌ها روبه‌رو شویم و چنین هم بوده است که در هر مرحله‌ای، در آغاز با مشکلات روبه‌رو بودیم؛ همچنان که در دوره‌های انقلاب با مشکلات روبه‌رو بودیم، در آخرین مراحل پیروزی هم با مشکلات روبه‌رو شدیم و ان‌شاءالله این مشکلات به لطف خداوند - جل جلاله - حل شدنی است و نباید ناامید شد. امروز دیگر برای مسلمانان جایی برای یأس و نومیدی نیست، امروز مسلمانان در

۱. جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۵۷. «مرکز تدوین»
 ۲۰ / ۱. (و این [کار] بر الله دشوار نیست.) «مرکز تدوین»

هر چلنجی به کامیابی می‌رسند؛ برای مثال: امروز مسلمانان الجزایر^۱ در چلنج دموکراسی هم پیروزی را از دیگران می‌گیرند. هرچند این پیروزی چیزی است که برای ماوشما قابل تعجب نیست؛ اما مسئله قابل تعجب این است که با پیروزی مسلمانان زیر نام «جبهه نجات اسلامی» در الجزایر، یک‌دم زنگ خطر در هر جا نواخته می‌شود.

آخر در الجزایر چه به میان آمد؟ دیروز می‌گفتند که مسلمانان تابع رأی مردم و تابع دموکراسی نیستند؛ ولی مسلمانان گفتند: «به هر شکلی که شما دموکراسی می‌خواهید، ما همراهتان هم‌گام و همراهیم»؛ ولی صندوق گذاشته شد و مردم رأی خود را به مسلمانان دادند، این در حالی بود که جبهه وسیعی بر ضدشان صورت گرفت و این‌ها پایگاه‌هایی جز اطمینان به نصرت الهی و پشتیبانی عمیق مردم چیزی دیگر در اختیار نداشتند و بالاخره به پیروزی رسیدند؛ اما دیدیم که سیاست‌مداران اعلان کردند که خطر جدی اروپا^۲ را تهدید می‌کند، کدام خطر؟ خطر پیروزی در یک انتخابات آزاد که جبهه نجات اسلامی در الجزایر از دیگران برنده شده بود.

به هر حال؛ ما می‌بینیم که ما مسلمانان حتی اگر از همان راه و تجاری حتی تجاری که خودشان به‌عنوان سیستم‌های ایدئال در زندگی سیاسی آنان مطرح می‌کنند، هم پیروز می‌شویم، باز هم آن را برای خود خطر می‌شمارند. بلی، اینکه ما از راه جنگ و مبارزه مسلح، پیروز شویم و یا از راه حرکات قهریه پیروز شویم، از نظرشان این خطر خیلی جدی است؛ اما از راه صندوق ماندن و دموکراسی و به‌صورت عادی هم پیروز شویم، باز هم آن‌ها احساس خطر می‌کنند

۱. الجزایر: کشوری است که در شمال قاره آفریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۲۳۸۱۷۴۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۳۵۸۶۶۰۰۰ نفر تخمین شده است. دین رسمی آن اسلام، زبان رسمی آن عربی، پایتخت آن الجزیره و واحد پول آن دینار الجزایر است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸. «مرکز تدوین»

۲. اروپا: در نیم‌کره شمالی قرار گرفته و پس از اقیانوسیه، دومین قاره کوچک جهان است. مرز میان اروپا و آسیا را کوه‌های اورال تشکیل می‌دهند. مساحت اروپا حدود ۱۰ میلیون کیلومتر مربع و جمعیت آن بیش از ۷۳۰ میلیون نفر است که یازده درصد از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد. با وجود مساحت نسبتاً کم خود، اروپا پس از آسیا دومین قاره جهان از نظر تراکم جمعیت است. برای معلومات بیشتر نگاه شود، اطلس جامع گیتاشناسی. «مرکز تدوین»

و این مطلبی است که قرآن فرموده:

﴿وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَزُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا...﴾^۱

یعنی دشمنان اسلام هیچ وقت آرام و قرار ندارند، تا زمانی که شما را از اسلام برگردانند و روزی که شما از اسلام منحرف شدید، دیگر آن‌ها مطمئن می‌شوند و اما تا روزی که متمسک به اسلام آید، اگر روی هر فرمولی که پیروز شدید، برای‌شان خطر است؛ اگر از راه انتخابات پیروز شدید، برای‌شان خطر است و اگر از راه حرکت انقلابی پیروز شدید، باز هم برای‌شان خطر است؛ درحالی که حرکت مسلح به‌عنوان یک افتخار در تاریخ ثبت می‌شود؛ اما در افغانستان ادامه انقلاب مسلح یک خار در چشم کشورهای زیادی شده که نباید ما به کارهای نظامی دست بزنیم و باید دست به دامن حل‌های سیاسی بزنیم.

به‌هر حال؛ آنچه من باید به برادران بگویم، این است که باید مطمئن شویم که ما در مراحل پیروزی ایم، ان‌شاءالله بعد از این، شکست و یأس و ناامیدی به سراغ ما نمی‌آید؛ مشروط بر اینکه در همان راه مستقیم اسلامی که روان بودیم، روان باشیم و ما مطمئن باشیم که توطیه‌ها هیچ کار را از پیش برده نمی‌توانند، باید صفوف داخلی خود را منظم و مستحکم بسازیم، کمبودی‌های خود را به کلی مرفوع بسازیم، باید نواقص خود را جبران بکنیم.

برادران عزیز!

ما تا زمانی که به پیروزی نرسیم، نباید سلاح خود را به زمین بگذاریم؛ چون یکی از تجارب بسیار تلخی که در طول تاریخ وجود داشته، در جاهای مختلفی، در الجزایر اسلامی، در فلسطین که فعلاً به دست یهود غصب شده، این بوده که از

۱. بقره / ۲۱۷. ﴿يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يَقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَزُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتِطَاعُوا وَمَن يَزِدِدْ مِنْكُم عَن دِينِهِ فَبِمَا قَدَّمْتُمْ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ﴾ (از تو درباره ماهی که کارزار در آن حرام است، می‌پرسند. بگو: کارزار در آن گناه بزرگ و بازداشتن از راه الله و کفرورزیدن به او و بازداشتن از مسجدالحرام [حج] و بیرون راندن اهل آن از آنجا نزد خدا [گناه] بزرگ‌تر و فتنه [=شرك] از کشتار بزرگ‌تر است و آنان پیوسته با شما می‌جنگند، تا اگر بتوانند شما را از دین‌تان برگردانند و کسانی از شما که از دین خود برگردند و در حال کفر بمیرند، آنان کردارهای‌شان در دنیا و آخرت تباه می‌شود و ایشان اهل آتش‌اند و در آن ماندگار خواهند بود.) «مرکز تدوین»

روزی، شکست آغاز شد که مبارزین و مجاهدین سلاح خود را به زمین گذاشتند و حل‌های سیاسی را با گذاشتن سلاح بر زمین آغاز کردند؛ اما اگر کارهای سیاسی، همراه با سلاح به شانه‌داشتن به پیش برود، باکی نیست، ما باید فعالیت و تلاش‌های سیاسی خود را داشته باشیم و فعالیت سیاسی خویش را ادامه دهیم و سلاح را هرگز به زمین نگذاریم.

برادران عزیز!

شاید توطیه‌های مختلف به میان بیاید، توطیه‌هایی به نام اقوام مختلف، گروه‌های مختلف و دست‌های مختلف به میان بیاید و فراراه ما دره‌ها و کوه‌ها بسازند و بگویند: این‌ها پیروز نشدند، به یاد داشته باشید که در تاریخ انقلاب‌ها، این حالات به میان آمده برای مثال: تا زمانی که «دوگول»^۱ قدرت را به دست گرفت، در فرانسه،^۲ مسلسل بدامنی حاکم بود، هر جمهوری‌ای که موفق می‌شد، چند وقت بعد، از هم می‌پاشید تا اینکه دوگول قدرت را به دست گرفت؛ اما تا پیش از آن، مردم سال‌ها در بدامنی به سر بردند.

انگلستان^۳ امروز، پیش از اینکه حکومت تشکیل بدهد؛ سال‌های سال در بدامنی به سر می‌بردند و حتی بعد از تشکیل حکومت‌های شان هم در بدامنی به سر می‌برند.

در افغانستانی که ما صدها و هزارها پرابلم داریم، همین که بعضی از آثار بدنظمی و بدامنی دیده می‌شود، این زنگ خطر نیست و نباید وارخطا شویم، منتهی تصمیم و اراده ما در بهتر ساختن وضع موجود مستحکم باشد، ما یقین

۱. دوگول: شارل دوگول، هجدهمین رئیس‌جمهور فرانسه است که در ۱۸۹۰م، زاده شد و در ۱۹۷۰م، درگذشت. «مرکز تدوین»
۲. فرانسه: کشوری است که در قاره اروپا موقعیت دارد. مساحت آن ۵۴۳۹۶۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۶۲۹۶۲۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن فرانسوی، واحد پول آن یورو و پایتخت آن شهر پاریس است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۶. «مرکز تدوین»
۳. انگلستان: نام نیمه جنوبی جزیره بریتانیای کبیر و یکی از چهار بخش کشور پادشاهی متحد بریتانیای کبیر و ایرلند شمالی است. این کشور در منابع فارسی اغلب به‌طور خلاصه انگلیس خوانده می‌شود. مردم انگلیس مسیحی و اکثراً پروتستان‌اند، در سرشماری سال ۲۰۰۱م، نزدیک به یک و نیم میلیون مسلمان در انگلستان و «ولز» وجود داشت. مساحت این کشور ۲۴۴۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۶۲۲۲۷۰۰۰ نفر تخمین شده است. شهر «لندن» پایتخت انگلستان و در عین حال پایتخت پادشاهی بریتانیاست. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۸. «مرکز تدوین»

داریم که بدنظمی و بدامنی‌ها از بین می‌رود؛ اما بعد از این تلاش صورت بگیرد که اگر کانال‌های مختلف تصمیم‌گیری به میان بیاید و توجه به مسایل چهارم زیادتر صورت بگیرد و در بُعد سیاسی بیشتر کوشش بکنیم که یک آواز باشیم.

در این روزها به ابتکار حکومت اسلامی مجاهدین افغانستان، هیئت‌هایی از کشورهای مختلف آمده‌اند، بعضی از کسانی که در دوره‌های گذشته مصروف بودند، وزیر بودند و یا هر وظیفی که داشتند، آمدند که مشوره‌های خود را بدهند و ما هم نظرهای‌شان را می‌شنویم. خوب، به‌جایی که نظرات از طریق «BBC»^۱ اعلان شود و یا از طریق رادیو امریکا اعلان شود و یا از نشرات و جراید دیگر اعلان شود، بیابند نظریات خود را بگویند، ما هم شعارمان این است:

﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ..﴾^۲

یعنی ما به هر سخنی گوش فرامی‌دهیم؛ ولی از بهتر آن پیروی می‌کنیم. خوشبختانه امروز برادران ما از حزب وحدت اسلامی هم در مابین ما هستند، ما در حل مشکل کشور خود به همه افشار و به همه مردم خود مجال بدهیم که همه در تعیین سرنوشت کشور سهیم باشند. ما هیچ‌وقت نباید به فکر احتکار قدرت و سلطه بوده باشیم؛ بلکه همه‌چیز بر مبنای عدل و انصاف، صورت بگیرد و هر کس در تعیین حق سرنوشت کشور خود سهیم بوده باشند. حالا اگر از طریق احزاب، می‌شود این کار و یا از طریق رأی‌شماری و یا از هر راه ممکن دیگر، اگر این کار از راه تفاهم‌های چندجانبه صورت می‌گیرد، باید کوشید که در همه امور ما اسلام حاکم بوده باشد و ما امیدواریم که نظرات خوبی که از هر کس شنیده

۱. BBC: قدیمی‌ترین و بزرگ‌ترین بنگاه پخش خبر در سرتاسر جهان است، بی‌بی‌سی در ۱۸ اکتوبر ۱۹۲۲م، بانام «شرکت سخن‌پراکنی بریتانیا با مسئولیت محدود» بنیان گذاشته شد. شعار بی‌بی‌سی این است: «هر ملت باید با صلح و آرامش با ملت دیگر صحبت کند.» مالکیت بی‌بی‌سی متعلق به مرکزی است که از طریق فرمان سلطنتی در هر دوره ۱۰ ساله نحوه اداره آن مشخص می‌شود و در ۱۹۲۷م، با دریافت پروانه سلطنتی تبدیل به یک شرکت دولتی شد. بودجه سالیانه آن بالغ بر ۴ میلیارد و ۳۰۰ میلیون پوند است و بودجه آن از طریق شبکه‌های داخلی و بخش جهانی وزارت امور خارجه بریتانیا تأمین می‌شود، برنامه‌های آن در رادیو، تلویزیون و اینترنت پخش می‌شوند و برنامه‌های رادیویی آن به ۳۳ زبان در جهان پخش می‌شود. «مرکز تدوین»

۲. زمر / ۱۸. ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (به سخن گوش فرامی‌دهند و بهترین آن را پیروی می‌کنند، اینان‌اند که خدای شان راه نموده و اینان‌اند، همان خردمندان.) «مرکز تدوین»

می‌شود، از آن به‌عنوان نظریات دلسوزانه استقبال صورت بگیرد و هیچ‌کس در این راه بر دیگری فضل‌فروشی نکند و هیچ‌گاه حرف‌هایی از این قبیل گفته نشود که برای ما مجال ندادند، برای ما موقع ندادند، دیگر این حرف‌ها کهنه‌شده و دیگر اینکه در اینجا موقع و میدانی جز میدان رنج و مشکلات، چیز دیگری نیست، هر کس که می‌خواهد بیاید در این میدان سهم بگیرد و بعد مطابق سهم‌گیری‌شان می‌توانند، هر چه داشته باشند، بگویند.

به‌هر حال؛ ما متوجه مسایل امنیتی در داخل خود بوده باشیم، دست‌های خاد و «K.G.B» و سایر عناصر مزدوری را که به خاطر اختطاف و ترور به فعالیت‌های گسترده دست‌زده‌اند را کوتاه بسازیم.

البته ما امیدواریم، برادران ما در بخش امنیتی کار اساسی انجام دهند، اگر چه بعد از اینکه حکومت عبوری تشکیل شد، به‌صورت دلخواه مراکز اداری به میان نیامد تا مسئولیت‌های مختلف را بتواند از طرف احزاب انجام بدهد، به این اساس بود که در این دوران یک سلسله اختلاف‌ها به میان آمد، چه در دستگاه امنیتی‌مان، چه در سایر کارهای اداری.

در اخیر، یک‌بار دیگر از همه برادرانی که در تربیه نسل جوان وظایف خویش را به‌گونه دلسوزانه انجام داده‌اند، اظهار قدردانی و شکران می‌کنم و برای فارغان دوره‌های مختلف، از بارگاه اقدس الهی موفقیت می‌خواهم و به دست دعا نیازمندم که ایشان در خدمت اسلام و در خدمت حمایت از ارزش‌های اسلامی، مبارزه با مجرمین، مبارزه با فساد و ضدانقلاب، بوده باشند و وظایف اسلامی خود را دلسوزانه و مخلصانه انجام دهند و گفتنی است، هر گامی که در این راستا برمی‌دارند، گامی است که در راه تقوی و عبادت برداشته‌اند.

خداوند حافظ و ناصر همه‌تان باد!

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُكَ يَا اللَّهُ لِي وَلَكُمْ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ^۱

خطابهٔ یک صد و پنجاه و هفتم
مجاهد لارینبود استاد برهان الدین ربانی
دکتر له مجاهدینو سره دخبرو په وخت کې
هفته نامه مجاهد، سال سیزدهم نشراتی، شماره ۱۲۳ شنبه، ۲۶ جوزا
۱۳۶۹-۲۳ ذیقعدہ ۱۴۱۰ هـ ق- ۱۶ جون ۱۹۹۰



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَي سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا مُحَمَّدٍ -
 صلى الله عليه وسلم - وَعَلَى آلِهِ وَأَصْحَابِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.
 وقال الله تبارك وتعالى في محكم كتابه وهو اصدق القائلين أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ
 الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ * بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ: ﴿إِنَّ اللّٰهَ یُحِبُّ الذّٰلِیْنَ یُقَاتِلُونَ فِی
 سَبِیْلِهِ صَفًّا کَآَنَّهُمْ بُنِیَانٌ مَّرْصُوعٌ﴾^۱

صَدَقَ اللَّهُ الْعَظِيمُ

زما دیرو گرانو او خورا خوزو مجاهدینو! درنو عالمانو او محترم حضارو!

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ و بعد:

زمونږ دغه نني غونډه د يوه ډير ستر او برخليک جوړونکې کار لپاره جوړه

شوېده.

مخکې له دې څخه چې دغونډې اهداف او مقاصد بيان کړم لازمه گنم
 چې زمونږ دويارلې اسلامي انقلاب داوسنيو حالاتو دجهاد په ارتباط له بهرنيو
 حالاتو او په داخل دهيواد کې دجهادي سنگرونو پرفعلی وضعيت باندي لنډ
 بحث وکړم.

درنو ورونو!

تاسو ټول په دي مطلب بنه پوهيږي چې زمونږ لوی اسلامي انقلاب د
 افغانستان دمؤمن ولس دگڼ شميره قربانيو په نتيجه کې تراوسنی پړاو پوری را
 رسيدلي زمونږ مؤمن ولس يونيم ميليون شهيدان د اسلام په لاره کې ورکړل،

۱. صف / ۴. (در حقیقت خدا دوست دارد کسانی را که در راه او صف در صف چنانکه گویی بنایی
 ریخته شده از سربانند جهاد می کنند.) «مرکز تدوین»

دهجرتونو ناخوالی یې وزغملی.

ډیر زیات رېږونه او تکلیفونه یې وگالل د الله تعالی دفضل او احسان په برکت زموږ ددشهیدانو دویونو په برکت او دمهاجرینو د سلگونو ستونزو رېږونو او تکالیفو په برکت ډیره ستره فتحه زموږ او ستاسو نصیب شوه په اوسنی وخت کې ډیر خطرناک دښمن سیاسی ماتي وخوره فکري ماتي یې و خوره اوس په نړیواله سطحه کې دکمونیزم دمرگ عصر او زمان رارسیدلي دي ډیرو زیاتو کمونیستي ماهیت له لاسه ورکړ او رانسکور شول.

ډیر زیات کمونستي احزاب او گوندونه له خپلو کمونستي نظریاتو څخه بیرته وگرځیدل په دنیا کې نوی تغییرات او بدلونونه رامینځ ته شول اولاً اوس هم ددغو تغییراتو سلسله روانه ده.

البته دغه تغییرات او بدلونونه چې د کمونیزم له ناکامی څخه وروسته په نړی کې راغلی دي ټول کمونستی بلاک ښک او بدلون یی ر ورکړی دي په خپله په روسیه کې دغه تحولات په گړندیتوب سره روان دي. په اسلامی دنیا کې نوي روح را پاخیدلي دي اونوي ارادي رامینځ ته شوي دي.

زه داټول تحولات دسترجهاد دبرکت اثرات گڼم او دهغي ماتي اثرات یې گڼم چې روسانو زموږ دمجاهدینو په وړاندی و خوره.

په فعلی وخت او زمان کې زموږ انقلاب دي پرواته رسیدلي دي چې ډیری زیاتی بریایوی زموږ لاس ته راغلي دي.

خودافغانستان دپښو او قزایا و په وړاندی په اوسني وخت کې ددنیا والو نظر څه دي؟

څه ارادي او تصمیمونونه ز موږ دجهاد په وړاندی شته د افغانستان په وړاندي اوس ددنیا دکفري طاقتونو نظر، ارادي او تصمیم نوي اړخونه او نوی مخونه ځانته پیدا کړی دی.

پخوا دوي زموږ سره همدردی درلودله ځیني دولتونو مرستی او کمکونه کول ځیني دولتونو په صبری سره زموږ دپت او کامیابي دخبرونو انتظار کاوه

ځینې دولتونو په ډیر پاک نیت سره هیله درلوده چې مجاهدین په نظامي ډگر کې بریالی شی؛ اما اوس حالاتو تغییر خوری دي. ټولته پته لگیدلي ده چې دافغانستان مؤمن ولس په نظامي ډگر کې د روس په مقابل کې کامیاب شو او روس هم دافغانانو په څپیره نړیوال ماتي وخوړه.

اما له دي وروسته چې زمونږ دبي شمیره قربانیو ثمره دچالاس ته ورشي او زمونږ دپت اوننگ گټلی انقلاب دچا دگټو او مفاد اتو تابع شي په دي هکله نړیوال او یوگن شمیر حکومتونه شاید چې ځینی اسلامی حکومتونه او کفري حکومتونه په دي خیال کې دي چې باید دافغانستان مؤمن مجاهدین باید دخپل جهاد له افتخاراتو څخه بي برخي شی، دوي فکرکوي که مجاهدین دخپل جهادي غرور په نتیجه کې قدرت په لاس کې واخلي دادکفر طاقتونو لپاره ډیره ستره خطر را پېښوی.

اوس تاسو گوري، هغه بله ورځ روسي ديپلمات گراسیموف په یوه رسمي او ديپلوماتیک میتنگ کې وویل چې دافغانستان اسلامی جمعیت له طرفه سل قبضي سپکه وسله اولس زره پاتې شب نامي دمزار شريف^۱ او تخار^۲ له لاري روس ته ورداخل شوي دي دوي نړیوالو ته اوس داذهنیت ورکوي چې افغان مجاهدین یوازي په افغانستان قناعت نه کوي او دوي دخپل انقلاب دصدور په لټه کې دي له همدې امله باید کفري طاقتونه روسیه یوازي پرېږدی ځکه چې داسلام له خواجهانی کفرته سخت گواښ او خطر متوجه دي ماته له یوي ډیر باوری منع څخه خبر راغي چې غریبانو امریکایانو کله چې له گورباچوف څخه په افغانستان کې دمدخلي کولو و غوښتنه وکړه گورباچوف په جواب کې څه ورته وایي؟

ورته وایي چې داسلام تاریخ ستاسو په مخ کې زدم تاسو خپله فکر وکړی

۱. مزار شريف: از شهرهای مهم افغانستان و مرکز استان بلخ است. «مرکز تدوین»
 ۲. تخار: یکی از ولایت‌های شمال شرقی افغانستان است. مساحت آن ۱۲۴۷۵٫۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ.ش، ۹۳۳٫۷ نفر محاسبه شده است و مرکز آن شهر تالقان است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۴۶۲. «مرکز تدوین»

کله چې مسلمانان را پاڅيدل نوهغه وخت خلک لوچ لغړ فقير او نادار خلک و. دافريقا له شمال څخه بيا دچين ترديوال پوري يې داتول ملک ونيو اوس همداسی خلک ميدان ته راوتلي دي او دوي کولاي شي چې هم دامريکا، هم د اروپا او هم دنړي امنيت ته خطر ورپيښ کړی.

اوس نوتاسو پوهیږی او ستاسو خوښه ددي خلکو په وړاندی بايد تاسو له غفلت څخه کار وانځلی دا وي دگورباچوف جوابيه خبري.

په هر حال، مونږ اوس ددنیا په سوچ کې يوه تبديلي وينو مونږ لرو چې دنښمن به زياتي معاملي وکړی ډيري دسیسی به جوړی کړي ډير فعاليتونه به وکړي ډير مالونه به خرچ کړي او په افغانستان کې به ديوه اسلامي حکومت دجوړيدو مخه ونيسي؛ اما که مونږ په خپل وپوهیږو او په خپله لاره کې مستقيم روان و اوسو مونږ به بالاخره خپل منزل ته رسيږو.

او دنښمن به له ناکامی سره مخامخ کېږی اوس هرډول دسیسه چې تاسويي فکر کولاي شي زمونږ په خلاف په کارلوېږی له تولونه ستره دسیسه داده چې نړيوال غواړی د اسلامي انقلاب اهميت او هيبت ختم کړی او خلکوته داسی و نبي چې دا نهضت او اسلامي قيادت يو بي معني قيادت دي دوي په خارج کې دا وايي چې جهادي قيادت خطرناک قيادت دي او په داخل کې خلکوته داسي تاثير ورکوي چې اسلامي زعامت بي کاره دي او د دوي پرځای بايد نور خلک راشي دنښمن ډول ډول دسیسي طرحه کوي او بيلا بيلو لارو او چاروته لاس اچوي کله کله مونږ هم ناخودآگاه داسی حرکات انجاموو چې دنښمنانو له پلان سره هماهنگ وي؛ مثلاً کله کله غونډی کېږي کله د قوماندانانو په نامه کله دقومی مشرانو په نامه کله هم دمهاجرنو په نوم دغو غوندوته غربي پروپاگندونه داسي رنگ ورکوی چې گویا داخود جهادي قيادت پر خلاف وي. که څه هم په غونډوکې د ورونو نيت پاک وي؛ اما له دغو غونډو څخه غربي راډيوگانی بل ډول تاثير خپروي.

ورونو!

زمونږ دنښمنان لگيادي چې په افغانستان کې دمجاهدينو په لاس ديوه

اسلامی حکومت دجوړولو مخه ونیسي دوی په ټولو ساحوکې دجهاد او جهادي زعامت پر خلاف په دسایسو او موامراتو بوخت دی!

دروسانو دوتلو په پیل کې غربي ميډيا تبليغ کاوه چې مجاهدين دخپل سياسي جهانی دريځ لپاره بايد يو متحد او متشکل پلان فورم جوړکړي خو کله چې مونږ عبوري حکومت جوړ کړنو په لومړۍ سرکې که څه هم د دوی لخوا استقبال شو خو وروسته يي عبوري حکومت په رسميت ونه پیرانده.

بيايي دلويي جرگی پروپاگنډته ملاوتږ له هرځای به يي ويل چې ستاسو تيرو نسلونه خپل ټول مسايل له همدې لاري حل کړي دي لويه جرگه ستاسو په کلتورکې دپرابلمونو او وطنی رېږو دحل ډيره ښه لاره ده.

خوکله چې مونږ ديوې اسلامي لويي جرگې دراغونښتو حرکت پيل کړ دغرب په نبض کې بدلون راغی او داځل يي دسرتاسري انتخاباتو پروپاگنډ پيل کړی دي په هرحال غرب غواړی چې ابتکار دمجاهدينو له قيادت څخه واخلي او يو بل چاته يي په لاس ورکړی خو چل يي نه ورځی او دالاره د دوی لپاره مجهوله ده دوي نه پوهيږی چې له کومې لاري څخه دمجاهدينو سياسي قيادت له ميدان څخه وباسي فعلاً روس او امريکا او حتی ځيني اسلامي هيوادونه هم په دې لگيادی چې دمجاهدينو دسياسی قيادت کولو او په افغانستان کې ديوه اسلامي حکومت دجوړېدو دمخنيوي په غرض دملگرو ملتونو تر نظارت لاندې عمومي انتخاباتو په جريان کې به بی بی سی او امريکا غږ دمجاهدينو پر خلاف دپراخو تبليغاتو پروگرام تطبیقوی او په عين وخت کې به غرب کې دخپلو مطلوبو عناصرو د راوړاندي کولو لپاره پېښ وشی په دې توگه به دوی دجهادي قيادت دبي تاثيره کولو خپل پلان تطبیقی دحل داسی لاره دامريکا او روس په سوچ کې راگرځي او اوس پري لگيادي کار پري کوی په انتخاباتو کې دروس او امريکا دپلان له مخی کمونستانو ته هم دگډون حق ورکول کېږی. فعلاً دکمونستانو په لاس کې دويري اچولو ډير وسايل شته او پېښی هم ورسره شته او مونږ هم دومره په بي خبری که پاتي يو چې کومي پیسی چې فعلاً دکابل گوداگي حکومت چاپوي نه پوهيږو چې دا رښتيا پیسی

دي او که تش کاغذ دي او يقيناً کله چې افغانستان آزاد شي هرډول حکومت چې راځي خو داييبي به ورته بي معنى وي ځکه چې بي پشتوانی چاپ شوي دي.

ماته يوه ورور چې دافغانستان په بانکي معاملاتو کې پوره مهارت لری وويل چې دداود خان دحکومت په زمانه کې دنوتوشمير څلوېښتو ميلياردوته ورسيد نوټول بانکداران او اقتصاد پوهان وويريدل چې ددي دومره نوتونو لپاره مونږ اقتصادي پشتوانه سره ډر او خارجي اسعار له کومه ځايه ترلاسه کړو ترڅو ددغو نوتونه دپيسو حيثيت تثبيت کړی.

په آخر کې داسي فيصله وشوه چې که يونوت بل چاپ شي نو داييبي بي ارزښته کېږي هماغه وو چې امر وشو او دنوتوچاپ بالکل وځنډيدو او معطل شو؛ اما اوس دکابل گوډاگي حکومت په داسي حال کې چې دهيواد ټول اقتصاد په ټپه ولاړدی يوسلو څلوېښت ميليارد نوتونه چاپ کړي دي دا هغه شمير دي چې دبانکونو په راجستر کې درج شوي دي دهغو نوتونو حساب خو لا بيل دي چې په ټانکرونوکې دخاد لپاره راځي او دچاپ درک يي هم نه لگيږي. له دي څخه معلومېږي چې داڅومره نوتونه چې چاپ شوي دي قطعاً دپيسو حيثيت نه لري دافقط يونرنگين کاغذ دي سبا چې کوم مسؤل حکومت مينځ ته راشي، نواعلان به کوي چې ددغي دوري ټولي پيسي ناچله او هيڅ ډول بانکي اعتبار نه لری په اکثره ممالکو کې پس له انقلاب څخه داسي کارکېږي او دغير قانونی دوران پيسي سوځل کېږي ماته يوه عجيبه کېسه را ياده شوه زمونږ په فيض آباد^۱ کې يوسړی چې ولي باي نومېږي کله چې روسانو تجاوز وکړ نواعلان وکړ چې پخوانی پيسي لغوه دي له ولي باي سره

۱. شهر فيض آباد مرکز استان بدخشان: قبلاً به نام «جوزگون» يا «جوزون» ياد می‌گردد. پس از سال ۱۱۰۳ که خرقه رسول انسانيت حضرت محمد { از بخارا به اين شهر انتقال يافت، به برکت همين خرقه، به فيض آباد مسمی گردید. شهر فيض آباد ۳۲۰۳ كيلومتر مربع مساحت دارد که در آن حدود ۳۶۰ قريه وجود دارد و جمعيت آن حدود ۴۰۰۰۰۰ چهار لک نفر می‌باشد. مردم آن به زبان فارسی دری صحبت می‌کنند و پيرو مذهب حنفي می‌باشند. فيض آباد از کابل ۵۸۸ كيلومتر فاصله دارد. نگاه: بدخشان در تاريخ، ص: ۲۴، ج: ۱ و ۲، نویسنده: دكتور صاحب‌نظر مرادی، سال چاپ: ۱۳۸۹ هـ ش، ناشر: انتشارات خيام. «مرکز تدوين»

بي شميرنكلي پيسې وي آخر ولي باي ليوني شو سر به يي له يوه بل ديواله واهه نو اوس هم كه افغانستان آزاد شو ډير خلك به ليوني شي زما اصلي خبره دانتخاباتو په هكله وه روسان له څو جهتونو دانتخاباتو دكېدلو طرف داري كوي اول داچې ددوي لاس كېنولي حكومت په زياته اندازه تخريبي ابزار او وسايل په اختيار كې لري دوهم داچې ناچله نوټونه يي په اختيار كې دي دريم داچې مجاهدين بي وسلي دي او سياسي اتحاديي نشته كه دا نن هم مجاهدين دانتخاباتو لپاره يوگډ انتخاباتي اتحاد جوړ كړي سبانه روس او امريكا دواړه له انتخاباتو څخه انكار كوي.

مشكله خبره داده چې زموږ يو شمير وروڼه هم دعامي راي گيري لپاره لگيادي چېغي وهي زه حيران يم چې عامه راي گيري به پر كومو بنسټونو كېږي دراي وركونكو شمير په افغانستان كې څومره دي؟

دكومي تذكرې او پيژندپانو په اساس بايد راي واخيستل شي؟
څوك بايد راي وركړي؟ څنگه راي وركړي؟

ددې پوښتنونو ځواب هيڅوك هم نه شي وركولاي خو غواړوانه ده په هرحال داهم ددښمن يوه دسيسه ده او ډيره خطرناكه دسيسه ده اومونږ پوهېږو چې ددښمن ددغو دسيسو په تعقيب په كوم لور روان دي.

نړيوالي توطيې زموږ دجهاد پر خلاف زښته زياتي دي؛ اما مونږ له دي ټولو دسيسو څخه هيڅ رازوږه نه لرو خارجي توطيې او موماري به پرېږدو زموږ اساسي مشكل په خپله زموږ داخلي مشكل دی له داخلي مشكلاتو څخه يوستر مشكل دادې چې تراوسه پوري زموږ اوستاسو په مينځ كې داسي يو مشترك طرزديد او موقف دخپل انقلاب دبرياوو ددفاع لپاره مينځ ته نه دي راغلي.

تاسو وگوري چې مونږ له څومره فكري تقلباتو سره مخامخ يو دتنظيم په سطحه، دافرادو په سطحه، مخكې زياتره خبري پردي مسئله كې دي چې ويل به يي داگروپ داسلام له خط مشي سره مخالف دي داله كفارو سره ليدني كتنې كوي اوس دي مرحلي ته رسيدلي يو چې زموږ ځيني احزابو

خپل ټول امیدونه په کفارو پوري تړلي دي دوي وايي چې پرېږده پلاني کافر کودتاوکړي اوماته قدرت په لاس راشي پرېږده چې زه په پلاني کافر پسي شم چې هغه کودتا وکړي دمجاهدينو دلاسه خوڅخه نه کېږي.

يو کافر مخکې کوي اوورته وايي چې ملگريه دمخه شه گوندي چې ته حکومت وگتې او قدرت وماته راکړي دازمونږ په صفونوکې ډيره ستره بدبختي ده چې مونږ خپل جهادي غرورهمت او اراده داسي وبايلو چې خپل ټول امیدونه په يوه خلقي اوبوه کافر پوري وتړو.

بل مشکل دادي چې په داخل کې يودول فکري انتشار مينځ ته راغلي دي دا انتشار يوازي داحزابو په مينځ کې نه دي قوماندان دقوماندان پرضد خبري کوي، قوماندان داهل دفتر پرضد خبري کوي، اهل دفتر دقوماندان پرضد خبري کوي، مشر دکشر پرضد خبره کوي زه دا نه غواړم ته هغه غواړي هغه آبل نه غواړي او هغه بل بيابل نه غواړي يو عجيب حالت دي بس مونږ ټول دپهماتو غوښتلو په دوران کې اوسو خپل مسؤليت دبل چا پر او زوورتيو قوماندان وايي زه نه يم مسؤل مجاهد مسؤل دي مجاهد وايي قوماندان مسؤل دي داحالات خطرناک دي او يودول انارشيزم يي رامينځ ته کړي دي يونوع دمسئوليت عدم احساس حالت يي په وجود راوړي دي زمونږ اوستاسو يوازي مسؤليت دادي چې دخارجي دسيسو پرخنښ کولو برسيره دداخلي استحکام لپاره په جديت سره کار او فعاليت وکړي او ديوه فکر انقلاب دمينځ ته راوستلو لپاره خپلي هڅي تيزي کړو سودانيانو ويل: «ثورة الانقاص» مونږهم بايد دنجات لپاره يو بدلونه راولو ددي لپاره چې دي جهاد ته نجات ورکړو مخکې مولوی صاحب منهاج الدين وفرمايل چې په هر انقلاب کې مختلف مراحل دي يوه مرحله دانقلاب داده چې دانقلاب په لومړي سرکې حالات بايد په اخيرکې هم وزغموو.

دامرحله ډيره سخته مرحله ده.

اوس ټول باطل قوتونه په داخل کې سکولاريسټ او کفري تنظيمونه ټول لگيادي کارکوي او قدرت لپاره هڅي کوي يوازي مونږ غافل يو يقينا له مونږ

سره اوس زیاته بی پروگرامی ده هغه تنظیم چې خلکو منظم بللوحزب اسلامی هغه هم ټټی پیدا کړ او دیوه نا منظم او په فکري لحاظ دیوه ناروغ تنظیم عملي تظاهريی وکړ مونږ وایو چې کفار خپلو منځی په اختلافاتو لگيادي خلق او پرچم غاړی ته ورلویدلي دي او پرچم دخلق غاړی ته ورلویدلي دي خوزه له دي نه مطمین نه یم زه په دي خیال یم چې دوي په خپل مینځ کې یو خطرناک متحده پلان لري ولي څوورځي مخکې کله چې کودتا شوه دټټی پرضد زیاتي خبري کېدي خوبیا یو دم دټټی پرضد له رادیو کابل څخه تبلیغات بند شول داد څخه تبلیغات بند شول دادڅه لپاره بند شول خلقیانو بیا دنجیب په حکومت کې مهمي چوکې ونيولي دوي حتمي یوه خطرناکه ستراتیژی لري شاید ددوي پالیسی داوي چې دمجاهدینو گروپونه بیل بیل بدنامه کړي او په مینځ کې بی انتشار نورهم عام کړي.

اما په خپل مینځ کې دوي دیوي مشترکې ستراتیژی مختلف اړخونه بشپړوي خو برخلاف مونږ نه شوکولاي چې لږ څه ځان سره نږدی کړو په اوسني وخت کې چې ډیر حساس اوناوک دي ډیره وړه او کوچني اشتباه کولاي شي مونږ له ډیرو سختو حالاتو سره مخامخ کړي مونږ باید اوس څه وکړو له څه مودی راهیسی دافغانستان اسلامی جمعیت یولړ پروگرامونه تر اجرا لاندي نیولي دي جمعیت اوس په اداری او په سیاسی لحاظ ډیر استحکام موندلی دی. دا اجتماع چې مونږ نن دلته جوړه کړي ده کېدای شي داڅو موده وروسته ممکنه نه وي اوس داسي پلان روان دي چې مهاجرین دیوي دسیسي په ترچ کې بیرته افغانستان ته ولیږل شي داغاخان دپروگرام هدف دادی چې دانقلاب اجزايي سره بیلي شي که دیاستتیدو کار پیل شي او تطبیق بیا هلته مونږ سره شیندل کېږو بیاداسی غونډو جوړول امکان نه لري له همدې امله مونږ تصمیم لرو چې یوه مضبوطه سازماندهي باید همدا اوس جوړه شي باید چې دولایت په یو مقتدره شورا موجوده وي دولسوالیو په سطحه یوه دحوزو او څانگو په سطحه باید چې شوراګانی موجود وي دا ډول شوراګانی باید تشکیل او ژر تر ژر په کار او فعالیت لاس پوري کړي.

زمونږ یوزیات شمیر مسؤلین دجبهاتو امیران او قوماندانان دهیواد په داخل کې اوسیری.

مونږ نه غواړو چې داسې وروڼه دي په مهمو تصمیم گیر یو کې شریک نه وي فعلا مونږ کولای شو په کنړ،^۱ ننگرهار، لغمان، پکتیا،^۲ پکتیکا،^۳ غزنی،^۴ زابل،^۵ قندهار^۶ او هلمند^۷ که دهممو او نظر لرونکو عناصرو له ترکیب څخه شوراګانې تشکیل کړو. دایو ډیر مهم قدم دي ددې پرځای چې زموږ لپاره متحد ارګانونه نه وي لازمه ده چې دکارونو دمنظمې ادارې لپاره داجول اقدام وکړو مونږ که سرکال الله تعالی په دې کار کې بریالی کړو بیابه مونږ به داخل دوطن کې دجمعیت اساسنامه اونور تشکېلاتی کارونه ترسره کړو او دجمعیت حکومتي منشوریه هلته له کانګری څخه منظور کړو که په ځینو ولایاتو کې مونږ دځینو سببونو په وجه په دې ونه توانیږو چې شورا جوړه کړو بیا به هم زموږ

۱. کنړ: از ولایت های مشرقی افغانستان است. مساحت آن ۴۹۲۵,۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۴۲۸,۸ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر «اسعدآباد» است. علامه سید جمال الدین افغانی یکی از شخصیت های نامدار و معروف کشور، دانشمند و بیدار شرق، از این استان / ولایت می باشد. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۲۲۶. «مرکز تدوین»
۲. پکتیا: از ولایات جنوب شرقی افغانستان است. مساحت آن ۵۵۸۳,۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، ۵۲۵ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر گردیز است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۴۲ - ۱۱۴۷. «مرکز تدوین»
۳. پکتیکا: از ولایت های جنوب شرقی افغانستان است. مساحت آن ۱۹۵۱۵,۹ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، ۴۱۳,۸ نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر «سَرَن» است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۱۶۰ - ۱۱۶۱. «مرکز تدوین»
۴. غزنی: در مرکز افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۲۲۴۶۰,۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، ۱۱۶۸,۸ هزار نفر تخمین شده است و مرکز آن شهر غزنی است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۱۰۳۸ - ۱۰۴۳. «مرکز تدوین»
۵. زابل: در جنوب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۱۷۴۷۱,۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، ۲۸۹,۳ هزار نفر محاسبه شده است و مرکز آن شهر قلات است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۸۲ - ۹۸۵. «مرکز تدوین»
۶. قندهار: در جنوب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۵۴۸۴۴,۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، حدود ۱۱۵۱,۱ هزار نفر محاسبه شده است. مرکز آن شهر قندهار است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۹۱. «مرکز تدوین»
۷. هلمند: در جنوب غرب افغانستان موقعیت دارد. مساحت آن ۵۸۲۰۵,۱ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۱۳۹۱ هـ ش، ۸۷۹,۹ هزار نفر تخمین شده است. مرکز آن شهر لشکرگاه است. نگاه: جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، ص: ۹۶۶ - ۹۶۸. «مرکز تدوین»

هڅی روانی وی ترڅو دشورا دجوړیدو لپاره دشورا دطبیعی اجزاو میکانیزم عیارکړو په هر حال دا ډول شوراګانې باید جوړې او په خپل کارپیل وکړو.

زمونږ او ستاسې نني شورا هم دهمدې هدف لپاره راغونښتل شوي ده. دخبر په کارونه کې باید عجله وشي چې «خبرالبرعاجله» او دخبر دکارونو لپاره ډیر سوچ کول ډیر تصمیمونه جوړول او ډیر تاخیر نه دي په کار.

په کلي اصولي کې مونږ بالکل متفق یو په دي کې دهیڅ ډول اختلاف ځای نشته! فعلا مونږ قاطع تصمیم لرو چې باید دا ډول شوراګانې ولرو کار باید وروڼه په اوږو واخلي باید منطقو قیادتونه منطقوي امور په خپله اداره او رهبري کړی په فعلي شرایطو کې بي نظمي سخت زیانونه مونږ ته متوجه کوي. زمونږ اوسني اجتماع دهمدې کار لپاره راغونډه شوي ده مونږ باید اوس وپوهیږو چې په تحریک کې دمشر نظر څنگه دي او دکشر نظر څنگه؟

دتحریک موقف او دریځونه څه دي او په کلي ډول مونږ دڅه ډول یوي استرتیژي درلودونکې یو زه ټولو ورونوته خواست کوم چې دنویو تشکېلاتو په کار کې جدی او فعال وسیي، وخت دکار دي وخت دعمل دي وخت دفعالیت دي څه خپل مونږ کولای شو کارو کړو څه خپل مونږ کولای شو چې خپل لاري منظمي کړو باید داسې لاري چاري ولټوو. زمونږ اوستاسو په مینځ کې شاید چې ډیري ګیلي شکوي او نور څه وي لیکن فعلا وخت نازک دي ټولي ګیلي او شکوي باید شاته وغورځو او دګټلي انقلاب دارزښتو ساتنی ته باید ټول متوجه واوسو او ځانونه منظم کړو مونږ په حتمي صورت کې باید خپل امور منظم کړو. وخت او زمان توقف نه کوي باید زیات کار وکړو په معمولی او بسیطو کارونو باندې خپګان چندان ښه کارنه دي. دکارد ترتیب په هکله ما کلي خبري تاسوته وکړی او بیا هم وروڼه له دي نه ښه ابتکار شودلای شي دکار شروع کېدل ممصمانه او متحدانه ده هیڅوک اختلاف نه لري چې نظم او دسپلین دي نه وي باید چې مونږ داحالت ختم کړو نور زه زیاتي خبري نه کوم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِيْ وَلَكُمْ إِنَّهُ هُوَ الْعَفُوْرُ الرَّحِيْمُ.

خطابهٔ یک صد و پنجاه و هشتم
در جمعی از دانش آموزان مدرسهٔ ائمه و خطبا
مکان: ترکیه، استانبول
هفته‌نامهٔ مجاهد؛ شمارهٔ ۱۲۵، شنبه-۲۳ سرطان ۱۳۶۹ هـ ش - ۲۲
ذی‌الحجه ۱۴۱۰ هـ ق - جولای ۱۹۹۰ م



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ؛^۱ اَمَا بعد:
السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
همشیره‌های بسیار محترم!

اینک سلام خواهران و مادران مجاهد افغانستان را که در راه آزادی کشورشان، همراه با برادران و پدران‌شان، یکجا در جهاد سهم گرفته‌اند، به شما تقدیم می‌کنم.

بلی، در راه جهاد و آزادی افغانستان، خواهران، برابر با برادران مجاهدشان، مستقیماً سهم گرفتند.

نمی‌شود که اسمای آن‌همه خواهرانی که قهرمانی کردند، تذکر دهم؛
اما از جمله آنان یکی ناهید شهید^۲ است. خواهران شما برای اولین بار وقتی که

۱. ستایش از آن‌الله است و بس، و درود و سلام بر بندگان برگزیده او. «مرکز تدوین»
۲. دوشیزه ناهید فرزند سید یوسف صاعد: در سال ۱۳۳۹ خورشیدی، در شهر کابل دیده به جهان گشود. پس از فراغت از دوره ابتدایی شامل لیسه (دیبرستان) دخترانه سوریا شد و بعد از آن به تحصیل در لیسه رابعه بلخی ادامه داد. ناهید دانش‌آموز سال آخر دیبرستان یا به عبارت دیگر صنف دوازدهم بود که غیرت و مسئولیت دینی و ملی او را وادار به مبارزه با نیروهای اشغالگر شوروی سابق و کمیونستان افغانی متحد آنان که قدرت سیاسی را با کودتای هفتم ثور سال ۱۳۵۷ ه. ش، غصب کرده بودند، کرد. ناهید تنها نبود، دختران مسلمان دانش‌آموز در تمامی لیسه‌های دخترانه شهر کابل برای دفاع از دین، استقلال کشور، عزت و عفت‌شان به پا خاستند و قیام شکوهمند ۹ ثور را در تاریخ خونین ملت مجاهد افغانستان رقم زدند. این قیام که به شکل تظاهرات مسالمت‌آمیز صورت گرفت و به خون کشیده شد، اعتبار و مشروعیت نداشته حکومت استبدادی کمیونستان حزب دموکراتیک خلق را بیشتر از پیش زیر سوال برده و آنان را رسوا ساخت. در تظاهرات روز سه‌شنبه ۹ ثور ۱۳۵۹ ه. ش، که ناهید در صف اول شیر دختران دانش‌آموز در کارته چهار قرار داشت، روسری یکی از

تانک‌های روسی داخل شهر کابل شدند، مانند شما از میان مکاتب‌شان برآمدند و در برابر تانک‌های روسی، شعارهای «مرگ بر روسیه» و «مرگ بر تجاوزگران روس» و «مرگ بر خائینی که راه را برای روس باز کردند»، می‌دادند. عساکر روس بالای خواهرانی که به دست‌های‌شان بیرق ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ﴾ داشتند، فیر کردند و زمانی که یک خواهر به زمین می‌افتاد، خواهر دیگری آن بیرق را به دست می‌گرفت، این چنین هنگامی که خواهر دوّمی شهید شد، بیرق را خواهر سوّمی برداشت. می‌گویند: خواهری که شهید می‌شد، با خون خود به زمین نوشته می‌کرد: «آزادی»، «آزادی»، «آزادی».

خواهری را که تازه در نتیجه یکی از حمله‌های روسی در اثر فیر مرمی استخوان‌هایش کاملاً از بین رفته بود، در شفاخانه دیدن کردم، این خواهر تازه شوهر گرفته بود، شوهر جوانش، برادرهایش، همه شهید شده بودند و زمانی که من او را تسلی می‌دادم و می‌گفتم که: خداوند شهدای او را ببخشد و برایش صبر و استقامت نصیب کند، در او آن قدر قوّت قلب رایافتم که می‌گفت: «پدر، برادران و شوهر من به هدف عالی خود رسیدند، تنها برای من که مانده‌ام دعا بکنید، تا من نیز بتوانم صحت‌یاب شوم و دوباره به جنگ بروم و جام شهادت بنوشم.»

مادرانی را می‌شناسم که البته تعدادشان بسیار زیاد است، فرزندان‌شان در عین همان شب عروسی‌شان وقتی خبر شدند که روس‌ها بالای جبهه‌شان حمله کرده‌اند، جوانان فوراً به جبهه برگشته و در اثر حمله روس‌ها شهید شده‌اند. زمانی که مادری خبر می‌شود که فرزندش را از دست داده است، به جایی که تأثر نشان بدهد، از قوماندانش خواست که لباس پر خون و تفنگ پسرش را به او بدهند و در سنگری که پسرش می‌جنگید، او نیز باید بچنگد.

همراهانش را گرفته به سوی افسران و سربازان حزب دموکراتیک خلق انداخته و گفت: «شما در برابر روس‌ها از وطن دفاع نکرده؛ بلکه از آنان حمایت می‌کنید، پس بیایید چادرهای ما را شما به سر کنید و سیاحتان را به ما بسپارید تا از آزادی میهن خویش پاسداری کنیم؛ روس‌ها از ملک ما بیرون شوید، ورنه غرق رودبار خون شوید.» سربازان و افسران کمونیست، از این شهامت و دلیری دختران مسلمان به خشم آمده، به روی نوباوگان بی‌دفاع دانش‌آموز آتش گشودند. ناهید چون گل بر روی زمین پرپر شد و کبوتر روحش به آسمان رستگاری به پرواز درآمد. برگرفته از وب‌سایت پیام آفتاب، تاریخ: چهارشنبه، ۲۰ حوت ۱۳۹۹ ه.ش، ساعت: ۳۰:۱۱ پیش از ظهر، - <http://payam.aftab.com/fa/doc/news/>

این‌ها بعضی از نمونه‌هایی است که به شما یاد کردم.

البته در اثر همین قهرمانی‌هایی که برادران و خواهران مجاهد شما در افغانستان نشان دادند، بیش از یک‌ونیم میلیون شهید تقدیم شد و اضافه‌تر از میلیون هم زخمی دادند.

در نتیجه امروز روسیه یک ابرقدرت جهانی به کلی شکست خورد و از افغانستان گریخت، نه تنها در افغانستان؛ بلکه کمونیزم در دنیا به شکست روبه‌رو شد و امروز می‌بینیم که کشورهای برادر ما در ازبیکستان،^۱ ترکمنستان،^۲ آذربایجان، قزاقستان و تاجیکستان،^۳ آواز آزادی را بلند کردند و امیدواریم که به زودی (۷۵) میلیون مسلمان، ازبیک، ترکمن و تاجیک که زیر تسلط روس به سر می‌بردند، به برکت مقاومت و جهاد مردم افغانستان کاملاً آزاد شوند.

فعلاً مجاهدین بیش از «۹۰» درصد تمام خاک افغانستان را در اختیار خود دارند، برادران مجاهد و خواهران مجاهده شما، برای دوباره ساختن افغانستان جدید مشغول کارند. مکاتب، شفاخانه‌ها و راه‌ها را می‌خواهند آباد کنند و ان‌شاءالله افغانستان آینده، افغانستان آزاد و مستقل خواهد بود که به ملت برادر و قهرمان ترک که روابط بسیار عمیق تاریخی داریم، رابطه نزدیک‌تر و بهتر به میان خواهد آمد.

البته در کشورهای اسلامی، نقش زن‌ها کم‌تر از نقش مردان و برادران

۱. ازبیکستان: کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «تاشکند» و مساحت آن ۴۴۷۴۰۰ کیلومتر مربع، جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۲۷۷۹۴۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن ازبکی و واحد پول آن «سوم» می‌باشد، ۸۵ درصد مردم ازبیکستان مسلمان‌اند، بیش از ۱۵۰۰ مسجد در سراسر این کشور ساخته شده که قبل از استقلال، تعداد آن‌ها ۸۰ واحد بوده است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۷. «مرکز تدوین»

۲. ترکمنستان: کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد، پایتخت آن شهر «عشق‌آباد» و مساحت آن ۴۸۸۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۵۱۷۷۰۰۰ نفر تخمین شده است، زبان رسمی آن ترکمنی و واحد پول آن «منات» ترکمنستان است، ۸۹٪ مردم ترکمنستان مسلمان و اکثراً پیرو مذهب حنفی و ۹٪ پیرو کلیسای ارتودوکس روسیه‌اند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

۳. تاجیکستان: کشوری است که در آسیای میانه موقعیت دارد، مساحت آن ۱۴۳۱۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۰۷۵۰۰۰ نفر تخمین شده است، پایتخت آن شهر دوشنبه، زبان رسمی آن تاجیکی و واحد پول آن سامانی است، دین بیش از ۹۰٪ مردم این کشور اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۱. «مرکز تدوین»

مجاهد نیست، مادران قهرمانی هم هستند که شخصیت‌های چون سلطان محمد فاتح^۱ را تربیت کردند. مادرانی هم در افغانستان، هستند مجاهدین را در دامان خود پرورش دادند؛ بلی، اگر این مادرهای قهرمان و این شیرزن‌ها نمی‌بودند، این مجاهدین قهرمان به میان نمی‌آمدند.

به این اساس؛ نقش زنان در اسلام و نقش مادران مسلمان در راه آزادی کشورهای اسلامی، در راه استقلال کشورهای اسلامی، کم‌تر از نقش مردان نیست.

بیشتر وقت شما خواهرهای محترمه خود را نمی‌گیرم و من برای تان یک آیت قرآن کریم را می‌خوانم که خداوند -جل جلاله- در آن می‌فرماید:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ...﴾^۲

(مسلمانان - مادران مسلمان، زنان مسلمان و مردان مسلمان - این‌ها یکی ولی و سرپرست و همکار و معاون یکدیگرند، امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند.) می‌بینیم که قرآن عظیم الشان می‌گوید: در اصطلاحات اجتماعی و در رهبری جامعه، مردان و زنان هر دو نقش برابر دارند، هر دو می‌توانند جامعه را رهبری کنند و هر دو در این راه مسئولیت دارند.

به همین اساس است که رسول الله ﷺ می‌فرماید:

۱. سلطان محمد ثانی فرزند مراد ثانی، معروف به سلطان محمد فاتح: در ۳۰ مارچ ۱۴۳۲م به دنیا آمد و در ۳ می ۱۴۸۱ م، چشم از جهان فروبست. سلطان هفتمین سلسله آل عثمان است که ملقب به «فاتح» و «ابوالخیرات» بود. مدت حکومت وی قریب به ۳۰ سال پرخیز و برکت برای مسلمانان بود. وی خلافت را در سال ۱۶ محرم ۸۵۵ هجری قمری، مطابق با ۱۸ فبروری سال ۱۴۵۱ میلادی، در حالی که ۲۲ سال سن داشت بر عهده گرفت. محمد فاتح دارای شخصیت منحصربه‌فرد و جامع بین قدرت و عدالت بود، او در شجاعت و مردانگی، عالم‌دوستی و علم‌پروری شهره‌عام و خاص بود و همین‌طور از بهترین خلفای است که در زمان خلافتش قسطنطنیه فتح گردید. جهت آگاهی بیشتر مراجعه شود به: الدولة العثمانیة، عوامل النهوض وأسباب السقوط، از دکتور علی محمد صلابی. «مرکز تدوین»

۲. توبه / ۷۱. ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ﴾ (و مردان و زنان باایمان دوستان یکدیگرند که به کارهای پسندیده و امی دارند و از کارهای ناپسند بازمی‌دارند و نماز را برپا می‌کنند و زکات می‌دهند و از الله و پیامبرش فرمان می‌برند، آنان‌اند که خدا به‌زودی مشمول رحمت‌شان قرار خواهد داد که الله توانا و حکیم است.) «مرکز تدوین»

﴿طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ﴾^۱

امیدوارم که شما خواهران در اجتماع کشور برادرمان ترکیه^۲ نقش تعیین‌کننده داشته باشید.

یک بار دیگر سلام‌های مادران و خواهران مجاهده شماره ۱، مادرانی که در راه سربلندی اسلام، فرزندان عزیزشان، در زیر تانک‌های روسی، پارچه پارچه شدند، خواهرانی که در زندان شکنجه دیدند، به شما تقدیم می‌کنم.

سلام آن خواهری را که بعد از هشت سال حبس از زندان پل چرخ آزاده و آثار تهدید و شکنجه در دست‌ها و پاهایش دیده می‌شود، را نیز به شما تقدیم می‌کنم.

خداوند نگهدار شما

۱. متن کامل حدیث این است: ﴿طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ ، وَإِنَّ طَالِبَ الْعِلْمِ يَسْتَغْفِرُ لَهُ كُلَّ شَيْءٍ ، حَتَّى الْحِيتَانِ فِي الْبَحْرِ﴾ ابن ماجه، شماره حدیث: ۳۹۱۴. فراگیری دانش بر همگان فرض است، همه چیز و همه کس برای دانش آموز، آموزش خواهی می‌کند، حتی ماهیان در دریا. قابل ذکر است که همه «مسلم» شامل مرد و زن می‌شود. «مرکز تدوین»

۲. ترکیه: کشوری است که در جنوب غرب قاره آسیا و شرق میانه واقع است و بخش کوچک آن به نام تراکیه در منطقه بالکان قرار دارد، مساحت آن در حدود ۷۸۰ هزار کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، ۷۳۷۲۲۹۸۸ تخمین شده است، پایتخت آن شهر «انقره» می‌باشد. بنا بر آخرین آمار موجود در ترکیه حدود ۹۸ درصد جمعیت این کشور را مسلمانان و ۲ درصد را مسیحیان و کلیمیان و پیروان دیگر ادیان تشکیل می‌دهند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی و کتاب «ترکیه» از کریس ابوک، ترجمه مهسا خلیلی. «مرکز تدوین»

خطابهٔ یک صد و پنجاه و نهم
در کنفرانس وزرای خارجهٔ کشورهای اسلامی در قاهره
میثاق خون؛ دور دوم نشراتی، سال پنجم، شمارهٔ پنجم، ماه اسد ۱۳۶۹
هـ ش، نمبر مسلسل ۷۱، ص ۱۰-۱۳.



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ نَبِيِّنَا الْأَمِينِ وَعَلَى آلِهِ وَ
 أَصْحَابِهِ أَجْمَعِينَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ۱
 ﴿وَقُلْ اْعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عَالِمِ الْغَيْبِ
 وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ﴾ ۲

جناب سرمنشی کنفرانس وزرای خارجه کشورهای اسلامی و وزرای محترم! *

به نمایندگی از حکومت موقت مجاهدین، از کنفرانس کشورهای اسلامی
 اظهار خرسندی می‌کنم که در مجلس مؤرخ مارچ ۱۹۸۹م، در شهر ریاض،
 خویش، کرسی افغانستان را - که بعد از تجاوز نظامی روس به حال تعلیق قرار
 داشت - به نفع مجاهدین فیصله کرد. عمیقاً اظهار قدردانی و تشکر می‌کنم.
 به نمایندگی از ملت قهرمان افغانستان و رهبران جهادی آن، از شما
 وزرای محترم تقاضا دارم که در جهت تحکیم هرچه بیشتر این فیصله عادلانه،

۱. ستایش از آن الله است که پروردگار جهانیان است و درود و سلامتی بر پیامبران محمد راست‌گو
 و بر خانواده و همه یاران او. خدای برتر فرموده است. «مرکز تدوین»

۲. توبه / ۱۰۵. (و بگو [هر کاری می‌خواهید] بکنید که به‌زودی خدا و پیامبر او و مؤمنان در کردار
 شما خواهند نگرست و به‌زودی به‌سوی دانای نهران و آشکار باز گردانیده می‌شوید پس ما را به آنچه
 انجام می‌دادید آگاه خواهد کرد.) «مرکز تدوین»

* در این زمان استاد شهید ریاست هیئت حکومت موقت، مجاهدین را به دوش دارد. «مرکز

گام‌های عملی بردارند؛ همچنان از حکومت مصر،^۱ شکرگزارم که این جلسه تاریخی را در دیار «کنانه»^۲ دایر و از نماینده حکومت مجاهدین پذیرایی می‌کنند.

برادران!

مشکل کنونی کشور ما از زمانی آغاز شد که یک رژیم کمونیستی در اپریل ۱۹۷۸م، زمام اداره را به دست گرفت و سردار داود^۳ را که در دوران صدارت خویش، کمونیستان را رشد و تقویت می‌کرد و بعداً در عهد ریاست جمهوری خویش در سال ۱۹۷۳م، آنان را با خود در ارگان دولت شریک ساخت و به‌صورت بی‌رحمانه با همه افراد خانواده‌اش و هزاران تن دیگر از افراد ملت ما را به قتل رسانیده و زمام اداره کشور ما را به دست گرفتند.

روس و اعمار آن در اروپای شرقی با دست و دندان از کمونیستان کابل حمایت کردند؛ اما ملت افغانستان از آغاز، اعلان قیام کرد و سرانجام ضربات کوبنده ملت شوریده ما از یک طرف و تضادهای عمیق داخلی میان سردمداران کمونیست از جانب دیگر، باعث سقوط و فروپاشیدگی رژیم ملحد کمونیست

۱. مصر: کشوری است که در خاورمیانه یا قاره آفریقا موقعیت دارد. مساحت آن ۹۹۷۷۳۹ کیلومترمربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۸۴۴۷۴۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن لیره مصر و پایتخت آن شهر «قاهره» می‌باشد، دین رسمی آن اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۰. «مرکز تدوین»

۲. گویند به این سبب مصر را سرزمین کنانه گویند که این سرزمین در پناه خدا قرارداد. «مرکز تدوین»

۳. داود خان: در سرطان سال ۱۲۸۸ه ش، در شهر کابل به دنیا آمد، پس از پایان تعلیمات ثانوی نظامی، در سال ۱۹۳۱م، وارد دانشکده افسران اردو گردید، در دوران دهه ۱۹۳۰ و ۱۹۴۰م، وی در پُست‌های گوناگونی ایفای وظیفه کرد، در سال‌های ۱۹۴۹ - ۱۹۵۰م، وزیر دفاع و از سال ۱۹۵۳ تا ۱۹۶۳م، به‌عنوان نخست‌وزیر کشور بود. ظاهرشاه، پادشاه افغانستان، او را در سال ۱۹۶۳م، برکنار کرد، در ۲۶ سرطان ۱۳۵۲ ه ش، با تَوَسُّل به کودتای نظامی سرد، ظاهرشاه پسر کاکایش را از سلطنت خلع کرد، نظام جمهوری را بنا نهاد، وی از ابتدا دارای افکار چپ و یک ناسیونالیست بود. از این رو با حزب دموکراتیک، به‌ویژه شاخه پرچم، روابط نزدیکی داشت و از آن‌ها در پیروزی کودتا استفاده کرد، پس از پیروزی برای کادرهای این جناح، پُست‌های مهم و کلیدی داده‌شد، گفته می‌شود که در اواخر سال‌های قدرتش از مسکو و از چپ‌ها فاصله گرفت. به‌هرحال؛ پس از کودتای ۷ ثور ۱۳۵۷ ه ش، حزب دموکراتیک خلق، داود را با ۳۹ نفر از اعضای فامیلش به قتل رسانیدند. در مورد داود خان می‌توانید، به کتاب‌های ذیل نگاه کنید: داود خان درگذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک و سیمای زعامت داود خان، اسلام و سوسیالیسم از استاد شهید W و افغانستان در پنج قرن اخیر از میر محمدصدیق فرهنگ. «مرکز تدوین»

شد.

هر روزی که بر عمر منحوس این رژیم پوسیده می‌گذشت، گام تندی به سوی پرتگاه سقوط و نابودی می‌برداشت، روس‌ها که شاهد این وضع بودند، با دست‌پاچگی و سراسیمگی، به لشکرکشی علیه ملت مظلوم ما پرداختند، طی اولین عملیات نظامی بیش از یکصدوپانزده هزار عساکر روس با پیشرفته‌ترین وسایل جنگی دست به اشغال کشور ما زدند، غارتگران مهاجم کشور ما را به حمام خون تبدیل کردند. قتل، کشتار، تجاوز به حیثیت و وقار ملی و غارتگری آغاز شد.

در نتیجه این تجاوز وحشیانه، بیش از یک‌ونیم میلیون مردم جام شهادت نوشیدند، در حدود نیم میلیون معلول و مجروح شد، بیش از شش صد هزار کودک معصوم یتیم گشت، حدود هفت‌صد هزار زن بیوه شد.

نظر به محاسبات ادارات ملل متحد در حدود سی میلیون مابین، در افغانستان جابجا شد، تا بعد از خروج قوای روسی، داستان غم‌انگیز مرگ زنان و کودکان و جوانان ما ادامه یابد؛ چنانکه در لحظات شکست و اخراج قوای روسی، گورباچف در حال حزن و حسرت گفته بود: «با مابین‌های جابجا شده چندین سال دیگر با افغان‌ها خواهیم جنگید.»

سرمایه ملی ما به غارت برده شد، آتش جنگ و نفرت در میان مردم ما برافروخته گردید، حدود بیش از پنج میلیون مردم ما به کشورهای مختلفی آواره و مهاجر شدند، حدود صد هزار از تعلیم‌یافتگان، علما و کارمندان دولت و جوانان به کشورهای مغرب زمین آواره شدند و بیش از هشتاد درصد کشور ویران شد.

برادران محترم!

کنفرانس وزرای خارجه اسلامی - مطابق ماده دوم فقره ششم که می‌نویسد: «کنفرانس وزرای خارجه وظیفه دارد که از مبارزات برحق و عادلانه همه ملت‌های مسلمان در جهت حفظ کرامت بشری، استقلال ملی و حقوق انسانی‌شان پشتیبانی کند.» - در جلسه فوق‌العاده مؤرخ ۱۹۸۰م، متصل اشغال نظامی افغانستان، نظر به دعوت برخی از اعضا، با شرکت «۳۴» کشور

اسلامی، تجاوز نظامی روس شدیداً محکوم و مخالف همه قوانین بین‌المللی اعلان شد و عضویت افغانستان در کنفرانس به حالت تعلیق درآمد و از همه کشورهای عضو خواسته شد که رژیم اشغالی را به رسمیت نشناسند و همه کمک‌های خویش را قطع کنند و به ملت افغانستان که علم قیام را علیه اشغالگران و رژیم مزدور برافراشته‌اند، هر نوع کمک صورت بگیرد، و به مهاجرین و آواره‌گان پناه داده شوند.

سپس به تاریخ ۱۷ تا ۲۲ می ۱۹۸۱م، به اشتراک ۳۹ کشور اسلامی در اسلام‌آباد، اجتماع دیگری از کنفرانس اسلامی دایر شد و ضمن قطعنامه‌ای، از روس‌ها خواسته شد که بدون قیدوشرط عساکر خویش را از افغانستان بیرون کشند و بدین شکل طی اجتماعات مختلف کنفرانس اسلامی، موضوع افغانستان مطرح و از قیام ملت ما حمایت می‌شد تا اینکه در کنفرانس تاریخی ریاض، کرسی افغانستان به مجاهدین تعلق گرفت و چهار کشور اسلامی حکومت موقت مجاهدین را به رسمیت شناختند و ملت افغانستان امیدوار بود که کشورهای دیگر اسلامی نیز چنین خواهند کرد؛ اما متأسفانه این کار صورت نگرفت.

برادران محترم!

صبر و استقامت ملت قهرمان و برادران در افغانستان و حمایت بی‌دریغ شما کشورهای اسلامی، سرانجام باعث اخراج و شکست نیروهای اشغالگر شد، روس‌ها عساکر خود را از افغانستان کشیدند و اعتراف هم کردند که این عمل‌شان کار غیرانسانی و مخالف همه قوانین و مواثیق بین‌المللی بود؛ چنانکه وزیر خارجه روسیه «شواژدنازه»^۱ در ماه اکتوبر ۱۹۸۹م، در برابر پارلمان روسی، چنین اظهاراتی کرد: عساکر روسی برآمدند؛ اما مشاورین روسی که پلان جنگ را طرح و پیاده می‌کردند، نرفتند و حتی به تعدادشان افزوده شد، پل هوایی که در آغاز جنگ و حمله در میان مسکو و کابل جهت نقل‌ساز و سامان جنگ برقرار شده بود، دوباره متصل خروج قوای روسی

۱. ادواژد آمیزسیس دژ شواژدنازه: (زاده ۲۵ جولای ۱۹۲۸ و درگذشت ۷ جنوری ۲۰۱۴م) سیاست‌مدار گرجی، آخرین وزیر خارجه شوروی و چهار سال پس از فروپاشی شوروی، در سال ۱۹۹۵م، دومین رئیس‌جمهور گرجستان شد. «مرکز تدوین»

آغاز شد و خطرناک‌ترین سلاح‌ها چون راکت‌های اسکاد و اورینگان و دیگر سلاح پیشرفته را که حتی در دوران وجود قوای روسی وجود نداشت به صورتِ سرسام‌آوری انتقال آن آغاز شد و تا هنوز به همان حجم؛ بلکه بیشتر ادامه دارد، گراف تلفات - که توسط منابع بی‌طرف ترتیب شده - بیانگر این حقیقت است که در برخی از ماه‌های اخیر بعد از خروج روس‌ها گراف ویرانی و کشتار بالا رفته است، تجاوز نظامی پایان یافت، جنگ‌افروزان کمونیست که عامل همه بدبختی‌ها و ویرانی در کشور ما شده‌اند، یکجا با تجاوزگران برنگشته و روس‌ها با دست و دندان، از این جانیان حمایت می‌کنند، همان است که ترازدی افغانستان با برگشت صوری عساکر روسی پایان نیافت و ملت ما که در میان امواج خون و دود و آتش شنا می‌کرد، بار دیگر بعد از برآمدن روس‌ها با همان سرنوشت خونین، خود را مواجه یافت.

در عین حال جنگ سرد^۱ و تبلیغات سختی علیه ملت ما در سطح مطبوعات کشورهای غربی آغاز شد و بدبختانه که بعضی از منابع نشراتی در کشورهای اسلامی نیز از این حمله تبلیغاتی تحت تأثیر قرار گرفته، آنچه را که حلقه‌های تبلیغاتی در غرب به راه انداخته‌اند، تکرار می‌کنند، ما را جنگ طلب و افراطی می‌خوانند و مبارزه ما را که در جهت آزادی و استقلال و تمامیت ارضی و سیادت ملی ما آغاز شده و ادامه دارد؛ جنگ داخلی لقب می‌دهند؛ اما حقیقت این است که ما از هرکس دیگر بیشتر خواهان صلح و امنیتیم؛ ولی آیا باران راکت‌های اسکاد روسی بر شهر و قریه‌های ما، خاتمه یافته است؟ آیا پل هوایی که میان مسکو و کابل که به صورت سرسام‌آوری وسایل کشتار ملت ما را فراهم می‌سازد، قطع شده است؟ آیا مداخله روس‌ها در امور داخلی ما پایان یافته است؟ مگر حمام‌های خون در کشور ما که با حمله نظامی روسی آغاز شده بود، برداشته شده است؟

ملت اجماعاً فیصله کرده است که به هیچ شکل به رژیم مزدور و جلادان حرفه‌ای حزب کمونیست خلق اجازه نمی‌دهد که دیگر بر سرنوشت ما حاکم

۱. جنگ سرد: عبارت است از حالت کشاکش سیاسی و اقتصادی و ایدئولوژیک و مسابقه جنگ‌افزایی میان دو یا چند کشور همراه با جنگ روانی و تبلیغاتی، بدون آنکه کاربرد جنگ‌افزارهای گرم در میان باشد. نگاه: دانشنامه سیاسی، از داریوش آشوری، ص: ۱۱۸. «مرکز تدوین»

باشد. آن‌ها جانیان و غدارانی‌اند که باید در برابر محاکمه ملت ما قرار بگیرند، تغییر نام حزب کمونیست برای ملت ارزشی ندارد، به هر رنگی که این‌ها تغییر قیافه دهند، بازهم مجرم و جانیان جنگی‌اند و از محاکمه فرار کرده نمی‌توانند. ملت افغانستان درحالی‌که از پشتیبانی مسلسل کنفرانس وزرای خارجه اسلامی عمیقاً قدردانی و تشکر می‌کند، خواسته‌های ذیل را به خدمت این اجتماع موقر تقدیم می‌دارد:

۱- یک‌بار دیگر روس‌ها، در برابر جنایاتی که علیه ملت ما در دوران تجاوز نظامی مرتکب شده‌اند، محکوم گردند و ادامه تجاوزشان نیز قاطعانه محکوم شود؛

۲- از زعمای روسی خواسته شود، همه انواع کمک‌های خویش را به رژیم جنگ‌افروز کابل قطع و از آن حمایت نکنند؛

۳- اعلان شود که رژیم نجیب غیرقانونی است و تغییر نام حزب مفهومی ندارد؛

۴- از لحاظ اصول، به حکومت مجاهدین اعتراف صورت بگیرد؛

۵- به مجاهدین کمک صورت بگیرد تا این رژیم را هرچه زودتر سقوط دهند و امن و صلح را به کشورشان برگردانند؛

۶- به مجاهدین طور سابق کمک‌های انسانی ادامه یابد تا حیات‌شان از لحاظ فقر و گرسنگی، به مخاطره نیفتد؛

۷- اوضاع کنونی برای برگشت مهاجرین مناسب نیست، چه عواملی که باعث آوارگی و هجرت شده تا هنوز رفع نگردیده است؛ درحالی‌که عوامل دیگری چون تهدید ماین‌ها، قحطی، مرض، محرومیت و فقر، حیات مردم ما را به شدت تهدید می‌کند؛ لذا ما معتقدیم که تصمیم برگشت مهاجرین پیش از وقت است؛

۸- به مجاهدین فرصت داده شود که حکومت جدید خود را از طریق «شورای اهل حل و عقد» تشکیل بدهند تا بدین وسیله شک و شبه در قسمت مردمی بودن حکومت رفع گردد؛

۹- ملت افغانستان درراه اعاده هویت اسلامی، وحدت ملی، استقلال و

تمامیت ارضی‌شان، حمایت و پشتیبانی شوند؛

۱۰- از مبارزه و جهاد ملت قهرمان ما، تقدیر صورت بگیرد؛

۱۱- از همه کشورها و مؤسسات مطالبه شود تا به مهاجرین در پاکستان و ایران، کمک بکنند تا بار اقتصادی بر دوش این دو کشور سنگین تر نشود؛

۱۲- کنفرانس وزرای خارجه اسلامی به اشتراک بانک انکشاف اسلامی، امر بازسازی افغانستان را به دوش گیرد و در این ارتباط کمیسیون مشترکی تشکیل دهد؛

۱۳- چوکی افغانستان در بانک اسلامی به مجاهدین تعلق بگیرد؛

۱۴- تکالیف بازسازی افغانستان و تعویض جرایمی که در کشور ما در دوران اشغال نظامی صوت گرفته، از روسیه مطالبه گردد؛

۱۵- کمیسیون دایمی جهت کمک به مردم افغانستان در جهت رسیدن به آزادی کامل و اعمار افغانستان تشکیل گردد.

برادران محترم!

کنفرانس شما مصادف به مرحله حساسی از تاریخ دایر می‌شود که هم‌اکنون جهان ما، شاهد تحولات عمده تاریخی و پدیده‌های ناباوری است که قبل از وقوع آن هیچ‌کس آن را انتظار نداشت، از هم‌پاشیدن کمونیزم، سقوط رژیم‌های کمونیستی در اروپای شرقی، برداشته‌شدن دیوار برلین^۱ و وحدت دو آلمان،^۲ پایان یافتن دوران جنگ سرد و دیگر پدیده‌ها که از جمله حوادث مهم زمان ماست.

۱. دیوار برلین: این اصطلاح که مظهری از دوران جنگ سرد به شمار می‌رفت، به بنایی اطلاق می‌شد که در شامگاه ۱۳ اگست ۱۹۶۱م، نیروهای امنیتی آلمان شرقی بنا به دستور روس‌ها، اقدام به ساختن آن کردند. عملیات احداث دیوار با بستن شصت و هشت نقطه از هشتاد نقطه مرزی آغاز شد و در همان مرحله اولیه واکنش شدید امریکا و انگلستان را به دنبال داشت و نیز به استقرار یک لشکر تانک امریکایی در بخش غربی دیوار منجر گردید، دیوار مزبور نخست باسیم خاردار و سپس با سنگ و سمنت، درست به روی خطی که برلین را به دو بخش غربی و شرقی تقسیم می‌کرد، ایجاد شد. طول آن به ۴۶ کیلومتر می‌رسید. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۳۰۷. «مرکز تدوین»

۲. جمهوری فدرال آلمان: اکنون کشوری در قاره اروپاست که مساحت آن ۳۵۷۰۲۲ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۸۱۶۴۴۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن یورو، زبان رسمی آن آلمانی و پایتخت آن شهر «برلین» می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶. «مرکز تدوین»

درحالی که این پدیده‌ها به دیگران امیدها و نویدها می‌آورد؛ اما برای ما مسلمانان تهدیدها و چلنج‌های خطرناکی را با خود به ارمغان آورده است. ملل اسلامی که در اثر ضربات بی‌رحمانه استعمار^۱ هنوز از مداوای زخم‌ها و جراحات عمیق خویش فارغ نشده، در برابر تهدیدهای جدید قرار می‌گیرد، اتفاق ابرقدرت‌ها اولین پیامش، مهاجرت وسیع یهودان روسی به فلسطین اشغالی است که در نتیجه آن نه تنها ملت آواره فلسطین با تراژدی‌های خونین روبه‌رو می‌شود؛ بلکه منطقه و جهان در برابر خطر جنگ جدید قرار می‌گیرد و پایان جنگ سرد در میان شرق و غرب این مزده را به جهان اسلام می‌شنواند. آنجا که برخی از سیاستمداران و اندیشمندان در غرب اعلان می‌کنند که دیگر خطر کمونیزم در روسیه رفع شده، پیمان اتلانتیک دیگر با روسیه دشمنی ندارد، اینک خطر جدید و دشمن دیگر در برابر این پیمان قرار دارد و آن اسلام است، باید سرکوب گردد.

مسلمانان فقیر و محرومی که برای مداوای جراحات خویش و به‌منظور رفع مشکلات اقتصادی و محرومیت‌های بی‌پایان خود به انتظار امنیت و استقرار صلح جهانی‌اند و فاقد همه وسایل تهدیدکننده جنگ، برای که و به چه صورتی می‌توانند خطری را برای غرب ایجاد کنند.

این آوازه‌ها - که درواقع از حنجره آنانی که به فکر احیای جنگ‌های صلیبی دیگرند، شنیده می‌شود - باید قاطعانه محکوم گردد.

در چنین اوضاع و شرایط ذهنی و سیاسی، کنفرانس شما آغاز می‌گردد، پس ملت‌های مسلمان برای حل قضایا و مشکلات سیاسی و اقتصادی‌شان

۱. استعمار یا استعمارگری: در لغت به معنای آبادانی خواستن است؛ اما معنای دیگرش که امروزه به کار می‌رود، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و یا فرهنگی ملت قدرتمند بر یک قوم یا ملت ضعیف است. مفهوم استعمار امروز با مفهوم امپریالیزم پیوستگی کامل یافته و استعمار اساساً عمل قدرت امپریالیستی شناخته می‌شود و ناگفته نماند که قرآن کریم دو خاصیت را برای آن برمی‌شمارد: ۱- ﴿إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾ (هنگامی که وارد منطقه آبادی می‌شوند، آن را به تباهی و ویرانی می‌کشانند). ۲- ﴿وَجَعَلُوا أَعْرَةَ أَهْلِهَا أَذًى﴾ (و عزیزان اهل آنجا را خوار و پست می‌گردانند). اما تاریخ مفهوم جدید آن، از قرن‌های شانزدهم و هفدهم آغاز می‌شود. درکل، تاریخ استعمار را از دوره باستان تاکنون می‌توان به چهار دوره بخش کرد: ۱- دوره باستان؛ ۲- دوره استعمار جهانی؛ ۳- قرن‌های نوزدهم و بیستم؛ ۴- دوره استعمار نو. نگاه: نگرش‌هایی در اسلام، از امام شهید حسن البنا و دانشنامه سیاسی، ص: ۲۶ - ۳۰. «مرکز تدوین»

از این کنفرانس انتظارات زیادی دارد.

برادران!

ملت مسلمان افغانستان با آنکه هنوز از بحران تراژدی خونینی که در اثر تجاوز روسیه ایجاد شده نجات نیافته است؛ اما باین حال، از رنج‌های بی‌پایان ملل اسلامی، غافل و بی‌تفاوت باقی مانده نمی‌تواند.

از همین پس منظر و با احساس مسئولیت اسلامی خویش، ما از نهضت جهادی ملت قهرمان فلسطین قویاً حمایت کرده و همه فعالیت‌های سازنده و صادقانه‌ای را که در جهت آزادی سرزمین‌های اشغالی، برگشت آوارگان و تشکیل دولت فلسطین صورت می‌پذیرد، پشتیبانی می‌کنیم.

ما مهاجرت یهودان روسیه^۱ را به سرزمین اشغالی فلسطین و جابه‌جا شدن آنان را در آن دیار، شدیداً محکوم کرده و تهدید به صلح و امنیت منطقه و جهان می‌دانیم.

ما از ملت آزاده کشمیر که به خاطر آزادی و اعاده حقوق مشروع‌شان قیام کرده‌اند، پشتیبانی کرده و کشتارهای وحشیانه جوانان، زنان و کودکان کشمیر را توسط عساکر هندی شدیداً محکوم می‌کنیم و خواهان تطبیق قراردادهای ملل متحد در قسمت اعطای حق سرنوشت به خود ملت کشمیریم.

ما از مجاهدین اریتریا،^۲ فیلیپین و سایر آزادی‌خواهان مسلمان که غرض به دست آوردن حق تعیین سرنوشت خویش جهاد و مبارزه می‌کنند، حمایت می‌کنیم.

برادران!

ملت مجاهد افغانستان که برای آزادی و تعیین حق سرنوشت و دفاع از مقدسات دینی و تشکیل حکومت اسلامی مطابق به خواسته همه افراد کشور قیام کرده‌اند، از همه بیشتر خواهان صلح و امنیت در کشور خودند.

۱. یهودان روسیه: یهودان روسیه از یهودان اشکنازی، قرائی، بخاری و گرجی تشکیل شده‌اند. اولین حضور یهودیان در قسمت اروپایی روسیه - بنا بر روایت تاریخ - در قرن ۷ تا ۱۴ میلادی است. «مرکز تدوین»

۲. اریتریا یا اریتره: جمهوری واقع در شرق آفریقا و غرب دریای سرخ است. پایتخت آن اسمره است. «مرکز تدوین»

ما که برای آزادی کامل، سلاح برداشته‌ایم، از هر نوع حل عادلانهٔ سیاسی که ضامن عزّت و کرامت و اهداف والای ملت ما در جهت تشکیل دولت اسلامی، آزادی و استقلال، وحدت ملی و تمامیت ارضی باشد، استقبال و جداً حمایت می‌کنیم.

حکومت اسلامی که مجاهدین افغانستان برای پیاده کردن آن در داخل کشور جهاد و مبارزه می‌کنند، خواهان امنیت و صلح جهانی است، ما اجازه نمی‌دهیم که با سقوط رژیم کنونی در پکت‌های نظامی و سیاسی کشانیده شویم؛ اما خواهان تعاون و همکاری و روابط دولتی با همه کشورهاییم.

با روس‌ها نیز از روابط نیک همسایگی و همکاری دوطرفه، درحالی که در امور داخلی کشور ما مداخله نکنند، استقبال می‌کنیم.

ما در حالی از همه کشورهای مسلمان که در دوران مبارزات آزادی خواهی، جهاد و هجرت از ملت ما حمایت معنوی و مادی کرده‌اند، صمیمانه قدردانی و تشکر کرده، خواهان آنیم تا آزادی کامل، ملت ما را یاری کنند و در امر بازسازی کشورمان از هیچ‌نوع همکاری دریغ نکنند.

خداوند - جل جلاله - یار و مددگار همهٔ شما باد!

وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ

خطابهٔ یک صد و شصتیم
در ختم سمینار خودسازی اسلامی تنظیم جوانان جمعیت
اسلامی افغانستان
هفته نامهٔ مجاهد؛ شمارهٔ مسلسل ۱۳۱، یکشنبه ۱ میزان ۱۳۶۹ هـ ش / ۲ ربیع الأول
۱۴۱۱ هـ ق / ۲۳ سپتامبر ۱۹۹۰ م.



الْحَمْدُ لِلَّهِ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَ مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ وَصَحَابَتِهِ
 وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِهِ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.^۱
برادران عزیز، نوجوانان انقلاب اسلامی!
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

اول‌تر از همه برگزاری سمینار «خودسازی» شماره - که در دوران آن توانستید قضایا و مسایل مهمی را یکجا با استادان، مورد بحث و مناظره قرار داده و استفاده‌های علمی بکنید و همچنان در این دوران، تربیه‌های اسلامی را که در گذشته‌ها هم در دوران درس و تحصیل نظراً و عملاً به آنان آشنایی داشتید، یکبار دیگر با اهتمام بیشتر در دوران سمینار، عملاً در این جهت گام‌های مثبتی برداشتید - مبارک گفته و این موفقیت را به شما برادران عزیز و استادان محترم‌تان، مسئولین تنظیم با ارزش‌تان که به‌عنوان یکی از نهادهای بسیار مؤثر و عمده در انقلاب اسلامی ما می‌باشد، مبارکباد می‌گویم.

برادران عزیز!

شما در روزها و ایامی مشغول چنین جهش‌های خودسازی‌اید که در جهان ما، در دنیای اسلام، قضایا و مسایل زیادی دامن‌گیر امت اسلامی است. ما در روزگاری قرار داریم که از یک‌طرف در افق زندگی مسلمانان، جهش‌ها، بیداری‌ها

۱. ستایش از آن الله است و درود و سلام بر آقا و پیامبر و مولایمان محمد و بر خانواده و یاران او باد و بر هرکسی که به دعوت او تا قیامت فرامی‌خواند و در راه او جهاد می‌کند. «مرکز تدوین»

و خیزش‌های اسلامی در کشورهای مختلفی به چشم می‌خورد و در عین حال دسایس دشمنان، در همه‌جا علیه اسلام نمایان است.

البته این یک پدیده ناآشنا نیست؛ بلکه هر جایی و هر زمانی که جنبش‌های اسلامی به قوت خود برای درهم‌شکستن کنگره‌های کفر و الحاد، به کار آغاز می‌کند، در میان دشمنان حق، حرکت‌های مذبحخانه‌ای به میان می‌آید تا اگر بتوانند جنبش‌ها را در نطفه خنثی بسازند و یا اقلأً سد و مانع ایجاد بکنند.

اینجاست که ما می‌بینیم، دشمنان قسم‌خورده‌ای که با هم‌سال‌ها در کشمکش به سر می‌برند، در روزگاری که می‌بینند مسلمانان رو به رشد و قوت‌اند، یک‌دم با اتفاق و یکپارچگی و تنها برای سرکوبی جهش‌های اسلامی و جلوگیری از تمرکز قوت در دنیای اسلام دست‌به‌دست‌همدیگر می‌دهند که مثال‌های تاریخی از این قبیل بسیار زیاد است.

در صدر اسلام و در دور آنانی مختلفی از تاریخ اسلامی که مسلمانان رو به رشد و قوت بودند، دسایس مختلفی به میان آمد و حتی زمانی که در تاریخ اسلام نهضت‌های اسلامی به سوی غرب سرزیر شد چه در دوران خلافت‌های اموی^۱ و چه در دوران خلافت‌های عباسی^۲ و عثمانی^۳ خلاصه در هر دوری که

۱. خلافت امویان: از ۴۰ تا ۱۳۲ هـ.ق، ادامه داشت و نخستین خلیفه اموی حضرت معاویه بن ابی سفیان ~ و آخرین آن مروان بن محمد بود. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتر حسن ابراهیم حسن، «مرکز تدوین»

۲. خلافت عباسی: مدت پنج قرن ادامه داشت که از سال ۱۳۲ هـ.ق، شروع و تا سال ۶۵۶ هـ.ق، ادامه پیدا کرد. ابوالعباس عبدالله بن علی از خاندان حضرت عباس ~ اولین کسی است که از این خاندان به قدرت رسید و تا زمانی که بغداد به دست «هلاکوخان» مغول سقوط کرد، حکومت کردند. نگاه: تاریخ سیاسی اسلام، از دکتر حسن ابراهیم حسن، «مرکز تدوین»

۳. عثمانی‌ها یا آل عثمان: به سلسله گفته می‌شود که از نظر وسعت و مدت دوام، در جهان اسلام بی‌سابقه و بی‌نظیر بود. مؤسس این سلسله که به نام او منسوب شده‌اند، عثمان بن ارفع‌ل و شماره آنان ۳۸ تن و آخرین خلیفه آنان عبدالعزیز ثانی بود. انقراض این دودمان در نتیجه برقرار شدن حکومت جمهوری بوده است. آل عثمان یا پادشاهان عثمانی؛ قریب سه قرن کمال اقتدار داشته است. قلمرو حکمرانی عثمانی از اقیانوس اطلس تا فرات، از استپ‌های روسیه تا صحرا و از جمله در مناطق مرکزی جهان اسلام از جنوب شرقی دریای سیاه تا عراق و حجاز، شامل سوریه، فلسطین و مصر، امتداد داشت. هیچ دولت دیگری قبل یا بعد از آن، چنین زنجیره‌ای از مناطق را تحت کنترل خود نگرفته بود. پس از سه قرن؛ دوره ضعف و انحطاط آنان شروع و بسیاری از ممالک مفتوحه از تصرف ایشان خارج شد. مشهورترین این سلسله سلطان محمد ثانی معروف به فاتح است که در سال ۸۵۷ هـ.ق، قسطنطنیه را فتح کرد. نگاه: معجم الأنساب، ج: ۲، ص: ۱۳۹ - ۱۴۰، لغت‌نامه

دشمنان اسلام وقتی دیدند که مسلمانان می‌خواهند پرده‌های ضخیم جاهلیت را بدرند، اتحادهای نامقدسی به ضد مسلمانان شروع می‌شد و حتی حالتی به میان می‌آمد که بعضی از مؤرخین غربی هم خودشان اظهار تأسف می‌کنند که چرا مسلمانان در آن معرکه‌ها ناکام شدند؟

چنانکه می‌بینیم، وقتی که مسلمانان در شمال افریقا و یا در آندلس^۱ که بعد از نزدیک به هشتصد سال خلافت اسلامی و نهضت عظیم اسلامی، در دیار مغرب زمین که پایگاه عمده‌ای از علوم و معارف را بنا نهادند و تأسیس پایگاه جهانی اسلام را شروع کردند و مسلمانان در مسیر حملات‌شان به سوی فرانسه، برای تسخیر لیون^۲ پیش رفتند؛ اما بعضی حوادثی به میان آمد که آنان برگشتند، در اینجا سیاست مداران غرب و از جمله گوستاولوبون^۳ در کتاب خویش^۴ تبصره می‌کند که اگر مسلمانان در این حمله خود پیروز می‌شدند، امروز در کمبریج و آکسفورد و در همه پوهنتون‌هایی^۵ که در مغرب زمین موجود است، قرآن تدریس می‌شد و اسلام همه جهان را فتح می‌کرد.

از جانب دیگر، بعضی مستشرقین^۶ با انصاف‌شان می‌نویسند: ای کاش! مسلمانان در این حمله ناکام نمی‌شدند تا تمدن اروپایی‌ها پیش‌تر شروع می‌شد؛ زیرا در روزگاری که مسلمانان مدنیت بزرگی در جهان داشتند، در مغرب زمین و در مشرق زمین (در عراق و آندلس) نهضت عظیم علمی هم داشتند.

دهخدا و تاریخ اندیشه سیاسی اسلام از عصر پیامبر تا امروز، از آنتونی بلک، ص: ۳۱۵. «مرکز تدوین»

۱. آندلس: در اصطلاح جغرافیه‌نویسان اسلام بر تمام شبه‌جزیره ایبری؛ یعنی اسپانیا و پرتغال فعلی اطلاق می‌شود. این سرزمین به تاریخ ۹۲ هـ.ق، توسط «طارق بن زیاد» فتح شد و خلافت مسلمانان در آن سرزمین ایجاد گردید که برای ۷۸۱ سال مسلمانان در آنجا حکومت کردند. نگاه: لغت‌نامه دهخدا. «مرکز تدوین»

۲. یکی از شهرهای فرانسه. «مرکز تدوین»

۳. گوستاولوبون: فیلسوف، مؤرخ، جامعه‌شناس و پزشک فرانسوی بود که در ۷ می ۱۸۴۱م، به دنیا آمد و در ۱۳ دسامبر ۱۹۳۱م، درگذشت. از این دانشمند بزرگ آثار فراوانی بجا مانده است که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان از: انسان و جوامع، روانشناسی سوسیالیزم، تکامل ماده، تمدن هند، تمدن اسلام و عرب، جهان نامتوازن، روانشناسی انقلاب و تمدن مصری، نام برد. «مرکز تدوین»

۴. شاید منظور استاد شهید کتاب «تمدن اسلام و عرب» ایشان باشد. «مرکز تدوین»

۵. دانشگاه‌ها. «مرکز تدوین»

۶. یعنی خاورشناسان و شرق‌شناسان. «مرکز تدوین»

در جهان غرب؛ نامه‌هایی را که سلاطین غربی می‌فرستادند، به تعبیر ما و شما مَهْر داشتند و انگشت خود را می‌گذاشتند و در زیر آن کاتبی از مسلمانان و یا مترجمی، نام‌شان را می‌نوشت؛ یعنی اکثراً سلاطین‌شان امضای خود را یاد نداشتند؛ اما در جهان اسلام، در آن هنگام پیشرفت عظیمی بود، در آندلس مسلمانان تلاش داشتند و به فکر آن بودند که به چه وسیله‌ای می‌توانند به قمر بروند؟ و تا جایی که ممکن بود، مسلمانان توانستند در اعمار و در آباد ساختن زمین گام‌های مهمی در شرق و غرب آن بردارند. شهرهای بسیار بزرگی پایه‌گذاری کرده بودند، کتاب‌های بسیار عالی و علمی در همه رشته‌ها تألیف شده بود که حتی بعضی از آن کُتُب تا هنوز در دانشگاه‌های غربی به قسم مواد درسی تدریس می‌شود؛ اما در آن روزها دنیای غرب؛ یعنی کشورهای که به تعبیر معاصر پیشرفته یاد می‌شوند، جز جهل خشک چیز دیگری نداشتند.

ما می‌بینیم که در گذشته‌ها چه نوع دسایسی، علیه مسلمانان و برای درهم‌کوبیدن خلافت اسلامی در مغرب زمین (آندلس)، توسط همه دشمنان اسلام - که قبلاً باهم در جنگ و نزاع بودند - به میان آمده بود.

ما می‌بینیم، دشمنان علم و معرفت، دشمنان اسلام در آندلس - که نزدیک به هشتصد سال مسلمانان در آنجا حکومت بسیار با عظمتی داشتند - همه دست‌به‌دست‌همدیگر داده و خلافت اسلامی را در آنجا از بین بردند.

سپس خلافت اسلامی در بغداد که مرکز علم و نهضت جهانی بود، توسط دشمنان اسلام به انواع مختلفی از شرق و غرب علیه آن دسیسه‌چیدند و آن را از بین بردند و خلافت عثمانی^۱ هم به همین سرنوشت روبه‌رو شد.

این‌ها همه بیانگر این حقیقت است که زمانی که مسلمانان به‌سوی معراج تمدن خود گام برمی‌دارند، دشمنان اسلام دستپاچه شده و به خاطر جلوگیری یا سرکوبی نهضت اسلامی آنچه در توان دارند، دریغ نمی‌کنند و آنان دشمنی‌های خود را که در میان یکدیگر دارند، کوشش می‌کنند که از بین ببرند تا بتوانند جلو

۱. خلافت عثمانی: در سؤم مارچ ۱۹۲۴ م، به‌وسیله کسی به‌نام مصطفی کمال اتاترک سقوط کرد. نگاه: دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، ص: ۱۲۸ و الدولة العثمانیة، از دکتور علی محمد صلابی.

پیشروی اسلام و مسلمانان را بگیرند.

در اوضاع کنونی هم‌بار دیگر، ما می‌بینیم که نهضت‌های اسلامی در زمان معاصر روبه‌رشد و پیشرفت است و تمام عوامل ترس و خوف خود را از هم شناختند، دیگر ملت‌های مسلمان در سرنوشت خود تشویشی از ابرقدرت‌ها ندارند و ذهنیت منفی‌ای که قبل از جنبش‌ها و بیداری‌های جهان اسلام بر ذهن شماری از مسلمانان حاکم بود و آن هیولای خطرناکی که بر فکر زیادی از مسلمانان حاکم بود که ما مسلمانان نمی‌توانیم با وجود دسایس ابرقدرت‌های خون‌خوار - که هر حرکتی ما را زیر نظر دقیق دارند و مانند سایه هر جایی که می‌رویم، به دنبال ما می‌آید - دست‌به‌کارهای دیگری بزنیم و تحولاتی به میان بیاوریم؛ اما امروز به یمن پیروزی انقلاب اسلامی ایران و پیروزی مسلمانان در اطراف مختلف جهان، بالاخره این هیولا را از فکر مسلمانان زدود و مسلمانان امروز احساس سربلندی و عزت می‌کنند.

باز در چنین اوضاع و احوالی، بار دیگر می‌بینیم که دسیسه‌های جهانی علیه مسلمانان آغاز شده و باز مشکلات زیادی از هر سو جهان اسلام را فرامی‌گیرد و علیه انقلاب اسلامی ما دسیسه‌ها پیچیده می‌شود؛ از جمله در خاورمیانه^۱ دسایسی به میان می‌آید که سخت خطرناک است؛ بلی حوادثی که امروز در شرق میانه به میان آمده، خطرناک‌ترین حادثهٔ زمان معاصر است.

در اینجا ما می‌بینیم که همه نیروهای غیر اسلامی به شکلی از اشکال، در این دسیسه و توطئهٔ خطرناک سهیم‌اند و از خودخواهی و از قدرت‌طلبی یکی از زمامداران بی‌فرهنگ (کشور اسلامی عراق) استفاده می‌کنند و این‌ها توانستند با اسالیب مختلفی او را تشویق بکنند تا به یک کشور همسایهٔ دیگر حمله کند و تعجب است که یکی از کشورهای غربی در زمانی که جنگ میان عراق^۲

۱. شرق میانه و یا خاورمیانه: اصطلاحی است مبهم که از بدو پیدایش آن تاکنون به محدودهٔ جغرافیایی مشخص اطلاق نشده است که مورد تأیید همگان باشد. دیدگاه‌های متعددی که در این مورد وجود دارد، منطقهٔ خاورمیانه را مشتمل بر کشورهای زیر می‌دانند: کشورهای عربی زبان شرق دریای مدیترانه، فلسطین، شبه‌جزیرهٔ عربستان، منطقهٔ دجله و فرات، درهٔ نیل (مصر و سودان)، لیبی، ایران، ترکیه و قبرس.. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۷۱. «مرکز تدوین»
۲. عراق: کشوری است که در خاورمیانه و جنوب غربی قارهٔ آسیا موقعیت دارد. مساحت آن

و ایران^۱ جریان داشت، کویت^۲ را سخت تشویق می کرد که کویت‌هایی که در مرز عراق وجود دارد، تیل بیشتر استخراج می کنند تا چاه‌هایی که مربوط عراق است، خشک شوند و زمانی که بازخواستند رخ دیگر دسیسه را عملی بسازند، در مذاکره‌ای که میان عراق و کویت جریان داشت، به کویتی‌ها می گویند: به هیچ شکل نقطه نظرهای عراق را نپذیرید و کویت هم مطمئناً همه شرایط عراق را رد می کند و حتی با غرور زیاد هیئت عراق را جواب می گویند.

در این زمان دشمنان اسلام تمام اسناد و مدارک مربوط به استخراج نفت از مرز عراق را که کویت استخراج کرده بود، در اختیار عراق می گذارند که ببینید که کویتی‌ها با شما چه کردند؟

کویت را دعوت به عدم سازش و عراق را تشویق می کنند که به کویت حمله کند و کویت را بگیرد تا مجالی برای پیاده شدن عساکر امریکایی در منطقه پیدا شود.

پس در چنین وضعی مسلمانان در دو حالت قرار دارند، اگر جنگی صورت می گیرد، بازهم میدان جنگ، کشورهای مسلمان است و مسلمانان کشته می شوند، سرمایه مسلمانان از بین می رود، کشورهای خلیج و عربستان سعودی^۳

۴۳۸۳۱۷ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۳۱۴۶۷۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن «دینار عراق»، زبان رسمی آن عربی و گردی و پایتخت آن شهر بغداد است و دین رسمی آن اسلام می باشد. قابل ذکر است که دو ژود مشهور «دجله و فرات» در این کشور قرار دارند. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز تدوین»

۱. جمهوری اسلامی ایران: در جنوب غربی قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۶۴۸۱۹۵ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، ۷۳۸۸۷۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر تهران و واحد پول آن «ریال ایران» است. دین رسمی آن اسلام و زبان رسمی آن فارسی است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۹. «مرکز تدوین»

۲. کویت: کشوری است که در خاورمیانه موقعیت دارد. مساحت آن ۱۷۸۱۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۳۵۲۴۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن دینار کویت و پایتخت آن شهر «کویت» می باشد، دین رسمی آن اسلام و شریعت اسلامی منبع اصلی برای قانون گذاری در آن است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۷. «مرکز تدوین»

۳. عربستان سعودی: کشوری است که در قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۲۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع است و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، به ۲۵۷۳۲۰۰۰ نفر می رسد. پایتخت آن شهر ریاض است و شهرهای مهم این کشور عبارت‌اند از: مکه مکرمه - که بیت الله الحرام در آن موقعیت دارد - و مدینه منوره - که مرقد مطهر رسول گرامی انسانیت در آن هست - و شهر و ریاض پایتخت آن می باشد. واحد پول آن «ریال سعودی» است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۵. «مرکز

که پناهگاه نهضت‌های اسلامی و منبع تولید نهضت‌ها بودند، در یک جنگ ویران‌کن واقع می‌شوند و همه سرمایه‌های ملی مسلمانان از بین می‌رود و کشورهایی که در حال پیشرفت و انکشاف بودند، باز در فقر و تنگ‌دستی گرفتار می‌شوند و مسلمانان باز به صورت ملت‌های محکوم درمی‌آیند و اگر جنگی هم صورت نگیرد، نیروهای خارجی به بهانه اینکه جنگ صورت خواهد گرفت و مصرف عساکر امریکایی که تعداد آنان به صدهزار نفر می‌رسد و در عربستان مستقر شده‌اند، به ده‌ها هزار دالر می‌رسد و اگر تعداد عساکر زیاد می‌شود، مبلغ پول هم زیاد شده می‌رود و در ماهی به میلیاردها دالر می‌رسد که این مصرف فقط مصرف خورد و نوش آنان است، مصارف نقل و انتقال آنان و مواد نظامی و سایر موادی که به مصرف می‌رسد، جدا از این است و آثار شوم فرهنگی آن را به جای خود بگذار که به حیث یک مصیبت بزرگ در منطقه باقی می‌ماند که تمام منابع منطقه به صورت مستقیم و یا غیرمستقیم تحت کنترل غربی‌ها قرار می‌گیرد و در عین حال دنیای اسلام به کمپ‌های مختلف و گروپ‌بندی‌های گوناگون و دسته‌بندی‌های مختلف روبه‌رو می‌شود و حتی جنبش‌های اسلامی نیز به عین تقسیم‌بندی دچار می‌شوند که شدند.

در اینجا در دنیای عرب دو کمپ تشکیل شد، یک تعداد در پهلوی عراق قرار گرفتند، تعدادی جانب کویت را گرفتند و حتی دیدیم که نهضت‌های اسلامی داشتند، به سوی یکپارچگی و وحدت پیش می‌رفتند، دچار اختلاف شدید شدند. این‌ها البته مشکلاتی است که فعلاً ما به او روبه‌رویم و در عین حال یکی از اهداف عمده توطیه هم مسئله افغانستان است. ما و شما که به سوی پیروزی کامل روان بودیم و رکود نظامی و سیاسی در سطح کل انقلاب رو به شکست بود و حتی کشورهایی که مخالف پالسی مجاهدین بودند، دعوت شده بودند، مخالفت خود را ترک بکنند و یک سلسله دید و وادیدهای سیاسی در جریان بود و یک جهش سریع در حال وقوع بود و در ماه‌های اخیر فعالیت‌های نظامی مجاهدین قوت گرفته بود. حملات موفقانه مجاهدین در سالنگ، حملات نیرومند مجاهدین برای آزاد

ساختن قلعه‌ نو که با پیروزی‌ های بزرگی روبه‌ رو بود و راه‌ های اکمالاتی جلال‌ آباد در حال بسته‌ شدن بود و برنامه‌ های وسیع جهادی در کابل در حال تکوین بود؛ در چنین اوضاعی توطیه به وقوع پیوست و ما در حالی قرار گرفتیم که حامیان بیرونی ما در جهان اسلام به مشکلات داخلی خود گرفتار شدند تا هیچ مجالی نداشته باشند، به قضایای دیگر و از جمله به قضیه افغانستان بیندیشند و همکاری‌ های مالی به کلی قطع شود و همچنان زمینه‌ سازی صورت می‌ گیرد تا از سقوط رژیم مزدور جلوگیری کند و غربی‌ ها برای بار اول رژیم نجیب را که در شرف از بین رفتن بود، به رسمیت می‌ شناسند و او را به پاریس دعوت می‌ کنند و بین نمایندگان غربی دید و وادید صورت می‌ گیرد. امریکایی‌ ها تلویحاً اشاره می‌ کنند که حکومت طرفدار روس‌ ها را در کابل مثل کامبوج به رسمیت می‌ شناسند.

به هر حال؛ این‌ ها موضوعاتی است که دامن‌ گیر جهاد اسلامی و نهضت اسلامی در سراسر جهان است؛ اما ما امیدواریم، چنانکه خداوند - جل جلاله - خود می‌ فرماید، جواب مکرشان را بدهد:

﴿وَمَكَرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾^۱

بلی خداوند جواب مکر توطیه‌ گران را می‌ دهد و ما در چنین شرایط و اوضاعی نیاز داریم که به اسلام و فرهنگ خود برگردیم و اگر هر قدر اوضاع مشکل شود، فقط پناهگاه ما اسلام عزیز است و ما به خدا پناه می‌ بریم و به نصرت الهی امیدواریم و به ملت‌ های مسلمان رجوع می‌ کنیم.

اینجاست که هر قدر دسیسه‌ های دشمنان زیاد شود، تحرک و فعالیت‌ های ماجدی‌ تر می‌ شود و نباید تشویش دسیسه‌ دشمنان را داشته باشیم و طوری که گفتیم، یک امر تاریخی و یک مسئله‌ طبیعی و سنت شناخته شده است که قرآن عظیم‌ الشان این را به ما نشان داده است و من در چنین اوضاع و احوالی به برادران جوان خود چندین مطلب را خاطر نشان می‌ کنم:

۱. آل عمران / ۵۴. (و [دشمنان] مکر ورزیدند و الله [در پاسخ‌ شان] مکر در میان آورد و خداوند بهترین مکرانگیزان است.) «مرکز تدوین» نظیر آن: انفال / ۳۰. ﴿وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ (و [یاد کن] هنگامی را که کافران درباره‌ تو نیرنگ می‌ کردند تا تو را به بند کشند یا بکشند یا [از مکه] اخراج کنند و نیرنگ می‌ زدند و الله تدبیر می‌ کرد و خدا بهترین تدبیرکنندگان است.) «مرکز تدوین»

اولین چیزی که مسلمانان در طول زندگی‌شان، در طول انقلاب‌های‌شان، سخت بدان متوجه باشند و جلو این طرز تفکر را همیشه بگیرند، این است که نگذارند حالت بی‌تفاوتی چه در زندگی فردی و چه در حیات اجتماع مسلمانان به وجود بیاید، چون بی‌تفاوتی خطرناک‌ترین مرض انقلاب و اجتماع اسلامی است و همیشه ملت‌های مسلمان را بی‌تفاوتی‌ها و احساس بی‌طرف بودن و اینکه «به من چه» از بین برده است و تاریخ شاهد این امر است.

در قرآن عظیم‌الشان ما می‌خوانیم که عامل از بین رفتن ملت‌ها و فرهنگ‌ها همین «احساس نداشتن» و بی‌تفاوت بودن است که قرآن کریم می‌فرماید:

﴿لَعَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُودَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾^۱

خداوند به زبان داود و عیسی بن مریم، بنی اسرائیل را لعنت گفت. لعنت خدایی معنای مرگ یک ملت را دارد که آن ملت و آن جامعه خسرالدنیاوالآخره می‌شود و آن ملت از بین می‌رود، علتی که خداوند این‌ها را ملعون قرارداد و محکوم ساخت که باید این‌ها از بین بروند و اینان سیادت و موجودیت خود را از دست بدهند، این بود که بی‌تفاوت شدند و بی‌طرف شدند و از کارهای زشتی که یکدیگرشان می‌کردند، جلوگیری نمی‌کردند^۲ و می‌گفتند: «به ما چه»، «بز از پای خود آویزان است و گوسفند از پای خود». همانند حال شماری از کسانی که می‌گویند: من نماز خود را می‌خوانم، به من چه هرچه می‌شود بشود، خدا کند که تمام مسجد را آتش بگیرد، من نماز خود را خوانده روانم!! تنظیم‌های جهادی می‌دانند و انقلاب‌شان به من چه، من یک فرد عادی‌ام، مسئولیتی ندارم، کاری ندارم، «اگر دنیا را آب بگیرد، مرغابی را تا زانو». این احساس خطرناک‌ترین احساس است.

۱. مایده / ۷۸. (از میان فرزندان اسرائیل آنان که کفر ورزیدند به زبان داوود و عیسی بن مریم مورد لعنت قرار گرفتند این [کیفر] به خاطر آن بود که عصیان ورزیده و [از فرمان خدا] تجاوز می‌کردند. «مرکز تدوین»)

۲. این مفهوم آیت بعدی آیت قبلی است که می‌فرماید: ﴿كَانُوا لَا يَتَنَاهَوْنَ عَنْ مُنْكَرِ فَعْلُوهُ لِبُئْسَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ﴾ یعنی از کار زشتی که آن را انجام می‌دادند، یکدیگر را باز می‌داشتند، یقیناً که آنچه را می‌کردند بسیار زشت بود. «مرکز تدوین»

در حدیثی رسول اکرم Y می فرماید که علت تباهی ملت‌های قبلی این بود که وقتی عنصر مفسدی را می دیدند، عکس العمل نشان نمی دادند و پروا نمی کردند:

﴿لَا يَهْمُهُمْ أَنْ يَكُونَ أَكْلَهُ وَ شَارِبَهُ﴾^۱

یعنی وقتی کسی را می دیدند که کار زشتی را انجام می دهد، روز اول ظاهراً او را منع می کرد؛ اما روز دیگر هم کاسه و هم پیاله می شدند بالاخره تا اینکه خود هم نشین مجالس فساد و تباهی می شد و تا اینکه جامعه به سوی فساد و تباهی کشانده می شد.

مطلب دوم که به شما جوانان عزیز گوشزد می کنم، این است که هنگامی که هر میکروبی را می بینید که علیه انقلاب، دست به تخریب می زند، درباره او بی تفاوت مباشید؛ زیرا او خانه همه را خراب می کند.

حدیث پیامبر اکرم Y است که اگر سواران کشتی در کشتی ای می بینند که کسی گوشه ای از یک کشتی را سوراخ می کند و دیگران بگویند، به ما چه، زیر چوکی خودش را سوراخ می کند، در نتیجه همه سرنشینان کشتی غرق خواهند شد.^۲

۱. متن حدیث مبارک این است: ﴿إِنَّهُ مَنْ كَانَ قَبْلَكُمْ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ إِذَا عَمَلَ فِيهِمُ الْعَامِلُ الْخَطِيئَةَ فَتَهَاهُ النَّاهِي تَغْيِيرًا إِذَا كَانَ مِنَ الْعَدُوِّ جَالِسَهُ وَوَاكَلَهُ وَشَارِبَهُ كَأَنَّهُ لَمْ يَرَهُ عَلَى خَطِيئَةٍ بِالْأَمْسِ فَلَمَّا رَأَى اللَّهُ تَعَالَى ذَلِكَ مِنْهُمْ صَرَبَ قُلُوبَ بَعْضِهِمْ عَلَى بَعْضٍ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى بْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرُنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَيْنَّ عَنِ الْمُنْكَرِ وَلَتَأْخُذَنَّ عَلَيَّ أَيْدِي الْمَسِيءِ وَلَتَأْتِيَنَّكُمْ عَلَى الْحَقِّ أَطْرًا أَوْ لِيُضْرِبَنَّ اللَّهُ بَقُلُوبِ بَعْضِكُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِلَعْنَتِكُمْ كَمَا لَعَنْتُمْ﴾ الهیثمی، مجمع الزوائد، شماره حدیث: ۲۷۲. یعنی کسانی از بنی اسرائیل که پیش از شما بودند، چنان بودند که اگر کارگری از آنان مرتکب گناهی می شد، بازدارنده ای آن کار او را از باب تعزیر و بهانه تراشی، نهی می کرد؛ اما همین که خرده ای می شد با او می نشست و می خورد و می نوشید، گویی اصلاً گناهی را از او ندیده باشد و چون خدای تعالی این کار ایشان را دید، خداوند دل‌هایشان را به هم زد و آنان را به زبان داود و عیسی پسر مریم مورد لعنت قرارداد؛ چون ایشان عصیان ورزیده و از فرمان الله تجاوز کرده بودند، سوگند به او که جان من در دست اوست یا امر به معروف و نهی از منکر می کنید و دست بدکار را می گیرید و او را به سوی حق سمت و سوسو می دهید و یا هم الله دل‌های شما را به هم می زند و همچنان که بنی اسرائیل را مورد لعنت قرارداد، شما را هم مورد لعنت قرار می دهد. «مرکز تدوین»

۲. منظور استاد شهید: این حدیث رسول اکرم Y است: ﴿عَنِ النَّعْمَانِ بْنِ بَشِيرٍ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا - عَنِ النَّبِيِّ Y قَالَ: مَثَلُ الْقَائِمِ فِي حُدُودِ اللَّهِ، وَالْوَاقِعِ فِيهَا كَمَثَلِ قَوْمٍ اسْتَهْمُوا عَلَى سَفِينَةٍ، فَصَارَ بَعْضُهُمْ أَعْلَاهَا، وَبَعْضُهُمْ أَسْفَلَهَا، وَكَانَ الَّذِينَ فِي أَسْفَلِهَا إِذَا اسْتَقْفُوا مِنَ الْمَاءِ مَرُّوا عَلَى مَنْ فَوْقَهُمْ، فَقَالُوا: لَوْ أَنَّا حَزَقْنَا فِي نَصِينَا حَزَقًا وَلَمْ نُؤْذِ مَنْ فَوْقَنَا. فَإِنْ تَرَكُوهُمْ وَمَا أَرَادُوا هَلَكُوا جَمِيعًا،

لذا باید در چنین مراحل که تخریب دشمنان به عناوین مختلفی در جبهات جهادی وجود دارد، بی عکس‌العمل نباشیم و نباید گفته شود که خیر است که ملیشه شد که من مجاهدم؛ نه خیر؛ بلکه باید فرق ملیشه را شکسته، اجازه نداد که کسی ملیشه شود؛ زیرا یک‌بار این طاعون اگر در میان جامعه شیوع پیدا کند، باز همه را می‌گیرد و همه عناصر بدان مبتلا می‌شوند. پس باید در برابر کسانی که به رژیم مزدور ارتباط دارند، سخت عکس‌العمل نشان داده شود، عکس‌العمل تبلیغاتی، عکس‌العمل جهادی غیره... و عناصری که می‌خواهند مانند میکروب‌ها، جنبش‌ها را تخریب کنند، تحت هر نامی که باشند، باید سرکوب شوند و مجال ندهیم که تخریب کنند؛ زیرا عناصر تخریب‌گر از دو حالت خالی نیستند، یا سخن‌شان حق است و غیبت می‌کنند و غیبت گناه است و یا گپ‌شان افترا و دروغ است و تهمت می‌کنند که در این صورت نیز سخت گناه است. کسانی که مخلص‌اند غیبت نمی‌کنند؛ بلکه پیشنهاد می‌کنند و پروگرام‌های اصلاحی‌ای را پیش می‌کنند. خلاصه: جلو افراد تخریب‌کار در هر سطحی که باشند - به سطح خرد باشند و یا کلان - باید گرفته شود.

آنانی که در مهمانخانه، در اجتماعات چای‌خوری، در حلقه‌های تخریبی خود، فقط تمام کارشان تخریب نهضت‌ها، افراد، اشخاص و حمله به این‌وآن باشد، این عناصر میکروبی‌اند و به‌هیچ‌وجه این اشخاص انتقادگران سالمی نیستند؛ بلکه عناصر میکروب جامعه‌اند که پرازیت‌پخش می‌کنند؛ بلی آنان چنان میکروب‌هایی‌اند که کارشان فقط پخش کردن پرازیت است و بس و خودشان کدام هنر و کاری ندارند، هنر اصلاح ندارند، هنر تعمیر را ندارند، تنها مانند شیاطین دست به فساد و تخریب می‌زنند.

وَإِنْ أَخَذُوا عَلَىٰ أَيْدِيهِمْ نَجَّوْا وَنَجَّوْا جَمِيعًا ﴿۱﴾ (از نعمان بن بشیر - رضی الله عنهما - روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: مثال کسانی که حدود الهی را رعایت می‌کنند و آنان که رعایت نمی‌کنند، مانند گروهی است که سوار کشتی می‌شوند و با قرعه‌کشی برخی از آنان در طبقه‌ی بالا و عده‌ای در طبقه‌ی پایین قرار می‌گیرند. آنان که در طبقه‌ی پایین قرار می‌گیرند، برای دسترسی به آب، به طبقه‌ی بالا رفت‌وآمد می‌کنند؛ لذا می‌گویند: بهتر است برای اینکه مزاحم هم‌سفران خود در طبقه‌ی بالا نشویم، سوراخی در طبقه‌ی پایین ایجاد کنیم [و از دریا، آب برداریم] اگر مسافران طبقه‌ی بالا مانع آنان نشوند و آنان را با تصمیمی که گرفته‌اند، آزاد بگذارند، همگی هلاک (غرق) می‌گردند و اگر مانع آنان شوند، همه آنان نجات می‌یابند.» نگاه: جامع السنن و شروحا، صحیح البخاری. «مرکز تدوین»

به این اساس در برابر چنین افراد، نباید ما و خصوصاً نسل جوان بی تفاوت باشند. ما در برابر افراد مُخَرَّب و باطل بی تفاوت باشیم و در سازندگی و تعمیر، سعی و تلاش داشته باشیم.

اسلام، پیشتازی و پیشاهنگی را در همه کارها تشویق می‌کند؛ برای مثال به‌صف اول نماز پیامبر ما ﷺ چقدر تشویق می‌کند. آنجا که می‌فرماید: «اگر شما ثواب صف اول نماز را می‌دانستید، یکدیگر خود را می‌کشتید که باید ثواب را من کمایی کنم.»^۱

پیام این حدیث این است که ما در هر قدم باید پیشاهنگ و پیشرو و جلودار بوده باشیم، همیشه اسلام دنباله‌روی را محکوم ساخته است و این طور نباشیم که ما با این‌ها می‌باشیم، اگر خوب کردند، هستیم و اگر خراب کردند باز موضع خود را روشن می‌کنیم.

باید همیشه صف اول در نماز، صف اول در سنگر و صف اول در کارهای اصلاحی را داشته باشیم. مسلمانان همیشه عناصر پیشاهنگ می‌باشند، عناصر مبتکر می‌باشند، عناصری می‌باشند که در همه امور، اول گام برمی‌دارند.

برادران عزیز!

مطلب دیگری را که به شما عرض کنم، این است که خطرهای تخریبی و خطرهای تخریب‌گران را دست‌کم مگیریم. فکر نکنید که خیر است، آنان چند نفرند، بگذار هر چه می‌گویند بگویند و هر چه می‌کنند بکنند؛ ما در این مورد مثال‌های تاریخی‌ای را داریم که مسلمانان وقتی که اَنْدَلُس و شمال افریقا را فتح کردند، دریکی از کوه‌ها در شمال افریقا چند قریه فتح نشد، قوماندان مسلمانان گفتند: بگذاریدشان آنان با «۳۰» نفرشان چه خواهند کرد؟ اما باید بدانیم که اساس به‌دست آوردن دوبارهٔ هسپانیه توسط مسیحیان همان سی نفر بودند و قوماندان آنان امروز به‌نام قدیس خوانده می‌شود و همان‌ها بودند که در دورترین

۱. شاید منظور استاد شهید، این حدیث مبارک است: «لَوْ يَعْلَمُ النَّاسُ مَا فِي النَّدَاءِ وَالصَّفِّ الْأَوَّلِ ثُمَّ لَمْ يَجِدُوا إِلَّا أَنْ يُسْتَهْمُوا عَلَيْهِ لَاسْتَهْمُوا» یعنی اگر مردم می‌دانستند که آذان و صف اول چقدر پادشاه دارد، برای دستیابی به آن حتماً قرعه‌کشی می‌کردند. نگاه: صحیح البخاری، شمارهٔ حدیث: ۶۱۵ و صحیح مسلم، شمارهٔ حدیث: ۴۳۷. «مرکز تدوین»

یک نقطه حرکتی را علیه بزرگ‌ترین مرکز قدرت مسلمانان در مغرب زمین که تمام شاهان مغرب زمین به آنان باج و جزیه می‌دادند، اساس گذاشتند. بالآخره همین «۳۰» نفری که بر اثر بی‌پروایی فرماندهان مسلمان در یک گوشه و در غاری باقی ماندند و مسلمانان آنان را تصفیه نکردند، امروز آن غار به نام غار مقدس یاد می‌شود و امروز مسیحیان آنجا را زیارت می‌کنند، پس ببینید که به علت عدم اهتمام، سی نفر چه خسارات جبران‌ناپذیری را به مسلمانان وارد کردند؟

بناءً تجربه تاریخی به ما نشان می‌دهد که کارهایی که جهت تخریب انقلاب شروع می‌شود، در هر بعدی که باشد، در بعد نظامی، در بعد سیاسی، در بعد فرهنگی و لو از نقطه‌های بسیار خرد هم شروع شود، باید جلو آن را بگیریم و به آن مجال گسترش ندهیم؛ زیرا اگر جلو آنان گرفته نمی‌شود، بالآخره به عنوان یک حربه خطرناک، انقلاب را تهدید می‌کند، پس ما باید جلو خطرها را ولو بسیار کوچک هم باشند، بگیریم.

برادران عزیز!

حرکت‌های اصلاحی همیشه با مخالفت‌هایی روبه‌روست. شاید فعالیت‌های خودسازی شما و حرکت انقلابی شما فرزندان جوان، با مشکلاتی روبه‌رو شود و با مخالفتی مواجه شود، شاید عناصری بوده باشند که علیه شما کار کنند، حرکت شما را به باد مسخره بگیرند، بگویند که از اینان چیزی ساخته نمی‌شود، این‌ها چه می‌کنند؟ خودسازی؛ یعنی چه؟ نهضت جوانان یعنی چه؟ اما باید بفهمید که شما یک حرکت نیرومند و یک قدرت بسیار سرنوشت‌سازی ان‌شاءالله خواهید بود. در متن انقلاب به عنوان یک انرژی محرک در انقلاب‌اید، جوانان یک درخت زنده انقلاب‌اند که با فروریختن برگ‌های پوسیده، اینان درخت انقلاب را بسیار نیرومند و تنومند می‌سازند؛ لذا در برابر هر نوع صف‌آرایی‌های تبلیغاتی و حرکت‌های تخریبی، فعالیت‌های سازنده و تعمیری خود را با یک روحیه بسیار سازنده به پیش ببرید و ان‌شاءالله به پیروزی‌های چشم‌گیری رسیدنی‌اید؛ لذا در هیچ مرحله‌ای از مراحل در برابر مشکلات احساس خستگی نکنید.

ما در صف کل انقلاب به هیچ مانعی تسلیم نخواهیم شد، همه موانع را از سر

راه خود دور خواهیم کرد، در هیچ حالت اجازه و مجال نخواهیم داد که خستگی و فرسودگی در انقلاب ما حاکم شود، ما ایمان داریم که ان شاء الله مشکلات از سر راه ما دور خواهد شد.

انقلاب اسلامی دیگر راه خود را مانند اخگری در نیستان باز کرده است، دیگر کسی نمی‌تواند آتشی را که در نیستان داخل شده، خاموش سازد و اگر آب هم پاش دهند، در حقیقت آب حیثیت نفت را پیدا می‌کند و شعله‌ها را شعله‌ورتر می‌سازد.

به این اساس فعلاً ما و شما در انقلاب بزرگمان در مرحله شکوفایی قرار داریم و ما ان شاء الله به قوت به پیش می‌رویم و در برابر هیچ حرکت تخریبی و در برابر هیچ مانعی تسلیم نخواهیم شد.

از نظر جمعیت اسلامی، فعالیت تعمیری شما فوق العاده ارزشمند است. شما جوانان و طالب العلم‌های جوان مان که ان شاء الله به عنوان دو حرکت قدرتمند می‌باشند، در واقع یک حرکت قدرتمندید.

آنانی که در مدارس دینی هستند و شمایی که در مدارس رسمی هستید، همه به عنوان یک جریان خروشنده در انقلاب اسلامی تان مطرح‌اید، ما از شما کاملاً حمایت می‌کنیم و ما یقین داریم که شما وارثان خون شهدا و وارثین انقلاب اسلامی خودید، این شماید که مانند اختران فروزان در افق امیدها پدیدار شده‌اید، شما به هیچ شکلی نباید خسته شوید و ان شاء الله با قوت به پیش بروید.

معلومات اخیری که من دارم به لطف خداوند کارهای شما در داخل کمپها و در داخل کشور توسعه پیدا می‌کند، شما در جهت خودسازی خود در مورد سلوک خود با دیگران سخت توجه کنید. تربیه اسلامی، سلوک اسلامی، عبادت‌ها و اخلاق اسلامی حیثیت انرژی‌ای را دارند که اگر در وجود هر جوان و هر مسلمان پیدا شد، او را به کارهای بسیار بزرگ و به کارهای عالی یاری می‌کند، ما باید بکوشیم، سلوک اسلامی ما خیلی‌ها خوب باشد. جوانان ما باید از طرف روز با جدوجهد خود و با فعالیت‌های خود کارهای باارزشی انجام دهند و در شب‌ها هم لحظاتی را با راز و نیاز مشغول باشند و امید است دعا و سوزهای شما به پیشگاه

خداوند متعال قبول شود؛ لذا ما شمارا در جهت خودسازی‌تان به سلوک و به اخلاق اسلامی سخت توصیه می‌کنیم که سخت متوجه باشید.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

خطابهٔ یک صدوشصت و یکم
به مناسبت تقییح تجاوز شش جدی

مکان: تالار شهید استاد پوهاند غلام‌محمد نیازی، واقع حویلی سمینارهای اتحاد اسلامی
هفته‌نامهٔ مجاهد؛ شمارهٔ مسلسل ۱۴۰، پنج‌شنبه ۲۷ جدی ۱۳۶۹ هـ ش، دوم رجب المرجب
۱۴۱۱ هـ ق / ۱۰ جنوی ۱۹۹۱ م.



بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

برادران مجاهد، مهاجرین عزیز!

امروز که دوازدهمین سال حمله وحشت‌بار قشون خون‌آشام سرخ فرامی‌رسد، به فضل پروردگار، دیگر از کمونیزم به‌جز نام، چیز دیگری باقی نمانده است. صدای کمونیزم در هم شکست و بنیان جباران الحاد در کشورهای مختلفی سرنگون شده است.

امروز با یاد این خاطره تلخ - که یازده سال پیش از امروز به وقوع پیوسته است - یک‌بار دیگر، دستاوردهای عظیم جهاد شکوهمند ملت خود را بررسی می‌کنیم. یقیناً همراه با افتخارات عظیمی که نصیب ملت ما شده و در پهلوی نقاط ایجابی انقلاب‌مان، نقاط سلبی هم در طی کارهایی که داشتیم، وجود دارد. هنگامی که از ایجابیات^۱ جهاد خود بحث می‌کنیم، می‌شود که از کمبودی‌هایی که در دوران جهاد داشتیم و حالا هم شامل احوال ماست، هم باید صحبتی کرد.

من در صحبت امروزی خود، یک بررسی کوتاهی از دستاوردهای انقلاب عظیم‌مان، ارایه می‌دارم.

در تاریخ معاصر اسلام، شکست کمونیزم و اخراج قوای روس از افغانستان،

۱. ایجابیات: یعنی نکات مثبت. «مرکز تدوین»

حیثیت یک امر اعجاز آور را دارد؛ زیرا هیچ کس تصوّر نمی کرد که قشون سرخ بر افغانستان، بر یک کشور کوچک و مظلوم حمله کند؛ اما اهداف شوم روس ها تنها در افغانستان خلاصه نمی شد؛ بلکه اهداف ناپاک دیگر هم داشتند که وسیع تر از آن بود. افغانستان تنها یک تخته خیز برای پیشروی روس ها پیش بینی شده بود.

بلی، روس ها تصوّر شان این بود که بار دیگر جغرافیای عالم اسلامی را تغییر بدهند و کشورهای دیگری را هم به کام ازدهای سرخ داخل سازند و هیچ کسی تصوّر نمی کرد که روس ها دیگر از افغانستان برگردند، یا شکست بخورند و یا کس بتواند جلو پیشروی آنان را به سوی دیگر، بگیرد.

چنانکه همه ما و شما شاهد بودیم و شاهدیم که هم زمان با حمله روس ها، اعلامیه هایی مختلفی صادر شده بود، این حقیقت را تأکید می کردند و می گفتند: ما دیگر اجازه نمی دهیم که روس ها از افغانستان به سوی دیگری پیشروی کنند؛ معنای سخنان شان این بود که حساب افغانستان دیگر تمام شده است و ما راضی ایم که افغانستان را برای همیشه در قطار کشورهای محکوم قرار بدهیم؛ اما گامی به سوی کشورهای دیگر نگذارد.

یعنی افغانستان را می خواستند به عنوان یک هدیه به خدمت کمونیزم تقدیم بدارند. ترس و وحشت همه جا را فرا گرفته بود، هیچ کس یارای مقاومت با کمونیزم و ارتش سرخ را در خود نمی دید؛ حتی برادران مسلمان ما چنین احساس نمی کردند که برادران مجاهدشان بتوانند چند هفته ای در برابر قشون سرخ مقاومت کنند.

از یادم نمی رود، در چندین مجلسی که با سایر برادران در مکه مکرمه و یا در مدینه منوره با هم داشتیم، بعضی از برادران مسلمان عربمان می گفتند که آیا برادران ما تا یک و یا دو هفته دیگر می توانند مقاومت کنند؟

یعنی حتی هیچ مسلمان صادق و مخلصی هم تصوّر نمی کرد که یک مشت مجاهد مظلوم، یک تعداد مردم آواره و مهاجر، یک گروه بی یار و یاور، در برابر قشون سرخ، با تمام سلاح ویرانگرش، بتوانند چند هفته مقاومت بکنند و بت کمونیزم را درهم بشکنند و قشون سرخ با ذلت و زبونی از افغانستان فرار کند و

روزی فرارسد که کشورهای کمونیستی یکی بعد دیگری فروپاشد و زمانی بیاید که مسلمانان محکوم در بخارا^۱ و سمرقند که هفتادسال قادر نبودند در مساجد خود عبادت کنند، نماز بخوانند و روزی فرارسد که همین مسلمانان، فوج فوج به سوی مساجد خود برگردند و مساجد ویران دوباره تعمیر گردد و روزی فرارسد که در کشور کمونیستی روسیه، مسلمانان با شعار جاودان اسلامی‌شان، ترانه بخوانند. مطابق گفته یکی از برادرانی که اخیراً طی سفری از ازبیکستان برگشته بود و به من گفت: مهمان‌داری در ازبیکستان ما، مسافری را مخاطب قرار داده گفت: السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ، وقتی که از مهمان‌دار می‌پرسیدیم، آیا در کشور شوروی هم دستداران شعایر اسلامی وجود دارند؟ آنان می‌گفتند: دیگر آن روزها گذشت، بعد از این ما کشور مسلمانیم و ما باید شعایر اسلامی را در همه جا پیاده کنیم، هیچ‌کس تصوّر نمی‌کرد که روزی فرارسد که حکومت کمونیستی روسیه عده‌ای از افراد خود را به جامعه‌ی ازهر بفرستد.

این‌ها جزء تصوّر‌اتی بودند که هیچ‌کس باور نمی‌کرد؛ امّا امروز به‌عنوان واقعیت‌های عینی در برابر چشم بشریت قرار گرفته و پیروزی جهاد ملت مسلمان ما تنها در فروری بنیاد کمونیسم در جهان خلاصه نمی‌شود؛ بلکه آثار و ایجابات آن در جهان اسلام، در ایجاد یک روح زنده و انقلابی، در میان آن همه گروه‌های مسلمان که از یأس و ناامیدی رنج می‌برند، تأثیر بس‌ایجابی و مثبتی به‌جا گذاشت. ما می‌بینیم که یک‌بار دیگر ملت مسلمان فلسطین مبارزه‌شان را که به علت سازش‌کاری‌های دشمنان اسلام در آستانه انحراف قرار داشت، از سر می‌گیرند و

۱. بخارا: پنجمین شهر بزرگ ازبیکستان و مرکز استان بخارا است. اکثریت مردم بخارا تا امروز نیز به زبان فارسی با گویش ویژه آسیای مرکزی که امروزه به زبان فارسی تاجیکی معروف شده حرف می‌زنند. بخارا در کنار جاده ابریشم قرار گرفته و کامل‌ترین نمونه یک شهر سده‌های میانه در منطقه آسیای مرکزی به‌شمار می‌رود که نمای تاریخی باستانی آن تا حد زیادی دست‌نخورده باقی‌مانده است. از مهم‌ترین بناهای تاریخی واقع در آن، مقبره امیر اسماعیل سامانی است که از شاهکارهای معماری مسلمانان در سده دهم میلادی به‌شمار می‌رود. هسته تاریخی مرکزی بخارا در فهرست میراث تاریخی جهانی بشر یونسکو به ثبت رسیده است. امام محمد اسماعیل بخاری G صاحب صحیح البخاری، از زادگان این سرزمین است. برای آگاهی بیشتر رجوع شود به کتاب: تاریخ بخارا، ابوبکر بن جعفر النرشخی، ناشر: توس، نوبت چاپ دوم، مکان چاپ تهران، سال ۱۳۶۳ ه. ش. «مرکز تدوین»

بار دیگر رهبری نیروهای مسلمان را در شکل نهضت اسلامی فلسطین به دست می‌گیرند.

بلی بار دیگر بعد از اینکه از جهاد ملت فلسطین و انقلاب فلسطین، جز نام چیز دیگری باقی نماند، دیده شد که در اثر الهام‌گیری از جهاد اسلامی برادران شان در افغانستان، ملت فلسطین و کودکان فلسطین اعلان عصیانگری و قیام را در برابر قدرت ائومی اسرائیل^۱ و کسانی که حامی و پشتیبان یهودند اعلان کردند. برادران ما در کشمیر بعد از سال‌ها خاموشی، یأس و ناامیدی، قیام کردند، چند روز پیش عده‌ای از رهبران کشمیر هنگامی که درباره عوامل تحریک ملت مسلمان کشمیر سخن می‌گفتند، گفتند: یکی از عوامل عمده‌ای که ملت ما را دوباره به قیام مسلحانه وادار ساخت، قیام ملت قهرمان و مسلمان افغانستان در برابر روس‌ها بود که سرانجام به پیروزی رسیدند و بزرگ‌ترین تحوّل را در تاریخ جهان به میان آوردند، دیوار برلین فروریخت، جباران کمونیست و احزاب کمونیستی در کشورهای اروپای شرقی، همه فروپاشیدند، لذا ملت مسلمان کشمیر با الهام از جهاد اسلامی ملت افغانستان قیام کردند و ان‌شاءالله تا سرحد پیروزی و آزادی کامل کشمیر و به دست آوردن حق خودارادیت، این مبارزه و جهاد ادامه خواهد داشت.

اگر خدا بخواهد آن روزی که دَرَفَش شکوهمند «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ» در کوه‌پایه‌های کشور ما به اهتزاز درآید، و آن روز که ان‌شاءالله فرارسیدنی است، آن روز، روزی خواهد بود که ملت مجاهد و مسلمان ما حکومت عدل الهی را در افغانستان عزیز پیاده کنند و در آن روز آخرین لانه‌های کثیف کمونیزم و مزدوران شان از افغانستان پاک گردد و آن روز مهاجرین آواره و دور از

۱. اسرائیل: بخشی از خاک اشغال‌شده سرزمین فلسطین است که توسط رژیم غاصب صهیونیستی در سال ۱۹۴۸ م، اشغال شد. صموئیل که مدت پنجاه سال در فلسطین بود، تعداد شش صد هزار یهودی مهاجر را در این منطقه سکونت داد و پست‌های مهم را به آنان واگذار کرد و هرچه زمین بود، با سرنیزه از عرب‌ها خریداری کرده به دست یهود داد و امتیاز تجارت خارجی را منحصرأ به یهود داد. حمل سلاح را بر عرب‌ها ممنوع کرد؛ در صورتی که تسهیلات فراوانی برای خریداری اسلحه نسبت به یهود مبذول داشت. نگاه: خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية، ص: ۲۴۲. «مرکز تدوین»

وطن‌مان، دوباره به قریه‌ها و خانه‌های‌شان، زیر سایه حکومت اسلامی برگردند، در آن روز تحولات عظیم دیگر را ان‌شاءالله در جهان شاهد خواهیم بود.

برادران عزیز! اینکه ما از تحولات عظیم در جهان اسلام و از شکست، ذلت و زبونی کمونیزم صحبت می‌کنیم و درحالی که حمله ننگین و وحشت‌بار قشون روسی در شش جدی را قاطعانه تقبیح می‌کنیم، به خود بیاییم که ما و شما در کدام مرحله هستیم.

مجاهدین از لحاظ نظامی، بزرگ‌ترین پیروزی‌ها را به دست آورده‌اند، از لحاظ سیاسی هم حکومتی را تشکیل داده‌اند و این هم یکی از ابتکارات سیاسی است و آن را نباید به مسخره گرفت و نه این تحوّل را یک تحوّل پیش‌پاافتاده تلقی کرد، قسمی که بدبختانه ما مسلمانان همیشه طبیعت‌مان چنین است که به کارهای خود بسیار بهای کم می‌دهیم، چنانکه همیشه در کشورهای اسلامی مال خارجی قیمت دارد، هیچ‌وقت به فکر آن دستاوردهای داخلی خود نیستیم، همیشه منتظر دیگرانیم و این هم یکی از آثار بد استعمار است که هنوز هم احساس شکست‌خوردگی می‌کنیم، این هم یکی از آلام اجتماعی در کشورهای جهان سوّم^۱ است که ان‌شاءالله با پیروزی کامل انقلاب اسلامی، دیگر این همه سوغات‌های استعمار، یک‌سره باید از میان جوامع اسلامی، از سلوک ما و از برداشت‌های غلط ما، همه محو گردند.

ما حکومت تشکیل کردیم؛ اما اینکه این حکومت با چه مشکلاتی روبه‌رو شد و چه گام‌هایی را در این جهت برداشت؟ موضوعی است که باید دقیقاً بررسی شود. در طول تاریخ، حکومت‌هایی که قدرت بالفعل را در کشورهای می‌گیرند، آن‌ها، هم در برابر کامیابی‌ها و هم ناکامی‌ها قرار دارند.

این یک معادله ساینسی و ریاضی نیست که با تشکیل هر حکومتی، گویا جهان گل و گلزار می‌شود و از آسمان مائده می‌بارد و همه مشکلات مردم از

۱. اصطلاح جهان سوّم: برای اولین بار توسط یک اقتصاددان فرانسوی بنام «آلفرد سووی» به کار رفت. منظور از آن، کشورهایی است که از لحاظ سطح توسعه در وضعیتی پایین‌تر از قدرت‌های بزرگ و متوسط جهان قرار گرفته‌اند، اکثر این کشورها، مدت‌زمانی تحت تسلط قدرت‌های استعمارگر زیسته‌اند و هنوز نتوانسته‌اند، آثار این سلطه را از بین ببرند. نگاه: فرهنگ سیاسی آرش، ص: ۲۵۰.

«مرکز تدوین»

این طریق حل می‌شود؛ بلکه این را باید بدانیم که تشکیل حکومت، قسمی که امروز یک چلنج و زنگ خطر برای دشمنان اسلام است، در فردای افغانستان هم چالش عمده‌ای که ما و شما در برابر خود می‌بینیم، باز هم همین تشکیل حکومت است.

ما هر وقتی که تاریخچه دعوت اسلامی را مطالعه می‌کنیم، مشکلات مسلمانان را در دوران دعوت در مکه مکرمه کمتر می‌یابیم، نسبت به زمانی که مسلمانان در مدینه منوره اعلان حکومت کردند.

در مکه مکرمه، یهود صف‌آرایی جدی نمی‌کردند، مسیحی‌ها و مجوسی‌ها، در خواب غفلت بودند؛ اما وقتی که در مدینه منوره اعلان حکومت شد، جنگ احزاب اعلان گردید، در آنجا همه قبایل دست‌در دست یکدیگر دادند، مشرکین همه متحدانه، یهود با همه گروه‌هایش متحد شدند و همچنین مسیحیان برای سرکوبی دولت اسلامی دفعه متحد شدند، پس ما نباید آن مشکلاتی را از یاد ببریم، آنچه دیگر مسلمانان در طول تاریخ خود با آن روبه‌رو بودند، ما هم با آن روبه‌رو می‌شویم و زمانی که ما می‌خواهیم حکومت اسلامی را تشکیل بدهیم، مشکلات آن را هم باید در نظر بگیریم.

تشکیل حکومتی تحت شعار ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ﴾ کار ساده‌ای نیست و تمام جهان بر ضد ما از همین اکنون برنامه‌ریزی کردند و می‌کنند.

روزی بود که دنیا از هیبت کمونیزم می‌لرزید و می‌ترسید؛ اما بعد از شکست کمونیزم در افغانستان، ابلاغیه‌ها و حرف‌هایی که در غرب شنیده می‌شود، به چه عنوان است؟ آنان می‌گویند: بعد از این در برابر پکت اتلانتیک و ناتو، پکت وارسا دشمن ما نیست، دیگر دشمن ما کمونیزم نیست؛ بلکه بعد از این، یگانه دشمن ما اسلام و مسلمانان‌اند. مسلمانان بیچاره در هیچ‌جا از خود حکومت و دولت قدرتمندی که کفار را بترساند ندارند؛ لذا ما مسلمانان باید همیشه در قضایا جدی فکر کنیم و هیچ‌وقت قضایا را به صورت سرسری مورد ارزیابی قرار ندهیم.

بلی دستاورد سیاسی مجاهدین با تشکیل یک حکومت، یک گام باارزش و مثبتی بود؛ اما دیدیم که از کجاها برای درهم‌شکستن این حکومت و ناکامی آن

برنامه ریختند.

بر علاوه بر کمبودی‌های خود ما، مشکلات فراوان دیگری نیز دامن گیر ما و شما شد.

پیش از تشکیل حکومت، وعده‌ها چنین بود که اگر مجاهدین بتوانند یک حکومت را تشکیل بدهند و حتی به نام، کسی را رئیس دولت و یا حکومت خود انتخاب کنند، دیگر همه کشورهای اسلامی آن را به رسمیت می‌شناسند و کمک‌ها یکی پشت دیگری سرازیر می‌شود؛ اما زمانی که حکومت تشکیل شد، خیراتی که مردم به مجاهدین جمع می‌کردند، آن هم به روی مجاهدین و حکومت آنان و احزاب بسته شد.

حکومتی که تمام بودجه‌اش ماهانه بیست میلیون روپیه است، درحالی که کم‌ترین بودجه‌ای که تنها یکی از وزارت‌خانه‌ها از آن باید بگیرد، «۴۰» میلیون باشد، باز هم مردم انتظار داشتند که این حکومت مشکلاتشان را حل کند.

به هر حال، یقیناً خود ما و افرادی که در حکومت هستیم و بودیم، جدی نبودیم، موضع‌گیری‌های ما باهم اختلاف داشت، یکی یک قسم موضع‌گیری داشت و کسی به شکل دیگری، خود ما هم بیش از هر کس دیگری برای بدنامی خود و حکومت عبوری مجاهدین تلاش‌های بسیار زیادی کردیم.

حالا هم مشکلاتی در میان ما و شما هست، امروز ما می‌بینیم، در پهلوی تخریب‌هایی که بر ضد حکومت و تنظیم‌های جهادی در جاهای دیگری صورت می‌گیرد، خود ما و شما هم دست کمی از دیگران نداریم، گاهی می‌بینیم یک تعداد علمای ما که اگر در حکومت یا در تنظیم کار نکنند، یا کسانی که حتی در حکومت و تنظیم‌ها هم کار می‌کنند، آن‌ها به اصطلاح یک جبهه جدا به نام روحانیت مبارز تشکیل می‌دهند و به علمای دیگری که در داخل تنظیم‌ها هستند، به نام علمای کسان درباری لقب می‌دهند و یک تعداد از برادران اهل قلم و روشنفکر ما که به زعم آنان، احزاب و حکومت کارهای خوبی نکرد، این‌ها هم به نام روشنفکرهای بدماش^۱ و آزاده‌خیال هر چه که در فکر و قلم‌شان می‌آید،

۱. بدماش: در گویش مردم افغانستان به معنای انسان زورگو، قُلدر و خودسر است. «مرکز تدوین»

می‌گویند و اولین انتقادشان متوجه احزاب و تنظیم‌های اسلامی است و عده‌ای از قوماندانان ما هم که از در میان تنظیم‌ها آغاز بودند، می‌خواهند باز به حیث قوماندانان مستقل و دور از تنظیم‌های جهادی و دور از حکومت به‌عنوان عناصر لیبرال و کسانی که گویا باید افغانستان و جهان در انتظار تحولات جدیدی باشد، یک‌راه و رسم دیگری را انتخاب می‌کنند و در میان احزاب هم بعضی از گروه‌هایی که در مسئولیت‌ها، از آغاز تا انجام شریک‌اند، آنان هم به خاطری که نشود این حکومت و این احزاب ناکام شوند، برای خود جای دیگری را سراغ می‌کنند. این‌ها حالاتی‌اند که در میان ما حاکم است.

البته کمبودی‌هایی همچون عدم جدیت در کارها، اختلافات و کشمکش‌های خونین فراوانی که در میان احزاب وجود داشته است و به سطح مطبوعات، یکدیگر خود را طعن و لعن گفتند، موضع‌گیری‌های مخالفانه در میان کسانی که در حکومت شامل بودند، وجود داشته و دیدوایدی‌های سری و نیمه‌علنی با حکومت مزدور و با کمونیستان به خاطر حل منفرد وجود داشته است و از سوی تعدادی هم درحالی که خودشان باید ایمان می‌داشتند که کاری را که آغاز کرده‌اند، باید به پیروزی برسانند؛ اما در حالت ابهام و تردد و در جست‌وجوی راه‌های دیگری شدند.

این‌ها مشکلاتی بود که به آن روبه‌رو بودیم.

در سطح جهانی هم با مشکلات مختلفی روبه‌رو بودیم، شما می‌بینید، به‌محض اینکه اعلان می‌شود در روسیه امکان گرسنگی و قحطی است، یک‌دم در تمام کشورهای جهان، کشورهای اسلامی و غیر اسلامی احضارات نمبریک را اعلان می‌کنند و مواد غذایی سیل آسا به‌سوی روسیه سرازیر می‌شود و بانک‌ها از هر طرف هرچه که در توان‌شان هست، در جیب روسیه فرومی‌ریزند، نشود که گورباچف در پرستروئیکای خود ناکام شود که روس‌های تجددطلب گرسنه بمانند؛ اما در افغانستان که طی چندین سال با خاک ویران‌شده و همیشه فریاد بلند می‌کردیم که ولایات شمالی و مرکزی و شمال غربی افغانستان، از چندین سال به این طرف در قحطی به سر می‌برند، دیده نشد که یک کشور اسلامی

اعلان بکند که چند هزار تن مواد برای آسیب‌زده‌های افغانستان داده شود. این‌ها همه مشکلاتی است که در مسیر راه ما قرار دارد؛ اما با وجود این همه مشکلات، ما ایمان داریم که آن چنانکه بنیان کمونیزم فرو ریخت - ان‌شاءالله - تمام دسایس دیگر هم فرومی‌ریزد.

داستان نجیب نیز به کلی ختم شده، مذاکره و نشست با نجیب دیگر هیچ معنی و مفهوم ندارد، اکنون خود روس‌ها داستان نجیب را ختم شده می‌دانند و مجاهدین باید مطمئن بوده باشند که ان‌شاءالله ما و شما به پیروزی رسیده‌ایم و می‌رسیم و دیگر ان‌شاءالله افغانستان که در گذشته‌ها می‌گفتند، لبنان^۱ دوم می‌شود، هیچ نخواهد شد؛ اما همه ما باید دوباره حسابات و روابط خود را با پروردگار خود بررسی کنیم، کمبودی‌ها و خانه خالی‌های خود را دور بیفکنیم و بیشتر به خدا نزدیک شویم، از اعمال نادرست خود اظهار ندامت و توبه کنیم، فضل فروشی را علیه یکدیگر کنار بگذاریم و وحدت و برادری را شعار خود قرار بدهیم.

به‌هر حال، در اوضاع موجود، باید متوجه باشیم که یک‌بار دیگر در بحران مشکلات غرق نشویم، از این بحران ان‌شاءالله به‌زودی بیرون شدنی‌ایم. می‌دانید که عده‌ای در این ایام اخیر می‌خواهند که با فشارهای اقتصادی و نظامی و به انواع مختلفی از فشارها، ما و شمارا آماده تسلیم طلبی بسازند؛ اما، ما امیدواریم ان‌شاءالله ملت مسلمان و مجاهد ما از میان خون و آتش، راه خود را به‌سوی پیروزی باز می‌کند و ان‌شاءالله حکومت اسلامی در افغانستان تشکیل می‌شود و با این آرزو، همه باید در یک صف واحد، برادروار حرکت کنیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِيْ وَلَكُمْ^۲، وَالسَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ.

۱. لبنان: در غرب آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۱۰۴۰۰ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰م، حدود ۴۱۲۵۰۰۰ نفر تخمین شده است. واحد پول آن لیره لبنان، زبان رسمی آن عربی و پایتخت آن شهر بیروت است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۰۹. «مرکز تدوین»
۲. گذشت.

خطابهٔ یک صدوشصت و دوّم
در کنفرانس توزیع شهادت نامه‌های فارغان
حربی پوهنخّی و اکادمی پولیس

میثاق خون؛ دور دوّم نشراتی، سال پنجم، شمارهٔ یازدهم، ماه دلو ۱۳۶۹ هـ ش، نمبر
مسلسل ۷۷، ص: ۸-۱۶.



الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى سَيِّدِنَا وَنَبِيِّنَا وَ
 مَوْلَانَا مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَ سَلَامُهُ وَعَلَى آلِهِ وَصَحَابَتِهِ وَمَنْ دَعَى بِدَعْوَتِهِ إِلَى
 يَوْمِ الدِّينِ؛ و بعد:
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

برادران عزیز!

در آغاز موفقیت فارغان دو مؤسسه نظامی و تربیتی ای که به همت استادان دلسوز و سرپرستی و اهتمام کمیته نظامی جمعیت اسلامی افغانستان و قوماندانان پرتلاش این دو مؤسسه صورت گرفته و امروز گروهی از برادران عزیز به خاطر سهم‌گیری مؤثر در سنگر شکوهمند انقلاب اسلامی، فارغ شده‌اند، به همه این برادران عزیز، استادان‌شان، مسئولین اداری، مسئول کمیته نظامی جمعیت اسلامی و سایر برادران مبارکباد می‌گویم و از بارگاه اقدس الهی به دست دعا نیازمندم که خداوند -جل جلاله- به این فرزندان عزیز انقلاب، در دوران خدمت به ملت مظلوم‌مان و برای برافراشتن همیشگی لوای پرشکوه اسلام، توفیق مزید عنایت فرماید و آن روز ان‌شاءالله دور نیست که آخرین لانه‌های کفر و الحاد و آخرین شبکه‌های جاسوسی و خیانت در کابل نابود گردد و این فرزندان عزیز انقلاب در کشور عزیز، در سنگرهای مسلکی‌شان مشغول خدمت به برادران مسلمان‌شان گردند و ان‌شاءالله آن روز دور نیست که نقش نظامیان در حمایت از اسلام و انقلاب اسلامی و نقش قدرت‌های امنیتی در امنیت کشور و حمایت از

اسلام و مسلمانان را همگی دریابند.

قدرت نظامی در یک کشور و نیروهای امنیتی در یک جامعه، از جمله اساسی‌ترین نهادها و پایه‌هایی است که جوامع، اندیشه‌ها و ملت‌ها را از تجاوز بیگانگان و فشار داخلی حفظ می‌کند.

در قرآن عظیم‌الشان خداوند - جل جلاله - اکیداً برای همه مسلمانان امر می‌کند:

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ * ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ...﴾^۱

از نظر فقه مقتضای امر اینجا وجوب است؛ یعنی بر همه مسلمانان واجب است به خاطر دفاع از معتقدات دینی خود و به خاطر حمایت جامعه اسلامی‌شان باید نیروهای نظامی تشکیل بدهند و قدرت‌های امنیتی را ترتیب بدهند.

پیغمبر بزرگوار - صلوٰة‌الله‌علیه‌وسلامه - می‌فرماید:

﴿عَيْنَانِ لَا تَمْسُهُمَا النَّارُ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾^۲

برادران عزیز! اهمیت کار شما فوق‌العاده زیاد است و به‌خصوص در زمان معاصر ما، در عهدی که ماوشما به سر می‌بریم، می‌بینیم که بار دیگر همه ایدئولوژی‌ها و همه نظام‌های کفری و الحادی، یکی بعد از دیگر روانهٔ زباله‌دان تاریخ می‌شوند، همه شاهد فروپاشی کمونیزم‌ایم، انسان‌های سرگشته، انسان‌هایی که در اندیشه‌های جاهلی به سر می‌بردند؛ چنین شعار می‌دادند که

۱. انفال / ۶۰. ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ وَأَخْرَبِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفِّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ﴾ (و هرچه در توان دارید از نیرو و اسب‌های آماده بسیج کنید تا با این [تدارکات] دشمن خدا و دشمن خودتان و [دشمنان] دیگری را جز ایشان که شما نمی‌شناسیدشان و الله آنان را می‌شناسد بترسانید و هر چیزی درراه الله خرج کنید، پاداشش به خود شما باز گردانیده می‌شود و بر شما ستم نخواهد رفت.) «مرکز تدوین»

۲. (دو چشم است که آتش آنان را نمی‌سوزاند: چشمی که از ترس خدا گریسته باشد و چشمی که شب‌بیدار باشد و درراه خدا نگهبانی کند.) سنن ترمذی، ج ۳، ص ۹۶؛ المغنی، عبدالله بن قدامة، ج ۱۰، ص ۳۸۰؛ تذکرة الفقهاء، ج ۹، ص ۴۵۲؛ جواهر الکلام، ج ۲۱، ص ۴۰ و کنز العمال، ج ۳، ص ۱۴۱. «مرکز تدوین»

کمونیسم می‌تواند به‌عنوان یک نیروی انقلابی و به حیث یک مکتب فکری در میان ملت‌ها، شور و تحرک ایجاد بکند و کسانی که از سرمایه‌داری و از جهل آن فرار می‌کردند، به دوزخ کمونیسم می‌رفتند، به خیال اینکه در کمونیسم چیزهای نوی به نفع انسان‌ها و نظام زندگی صورت می‌گیرد! بعدتر همه تجربه کردند و دیدند که این تصوّر جز یک خیال باطل و یا سرابی بیشتر نیست. همه دیدیم که سرانجام به لطف پروردگار و به همت ملت قهرمان و سنگرداران عزیز ما کمونیسم متلاشی شد و همه بشریت به این نتیجه رسیدند که کمونیسم جزء فرسوده‌ترین و پلیدترین مکاتب فکری جاهلی بوده که در محیط انسانی و در میان انسان‌هایی که می‌خواهند مؤمن، آزاد، مستقل و سربلند زندگی کنند، هرگز رواجی ندارد و برعکس موجب به تباهی کشاندن انسان‌ها می‌شود و تنها چیزی که امروز در جهان مطرح است و تنها چیزی که در میان جوامع انسانی امروز بعد از اینکه بازار کمونیسم، سرمایه‌داری، سکولاریزم^۱ و سایر اندیشه‌های بیهوده و هرزه در میان انسان‌ها به رکود مواجه شد و این اندیشه‌ها شناخته شدند، خریداری دارد، اسلام است؟

بلی، این تنها اسلام است که به‌عنوان یگانه نیرو و یگانه پناهگاه انسان‌های سرگشته، قسمی که دیروز بود، حالا هم است و همیشه خواهد بود. اکنون بشریت، به خاطر رسیدن به ساحل نجات راهی جز راه اسلام سراغ ندارد.

۱. واژه سکولاریزم برگرفته از واژه لاتینی *secularist*، مشتق از *speculum* به معنای «دنیا» یا «گیتی» در برابر «مینو» است و مفهوم کلاسیک مسیحی آن نقطه مقابل ابدیت و الوهیت است. سکولار یعنی آنچه به این جهان تعلق دارد و به همان اندازه از خداوند و الوهیت دور است. عقیده‌ای است، مبنی بر جدا شدن نهادهای حکومت و کسانی که بر مسند دولت می‌نشینند، از نهادهای مذهبی و مقام‌های مذهبی، از آنجاکه اصطلاح سکولاریزم در موارد مختلفی استفاده می‌شود، معنای دقیق آن بر اساس نوع کاربرد متفاوت است، در حکومت معنای سکولاریزم، عدم دخالت باورهای مذهبی در امر حکومت است، در جامعه‌شناسی، سکولاریزم به هر موقعیتی که در آن جامعه مفاهیم مذهبی در تصمیم‌گیری‌ها کمتر دخالت داشته باشد، اطلاق می‌گردد. واژه سکولار در زبان لاتین به معنای «این جهانی»، «دنیوی»، «گیتیان» و متضاد با «دینی» یا «روحانی» است و در عربی آن را به معنای علمانیت برگردان کرده‌اند؛ چون اگر آن را به معنای اصلی آن برگردان می‌کردند، حساسیت‌برانگیز بود؛ لذا به علمانیت در عربی و عین اصطلاح را در فارسی به کار بردند. نگاه: فرهنگ واژه‌ها، ص: ۳۲۷ و «التطرف العلمانی فی مواجهة الاسلام»، از دکتر یوسف قرضاوی. «مرکز تدوین»

در چنین اوضاعی که شاهد بحران‌های عمده و عظیمی در جهانیم و در اوضاعی که ملت قهرمان ما در آستانه پیروزی خود قرار داشت و کمونیزم را به قبرستان تاریخ سپرد و عظمت اسلام را در جهان یک‌بار دیگر ثبت کرد، خلاصه، در چنین اوضاعی که ما شاهد پدیده‌هایی شدیم و دیدیم که اسلام در همه‌جا در برابر نیروهای جاهلی به پیروزی می‌رسد، دشمنان اسلام تصوّر می‌کردند که اگر ما، مسلمانان و جنبش‌های اسلامی را مورد سرکوب قرار بدهیم، مسلمانان از ترس و هراس نمی‌توانند به سوی رشد و تکامل گام بردارند.

بلی، این تجربه جاهلی را در کشورهای مختلفی انجام دادند، هزاران داعی مسلمان، روانه زندان‌های جهنمی در کشورهای مختلف شدند و هزاران تن از فرزندان صدیق اسلام در سلول زندان‌های جهنمی جباران مزدور، در کشورهای اسلامی جان سپردند و صدها تن داعیان اسلام - که بعد از سالیان دراز از زندان‌ها به حالت معلول و معیوب بیرون شدند - همه دروازه‌های زندگی را به روی‌شان و به روی نهضت اسلامی بستند، همه انواع و اسلوب شکنجه و تعذیب را بالای مسلمانان و داعیان مسلمان تجربه کردند؛ اما دیده شد که از میان شکنجه‌گاه‌ها و از میان زندان‌های جهنمی، از میان فشار و اختناق مسلمانان و نهضت اسلامی و دعوت اسلامی با قدرت هر چه بیشتر روی صحنه آمد و هر قدر بر فرق آهنین نهضت اسلامی با چکش‌های استبداد کوبیدند، نهضت اسلامی ریشه‌دارتر شد و مستحکم‌تر گردید و پایگاه‌های وسیعی را در قلوب مردم، در وجدان انسان‌ها و نسل‌های جوان پیدا کرد.

ما دیدیم، برای سرکوبی مسلمانان تجارب مختلفی را به کار بردند. زعمای مزدور و خودفروخته را بر کشورهای اسلامی مسلط ساختند، نظام‌های تربیتی گمراه‌کن را در پوهنتون‌ها^۱ و مدارس مسلمانان حاکم ساختند، زندگی اجتماعی و اسلوب حیات روزمره را در میان مسلمانان عوض کردند و خواستند جوامع مسلمان را با اسلوب زندگی آلوده کشورهای غربی و حیات جاهلی گره بزنند. این همه کارها را کردند، باز هم به ناکامی روبه‌رو شدند، لشکرکشی‌ها صورت

۱. دانشگاه‌ها. «مرکز تدوین»

گرفت، آخرین تجارب استبدادی و ظلم و تجاوز خود را آغاز کردند، کمونیزم به‌سوی افغانستان لشکرکشی خود را آغاز کرد، بعد از اینکه شکنجه‌های کمونیزم در افغانستان به شکست و ناکامی روبه‌رو شد و بعد از اینکه کشتار ده‌ها هزار فرزند مؤمن در زندان‌های جهنمی مزدوران کمونیست در افغانستان به ناکامی روبه‌رو گردید، دیدیم که لشکرکشی ارتش سرخ بر کشور ما شروع شد و روس‌ها برای سرکوبی ملت مظلوم و محروم ما، آنچه در توان داشتند، استخدام کردند، افغانستان را به ویرانه تبدیل ساختند، بیش از یک‌ونیم میلیون مردم مظلوم اعم از مرد و زن، پیر و جوان، جام شهادت نوشیدند.

به‌راستی خون‌هایی که در افغانستان و در کشورهای اسلامی به دست ملحدان کمونیست و غیر کمونیست ریخته شده، اگر یکجا جمع شوند، از آن بَجیره‌هایی ساخته خواهد شد و اگر سرهایی که در کشورهای اسلامی به دست جالادان کمونیست و غیر کمونیست بریده شدند، یکجا جمع ساخته شود، منارهای بلندی ساخته خواهد شد. کمونیست‌ها این همه جنایات را انجام دادند؛ اما سرانجام شکنجه‌گاه‌ها، سلول‌های زندان، ترور و اختناق، پخش فحشا و فساد به ناکامی روبه‌رو شد، تجربه لشکرکشی آن‌چنان به ناکامی مواجه گردید که دیگر کمونیزم نه‌تنها در ساحه نظامی شکست خورد؛ بلکه به شکست تاریخی نیز روبه‌رو گردیده که ان‌شاءالله دیگر از کمونیزم جز یک خاطره تلخ در ذهن بشریت، چیز دیگری باقی نخواهد ماند.

دشمنان اسلام با هم دست از توطیه بر نمی‌دارند، ما شاهد توطیه دیگر شدیم؛ بلی با آغاز انقلاب اسلامی در افغانستان و بعد از اینکه دشمنان اسلام دیدند که مسلمانان در هر سنگر و هر میدانی، پیروز‌مندانۀ اظهار وجود می‌کنند، در لشکرگاه‌ها نابود نمی‌شوند و در لشکرکشی به شکست روبه‌رو نمی‌شوند، خواستند با اسلوب انتخاباتی که ارمغان جهان غربی است، وارد بازی جدید و توطیه جدید شوند؛ بلی تصوّر می‌کردند که شاید «انتخابات آزاد» را به‌عنوان یکی از اسالیب توطیه در میان جوامع مسلمان به راه بیندازند و با توطیه‌های مختلف و با اغواگری‌ها و بانفوذ در بین طبقات بی‌خبر، مردم را در خدمت اهداف پلید

خود استعمال کنند؛ اما نتیجه‌اش این شد که به گونه‌ی مثال، در الجزایر مسلمانان در اولین انتخابات^۱ به صورت مطلق، در برابر همه کاندیدان به پیروزی رسیدند و مسلمانان در انتخابات اردن به پیروزی چشم‌گیری نایل شدند و در انتخابات دانشگاه‌ها در همه کشورهای اسلامی دیده شد که جز جوانان مسلمان هیچ‌کسی به پیروزی نمی‌رسد.

در انتخابات اصناف مختلفی مثل دکتوران، انجینیران، کارگران و دسته‌ها و اصناف مختلف اجتماعی دیدیم که باز هم مسلمانان به پیروزی می‌رسند، همین بود که همه را حیرت فراگرفت و در غرب اعلان شد که بعد از این دشمن ناتو، پکت «وارسا» نیست، بعد از این دشمن سرمایه‌داری، کمونیزم نیست، تنها چیزی که دشمن ماست، همانا اسلام است و باید با اسلام سنگر گیری کنیم.

ما دیدیم، در اوضاعی که حکومت‌ها در نقاط مختلف جهان اسلام، در حالت تشکیل و به میان آمدن بود، همانند اینکه در سودان حکومت اسلامی تشکیل شد و عده‌ای از جوانان مسلمان و مؤمن مانند شما سپاهیان عزیز بعد از اینکه دیدند فساد اجتماعی همه‌جا را فرا گرفته و اگر دست‌به‌کار نشوند، نزدیک است که در جنگال صلیبی‌ها و دسایس بین‌المللی سقوط کنند، فرزندان نظامی نهضت، انقلاب نجات‌دهنده‌ای را به نام «انقلاب نجات‌بخش» در سودان آغاز کردند؛ ولی دیدیم که همه جهان در برابر این انقلاب که پیامی جز نجات ملت محروم سودان نداشت، صف‌آرایی کردند.

بدبختانه کشورهای اسلامی هم سودانی را که گناهی جز اعلان شریعت نداشت و گناهی جز اینکه امر شد که همه شراب‌ها در یک روز نابود شود و اعلان شد که بعد از این در سودان شریعت اسلامی حاکم است و سودان بعد از این به حیث یک کشور بی‌خاصیت باقی نمی‌ماند، تنها گذاشتند؛ اما زمانی که افسران جوان و

۱. انتخابات الجزایر: نخستین انتخاباتی بود که در روز پنج‌شنبه، ۲۱ دسامبر سال ۱۹۹۱م، دایر گردیده بود. ۴۹ حزب سیاسی به خاطر به دست آوردن ۴۳۰ کرسی پارلمان رقابت می‌کردند. فرانسوی‌ها مدت ۱۳۲ سال کامل با آهن و آتش، ملت بزرگ الجزایر را به زنجیر استعمار کشیده بودند که مردم مسلمان را تذلیل و مساجدشان را به اسطبل‌ها تبدیل کرده بودند. نگاه: میثاق خون، ص: ۲۴ - ۲۹، شماره ۸۹، ماه دلو ۱۳۷۰ ه.ش، نهضت اسلامی الجزایر در یک آزمون بزرگ، از خواجه بشیر احمد انصاری. «مرکز تدوین»

مؤمنی، قیام کردند و در پشت سرشان ملت مؤمن، همه چیز به روی‌شان بسته شد تا آنان را توسط فشار اقتصادی تسلیم بسازند.

در جنوب، صلیبیان را بیش از پیش همراه کمونیستان و همه دستگاه‌های صلیبی «گرنگا»، با وسایل پیشرفته‌ای مسلح ساختند تا حکومت سودان را همیشه به خود مشغول داشته باشد و طرح کودتاهای مختلفی را هم در داخل سودان و در میان اردوی آن کشور ریختند تا انقلاب اسلامی‌شان نابود گردد؛ اما یک تجربه محدود و در حد یک ملت فقیر که در خط اسلام قرار گرفتند، نشان داد که التزام به سلام چه دستاوردهایی دارد. بلی در طی یک سال دستاورد انقلاب اسلامی این بود؟

برای مثال: سودانی که یک کشوری بود حدود چهل درصد شکرش را از بیرون وارد می‌کرد و شصت درصد گندم خود را از خارج وارد می‌کرد، حالا این کشوری که شکر از خارج وارد می‌کرد، به مرحله خودکفایی رسیده است، کشوری که تا اکنون چهل فیصد شکر وارد می‌کرد؛ اما امروز به یکی از کشورهای صادرکننده شکر تبدیل شده است و با کشورهای جمهوری اسلامی ایران و یمن قراردادهای صدور شکر را امضا کرده و یا مثلاً از خارج گندم می‌آوردند؛ اما امسال می‌گفتند، در مرحله‌ای رسیده‌ایم که ان‌شاءالله گندم به خارج صادر می‌کنیم؛ همچنان می‌خواستند مقدار بسیار زیادی از گوشت را با کشورهای مختلفی قرارداد بکنند، سال‌ها بود که تیل را استخراج نمی‌کردند، سال‌ها در سودان توسط شرکت «تیل» در این ارتباط کار شده بود؛ ولی هیچ تیلی استخراج نمی‌شد، در اولین فرصتی که انقلاب شد، این شرکت را جواب دادند؛ درحالی که از خود هم افراد تربیت یافته نداشتند، طی یک سال چاه‌های نفت به تولید شروع کرد و نزدیک بود در جنوب سودان کمونیستان مسیحی نما قسمت زیادی از سودان را بگیرند، با یک حمله مردانه و با دست‌خالی آن‌ها را در اکثر سنگرهای‌شان تار و مار ساختند و ان‌شاءالله مناطق مذکور از وجود مزدوران پاک خواهد شد. ملت سودان در سال‌های پیش از اعلان شریعت اسلامی به‌عنوان یک ملت ناکاره و به‌عنوان یک ملت تنبل شهرت یافته بود، کارها به شکل بروکراسی در دفاتر وجود داشت؛

مانند دفاتر ماوشما که بدبختانه هنوز هم روح زنده‌ای در پیکر ما درست نمی‌دمد. کار کردن را در دفاتر به‌عنوان یک خدمت در برابر اجوره فکر می‌کردند، کارها همیشه به عطالت روبه‌رو بود، قسمی که بدبختانه در اکثر دفترهای ما در گذشته و هنوز این روحیه حاکم است و اکثر مردم ما خاصیت عناصر اجبر را به خود گرفته، در سودان هم این مرض حاکم بود؛ اما امروز سودان، سودان سابقه نیست، امروز بعد از گذشتن اوقات کار رسمی هم مأمورین در دفاتر کار می‌کنند، امروز دیگر همه افراد سودان به‌عنوان سپاهی بار آمده‌اند؛ وزیر، سفیر، جوان، پیر، جاهل و اُمّی همه باید در اردوگاه‌ها و تربیت‌گاه‌های نظامی و فکری داخل شوند و از دو الی چندین ماه مورد تربیت قرار بگیرند.

این البته نمونه‌ای بود از یک تحوّل که با اعلان شریعت در یکی از کشورهای اسلامی به میان آمده است، این امیدواری در کشورهای دیگر بود، مسلمانان در انتظار بودند و هستند که در الجزایر هم چنین حکومت نیرومند و قوی به میان بیاید، در اُژدن^۱، نایجریا^۲ و در نقاط مختلفی چنین حکومت‌های اسلامی به میان بیاید؛ اینجا بود که ما دیدیم که باز مسلمانان در دام دسایس دیگر افتادند.

ما اگر امروز این‌گونه می‌بینیم که بحرآن خلیج و کشمکش بالای چند چاه نفت در میان صدام حسین و حکومت کویت صورت گرفته است، باید بدانیم که اصلاً کشمکش روی همچو قضیه‌ها نیست؛ بلکه دسیسه بین‌المللی و توطیّه وسیع دشمنان اسلام است که برای سرکوبی نهضت اسلامی و مسلمانان به راه انداخته شده است.

حمله بالای کویت یک حمله ناچیز و ظالمانه بود؛ اما در امه‌هایی که به واسطه ملل متحد صورت می‌گیرد، فیصله‌هایی که به‌صورت دراماتیک به عمل می‌آید

۱. اُژدن: در کرانه شرقی رود اُژدن موقعیت دارد. پایتخت آن عمان و مساحت آن ۸۹۳۲۶ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۶۰۴۶۰۰۰ نفر تخمین شده است. زبان رسمی آن عربی، واحد پول آن دینار اُژدن و دین رسمی آن اسلام است. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۹۶. «مرکز تدوین»

۲. نیجریه یا نایجریا: جمهوری فدرال نیجریه کشوری است که در غرب قاره آسیا موقعیت دارد. مساحت آن ۹۲۳۷۶۸ کیلومتر مربع و جمعیت آن در سال ۲۰۱۰ م، حدود ۱۵۸۲۵۹۰۰۰ نفر تخمین شده است. پایتخت آن شهر «ابوجا»، زبان رسمی آن انگلیسی و واحد پول آن «نایرا» می‌باشد. نگاه: اطلس جامع گیتاشناسی، ص: ۱۱۱. «مرکز تدوین»

و به بهانه آزادی کویت لشکرکشی وسیعی صورت می‌گیرد، این‌ها درامه‌های تعجب‌انگیز است.

آیا در عمر ملل متحد تنها کویت یک کشور اشغالی بود؟
 آیا تنها عراق به‌عنوان یک کشور متجاوز کویت را اشغال کرده بود؟
 یقیناً عراق این کار ناروا را نباید انجام می‌داد؛ اما هر انسانی از خود می‌پرسد؛
 مگر فلسطین اشغال نشده بود؟

مگر در مورد کشمیر فیصله‌های زیادی از سوی ملل متحد صورت نگرفت؟
 در مورد فلسطین چه فیصله‌های صورت گرفته، آیا یهودها هر روز دست به
 کشتار و تجاوز نمی‌زنند؟

و آیا در همین شرق میانه یک تجاوز صورت گرفته که آن نامشروع و ناروا
 بوده باشد و دیگر تجاوزگری‌ها مشروع و رواست؟ آیا این همه لشکرکشی‌ها و
 این همه هجوم از زمین و هوا و از هر طرف به خاطر نجات ملت مسلمان کویت
 است؟

اگر راستی هدف نجات ملت مظلوم کویت است، گناه ملت مظلوم عراق
 چیست که صدها هزار تن بم، بالای قریه‌ها و شهرهای شان فرومی‌ریزد؟
 در پشت سر تباه کردن چاه‌های نفت، چه هدفی نهفته است؟
 این همه حمله‌های ناروا و ظالمانه، آیا برای نجات کویت است، آیا تنها قرارداد
 ملل متحد درباره کویت قرارداد مقدّس بود که تجاوزگران را وادار ساخت تا از این
 صحیفه مقدّس ملل متحد پیروی کنند و قراردادهای دیگرش هیچ اهمیت و
 اعتباری نداشت؟

این‌ها را وقتی که هر انسان می‌بیند، یقیناً فکر می‌کند که صدام حسین در
 حمله‌اش آگاهانه و یا ناآگاهانه در این توطیه شریک ساخته شده و امروز ملت‌های
 مسلمان در منطقه و ملت‌های برادر ما در کویت و عراق در کشور برادر ما
 عربستان سعودی ویران می‌شود و مورد تجاوز یکی از این دوطرف قرار می‌گیرد،
 این ویرانی‌ها بازم به حساب ملت‌های مسلمان است، مصارف جنگ بازم از
 کیسه ملت‌های مسلمان پرداخته می‌شود و مورد تجاوز یکی از این دو طرف قرار

می‌گیرند، ما هم کشته می‌شویم و هم، قصاب و قاتل ما بهای سلاحی را که ما را می‌کشد، از خود ما می‌گیرد. این دسیسهٔ سخت خطرناکی است که ملت‌های مسلمان باید متوجه آن شوند.

ما مجاهدین در آغاز توطئهٔ خونین اعلان کردیم که باید عراق از کویت برآید و اگر کشمکش‌ها و دعوا بر سر قضیه‌ها و یا چاه‌های نفت و یا مسایل تاریخی دیگر باشد، باید این مسئله را خود مسلمانان حل بکنند؛ نه از راه زور و قدرت، نه از راه حملات ظالمانه؛ بلکه از راه نشست‌های برادروار، مسایل خود را حل کنند. ما حمله بر کویت را محکوم کردیم و امروز قاطعانه حمله بر شهرهای بی‌دفاع عراق و مناطق مختلف مسلمان‌نشین را که حملات ظالمانه است نیز قاطعانه محکوم می‌کنیم.

ما همان روز اعلان کردیم که آماده‌ایم برای دفاع از حرمین شریفین مقدار کافی از نیروهای جهاد را به سرزمین مقدّس بفرستیم، ما عقیدهٔ خود را همان وقت اعلان کرده بودیم که مسلمانان خود می‌توانند و باید بتوانند از دیار حرم حمایت کنند.

نیروهای غیرمسلمان هرگز نمی‌توانند از منافع و مصالح مسلمانان دفاع کنند. اگر راستی داعیه‌های انسانی دارند، باید از راه فشارهای اقتصادی و سیاسی جلو تجاوزگری‌ها گرفته می‌شد؛ اما نیروهای دفاعی باید از کشورهای مسلمان جمع می‌شدند و مشکل منطقه را حل می‌کردند.

امروز همه می‌بینیم که تکنولوژی جنگی در برابر عراق استخدام می‌شود؛ اما باز هم آخرین فیصله را قوای پیادهٔ ضد ماین می‌کند و هرگز تکنولوژی جنگی کمپیوتری نمی‌تواند همه قضایا را فیصله کند. اگر چنین کاری می‌شد؛ باید در ساعت اول کار عراق تمام می‌شد و یگانه عنصری که قوای مهاجم از آن هراس دارد، نیروهای رزمی و پیادهٔ نظام عراق است که از آن سخت می‌هراسند؛ لذا نیروهای پیادهٔ نظامی و فدایی در کشورهای اسلامی وجود دارد و می‌توانند در برابر هر تجاوزگر بایستند.

امروز این حقیقت را همه نظامیان در جهان خوب درک کرده‌اند، قسمی

که در گذشته هم می‌فهمیدند که تنها وسایل حربی محض، همه کار را انجام نمی‌دهد؛ بلکه مورال نیروهای نظامی است که می‌تواند فیصله‌کن باشد؛ به گونه‌ی مثال: در افغانستان تکنولوژی نظامی و سازوبرگ حربی نتوانست کمونیستان را به پیروزی برساند؛ بلکه در برابر یک‌مشت مردم مظلوم و بیچاره و مجاهدین بی‌دفاع به شکست و رسوایی روبه‌رو ساخت و امروز عراق صخره‌دیگری است که فرق تکنولوژی تجاوزگر غرب در آن نیز درهم می‌شکند. این‌ها همه بیانگر این حقیقت است که انسان‌های آگاه و مؤمن، نیروهای انسانی، نیروهای نظامی با عقیده و ایمان می‌توانند قضایا را در آخرین مرحله فیصله‌کنند.

لذا بار دیگر - طوری که در گذشته‌ها گفته بودیم - برای حل قضایا و مشکلات منطقه باید نیروهای امنیتی و نیروهای صلح اسلامی به میان بیاید و قوای غیر اسلامی از منطقه برون شوند و جنگ متوقف شود و عراق بالای کشور برادرش عربستان سعودی تعرض نکند و شهرهای عربستان سعودی را مورد تجاوز قرار ندهد و نه هم برای تجاوزگران غیرمسلمان اجازه داده شود که بیش از این قریه‌ها و مردم بیچاره عراق را به‌شدت درهم بکوبند و بعد از این مسلمانان تماشا بین نباشند. گفتم و بار دیگر اعلان می‌کنم، مسلمانان در حل قضایای اجتماعی، قضایای سیاسی و نظامی خود منتظر نباشند که از افریقا نلسون ماندلا^۱ بیاید و از امریکای لاتین اورینگا و سایر افراد میان مسلمانان صلح کنند، قرآن کریم برای ما مسلمانان امر می‌کند:

۱. نلسون ماندلا: در افریقای جنوبی با همان نام سنتی عشیره‌ای اش؛ یعنی «مادبا» یاد می‌کنند که در ۸ جولای ۱۹۱۸ م، در روستای «موزوی» افریقای جنوبی تولد یافت. از طریق مبارزه با آپارتاید و تصب نژادی که بدترین نوع استبداد قرن بیست در افریقای جنوبی بود، به یکی از شخصیت‌های مشهور جهان مبدل شد. ماندلا ۲۷ سال را در زندان سپری کرد و سپس برنده جایزه نوبل شد. از سال‌های ۱۹۹۴ م، به بعد به حیث رئیس‌جمهور افریقای بود که راه را برای آشتی بین سفیدپوستان و سیاه‌پوستان هموار ساخت و در ۱۹۹۹ م، از مقام ریاست جمهوری کناره‌گیری کرد و تا به امروز او را به‌عنوان پدر افریقای جنوبی مورد احترام و اعزاز قرار می‌دهند و در ۵ دسامبر ۲۰۱۳ م، از جهان درگذشت. نگاه: زندگی‌نامه خودنوشت نلسون ماندلا؛ ترجمه علی‌رضا جباری آذرنگ، چاپ اول، ۱۳۹۲ هـ ش، انتشارات: قطره، محل نشر: تهران، ایران و هفته‌نامه مجاهد: دور ششم، سال دوازدهم، شماره ۳۶، ۳۰ قوس ۱۳۹۲ هـ ش. «مرکز تدوین»

﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ﴾^۱

بنا بر هدایت قرآن کریم هر کس که تجاوزگر است، باید مسلمانان در برابرش بایستند و نزاع و شقاق‌های‌شان را خودشان حل سازند. خود مسلمانان باید به‌عنوان مُصلِح و به‌عنوان نیروی صلح و به‌عنوان نیروی حمایت و نیروی سرکوب‌کنندهٔ ظالم، بار آیند و صف‌آرایی کنند.

مسلمانان باید منتظر نیروهای غیرمسلمان و صلح‌جویان غیرمسلمان نباشند. اگرچه امروز تلاش‌هایی در کشورهای مختلف در جمهوری اسلامی پاکستان و جمهوری اسلامی ایران و کشورهای شمال افریقا وجود دارد و این کشورها دست به یک سلسله فعالیت‌ها برای توقف جنگ و صلح شروع کردند؛ اما ای کاش! این تلاش‌ها از آغاز به‌تندی شروع می‌شد، اجازه داده نمی‌شد که امروز هزاران طفل، پیر، جوان و زن مسلمان به خاک و خون کشانیده شود و نیروی رزمی ملت‌های مسلمان درهم کوبیده نمی‌شد؛ ای کاش زعامت سیاسی عراق در آغاز متوجه این خطر می‌بود و به‌جای کویت، اسرائیل را انتخاب می‌کرد.

امروز همه مسلمانان در پشت سر آن قرار می‌گرفتند، امروز باهم می‌بینیم که تنها به همین مطلب که عراق اعلان جهاد کرد، باوجودی که تجاوزش بر کویت تجاوز نادرست بود، بااین حال هم در برابر تجاوزگران غیرمسلمان صدای حمایت از عراق را بلند می‌کنند.

در اینجا یک مطلب واضح و روشن را همه به چشم سر می‌بینیم، مطلبی که باید همه زعمای مسلمان به آن متوجه باشند، این است که در هر کشوری که نام اسلام بلند می‌شود، از هر زبانی که باشد، ملت‌های مسلمان در پشت سر اسلام قرار می‌گیرند.

۱. حجرات / ۹. ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتْ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّى تَفِيءَ إِلَى أَمْرِ اللَّهِ فَإِنْ فَاءَتْ فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ﴾ (و اگر دو طایفه از مؤمنان باهم بجنگند، میان آن دو را اصلاح دهید و اگر [باز] یکی از آن دو بر دیگری تعدی کرد، با آن [طایفه‌ای] که تعدی می‌کند، بجنگید تا به فرمان خدا بازگردد. پس اگر بازگشت میان آن‌ها را دادگرانه سازش دهید و عدالت کنید که خدا دادگران را دوست می‌دارد.)

کسی به اصطلاح به خاطر چشم‌های سیاه صدام، این همه مظاهرات را در خیابان‌ها به راه نمی‌اندازد، تنها به خاطر اسلام و دفاع از اسلام و دفاع از تاریخ اسلام و دفاع از کرامت اسلام و مسلمین در برابر تجاوز است و ملت‌های مسلمان در همه‌جا آماده‌اند که خون بدهند و نام‌نویسی کنند. خوب اگر این حمله به سوی اسرائیل صورت می‌گرفت، بازمی‌دیدید که چه قیامتی در جهان می‌افتاد، امروز چه عظمت‌های دیگری از آن تاریخ اسلام می‌گردید و ما چه پیروزی‌هایی را شاهد می‌بودیم و چه دستگاه‌های ظلم و طاغوتی‌ای در جهان نمی‌بود که سرنگون نمی‌شدند!

بنابراین باید مسلمانان متوجه این حقیقت شوند و از آن درس عبرت بگیرند. در چنین اوضاع حسّاسی، شما برادران عزیز و شما سنگر نشینان آگاه، وارد خدمت به جامعهٔ مظلوم خودید.

برادران عزیز! می‌آییم به کشورمان به افغانستان عزیزتان! چه حالات و وضعی به ارتباط انقلاب خودمان حاکم است؟ این رکود و بن‌بست برای چیست؟ چرا حکومت مجاهدین یک دم به سقوط روبه‌رو می‌شود؟ چرا کشورهای مسلمان و کشورهایی که آن قدر پول و سرمایه دارند که اگر در پیش روی دریاها بریزند، دریا را سد می‌کند، چرا تا رسیدن به پیروزی ملت مسلمان ما حکومت مجاهدین ما را یاری نمی‌کنند؟

البته تنها مشکل ما، مشکل مادی نیست، پرابلم‌های مادی یگانه سد راه و مانع رسیدن به هدف نیست، ما از سنگر مادی هرگز شکست نمی‌خوریم؛ شکست ما و شما همیشه از سنگرهای فکری و اخلاقی صورت گرفته است و اگر ما در سنگر فکری درست فکر کنیم، درست بیندیشیم، درست برنامه بریزیم، به پاکی و تقوی در همه‌جا عمل بکنیم، مشکلات حل می‌شود.

در سودان دیدیم که با یک کار مثبت، بر مشکلات اقتصادی پیروز شدند و ما که در اوضاع موجود آن قدر بیچاره و ناتوان نشده‌ایم که همه‌چیز را بگذاریم.

من فکر می‌کنم، به این سرعت و عجله نباید در مورد حکومت مجاهدین تصمیم اتخاذ شود، باید راه‌هایی جست‌وجو می‌شد؛ به هر حال، چیزی که صورت

گرفته، حال باید در مورد نِعَمِ البدل^۱ آن فکر کنیم! زمانی که ما مشکل مادّی حکومت خود را فکر می‌کنیم، تنها هنر ما این نباشد که حالا مأمورین رخصت شدند، دیگر ما به هیچ فکر دیگر نباشیم؛ بلکه مأمورینی که بیکار شدند، نباید فراموش شوند، با بیکار شدن آنان بار انقلاب سبک نشده؛ بلکه بار انقلاب سنگین‌تر شد؛ زیرا مشکل برادران و مشکل مادّی‌شان مشکل انقلاب است، مشکل اجتماعی‌شان مشکل انقلاب است، سرگردانی‌شان مشکل انقلاب است. اینکه آنان در خانه خود به مشکل روبه‌رو شوند، اطفال و فامیل‌شان به مشکلاتی روبه‌رو شوند، مشکل انقلاب و مشکل جهاد است.

لذا باید در این مورد عمیقاً بیندیشیم که تنها کار ما این نبود که تعدادی از مأمورین را رخصت کردیم و از این قبیل حرف‌ها خیر و خلاص؛ بلکه ما در مورد مشکلات برادران خود فکر می‌کنیم که چه چاره‌ای به صورت دسته‌جمعی سنجیده و تدارک دیده می‌توانیم تا این برادران، هم خود را از حکومت و انقلاب و از تنظیم‌های سیاسی و از زعامت‌های انقلابی‌شان بیگانه فکر نکنند و هم همه بزرگان باید به فکر برادران خود بوده باشند.

به این اساس، این مسایل در جمله قضایایی است که باید در موردش بیندیشیم و همه یکجاریه‌هایی را برای رفع این معضله جست‌وجو کنیم.

برادران عزیز!

بلی، باید روی مشکلات اجتماعی برادران خود که همیشه با ما در سنگر بودند و خواهند بود و حالا بیکارند، فکر کرد و چاره سنجیده و اجازه نباید داد که پدیده‌ای شبه آنچه در حکومت مجاهدین شد، به‌عنوان یک حربه علیه انقلاب به میان بیاید.

اجازه داده نشود که محرومیت و بیچارگی و مشکلات اجتماعی و اقتصادی برادران باعث شود که آنان به‌عنوان یک صف ناراض و صف خدای ناخواسته کارشکن عرض اندام کنند؛ لذا باید برای حل مشکل‌شان تا جایی که ممکن است، در همه ساحه‌ها پیش‌بینی شود.

۱. بدیل بهتر. «مرکز تدوین»

برادران عزیز!

ما می‌بینیم که انقلاب به مشکلات مختلفی روبه‌روست. انقلاب ما وقتی که شکوفان شد و وقتی که در سطح نظامی به پیروزی رسیدیم و در آستانه پیروزی سیاسی قرار گرفتیم، شاهد کشمکش‌های مختلفی شدیم و فشارهای اقتصادی، محرومیت‌های نظامی، تلفات گسترده علیه انقلاب و علیه صف‌های جهادی صورت گرفت! همین دشمنان اسلام، جامعه اسلامی و ملت‌های اسلامی را طوری تصوّر می‌کنند که گویا این جوامع به‌عنوان یک تجربه‌گاه یا کشتزارهای تربیوی برای آنان است، از هر لحاظ چنین است؛ از لحاظ اقتصادی، از لحاظ اجتماعی، از لحاظ حربی و از لحاظ مقاصد اجتماعی. ما می‌بینیم که همیشه به خاطر تجربه سلاح‌های تازه اختراع شده، فوراً در فکر و تلاش آن می‌شوند که این سلاح‌ها بر فرق مسلمانان استعمال شود، تا فهمیده شود که از آن به چه شکل نتیجه گرفته می‌شود.

همین کشورهای تجاوزگر زرادخانه‌های^۱ سلاح‌شان در مقابل دشمنان خارجی استعمال نشده و نمی‌شود؛ بلکه همیشه بالای ملت مسلمان و مستضعف استعمال شده و اخیراً دیدیم و می‌شنویم به‌صورت وسیع حمله‌ای بالای عراق صورت می‌گیرد و آخرین نوع هلیکوپترها، آخرین قوه‌ها، طیاره‌ها، آخرین نوع راکت‌ها، بالای قریه‌ها و شهرهای ملت‌های مسلمان استعمال می‌شود تا ببینند نتایج آن چگونه است و توسط کدام سلاح چه خرابی‌هایی صورت گرفت و یا فلان طیاره سقوط کرد و یا فلان راکت درست به هدف نخورد؟ خلاصه گپ، تجربه‌گاه سلاح‌های خطرناک، حتی کیمیاوی و غیر کیمیاوی بازمهم کشورهای مسلمان است و حتی از لحاظ فکری، اندیشه‌های کمونیستی و نظام‌های سکولاریستی به حیث سوغات‌های خطرناک به کشورهای اسلامی فرستاده می‌شود.

همچنان مودها و فیشن‌های مختلفی به‌عنوان فسادهای اجتماعی از کشورهای غیر اسلامی به کشور ما سرازیر می‌شود و به لطف خداوند -جل جلاله- عمومیت پیدا نکرد؛ اما بازمهم به‌عنوان میکروب‌های خطرناکی بود که

۱. زرادخانه: اسلحه‌خانه، انبار سلاح. «مرکز تدوین»

فاجعه در دناکی را در کشور ما به میان آورد.

اگرچه به لطف پروردگار، سرانجام به همت والای ملت مسلمان ما این همه تلاش‌ها به ناکامی روبرو شد؛ اما در اوضاع کنونی باز هم عین همین تجارب به شکل دیگری آغاز شده است. ما و شما شاهدیم روزی از ما می‌خواستند که «لویه جرگه» تشکیل بدهیم و همین که آواز مخالفی بلند می‌شد، همیشه ملامت می‌شدیم که آخر برای چه نمی‌خواهید مسایل تان از راه سیاسی حل شود، یک تجربه کامیاب تاریخی شما افغان‌ها «لویه جرگه» است.

در اوضاع بسیار حسّاس آن را ترتیب می‌دادید و بالاخره قضایای عمده تاریخی خود را حل می‌کردید؛ پس چرا حالا مخالف لویه جرگه‌اید؟

باز روزی از ما می‌خواستند و می‌گفتند: به هر نحوی که است، شما حکومتی را تشکیل بدهید همه ما (کافر و مسلمان) شمارا به رسمیت می‌شناسیم!

آمدیم، حکومت ساختیم؛ ولی به‌جز چهار کشور هیچ‌کس به رسمیت نشناخت؛ حتی چند پول خیراتی هم که می‌دادند، کم‌کم شروع شد که قطع شود. می‌گفتند: بعد از این به احزاب کمک نمی‌کنیم؛ بلکه به حکومت کمک می‌کنیم!

احزاب گفتند که «آما و سلما»

و گفتیم: بیاید برای حکومت چیزی که می‌توانید بکنید، چند روزی گذشت که فریاد حکومت بلند شد و احزاب هم در فقر و بیچارگی به سر بردند و اداره‌ها و نهادهایی که تشکیل شده بود، به بی‌نظمی و تشتت روبرو شد، مکاتب و مدارس و جاهایی که به‌عنوان کادرسازی برای آینده کشور ساخته بودند، به تعطیل روبرو شد، آخر حکومت را همه به یک‌حالتی روبرو ساختند و گفتند که بعد از این، به این حکومت همکاری صورت نمی‌گیرد، باید حکومت سقوط بکند و به‌جایش چیز دیگری به میان بیاید! و حالا ما در مرحله‌ای قرار داریم که این حکومت از بین رفت و باید یک چیز دیگری حتماً به میان بیاید.

خوب، خیر از این هم می‌گذریم؛ اما دیدیم که در پهلوی حکومت، دسته‌های مختلفی، از شعور پاک مردم ما استفاده کردند و گفتند: باید تشکلات مختلف دیگر

به میان بیاید، قوماندان‌های ما باهم بنشینند و وحدتی را به خاطر هماهنگی جهاد به میان آورند؛ ولی این تشویش وجود دارد که فردا در پهلویش تشکیل دیگری بسازند، پس فردا چندین تشکیل دیگر و سرانجام به سطح جبهات و سرگروپ‌ها، اختلافات را به شکلی در بیارند که هیچ محور ثابتی در میان ما به میان نیاید. گاه‌گاه می‌شنویم علمای ما نشستند و با دلسوزی کارهایی را کردند و گاه‌گاه از بعضی منابع و زوایا می‌شنویم که می‌گویند، یکی از راه‌های حل، نشستن علما و قوماندانان است که مسئله را حل بکنند.

آخ از همین دلسوزان دسیسه‌گر، باید پیرسیم دیروز که علما و قوماندانان در شورای مشورتی نشستند، چرا شما امروز خواهان این می‌باشید که باید فیصله‌شان دفن کرده شود و از بین برود، امروز چه ضمانت دیگری است که بار دیگر چنین فیصله‌ها توسط چنین دسیسه‌گرانی مورد حمایت قرار بگیرد؟

اینکه دسیسه‌گران چه دسیسه می‌کنند و ما را تحت چه نام‌هایی از هم جدا می‌کنند، به نام اتحاد اقوام، اتحاد اقوام سمت‌های مختلف، اتحاد قبایل، اتحاد علما، اتحاد قوماندانان خلاصه، به دسیسه‌های مختلف می‌خواهند ما را دسته‌دسته و پارچه‌پارچه بسازند. این همه واقعیت‌هایی است که ما باید سخت متوجه باشیم.

شنیده می‌شود که امروز یک سوغات دیگری به نام مستضعفین و تحریکی‌ها عرض اندام کرده است. نباید این برادران مسئله را به دلسوزی حمل کنند، ما به ظاهر شاید خیلی خوش باشیم که کارهای خوبی انجام می‌دهیم؛ اما این کار قطعه‌قطعه کردن و پارچه‌ساختن و بی‌اعتبار کردن انقلاب است که امروز می‌بینیم تا هنوز به اصطلاح رنگ امضای قلم برادران خشک نشده که شورای «اهل حل و عقد»^۱ بسازیم، فوراً می‌بینیم که چندین پیشنهاد دیگر از این حلقه و

۱. «حل» و «عقد»: در لغت به معنای گشودن و بستن است و اما عقد در اینجا به معنای بستن نظام گروهی از مسلمانان در همه شئون زندگی‌شان است، اعم از سیاسی، قانونی و قضایی و همچون مسایل و حل به معنای انفکاک، این بستن به دلایل معینی که تا نظام جدیدی شکل بگیرد و اهل حل و عقد در نظر علمای اصول همان اهل اجتهادند و امام نووی اهل حل و عقد را عبارت از علما، رؤسا و اهل خبره‌ای می‌داند که مردم در مصلحت‌های عمومی و نیازمندی‌های‌شان به آنان مراجعه می‌کنند و شماری هم، اولوالأمر را اهل حل و عقد می‌دانند و علامه جوینی اهل حل و عقد

از آن حلقه، پیش می‌شود.

آخر باید بپرسیم این کسانی که فعلاً شورای «اهل حل و عقد» می‌سازند، آیا اینان قوماندانان نیستند؟ علما نیستند؟ اینان مربوط به همین تحریکی‌ها و تنظیمی‌ها نیستند؟ چه کسی ضمانت خواهد کرد که این پیشنهاد جدید به‌عنوان پیشنهاد مقدّس مورد حمایت قرار بگیرد؟

اگر دیگران می‌خواهند ما را مسخره کنند، اگر دیگران می‌خواهند ما را به‌نام‌های مختلف تجزیه و چند پارچه کنند، اگر دیگران می‌خواهند نشان بدهند که ما کفایت هیچ کاری را نداریم، اگر دیگران می‌خواهند که هر روز ما را به شکلی از اشکال در اذهان خودمان و در اذهان ملت‌ها بکوبند؛ اما نباید ما خودمان را به‌عنوان‌های مختلف مسخره کنیم.

برادران عزیز!

به‌راستی چیزی که باید روی آن خیلی دقیق فکر کنیم، وحدت و یکپارچگی مجاهدین است. وحدت، یکی از آرمان‌هایی است که همه خواهان آن بودیم و هنگامی که این وحدت در چوکات حکومت مجاهدین به میان آمد و هنگامی که این وحدت از لحاظ هماهنگی در میان احزاب شروع شد و هنگامی که این وحدت از لحاظ هم‌بستگی آغاز گردید، باید این‌ها همه به‌عنوان حرکات‌های تکاملی یکی پشت دیگر قرار می‌گرفت و باد هر کار مایکی وسیله تکمیل دیگر باشد؛ نه وسیله تدمیر دیگر.

این‌طور نبوده باشیم که هر روز یک سوغات نو و هر روز یک ابتکار نوی را به وجود بیاوریم و هر کسی - به اصطلاح - به کار خود خوش بوده باشد. ما می‌گوییم، فعلاً در قسمت حل سیاسی کشورمان باید از طریق همبستگی و کار فرآگیر چه در چوکات یک حکومت بعدی و یا یک تشکیل سیاسی داخل اقدام بکنیم و محورهای ثابت تنظیم‌های جهادی به‌جای اینکه در برابر نوسان‌های جدید قرار

را این‌گونه معرفی می‌کند: خبرگانی مستقلی‌اند که از تجارب و تهذیبی بالایی برخوردارند و صفات کسانی که باید امور رعیت را به دوش بگیرند در آن‌ها وجود دارد و امام ماوردی شروط خلافت و یا امامت را سه چیز می‌داند: ۱- عدالت؛ ۲- علم؛ ۳- بصیرت و حکمت. برای معلومات بیشتر نگاه شود: منهج الطالبین، از امام نووی، غرائب القرآن، از نیشاپوری، الغیائی، ص: ۸۲ والأحكام السلطانية، از ماوردی. «مرکز تدوین»

بگیرند، باید دست‌به‌دست هم بدهند و به‌سوی یک کار عمده گام برداریم. در مورد انتخابات فعلی شوری جمعیت اسلامی، نظر خود را اعلان کرده است، قسمی که در آغاز در مورد حکومت عبوری موقت نظر خود را اعلان کرده بود؛ اما بعد از اینکه جمعیت شامل حکومت شد، نظرش این بود که تا آخرین مرحله، از حکومت پاسداری و از پشتیبانی صورت بگیرد و حتی در قسمت حفظ مأمورین موقت، نظر جمعیت این بود که ما باید از هر راهی که باشد، قسمی که در گذشته مشکلات خود و مأمورین خود را گذشتانندیم، باز هم تأمین معیشت مأمورین فعلی حکومت از راهی که ممکن است، باید فراهم شود، باید یک‌دم آنان را رخصت نکنیم.

در مورد شورای فعلی هم، ما نظر خود را اعلان کرده بودیم که هر چند از لحاظ زمانی این وقت مساعد و مناسب بود؛ اما از اینکه بعضی از احزاب از حزب وحدت، در آن شامل نیستند، پس این شوری هنوز فراگیر نشده؛ همچنان از دایره‌ها و حلقه‌های انتخاباتی شکایت‌هایی وجود داشت که دوایر انتخاباتی در گذشته عادلانه تنظیم نشده؛ اما با وجود این همه، وقتی که انتخابات اعلان شد ما از آن استقبال کردیم و به تمام قوماندانان و سرگروپ‌های جمعیت اسلامی و مجاهدین نوشتیم که با هیئت‌های انتخاباتی جداً همکاری کنند و ما حالا هم به همین نظریه که باید، این کار ادامه پیدا کند و لو که نتایج آن دلخواه هم نباشد؛ اما اینکه یک‌دم طرح‌های دیگری تقدیم کنید، بدون اینکه از تصمیم اولی نتیجه گرفته شود، این کار به نفع انقلاب نیست، امروز یک فیصله و روز دیگر شکستادن آن، نه به مصلحت انقلاب است و نه هم به مصلحت ملت.

در ارتباط به نشست‌ها و طرح‌های مختلفی که برادران پیشنهاد می‌کنند، ما به این عقیده‌ایم که قوماندانان عزیز ما طرح‌شان واضح بوده که طرح جنگ دارند، اعلان کرده بودند که این‌ها در یک هماهنگی کار نظامی را - که اصلاً جان انقلاب است - پیش برند. طرح‌های سیاسی توسط قوماندانان در گذشته معمول نبود و چنین نبود که توسط قوماندانان نظامی چنین فعالیت‌هایی به عمل بیاید، این کار اگر صورت می‌گیرد، جز رکود، جز پریشانی نتیجه دیگری از آن به

دست نمی‌آید.

و در مورد انتخابات فیصله‌ای که فعلاً صورت گرفته، باید به هر شکلی که باشد، تا حدی که ممکن است به‌پیش رود. اگر به‌صورت طبیعی به ناکامی روبه‌رو می‌شد و اگر بعدها دیده شد که عملی شدن آن امکان ندارد، آن وقت در زمینهٔ چاره‌هایی سنجیده شود. وقت آن تمدید گردد، به خاطر سردی هوا و... از وقتی که تعیین شده، چند ماه به تعویق انداخته شود. ضمناً گروهایی که در آن شامل نیستند، باید شامل شوند و به شکلی از آشکال انتقادات و عدم رضایت از نواحی‌ای که در حلقه‌های انتخاباتی وجود دارد، در نظر گرفته شود و اعلان شود که به‌محض تشکیل یک حکومت عبوری، اولین کاری که در ارتباط با انتخابات صورت می‌گیرد، سرشماری در افغانستان است و مطابق نفوس هر ولسوالی^۱ یا در برابر هر تعدادی؛ مثلاً برای سی هزار نفر یا پنجاه هزار نفر یک وکیل تعیین شود و اگر مشکلی از برادران کوچی ماست، بعد از این باید آن مشکل رفع شود و اگر از برادران مناطق مرکزی ماست یا از ولسوالی‌های شمال، غرب، جنوب و شرق ماست، خلاصه، از هر جایی که هست بر اساس یک سرشماری دقیق و کلات تعیین شوند. بی‌عدالتی‌های گذشته از بین برود و صلاحیت‌های شوری تعیین شود و در این اوضاع هیچ‌نوع تغییرات و تبدیلی به میان نیاید.

برادران عزیز!

بعضی از ما عادت داریم که همیشه به خاطری که خود را از مسئولیت‌ها دور داشته باشیم، اگر رهبریم، مشکلات را به گردن کارمندان سطح پایین می‌اندازیم و حتی اگر در شوراهای اجرائیه تنظیم و در سطح مسئولیت‌های بالا هم که باشیم، باز هم مسئولیت را به گردن مسئول تنظیم می‌اندازیم. خلاصه، هریکی می‌خواهد از مسئولیت بگریزد. از مسئولیت گریختن، هنر نیست، از مسئولیت گریختن شهامت نیست، غیبت کردن، تهمت بستن، این چیزها نه از لحاظ اسلامی کار درست است و نه از لحاظ تاریخی، ما باید مسئولیت‌ها را در هر سطحی قبول بکنیم و مسئولیت‌ها را به گردن این‌وآن نیندازیم و احساس بکنیم:

۱. شهرستان. «مرکز تدوین»

﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ..﴾^۱

در یک جامعه اسلامی هستی‌م، اداره‌ای وجود دارد که به شکل هرمی، هرم، رأس و قاعده دارد؛ اما هر مسئول باید به جای خود حرکت کند، هر پایه باید به جای خود استوار باشد، هر عنصر باید به سهم خود در انقلاب سهم بگیرد. هیچ کس تماشا بین نباشد و هیچ کس خود را بی‌غم باش فکر نکند، هیچ کس خود را به حیث یک «Loudspeaker»^۲ فکر نکند، هیچ کسی خود را به حیث یک انسان معصوم یا بی‌درد فکر نکند. هیچ کسی باید خود را تصور نکند که من مصلح و خیر خواهی بودم که اگر بر ایمن جای راه داده می‌شد، من به کلی دنیا را «گل و گلزار» می‌ساختم؛ در حالی که کوچک‌ترین سرگروپ و یک مجاهد، در عمیق انقلاب از خود کاری داشت و دارد؛ یعنی تنگ داشت و باید درست می‌جنگید و سرگروپ، گروپ خود را باید حمایت می‌کرد، قوماندان که بود، مسئولیت‌هایی داشت و باید کار خود را می‌کرد، مسئول یا رئیس یک کمیته بود، باید درست کار می‌کرد، باید از او پرسیده شود که چه کاری کردی؟ اگر یک ملا یا یک عالم دینی بود، بینیم که چند نفر از رهبری او حمایت کرده؟ او راه چند نفر منحرف را درست کرده و چقدر کار مثبت و اسلامی انجام داده است؟ اگر نویسنده‌ای بود چه کارهایی را انجام داده؟ خلاصه، هر کس باید فکر بکند که به انقلاب چه کردیم؟ آیا تنها حرف تقدیم کرده؟ انتقاد تقدیم کرده؟ حرف‌های درهم‌وبرهم گفته..؟

به این اساس، حرف‌های ناخودآگاه و یا آگاهانه از هر حنجره‌ای بلند می‌شود، او حنجره دشمن است، بلندگو ماییم؛ ولی گپ، گپ دشمن است، ما وسیله‌ای

۱. ﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ فَالِإِمَامُ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَالرَّجُلُ رَاعٍ فِي أَهْلِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ أَهْلِهِ وَالْمَرْأَةُ رَاعِيَةٌ فِي بَيْتِ زَوْجِهَا وَمَسْئُولَةٌ عَنْ رَعِيَّتِهَا وَالْخَادِمُ رَاعٍ فِي مَالِ سَيِّدِهِ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ وَكُلُّكُمْ رَاعٍ وَمَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ﴾ (شما همه نگهبانید [چوپان] و همه شما مسئول رعیت خویش اید، امام (امیر) نگهبان است و مسئول رعیت خود است و مرد در خانواده خود نگهبان است و مسئول رعیت خود است (افراد خانواده) زن در خانه شوهرش نگهبان است و مسئول رعیت خود است، خادم در مال آقایش نگهبان است و مسئول رعیتش است. پس همه شما نگهبانید (چوپانید) و مسئول رعیت خویش اید.) صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۴۴۹۰. «مرکز تدوین»

۲. بلندگو یا Loudspeaker: دستگاهی است که برای بلند کردن صدا - به قوه برق کار می‌کند و - در جلو گوینده می‌گذارند تا صدای او را همه اهل مجلس بشنوند. نگاه: فرهنگ فارسی عمید، ص: ۲۱۶. «مرکز تدوین»

شدیم و در خدمت دشمن.

به این اساس، همیشه می‌بینیم که بعضی اوقات، بعضی نوشته‌ها به حیث اسنادی بوده که در خدمت دشمن قرار گرفته است و تهمت‌هایی را که بعضی از برادران در بعضی از مراحل بر ضد یکدیگر بستند، دیده‌شده که احزاب کمونیست در هندوستان، از حرف‌های آنان چقدر استفاده کردند؟

به این اساس، باید در انقلاب اسلامی این‌طور عناصر تماشا بین، عناصر انتقادگر، بی‌غم‌باش، عناصر به‌اصطلاح بالانشین و کم مسئولیت هرگز نبوده باشد و این همت نیست، بگوید که خرابی از من نیست، از دست فلان است.

اگر خرابی است، باید فرد فرد فکر بکند؛ زیرا در آن سهیم است و اگر کار خوب است، باید فرد فرد فکر بکند که در آن سهم دارد و اگر عناصر طفیلی‌ای بودند که دیروز به درد نمی‌خوردند، امروز هم به درد نمی‌خورند، فردا هم به درد نخواهند خورد.

عناصر طفیلی که سال‌های زیادی هیچ چیز از آن‌ها ساخته نبوده، امروز هم اگر مغزی می‌داشتند، اگر فکری می‌داشتند، اگر ابتکاری می‌داشتند؛ باید در این مدت ده و پانزده سال از آنان دیده می‌شد، بعد از این دیگر عناصر طفیلی هیچ کاری انجام داده نمی‌تواند، دیروز طفیلی بودند، امروز هم طفیلی‌اند، فردا هم طفیلی خواهند بود، خلاصه، از اینان چیزی ساخته نخواهد شد.

ما باید همه احساس مسئولیت بکنیم:

﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ وَكُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ...﴾^۱

هریکی باید درست فکر کنیم، درست برنامه بریزیم و هر یکی احساس مسئولیت بکنیم، باید اجازه ندهیم که مردم را در یک تشویش و خلای فکری قرار دهیم؛ مثلاً: وقتی که دربارهٔ حل سیاسی افغانستان چهار و پنج نفر در یک جا نشستیم و برای حل سیاسی یک طرحی دادیم، پنج و شش نفر دیگر برای حل سیاسی از جای دیگر سر می‌کشد، باید از خود پرسیم که این کار چه نفعی به انقلاب خواهد داشت؟ اگر کارها همه باهم یکجا هماهنگ ساخته شود، هیچ

۱. صحیح ابن حبان، شماره حدیث: ۴۴۹۰. استخراج حدیث مبارک گذشت. «مرکز تدوین»

کاری از این حرف‌های بی‌محتوا و غیرمسئولانه بر نمی‌آید!

باید جدی بیندیشیم، فعلاً در همه ساحات کار دشمن ختم است و فعلاً نجیب و دارو دسته نجیب به کلی ختم است.

مشکل ما این است که به قضایا همیشه سرسری می‌نگریم، عظمت انقلاب خود را بدبختانه تا این حال درک نکرده‌ایم. به قدری که انقلاب در بیرون عظمت دارد و کسانی که از بیرون عظمتش را درک می‌کنند، بدبختانه خود ما عظمت آن را نمی‌فهمیم و خود را به بهای اندک می‌فروشیم و حتی به هیچ چیز! گاهی در گرو یکی قرار می‌گیریم و گاهی در گرو دیگری.

در هر مجلسی دیده می‌شود، غیبت کردن بر ضد جبهات، بر ضد تنظیم‌ها، بر ضد یک عده برادران فقط یک هنر شده، در حالی که این نه از لحاظ منطق اسلامی هنر است و نه از لحاظ شهامت انسانی!
طبیعت‌ها باید طبیعت میکروبی نباشد، عناصری که چنان خاصیت دارند، عناصر میکروبی‌اند.

در هر جایی که هستیم با عناصر میکروبی باید مبارزه بکنیم و اجازه ندهیم که سم‌پاشی کنند. اجازه ندهیم که اذهان را تخدیر بکنند، اجازه ندهیم که این وضع را خلق بکنند، در حالی که ما می‌نشینیم و در پیش روی ما غیبت صورت می‌گیرد، حرف‌های تخریبی صورت می‌گیرد، علیه همه چیز و علیه همه کس، این وضع تا به کی؟! ما باید جدی به این طور مسایل برخورد بکنیم. فرد فرد ما در برابر این نوع حرکات بی‌تفاوت نباشیم. انقلاب اسلامی برای ما راه‌گشای روشن است. آن اشتباهات گذشته جامعه خود را از لحاظ ذهنی درست بکنیم و اندیشه متحد اسلامی داشته باشیم و جامعه را به مسیری باید سوق بدهیم که آن مسیر امید ما باشد و مردم را به طرف روشنی باید سوق بدهیم؛ نه به طرف تاریکی‌ها. به طرف یکپارچگی سوق بدهیم، نه به طرف اختلاف و چنددستگی‌ها.

برادران عزیز!

بحران‌های زیادی فعلاً در جهان حاکم است؛ اما بحران‌ها ما را دست و پاچه نمی‌سازد، عناصر انقلابی از میان بحران‌ها می‌گذرند.

کمال یک تنظیم انقلابی، یک ملت انقلابی و افراد انقلابی این است که با بحران‌ها روبه‌رو شوند و از میان بحران‌ها به سرمنزل پیروزی برسند. اگر هر جا خیر و خیریت می‌بود و هیچ‌جا هیچ تکلیفی نمی‌بود، دیگر انقلاب چه معنی داشت؟ باید با بحران‌ها روبه‌رو شویم، با کشمکش‌ها روبه‌رو شویم، با مشکلات روبه‌رو شویم.

پیامبر اکرم ﷺ راه را برای ما مسلمانان تعیین کرده است که گذرگاه مسلمان کجاست؟

﴿حُفَّتِ النَّازُ بِالشَّهَوَاتِ وَ حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ﴾^۱

بهشتیان از روی قالین عبور نمی‌کنند؛ بلکه از مسیر صعب‌العبوری می‌گذرند. از میان دشواری‌ها می‌گذرند، در میان خارهای نوک‌تیز پای می‌گذارند، خلاصه از میان بحران‌ها، بالأخره به بهشت می‌روند.

خارا حریف سعی ضعیفان نمی‌شود

صد کوچه است در بن دندان، خلال را^۲

اما دوزخیان از راهی که قالین فرش است، تیر می‌شوند. آنان با هیچ مشکلی روبه‌رو نیستند و در برابر آنان هیچ‌گونه حرام و ناروایی نیست.

لذا باید به این احساس که چون به‌سوی کمال الی‌الله روانیم، به‌سوی بهشت روانیم، به‌سوی رضای خدا - جل جلاله - و به‌سوی خدمت خلق‌الله به‌پیش می‌رویم، باید از میان مشکلات و از میان بحران‌ها بگذریم.

باید ما به این فکر باشیم که ما ملت مسلمان قیام کردیم تازه باشیم، قیام کردیم تا عظمت‌های گذشته را دوباره احیا کنیم و ما به هیچ شکلی در برابر حملات صهیونیستی و کمونیستی تسلیم نمی‌شویم.

ملت‌های مسلمان باید یکپارچه و واحد باشند و باید جنگ در میان مسلمانان را به راه نیندازیم. باید ذهنیت‌ها طوری نباشد که ما وقتی از ملت کوبت دفاع می‌کنیم، ملت عراق را فراموش کنیم و هنگامی که از ملت عراق اگر دفاع

۱. ﴿حُفَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ، وَ حُفَّتِ النَّازُ بِالشَّهَوَاتِ﴾ یعنی دوزخ با شهوت‌ها و کشش‌های نفسانی و

بهشت با سختی‌ها و دشواری‌ها، احاطه شده است. صحیح مسلم، ۹۰۳۶. «مرکز تدوین»

۲. بیدل دهلوی، غزل شماره ۱۰۳. «مرکز تدوین»

می‌کنیم، ملت برادر خود سعودی را فراموش کنیم. همه ملت‌های مسلمان برادر ماست، اگر یک جوان سعودی از بین می‌رود، اگر یک خانه در سعودی یا در عراق ویران می‌شود و یا در کویت و یا در اردن ویران می‌شود، این‌ها همه خانه‌های مسلمانان است و ما به همه دل می‌سوزانیم؛ زیرا همه از ماست.

برادران عزیز!

در بحران‌های فعلی قسمی که گفتیم، فعلاً حرکت‌هایی که توسط جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان و سایر کشورهای اسلامی و هکذا در شمال افریقا روان است، باید به‌تندی پیش برود، باید زعامت‌های جهان اسلام برای حل مشکل خود جدی عمل کنند.

تنظیم‌های اسلامی و جنبش‌های اسلامی و ملت‌های مسلمان که بیداری خود را نشان دادند، این‌ها باید جدی حرکت بکنند، این‌ها هم باید مصمم باشند، دیگر مطمئن باشند که ما در برابر هیچ‌نوع بحرانی تسلیم نمی‌شویم، در برابر هیچ حمله‌ای تسلیم نمی‌شویم؛ بلکه از میان این همه مشکلات، به‌سوی پیروزی به‌پیش می‌رویم.

برادران ما در تنظیم جمعیت اسلامی، هر یکی باید احساس مسئولیت کنند. قوماندانان و علمای ما هم باید احساس مسئولیت بکنند. باید به‌سوی وحدت و یکپارچگی گام بردارند؛ نه به‌سوی اختلاف. ما یقین داریم که ان‌شاءالله پیروزی از آن ما و از آن جهان اسلام است.

بار دیگر از برادران عزیز خود و از جوانانی که تازه‌وارد سنگر می‌شوند و یا از سنگرها آمدند و در سنگرها زیستند و در سنگرها بزرگ شدند، متحمل رنج‌ها شدند، می‌خواهم که ما باید با معلومات تازه، با احساس تازه و با اراده مستحکم و با تعهداتی مستحکم‌تر، وارد سنگر و خدمت به اسلام و مسلمانان شوند.

به همه شما عزیزان، شما جوانان عزیز که از حربی پوهنتون حضرت علی بن ابی‌طالب فارغ شده‌اید و به شما فرزندان عزیز انقلاب که از اکادمی پولیس فارغ شده‌اید، ساتنمن‌ها و کمیسارها، به همه شما، این دوره جدید را مبارکباد می‌گویم و به استادان عزیزتان و به مسئولین اداری و به قوماندانان هر دو مؤسسه

و برادر انجینیر ایوب، این موفقیت را تبریک می گویم و از بارگاه الهی به دست دعا
 نیازمندیم که ان شاء الله آن روزها نزدیک باشد که تجمعات میلیونی خود را در شهر
 کابل دایر بکنیم.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ وَاللَّهَ لِي وَلَكُمْ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.^۱
 السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ.

۱. گذشت.

خطابهٔ یک صد و شصت و سوم

در فاتحهٔ سه تن از برادران مجاهد و مهاجر

هفته‌نامهٔ مجاهد؛ شمارهٔ مسلسل ۱۴۵، ۱۵، حوت ۱۳۶۹ هـ ش / ۲۰ شعبان ۱۴۱۱ هـ ق / ۶ مارچ ۱۹۹۱ م.



برادران عزیز!

البته ما به این سنّت الهی ایمان داریم که مرگ و زندگی به ید قدرت الهی است. خداوند -جل جلاله- حیات و مرگ ما را مطابق به اراده خود معین کرده است و تا زمانی که خواسته است، زنده می‌دارد و همچنان زمان مقدر و معینی را برای هر یکی از ما تعیین کرده تا جهان فانی را وداع بگوییم.

این درست است که همه می‌میریم؛ اما خاطره همه کسانی که از ما دور می‌شوند، شکل و صورت واحدی ندارد. تعدادی هستند که با مرگ‌شان تأثیرات زیادی در میان دوستان و وابستگان‌شان به میان نمی‌آید، کارها و دستاوردهای زندگی‌شان قسمی نیست که با رفتن‌شان خلایی به میان بیاید؛ اما هستند کسانی که حیات‌شان نعمت و مرگ‌شان مصیبتی را به میان می‌آورد و خलाهایی را ایجاد می‌کند که کم‌تر کسانی جای‌شان را می‌گیرند.

در جمله افراد و شخصیت‌های محترمی که امروز در میان ما نیستند، یکی هم برادر مرحوم جکتورن شمس‌الدین خان است. هر چند امروز او در میان ما نیست؛ اما کارنامه‌های مثبت و دستاوردهای باارزش او، همیشه در میان ما زنده خواهد بود. قوماندان شمس‌الدین خان از آن برادران محترم ما بود که در دوران حیات پرثمرش، کارهای باارزشی در ارتباط به جهاد و انقلاب اسلامی از خود به یادگار گذاشت. شمس‌الدین خان یک سپاهی فداکار و دلسوز به اسلام بود

که علیه تجاوز روس‌ها و قبل از آن، علیه وجود دستگاه الحادى خلق و پرچم^۱ مردانه‌وار قیام کرد و بعد از قیام خونین هرات، به صورت پیگیر و مستقل، در سنگرهای مختلفی مصدر خدمات باارزشی شد.

او به‌عنوان یک مربی، مجموعه‌ی زیادی از سپاهیان و افسران انقلاب اسلامی را در «حربى پوهنتون»^۲ تربیه کرد و خدمات صادقانه‌ای را انجام داد. او به‌عنوان اولین فرد، مرکز جهادی را در «پاره چنار» تأسیس کرد. او به‌عنوان یک عنصر دلسوز و مخلص، در همه اوضاع و احوال، صادقانه در پهلوی سایر هم‌سنگران خود، خدمات باارزشی را انجام داد. در همه اوضاع و احوال، در «سراء» و «ضراء»، امتحان خود را داد. چه در وقتی که او در یک وظیفه و مأموریت رسمی مشغول کار بود و چه در روزهای زیادی که بیکار، در خانه‌اش نشسته بود، به‌قدر ذره هم از وفاداری و تعهد اسلامی‌ای که در ارتباط با تنظیم اسلامی خود (جمعیت) داشت، تغییری در او محسوس نبود.

چهبسا افرادی که اگر از یک وظیفه محدودی دور می‌شوند، یا هیاهو و فریادشان بلند می‌شود و یا گلیم شکایت‌شان همه‌جا گسترده می‌شود؛ اما این برادر، ماه‌ها، بلکه حتی بیش از چند سال هم کاملاً بیکار و در خانه نشسته و از منابع مختلفی دعوت‌های مختلفی هم صورت گرفت؛ اما با همه مشکلات خود، وفادار و ثابت‌قدم باقی ماند.

امروز شمس‌الدین مرحوم در میان ما نیست؛ اما خاطرات فراموش ناشدنی‌اش، دستاورد پرارزش حیات انقلابی‌اش، صدق و ثبات، صبر و استقامت

۱. خلق و پرچم: حزب چپ‌گرا و مارکسیستی است که دوشاخه‌ای از حزب دموکراتیک خلق افغانستان بودند. شاخهٔ پرچم را «بیرک کارمل» و شاخهٔ خلق را «تره‌کی» رهبری می‌کرد. این حزب در زمان حکومت «نجیب» نامش را تغییر داد و به‌نام «حزب وطن» یاد می‌شد. کودتای منحوس هفتم ثور ۱۳۵۷ خورشیدی و تجاوز وحشیانه و ددمیشانه شوروی سابق که سرآغاز مصیبت‌ها و بدبختی‌های مردم مسلمان و مجاهد ما شد، شهادت، معلولیت و معیوبیت بیش از دو نیم میلیون از مردم مسلمان ما و به زندان کشاندن میلیون‌ها انسان بی‌گناه و هزاران گور دسته‌جمعی در هر گوشهٔ کشور عزیزمان را به همراه داشت، همه از جنایات شوم این دو حزب و حامیان آن‌هاست. نگاه: دسایس و جنایات روس در افغانستان، از دکتور شیراحمد نصری حق‌شناس. «مرکز تدوین»

۲. حربى پوهنتون: منظور دانشگاه نظامی متعلق به جمعیت اسلامی است که در سال ۱۳۵۹ ه.ش، توسط جمعیت اسلامی تأسیس شده بود. نگاه: تاریخ معارف افغانستان، ص: ۱۵۰. «مرکز تدوین»

و وفایش، همیشه در خاطره همه ما باقی خواهد ماند.

امروز خاطره شمس‌الدین مرحوم در میان ما به‌عنوان یک افسر نمونه، یک سپاهی دلسوز و متعهدی که هرگز او را فراموش نخواهیم کرد، باقی است.

روحش شاد، یادش به خیر و راهش همیشه باد.

برادر دیگرمان مولوی صاحب‌سلطان محمود هم از شخصیت‌های محترمی بودند که به خاطر دارم. در دوران مسئولیت امارت و لسوالی منطقه‌شان به‌عنوان یک شخصیت بسیار مخلص و صادق چه در سنگر و چه در پشت سنگر همیشه با دلسوزی و آگاهی، مشغول خدمت به سنگر و سنگر‌نشینان بود.

خداوند مولوی صاحب را غریق رحمت بسازد!

جناب قاری صاحب سید حامد که یکی از شخصیت‌های بسیار عمده و محترم دیگری بودند که از هر لحاظ وجودشان سراسر خیر و برکت و وفات‌شان ضایعه عمده علمی و عرفانی است.

خداوند همه‌شان را در پناه لطف بی‌کران خود، مورد عفو و مرحمت قرار بدهد.

برادران عزیز!

اگرچه ما در مجلس عزای عده‌ای از عزیزان خود هستیم؛ اما به‌صورت مختصر هم می‌توان راجع به قضایا و مسایلی که در محیط زندگی ما روی می‌دهد، صحبتی هم بکنیم.

در این لحظاتی که ما از وفات عده‌ای از برادران عزیز و محترم خود یادآور می‌شویم، به یادمان می‌آید که ما در این ماه، (ماه حوت) خاطره‌ای یک قیام خونین را هم به یاد داریم، قیام خونینی که بزرگ‌ترین فشار و بزرگ‌ترین لرزه را بر دنیای کنونی وارد آورد.

ما قیام سوّم حوت^۱ سال ۱۳۵۸ هـ.ش، اهالی مسلمان کابل را یکی از دستاوردهای بزرگ انقلاب اسلامی خود می‌دانیم.

باید متوجه این مطلب باشیم که در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی در

۱. استاد سخنرانی مستقلی در باب قیام سوّم حوت دارد که ذیل عنوان «قیام توفنده در قلب کشور» از سوی مرکز تدوین آثار رهبر شهید، به چاپ رسیده است. «مرکز تدوین»

کشورمان قرار داریم، ما بار دیگر نیازی به چنین قیام‌ها در بهار آینده در قلب کشورمان، یعنی در شهر کابل داریم، برای سقوط آخرین حلقه‌های کفر و الحاد و برای پاک‌سازی جرثومه‌های کمونیزم در کشورمان و به‌خصوص ملت عزیزمان در شهر کابل. چه آنانی که در سنگر خود برضد دشمن می‌جنگند و چه آنانی که در شهر کابل در خدمت جهاد قربانی‌ها و فداکاری‌های بی‌دریغی از خود نشان دادند، متوجه باشند که با قیام آزادی‌بخش و خیابانی خود، هم‌زمان با فعالیت‌های نظامی پیام سقوط رژیم مزدور خلق و پرچم را به جهان اسلام اعلام کنند.

برادران عزیز!

از چند ماه به این طرف، شاهد بحران عمده در جهان، به‌خصوص در کشورهای اسلامی در شرق میانه و خلیج بودیم که بحران خلیج است و بحران خلیج موضوعی نیست که تنها به مردم خلیج ارتباط داشته باشد، اصلاً همه قضایا در جهان اسلام در هر جایی که باشد، مخصوص به یک قوم و ملت نیست؛ بلکه مسلمانان به حکم فرمودهٔ پیامبر ﷺ:

﴿الْمُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِ كَالْبُنْيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا﴾^۱ همانند یک بنیان‌اند.

یقیناً همه قضایایی که در جهان اسلام صورت می‌گیرد، مسلمانان در برابر حدوث چنین قضایایی نمی‌توانند بی‌تفاوت باقی بمانند؛ زیرا سرنوشت ما باهم گره‌خورده است، سرنوشت ملت‌های مسلمان از یکدیگر جدا نیست، اهداف و آرمان همه مسلمانان مشترک است، قضیهٔ خلیج یک زلزلهٔ قیامت‌آفرینی است که همه دنیای اسلام را سخت تکان داد، اینکه چه کسانی در این فاجعهٔ دردناک سهیم بودند و کار از کجا آغاز شد و پشت‌سر این داستان خون چه کشورهای قرار داشتند؟! همه به‌صورت کم‌وبیش می‌دانیم که تجاوز عراق بالای کویت،^۲ یک عمل ناروا و یک تجاوز ظالمانه بود، این تجاوز که توسط حاکم عراق به راه افتاده و مخالف همه موازین اسلامی عمل شد، تنها یک مسئلهٔ خاص اقلیمی نبود، یقیناً

۱. «انسان مؤمن با سایر مؤمنان از حیث ترکیب مانند یک ساختمان ساخته شده‌اند که به هم چسبیده‌اند و یکی باعث استحکام دیگری می‌گردد.» صحیح سنن ترمذی، شماره حدیث: ۹۷۷. «مرکز تدوین»

۲. تجاوز نظامی عراق به کویت: در ۱۱ اسد ۱۳۶۹ خورشیدی / مطابق ۲ اگست ۱۹۹۰م، به وقوع پیوسته بود که سرانجام با شکست عراق پایان یافت. «مرکز تدوین»

که در پشت سر آن دستگاه‌های مختلف و تجاوزگران مختلفی قرار داشتند تا مانند همیشه ملت‌های مسلمان و کشورهای اسلامی را به نامی و به شکلی میدان تاخت‌وتاز، چور و چپاول قرار بدهند.

دشمنان اسلام سلاح‌های کشنده خود را بالای ملت‌های مسلمان استعمال می‌کنند و مجال نمی‌دهند که مسلمانان از سرمایه مادی و معنوی خود، از قیام‌های آزادی‌بخش و از تلاش‌های باارزش‌شان به نفع امت اسلامی بهره‌برداری کنند، دشمنان اسلام می‌خواهند که باید ما مسلمانان همیشه در کشمکش‌های خونین به سر ببریم و همیشه توسط دشمنان اسلام مورد تاخت‌وتاز و تجاوز قرار بگیریم و همیشه زعمایی بر سر نوشت ملت‌های مسلمان حاکم باشند که از فرهنگ اسلامی ملت‌ها به دور و به آرمان آن ملت‌های مسلمان دشمن باشند و عناصری باشند که همیشه به عنوان سرکوبگران ملت‌های خود و در خدمت منافع و مصالح دشمنان اسلام استخدام شوند.

چنین راه و رسمی، راه و رسم همیشگی دشمنان اسلام در ارتباط به کشورهای اسلامی و امت اسلامی بوده است و به‌خصوص در دوران معاصر بعد از اینکه همه مکتب‌ها و رژیم‌های فکری و سیاسی دیگر کاملاً از هر جهت قابلیت جواب و رهبری جوامع را از دست داده بودند و تنها اسلام به‌عنوان یک مکتب نجات‌بخش در دل و دماغ انسانان جای گرفت، اینجا بود که مسلمانان مورد تاخت‌وتاز قرار گرفتند، جوانان‌شان نابود و سرمایه‌های‌شان ضایع شد.

استعمار می‌خواهد که کشورهای اسلامی باید به بدامنی و بحران روبه‌رو شوند، بی‌اطمینانی و عدم اعتماد در میان کشورها و امت اسلامی به میان بیاید.

ما دیدیم که فاجعه خونین خلیج چه نوع مصیبت‌هایی را به بار آورد؟

- پای تجاوزگران یهودی و نصرانی را به سرزمین‌های مقدس ما کشاند؛

- چاه‌های نفت به آتش کشیده شد؛

- ده‌ها هزار و شاید صدها هزار جوانان مسلمان در این جنگ نابود شده باشند؛

- شهرها ویران شد و دستاوردهای علمی، همه به آتش کشانیده شد؛

- اختلافات عمیقی در میان کشورهای مسلمان به میان آمد؛

- در میان علمای اسلامی و جنبش‌های اسلامی، موضع‌گیری‌های مختلفی به میان آمد، حتی در گروپ‌های واحد، صف‌بندی‌های مختلفی صورت گرفت، عده‌ای پشتیبان یک‌جهت و گروهی حامی جهت دیگر شدند؛ اعتماد امت‌های اسلامی به خودشان که در این اواخر اعاده شده بود که مسلمانان می‌توانند در برابر ابرقدرت‌ها مقاومت بکنند، خودشان می‌توانند از خود دفاع بکنند و البته بعد از پیروزی ملت بی‌دفاع ما در افغانستان، هیولای ترس و خوف که از ابرقدرت‌های استعمارگر بر دل و دماغ ملت‌های مسلمان چیره شده بود، از بین رفت؛ اما این اطمینان را دیدیم که بار دیگر کم‌کم از میان مسلمانان برای حمایت خود متوجه قدرت‌ها غیر مسلمان می‌شدند.

به‌راستی امروز من صحنه‌ای را دیدم که خیلی تعجب کردم، چندتن از جوانان کویتی به‌جای اینکه خوشی خود را به زبان عربی ابراز بکنند، به زبان انگریزی می‌خواستند منعکس بسازند؛ یعنی طوری که این فاجعه دردناک در یک مدت بسیار کم بالای افکار و اذهان مردم تأثیر بخشیده که فرهنگ مبتذل غربی که در این ایام اخیر در هیچ‌جا خریداری نداشت و به‌خصوص در شرق میانه و در میان نسل جوان عکس‌العمل شدیدی در برابر حامیان اسرائیل و فرهنگ منحط‌شان به میان آمده بود، دوباره می‌بینیم که یک نوع کشش و یک نوع رجعتی به فرهنگ مبتذل و فرهنگ‌های یهودی و غربی در میان نسل جوان به میان می‌آید که این دردناک‌تر از ویرانی شهرها و کشتار ملت‌های بی‌دفاع است.

موضوع ما در جمعیت از آغاز روشن بود، کارنمایشی و ژست‌های ریاکارانه را در این قضیه ما از آغاز محکوم می‌دانستیم و محکوم می‌کردیم، ما در ارتباط با خلیج، تجاوز عراق را در اولین روزها و اولین ساعات تجاوز، قاطعانه محکوم کردیم و تاکنون هم این تجاوز را محکوم می‌کنیم، تجاوز عراق را آغاز یک فاجعه دردناک دانسته و اعلان کرده بودیم که ملت‌های مسلمان را بار دیگر به کشمکش‌های خونین روبه‌رو می‌سازد.

ما چنانکه به آزادی کشور خود علاقه داریم، به آزادی هر کشور اسلامی علاقه‌مند بوده‌ایم و می‌باشیم. ما خواهان آزادی کویت بودیم و امروز که کویت

آزادشده امیدواریم که ملت کویت در دوران آزادی خود به جای برگشت به فرهنگ غربی، به تعالیم والای اسلامی که یگانه منهج و نجات‌دهنده امت اسلامی ماست، رجعت کنند.

ما از آغاز، پشتیبانی خود را از ملت مورد تجاوز کویت اعلان کرده بودیم و به این عقیده بودیم که هیچ صحبت تجاوزگر قابل تفسیر و مورد قبول نیست و لو که صحبت وحدت و یکپارچه ساختن کشورهای پارچه‌پارچه اسلامی باشد؛ زیرا به‌زور برچه، ملت‌ها را نمی‌توان متحد ساخت و باید از راه اسلام، کشورهای اسلامی باهم متحد شوند، نه از طریق تجاوزگری‌های غیر اسلامی، ما زمانی که احساس کردیم، شاید سرزمین مقدس حرمین مورد تجاوز قرار بگیرد، اعلان کردیم که آماده‌ایم، نه به‌صورت نمایشی؛ بلکه مجاهدین آماده‌اند و مطالبه می‌کنند که باید تعداد کافی مجاهدین در سرزمین حرم به‌صورت جدی جایجا شوند و هرگاه از طرف هر قدرتی مورد تجاوز قرار بگیرد، باید در صف اول و در دفاع از حرمین شریفین بایستند.

ما خواهان آن بودیم که به‌جای قدرت‌های غیر اسلامی، باید نیروهای اسلامی در خلیج و در سرزمین مقدس ما، در حرمین و در مناطق دیگر جایجا شوند؛ زیرا ما هرگز مطمئن نبوده و نیستیم که قدرت‌های غیر اسلامی بتوانند موافق به اهداف مسلمانان بازگردند، چون آنان اهداف شوم و ناپاکی دارند.

به این اساس؛ در منازعات کشورهای اسلامی و در دفاع از کشورهای اسلامی، در قدم نخست باید خود مسلمانان پیش قدم شوند. تا به کی مسلمانان منتظر باشند هر گره‌ی که در کارهای‌شان به میان بیاید، این گره با دست غیر اسلامی باز شود! چرا خود مسلمانان از خود نیروهایی تشکیل ندهند؟

ما می‌بینیم که بعضی‌ها که اگر چه راه و رسم‌شان مخالف راه و رسم اسلامی بود، به‌محض اینکه متوجه تربیه مردم مسلمان عراق شدند، از کشور عراق یک قدرت بزرگ نظامی ساختند که توانست در برابر لشکر کشی‌های بزرگ‌ترین ابرقدرت‌ها هفته‌های زیادی مقاومت کند، اگر کشورهای پرنفوس جهان اسلام، اردوهای اسلامی بسازند، می‌توانند برای حل منازعات و مشکلات جهان اسلام،

خودشان پیش قدم شوند، ما از این تجاوز خونین چیزهای زیادی آموختیم و باید ملت‌های مسلمان چیزهای زیادی بیاموزند.

به هر حال، ما عقیده داریم، در صورتی که نیروهای غیر اسلامی نباشد و یا یقیناً نیازی در سرزمین حرمین محسوس باشد، نیروهای مجاهدین باید به سرزمین حرم بروند و رسالت و وظایف خود را انجام بدهند.

در این هیچ مشکلی نیست؛ اما زمانی که کار تنها نمایشی شد، تنها به این اکتفا شود که چند فوتوگرافر چند عکسی بگیرد و مسئله حیثیت و وقار مجاهدین مورد سوال قرار بگیرد و آن‌هم در گرماگرمی قتل عام مردم بی دفاع عراق که گاهی نداشتند؛ جز اینکه مانند سایر ملت‌های مسلمان و مظلومی که حُکام ظالمی بر سرنوشت‌شان حکومت می‌کند.

بلی، مادر گرماگرم کشتار عام ملت عراق این را از مصلحت به دور می‌دانستیم که ما تنها به خاطر یک حرکت نمایشی، حیثیت و وقار مجاهدین را مورد سوال قرار بدهیم. هر چند دوستی ما با دوستان مان کاملاً به جای خود است، ما هرگز کشور برادر خود عربستان سعودی و ملت مسلمان کویت و مسلمانان خلیج را که با ما در سنگرهای مختلفی قرار داشتند، هرگز فراموش نکرده و نمی‌کنیم، آنان را هرگز تنها نگذاشته و نمی‌گذاریم، آنان دوستان ما، ابروی مجاهدین را یقیناً ابروی خود می‌دانند، و طرفدار بی‌آبرویی مجاهدین ما نیستند.

به این اساس، اگرچه روی این مطلب صحبت‌ها و کشمکش‌های زیادی صورت گرفته و از این رو من نمی‌خواستم روی آن تماس بگیرم؛ ولی به صورت مختصر من این مطلب را بار دیگر تکرار می‌کنم که ما آرزو داشتیم این موضوع توسط خود مسلمانان حل شود و نباید مجاهدین با حرکت‌های نمایشی مورد ملامتی ملت‌های مسلمان قرار بگیرند؛ به طوری که احساس کنند نیروهای مجاهدین به اشاره کشورهای غیر اسلامی تحت فرمان نیروهای کفر حرکت می‌کنند.

امروز شکل فاجعه به روند دیگری تغییر کرده است، عراقیان خاک کویت را ترک کرده‌اند، باید دیگر این جنگ خانمان‌سوز ادامه پیدا نکند، باید قدرت‌های

غربی که اصلاً به خاطر نفت و نه به خاطر کویت آمده‌اند، دامنه جنگ، تجاوز و خون‌ریزی را قطع کنند و سرزمین‌های اسلامی را مورد تجربه سلاح‌های کشنده خود قرار ندهند و باید صفحه جدیدی میان مسلمانان باز شود. حکام عراق به‌راستی در تجاوزشان بر کویت هیچ‌نوع موازین اخلاقی و اسلامی و همسایگی را در نظر نگرفتند؛ ولی نباید ملت عراق از خانواده جهان اسلام به دور بماند. باید در آبادی و ویرانه‌های جهان اسلام، همه مسلمانان سهم بگیرند.

ملت‌های مسلمان باید بدانند که دوری از اسلام فاجعه می‌آفریند. دیگر باید رژیم‌های کمونیستی و الحادی در جهان اسلام وجود نداشته باشد و باید سیستم‌های اشتراکی از کشورهای اسلامی جای خود را به موازین و اصول اسلام خالی کند. باید کشورهای اسلامی‌ای که در این جنگ شریک‌اند، کاری نکنند که باعث استحکام اسرائیل در منطقه گردد.

این فاجعه در دناک که در روزهای اخیرش قرار دارد، امید است هر چه زودتر پایان یابد و مسلمانان باید بدانند که دیگر کشورهای غیر اسلامی هیچ‌نوع ترحمی به مسلمانان ندارند. گورباچفی که دیروز در آغاز درگیری عراق را مورد حمایت قرار داده بود، امروز از صحنه ماهرانه گریز می‌کند.

به‌عنوان یک قدرت دَروِی^۱ او می‌تواند فشارهایی بالای غرب وارد کند که این تجاوز و خون‌ریزی خاتمه یابد؛ ولی می‌بینیم که بی‌تفاوت می‌ماند. پس این واضح است که کفار همه یک صف واحدند.^۲

چنانکه بارها گفتیم باز تکرار می‌کنم باید مسلمانان مشکل‌شان را خودشان حل کنند.

در رابطه با موضوعات داخلی خودمان همه می‌دانیم که بحران خلیج مشکلات زیادی را بار آورد، شاید یکسره همه کمک‌ها قطع شده باشد؛ اما، ما نباید جهاد خود را مربوط به کمک‌های خارجی بدانیم و این تصوّر یک اشتباه بزرگ

۱. هسته‌ای. «مرکز تدوین»

۲. اشارتی دارد به این سخن عمر بن الخطاب - رضی الله عنه - که می‌فرماید: ﴿الْكَفْرُ كُلُّهُمْ مِلَّةٌ وَاحِدَةٌ، لَا تَرْبُهُمْ وَلَا يَرْبُونَا﴾ یعنی کفر همه یک ملت و یک صف‌اند، نه ما از آنان ارث می‌بریم و نه آنان از ما ارث می‌برند. نگاه: الآثار از امام ابویوسف، حدیث شماره ۷۷۱. «مرکز تدوین»

است. قسمی که جهاد خود را با اتکا به لطف پروردگار و با دست‌خالی شروع کرده بودیم، باید هم‌اکنون خود را آماده پذیرش هر نوع مشکلات بسازیم و ما باید خود را متکی به ایمان و عقیده خود بسازیم. ما باید در صفوف خود وحدت و یکپارچگی را حفظ و اخوت و برادری را از دست ندهیم.

تا جایی که به جمعیت مربوط است، ما با کسانی که تعهد کرده‌ایم، با وصف آنکه به مشکلاتی روبه‌رویم؛ اما عکس‌العمل نشان نمی‌دهیم؛ ولی وقتی ببینیم از پشت‌سر ما را به خنجر می‌زنند، باز تصمیم دیگری خواهیم گرفت. باید هر مشکلی که داریم به‌خوبی حل کنیم و باید برادران متوجه اعمال و حرکات خود باشند.

برادران عزیز!

بعضی کشورهایی هستند که ما را گاه‌گاهی مورد ملامت قرار می‌دهند؛ اما خودشان ملت ما را تخته مشق قرار می‌دهند، هر نوع اختلافی که در میان ما می‌آید، مورد حمایت آنان قرار می‌گیرد.

آنان می‌خواهند با یک قوماندان و با یک فرد ارتباط مستقل برقرار کنند و به این ترتیب منافی در کشور ما داشته باشند؛ ولی باید بدانند که هیچ‌نوع ثمره‌ای از این‌گونه ارتباط نصیب کسی شده نمی‌تواند، هدف این کشورها آن است که آنان نمی‌خواهند حکومت مرکزی قوی در افغانستان به میان آید.

برای اعمار مجدد افغانستان از طریق حکومت مجاهدین کاری صورت نمی‌گیرد؛ اما به نام‌های مختلف، رشته‌بندی‌های میان بعضی مؤسسات و معامله‌های مخصوصی با افراد به وجود می‌آورند تا ذهنیت‌های منفرد به وجود بیاید.

کشورهای دوست، متأسفانه راه و رسمی را به راه می‌اندازند که ما همیشه در تشنتت باشیم، پس باید ما خود متوجه باشیم و خصوصاً اهل فکر هرچه در توان دارند، در جهت یکپارچگی ملت گام بردارند. اکنون که انقلاب از گذرگاه خطرناکی عبور می‌کند و ما در برابر چلنج‌های مختلفی قرار داریم، انتقادهای و حرف‌هایی که به‌مثابه، در آتش، پترول انداختن است، مفادی ندارد. آن را بگذاریم و راه و رسم

زندگی را درست انتخاب کنیم؛ یعنی نشریه‌هایی هست که در کشورهای بیگانه که بر ضد مجاهدین تبلیغات می‌کنند، لبه‌تیز تبلیغات آنان به حدی تیز است که حتی بدتر از تبلیغات زهرآگین رژیم ملحد کابل و باید جلو این بدبختی‌ها گرفته شود.

امیدوارم روزی فرا برسد که در افغانستان عزیزمان یک نظام اسلامی استقرار یابد و خداوند همه شهدار را مغفرت کند.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.

خطابهٔ یک صد و شصت و چهارم
در محفل بزرگداشت از ۲۴ حوت

میثاق خون؛ دور دوم نشراتی، سال پنجم، شمارهٔ دوازدهم، ماه حوت ۱۳۶۹ هـ ش، ص ۱۴-۱۵.



برادران عزیز! سنگر نشینان قهرمان و مهاجرین گران قدر و عزیز! السَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وبعد:

امسال بار دیگر مانند سالیان گذشته، یادبود روز ۲۴ حوت را که یکی از صفحات حماسه‌آفرین تاریخ کشور عزیزمان است، تجلیل می‌کنیم. تجلیل امسال ما از خصوصیات و ویژگی‌های خاصی برخوردار است؛ یعنی در این اجتماع ما، وحدت و یکپارچگی سنگر نشینان هرات به مشاهده می‌رسد و همه در یک روز و به صورت متحدانه اجتماع تاریخی را برگزار می‌کنند و عده‌ای زیادی از فرزندان صادق و مخلص نهضت اسلامی کشور یکجا باهم در این اجتماع حضور به هم رسانیده‌اند.

همه، ملت افغانستان، به این حقیقت آگاهی دارند که قیام خونین برادران ما در هرات، سرآغاز انفجار جدیدی بود که جهاد اسلامی ما را در گوشه‌های مختلف افغانستان توفانی و مؤاج‌تر ساخت. اینکه این روز عظیم در انقلاب کشورمان جایگاه خاصی دارد، همه آگاهی داریم و هیچ‌کس از آن چشم‌پوشی کرده نمی‌تواند.

از مقام والای همه شهدایی که در این روز و در روزهای بعد از آن تا این دم، در سراسر کشور، جان به جان آفرین دادند، تجلیل و به روح‌شان دعا می‌کنیم. همه کار ما در این اجتماع، در ارتباط به تجلیل از این روز نباید به حرف و گفتار

خلاصه گردد؛ بلکه باید انفجار ۲۴ حوت به سوی تکامل به پیش برود و تا سرحد تشکیل حکومت اسلامی در کشور عزیز ما ادامه یابد.

ما زمانی که از ۲۴ حوت؛ یعنی از خاطره شهادت بیست و پنج هزار تن از مسلمانان جان برکف هرات تجلیل می کنیم، قضایای مختلفی در برابر ما قرار دارد.

عمده ترین مشکلی که ما در این لحظه حساس در پیش روداریم، این است که آنانی که سیلاب خون را در میان مردم ما جاری ساختند، همان جالادان هنوز هم در کشور ما سلاح دست خود را به زمین نگذاشته اند.

پس تا زمانی که این جالادان در کشور ما باشند، ملت ما هرگز نمی تواند خاموش بماند و سلاح خود را بر زمین بگذارد و تا روزی که این جالادان در کشور ما دست به خیانت می زنند، ما نباید تحت هیچ شرایطی جهادمان را خاموش بسازیم.

کسانی که می گویند: دیگر در افغانستان روس ها وجود ندارند و باید راه حل سیاسی با مزدوران روسیه جست و جو شود، باید به خاطر بیاورند که دیروز همین جنایت کاران طی چند ساعت محدودی، بیست و پنج هزار نفر طفل، زن و مرد بی دفاع را به شهادت رسانیدند، دیگر به آنان چه اعتمادی شده می تواند؟ باید این وطن فروشان، کشور ما را ترک بگویند تا ملت مطمئن شود که دیگر آن صحنه های خونین تکرار نمی شود.

حماسه ۲۴ حوت به ما و به همه جهان این درس را می دهد که قیام ملت ما به هیچ کشور خارجی و به هیچ سلاح خارجی ارتباط نداشته و ندارد؛ بلکه این ملت بود که به فرمان پروردگار خود و بر اساس رهبری «نهیضت اسلامی» قیام کرد و هیچ گاه در انتظار نبود که کدام کشوری از لحاظ سیاسی و نظامی، در پهلوی ما قرار می گیرد. سرانجام ما دیدیم که همین قیام ها ثمره عظیمی را به ارمان آوردند.

ما در حالی که از این قیام بزرگ به نیکی یاد می کنیم، به یاد می آوریم که در این سیزدهمین سالروز این قیام خونین، مسایل زیادی در برابر ما قرار دارد.

مشکلات داخلی، اختلافات و پرابلم‌هایی که در عمق جهاد پدید آمده است و ما در برابر آن قرار داریم، روند جهاد ما را در وضع حسّاسی قرار می‌دهد. تعدادی از کشورهای که مجاهدین را به وحدت دعوت می‌کنند و ما را به اتحاد صفوفمان دعوت می‌کنند، متأسفانه امروز خودشان اختلاف آفرین‌اند. این کشورها، که به ما کمک کرده‌اند، حق دارند که ما را ملامت کنند؛ اما عملکردشان طوری است که هرروز گروه تازه‌ای را می‌پروراند، آنان ظاهراً از اختلاف ما رنج می‌برند؛ اما در حفا در تلاش‌اند تا گروهی را به میان بیاورند و انگیزهٔ اختلاف را تقویت کنند.

می‌بینیم بسا عناصر مؤمن که از اختلاف رنج می‌برند، آواشان هم‌زمان با صدای دشمنان پخش می‌شود که این آواز، اثرات سوئی را در میان مردم وارد می‌کند و چنان می‌نمایاند که گویا همه باید مایوس باشیم که از انقلاب جز اختلاف ثمره‌ای نداشته‌ایم. باید حرف‌های ما سنجیده گفته شود و مسئولانه جلو تبلیغات دشمن را بگیریم.

دو سه روز پیش، اجتماعی در هوتل انترکانتننتال پیشاور دایر شد و یک‌تن از سیاست‌مداران پاکستان در آن شرکت کرد، او این مطلب را عنوان قرار داده گفت: «یکی از عوامل عمده‌ای که کشورهای جهان در قضیهٔ افغانستان علاقه ندارند، این است که می‌ترسند حکومت بنیادگرایان در آن کشور به میان آید» یعنی به خاطر جلوگیری از حکومت مجاهدین، پلان‌گذاری می‌کنند.

هم‌زمان با این، یک‌تن از نامه‌نگاران به مقامات پاکستانی توصیه می‌کند که باید حکومت این موضوع را دقیق در نظر بگیرد؛ یعنی متوجه شوند که عناصر مخلص دور شود؛ لذا زمانی که مشکل جهاد را مطرح می‌کنیم، چه به صورت دسته‌جمعی و یا فردی، این مطلب را از یاد نبریم که در مسیر راه ما، در گذرگاه رسیدن به پیروزی شیاطین بزرگی، کمین گرفته و توطیه می‌کنند. بسیاری از کشورهای اسلامی که با مجاهدین هم‌نوایند؛ اما اگر گردی به روی مجاهدین بنشیند، آن را کوهی جلوه می‌دهند.

سیاست‌مدارانی که از امریکا می‌آیند، چه حرف‌هایی است که در مصاحبه‌های

رادیویی خویش می‌گویند: آنان به‌جای آنکه به درد ملت فکر کنند، می‌گویند: مجاهدین و رهبران‌شان در فروش هروئین دست دارند. تعجب است ملتی که به‌نام اسلام قیام کرد و به‌نام مقابله با فساد و بدبختی شهید داد؛ چنین جهاد عظیم به این متهم شود که گویا پاسدارانش هروئین‌فروشی می‌کنند؟!

در حالی که جنایاتی که امروز در امریکا صورت می‌گیرد، سرگیج‌کننده است؛ یعنی در هر دقیقه، چندین جنایت صورت می‌گیرد. چند روز پیش چهارتن از پرستاران زن، چهل تن از مریضان خود را کشتند، پرستارانی که گویا نام‌شان نمونهٔ مهربانی بود! در یک کشور متمدن، چهل نفر مریض خود را می‌کشند، هیچ سروصدایی به راه نمی‌افتد. چه رسد به آنکه تعداد زیادی از زنان، اطفال خود را می‌کشند. جامعه‌ای که در آن، این چنین خیانت‌ها مرتکب می‌شود، در برابر اندک‌ترین مشکل ماهی‌هوی گسترده‌ای را به راه می‌اندازد. این حرکتی است که باید به قوت جلو رشد آن گرفته شود.

برادران عزیز!

برای حل مشکلات خود چه باید بکنیم؟ راه حل مشکل ما چیست؟ بعضی اجتماعی دایر می‌شود و در آن مؤسسين کمونیزم به‌نام سخنران شرکت کرده و راه‌حلی مطرح کرده و می‌کنند.

یقین داشته باشید، هر روزی که مجاهدین اتحاد کردند، در فردای آن برای متلاشی شدن آن، تلاش‌هایی به راه انداخته شد؛ مگر حکومت مجاهدین یک‌شکل این اتحاد نبود؟ کدام کشور اسلامی در برابر آن اظهار خوش‌بینی کرد؟ تنها تعداد محدودی آن را به رسمیت شناختند و آنان هم یک گام مؤثری در این جهت برنداشتند. دیده شد که حتی اختلاف در همین حکومت مورد حمایت قرار گرفته و پشتیبانی می‌شود؛ لذا ما باید جهاد را طوری در ذهنیت‌ها جایگزین نکنیم که اگر هندویی هم از شوربازار بیاید پشت سر او برویم و بگوییم که شاید او مشکل ما را حل کند!

ما باید اختلاف را بد بگوییم؛ اما طوری که اوضاع را برای رفع اختلاف مساعد بسازیم، به خاطر اختلاف جهاد را بد نگوییم. جهاد در نظر ملت کوبیده نشود.

برادران عزیز!

باید دسیسه‌گران بدانند که قیام ملت ما بر مبنای مسئولیت اسلامی آغاز شده و ادامه خواهد یافت. کسانی که می‌گویند، این قیام وابسته است، یاوه می‌گویند و بیهوده می‌خورشند. حوادث اخیر خلیج نشان داد که قیام ما متکی به خود است و از هیچ جایی الهام نمی‌گیرد و این حقیقتی است که چشم همه جهان را خیره می‌کند.

برادرانی که ما را به وحدت دعوت می‌کنند، حرف‌شان را به جان و دل می‌شنویم؛ ولی باید حرف‌شان را طوری بگویند که دشمنان از خلال گفتار آنان استفاده نکنند و به عنوان یک مشکل همگانی مردم ما را به بیراهه نکشاند.

مُحاذَرایی‌های^۱ غیر مسئولانه در مطبوعات هیچ دردی را دوا نمی‌کند. ما ایمان داریم که ان شاء الله به پیروزی رسیده‌ایم و می‌رسیم. ما ایمان داریم دار و دسته‌ای که در کابل هست، دیری نخواهد گذشت که از هم خواهند پاشید.

امروز بعضی کشورها به نام زلزله‌زده‌ها به حکومت در حال نابودی کابل کمک روان می‌کنند، کشورهای اسلامی و غیر اسلامی این کمک‌ها را به عنوانین مختلف ارسال کرده و می‌خواهند روابط خود را عادی بسازند.

این‌ها چه هدفی دارند؟

این حرکت ناسنجیده‌شان چه ار مغانی را به ملت ما ارایه می‌کند؟

امروز در حالت غربت خود شاید بسیار حرف‌ها را نگوئیم؛ اما تاریخ ملت ما این حرکات را یکایک ثبت می‌کند. کسانی که می‌خواهند ملت ما را ذلیل کنند آنانی که نمی‌خواهند حکومت اسلامی در افغانستان تأسیس گردد، آنان را خوب می‌شناسیم.

چه عجیب است که به تهمت کشتار یهودی‌ها می‌خواهند رئیس‌جمهور هسپانیه را بعد از نیم‌قرن به محاکمه بکشاند؛ اما در برابر قاتلین یک‌ونیم میلیون مردم مسلمان و بی‌گناه ما از ما خواسته می‌شود که برای حل قضیه با آنان راه‌حل پیدا کنیم.

۱. لغت‌نامه «المعانی لکل اسم معنی» کلمه مُحاذَر را این‌گونه معنا کرده است، کلمه مُحاذَره که اصل اسمی آن محاذی است، به معنای موازی و مقابل و مجاور و هم‌مرز و نزدیک است. «مرکز تدوین»

اگر راه‌حل در افغانستان ممکن باشد، آن عدم‌مداخلهٔ روس‌ها در افغانستان است. روزی که روس‌ها دست از مداخله بردارند، دیگر مشکلی در افغانستان وجود نخواهد داشت. توطیه‌گران دیروز می‌گفتند که اگر امریکا کمک خود را به مجاهدین ترک کند، جهاد سقوط می‌کند، امروز امریکا یک حبه و دیناری به مجاهدین کمک نمی‌کند. می‌گفتند: عرب‌ها کمک می‌کنند؛ اما می‌بینیم که امروز عرب‌ها هم راهی را در پیش گرفتند که مجاهدین را در محرومیت قرار دادند. دیگر دشمنان چه دسیسه می‌کنند و چه نیرنگ‌های را می‌خواهند راه بیندازند؟

برادران عزیز!

برای حل مشکل خود ما، باید باهم متحد شویم، باید در همه ابعاد وحدت و یکپارچگی خود را تحکیم کنیم.

من حرف‌های آقای تقدّسی را تأیید می‌کنم که اگر انتخابات با رسم و رواج سابقه صورت بگیرد، واقعاً غیر عادلانه است. باید جلو هر نوع حق تلفی گرفته شود. کسانی بودند که در مسئلهٔ شیعه و سنی، تفرقه ایجاد می‌کردند؛ اما ثابت شد که برادران اهل تشیع ما در برابر دسایس رژیم دست‌نشانده چه موضع‌گیری ثابت و روشنی کردند. رژیم وعده‌های فریبنده‌ای داد؛ اما برادران ما به یک‌صدا گفتند:

برو این دام بر مرغ دیگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه^۱

باید اجازه ندهیم که افغانستان به نام شیعه و سنی، افغان و بلوچ، ازبیک و تاجیک، پارچه‌پارچه شود، می‌خواهند ما را قبیله‌قبیله بسازند. من یک‌بار دیگر همه برادران خود و تنظیم‌های جهادی را به وحدت و یکپارچگی، دعوت می‌کنم تا در یک صف واحد قرار بگیریم و نگذاریم که دشمن به اهداف ناپاک خود نایل آید.

وَالسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَکَاتُهُ

۱. دیوان حافظ، غزل شماره ۴۲۸. «مرکز تدوین»

نمایه



آیات:

- ﴿..افْعَلْ مَا تَوَمَّرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ﴾ ١٥
- ﴿..وَإِنْ كَانَ مَكْرَهُمْ لِلتَّرْوَلِ مِنْهُ الْجِبَالِ﴾ ١١٥
- ﴿إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا﴾ ١٥٤
- ﴿الَّذِينَ آمَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا﴾ ٧٥
- ﴿الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ..﴾ ١٢٠
- ﴿إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًا كَانَهُمْ بُنْيَانٌ مَرْصُوصٌ﴾ ١٢٥
- ﴿شَهْرَ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ..﴾ ٤١
- ﴿فَادْفَأَهَا اللَّهُ لِيَأْسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ..﴾ ١٠٩
- ﴿لُعِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ﴾ ١٦٧
- ﴿مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رَجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَن قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَن يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا بُدِيلًا﴾ ٤١، ٣١
- ﴿وَاذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُّسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَوَاكُمُ وَيَأْكُمُ بِنَصْرِهِ وَرَزَقَكُمُ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ﴾ ٦٥، ٦٠
- ﴿وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ..﴾ ١٩٠
- ﴿وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ..﴾ ٢٥، ١٤٢
- ﴿وَإِنْ طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا فَأَصْلِحُوا بَيْنَهُمَا فَإِنْ بَغَتَ إِحْدَاهُمَا عَلَى الْأُخْرَىٰ فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبْغِي حَتَّىٰ تَفِيءَ إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ﴾ ٢٠٠
- ﴿وَجَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذًى﴾ ١٥٤
- ﴿وَلَا يَزَالُونَ يُقَاتِلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَنْ دِينِكُمْ إِنْ اسْتَطَاعُوا...﴾ ١١٨
- ﴿وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ..﴾ ٦٩
- ﴿وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا﴾ ٧٦

﴿وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى
أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا.﴾ ٨٢، ٨٣
﴿وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَاكِرِينَ﴾ ١٦٦
﴿يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِنْ كُلِّ مَكَانٍ.﴾ ١٠٩

احادیث:

- ﴿..لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ، فَرَحَةٌ عِنْدَ فِطْرِهِ وَفَرَحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ﴾ ۴۳
- ﴿اتَّقُوا فِرَاسَةَ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّهُ يَنْظُرُ بِنُورِ اللَّهِ﴾ ۲۴
- ﴿أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُوا اللَّهَ لِي وَلَكُمْ﴾ ۲۷، ۴۴، ۷۸، ۱۲۱، ۱۳۵، ۱۸۵، ۲۱۴
- ﴿الصَّوْمُ لِي وَ أَنَا أَجْزِي بِهِ..﴾ ۶۶، ۴۲
- ﴿اللَّوْنُ لَوْنُ دَمٍ وَالرَّيْحُ رِيحُ مَسْكِ﴾ ۳۵
- ﴿المؤمن للمؤمن كالبنيان يشد بعضه بعضاً﴾ ۲۲۰
- ﴿حَقَّتِ النَّارُ بِالشَّهَوَاتِ وَ حَقَّتِ الْجَنَّةُ بِالْمَكَارِهِ﴾ ۲۵، ۲۱۲
- ﴿رَبَاطُ يَوْمٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ الدُّنْيَا وَمَا فِيهَا..﴾ ۳۶
- ﴿طَلَبُ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ﴾ ۱۴۳
- ﴿ظَلَمَ كَقِطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ..﴾ ۵۹
- ﴿عَيْنَانِ لَا تَمْسُهُمَا النَّارُ: عَيْنٌ بَكَتْ مِنْ خَشْيَةِ اللَّهِ، وَعَيْنٌ بَاتَتْ تَحْرُسُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ﴾ ۱۱۱، ۱۹۰
- ﴿كُلُّكُمْ رَاعٍ وَ كُلُّكُمْ مَسْئُولٌ عَنْ رَعِيَّتِهِ..﴾ ۲۰۹
- ﴿كَانَ عَلَى رُؤْسِهِمُ الطَّيْرُ﴾ ۲۷
- ﴿لا يهيمه أن يكون أكله و شاربته﴾ ۱۶۸
- ﴿مَنْ سَنَّ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَ أَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجُورِهِمْ شَيْءٌ﴾ ۳۹
- ﴿مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾ ۶۶
- ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ لَقَدْ أَظَلَّكُمْ شَهْرٌ عَظِيمٌ، شَهْرٌ مُبَارَكٌ، جَعَلَ اللَّهُ صِيَامَهُ فَرِيضَةً، وَ قِيَامَهُ تَطَوُّعًا، مَنْ صَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَ احْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ﴾ ۴۱

سخنان بزرگان:

﴿إِنَّ اللَّهَ أَعَزُّكُمْ بِالْإِسْلَامِ..﴾ ۶۸

﴿إِنَّمَا تَنْقُضُ عُرَى الْإِسْلَامِ عُرْوَةً عُرْوَةً إِذَا نَشَأَ فِي الْإِسْلَامِ مَنْ لَمْ يَعْرِفُ

الْجَاهِلِيَّةَ﴾ ۶۸

﴿أَيُّهَا النَّاسُ! إِنَّهُ مَنْ كَانَ يَعْبُدُ مُحَمَّدًا فَإِنْ مُحَمَّدًا قَدْ مَاتَ، وَمَنْ كَانَ يَعْبُدُ اللَّهَ

فَإِنَّ اللَّهَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ﴾ ۸۲

﴿مِنَّا أَمِيرٌ وَمِنْكُمْ أَمِيرٌ﴾ ۸۴

﴿وَلَا بَدَّ لِهَذَا الدِّينِ مِمَّنْ يَقُومُ بِهِ﴾ ۸۴

اشعار:

برو این دام بر مرغ دیگر نه
که عنقا را بلند است آشیانه ۲۳۶
خارا حریف سعی ضعیفان نمیشود
صد کوچه است در بن دندان، خلال را ۲۱۲
یاد ایامی که قلزم، تن به توفان داده بود
زورق رؤیا به گرداب فنا افتاده بود ۶۸

اسما و اشخاص:

- ابراهیم خلیل ۱۵
ابن قَمَئَه لیثی ۱۶
ابوالعباس عبدالله بن علی ۱۶۰
ابوبکر صدیق ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۱۶
ابوجهل ۱۶، ۲۲، ۲۷
ابولهب ۲۲
ابی طالب ۱۶
استاد غلام‌محمد نیازی ۴۸، ۲۱
استالین ۹۰، ۹۱
اسماعیل ذبیح ۱۵، ۱۶
اسماعیل طارق ۶۱
آقاخان ۴۹، ۵۱
امام شهید حسن البنا ۱۵۴
امام غزالی ۱۱۱، ۱۱۲
انجینیر ایوب ۲۱۴
آندروپوف ۸۶
ببرک ۲۱۸
برژنف ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۹۱
پاینده‌محمد ۴۸
تره‌کی ۲۱۸
تقدّسی ۲۳۶
تَنی ۲۶
تورپاچا ۴۸
جابر ۹۶

جكتورن شمس الدين خان ۲۱۷
 چرنينكو ۸۶
 حاجى عبداللطيف ۴۸
 حاجى نور ۴۸
 حبيب الرحمن ۱۹
 حسن ۱۶، ۶۹، ۱۶۰
 حسين ۱۶، ۷۵، ۱۹۶، ۱۹۷
 حضرت عباس ۱۶۰
 حضرت عمر ۶۷، ۶۸، ۸۲، ۸۳، ۸۴
 حضرت عيسى ۸۲
 حضرت معاويه ۱۶۰
 حضرت معاويه بن ابى سفيان ۱۶۰
 خروشچف ۹۱
 خطيب ۲۷، ۶۷، ۱۰۱، ۱۰۳، ۱۰۴
 داکتر عمر ۱۹، ۲۰
 داود خان ۱۹، ۲۰، ۶۲، ۱۴۸
 دكتور عبدالله عزام شهيد ۱۰۳
 دوگول ۱۱۹
 سعد بن معاذ ۱۱۴
 سلطان محمد فاتح ۱۴۲
 سيف الدين نصرتيار ۱۹
 شارلمان ۷۰
 شوارزناڈزه ۱۵۰
 صدام حسين ۱۹۶، ۱۹۷
 طارق بن زياد ۱۶۱
 ظاهرشاه ۱۴۸
 عثمان بن عفان ۱۶
 على بن ابى طالب ۱۶، ۱۱۴، ۲۱۳

- عیسی بن مریم ۱۶۷
 قاری سیّد حامد ۲۱۹
 قاری کمال‌الدین ۴۷
 قاضی اسلام‌الدین ۶۳
 کارل مارکس ۱۷
 گورباچف ۲۱، ۸۵، ۸۶، ۹۰، ۹۱، ۹۲، ۱۴۹، ۱۸۴
 گوستاولوبون ۱۶۱
 لنین ۱۸
 محمّد ناصر صارم ۴۸
 محمّد هاشم ۴۸
 مروان بن محمّد ۱۶۰
 مصطفی کمال اتاترک ۱۶۲
 مُصْعَب بن عُمَير ۱۶، ۱۱۴
 معاذ ۱۶، ۱۷، ۱۱۴
 معوذ ۱۶، ۱۷
 ملا عبدالصمد ۴۸
 ملا عبدالله ۴۸
 منهج‌الدین ۱۳۲
 مولانا بسمل ۶۸
 مولوی حبیب‌الرحمن ۱۹
 مولوی حبیب‌الله ۴۸
 مولوی صاحب حبیب ۶۵
 مولوی صاحب سلطان محمود ۲۱۹
 میر حمزه ۶۲، ۶۳
 ناصر ۹۶
 ناهید شهید ۱۳۹
 نجیب ۲۶، ۴۹، ۵۰، ۹۲، ۹۶، ۱۵۲، ۱۶۶، ۱۸۵، ۲۱۱، ۲۱۸
 نلسون ماندلا ۱۹۹

نيكسون ۹۰،۹۱
هارون الرشيد ۶۹،۷۰
هلاکو خان ۱۶۰
ورانتسوف ۸۶
يوسف قرضاوی ۹۶

اماکن:

اتلانتیک ۱۵۴، ۱۸۲

احد ۱۶، ۹۹

ارتیریا ۱۵۵

اردن ۱۹۶، ۱۹۴

اروپا ۱۲۸، ۱۱۹، ۱۱۷، ۳۵

اروپای شرقی ۱۸۰، ۱۵۳، ۱۴۸، ۷۷، ۳۵

ازبیکستان ۱۷۹، ۱۴۱، ۳۴

اسپانیا ۱۶۱

اسرائیل ۲۲۵، ۲۲۲، ۲۰۱، ۲۰۰، ۱۸۰، ۱۱۳، ۱۰۳

اسلام‌آباد ۳۳

آسیا ۱۸۵

افریقا ۲۱۳، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۷۰، ۱۶۱، ۱۵۵، ۱۴۸، ۱۱۷، ۳۵

افغانستان ۴۷، ۴۵، ۴۳، ۴۰، ۳۳، ۳۳، ۲۹، ۲۶، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۹، ۱۸، ۱۵، ۱۳، ۱۱، ۸

۹، ۹۳، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۹، ۸۸، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۷۸، ۷۷، ۶۶، ۶۵، ۶۳، ۶۲، ۶۱، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۸

۱۲۹، ۱۲۸، ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۲۵، ۱۲۰، ۱۱۸، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۱۳، ۱۰۷، ۱۰۴، ۱۰۳، ۹۶، ۹۵، ۴۹

۱۵۵، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۶، ۱۴۵، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۳۴، ۱۳۳، ۱۳۱، ۱۳۰

۲۰۱، ۱۹۹، ۱۹۳، ۱۸۹، ۱۸۵، ۱۸۴، ۱۸۳، ۱۸۲، ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۷۷، ۱۶۶، ۱۶۵، ۱۵۷، ۱۵۶

۲۳۶، ۲۳۵، ۲۳۳، ۲۳۲، ۲۳۱، ۲۲۷، ۲۲۶، ۲۲۲، ۲۱۸، ۲۱۰، ۲۰۸

آکسفورد ۱۶۱

آلمان ۱۵۳، ۳۵

امریکا ۲۳۶، ۲۳۴، ۲۳۳، ۱۵۳، ۱۳۱، ۱۲۹، ۱۲۰، ۹۰، ۷۱

امریکای لاتین ۱۹۹

آندلس ۱۷۰، ۱۶۲، ۱۶۱

انگلستان ۱۵۳، ۱۱۹

ایران ۲۱۳، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۵۳

بخارا ۱۷۹، ۱۳۰، ۳۴

بدخشان ۱۳۰، ۹۴، ۴۷، ۱۹

بغداد ۱۶۰، ۶۹

بیروت ۱۸۵

پاره چنار ۲۱۸

پاریس ۱۶۶، ۱۱۹

پاکستان ۲۳۳، ۲۱۳، ۲۰۰، ۱۵۳، ۱۰۴، ۱۰۱، ۸۶، ۸۵، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۵۱، ۳۵، ۳۳، ۲۶

- پرتگال ۱۶۱
 پکتیا ۱۳۴
 پکتیکا ۱۳۴
 پوھنتون دعوت و جہاد ۶۷
 پیشاور ۲۳۳، ۱۰۴، ۱۰۳، ۱۰۱، ۱۰۰، ۶۲
 تاجیکستان ۱۴۱، ۷۷، ۵۱، ۳۵
 تاشکند ۱۴۱، ۳۴
 تخار ۱۲۷، ۶۳
 ترکمنستان ۱۴۱
 ترکیہ ۱۶۳، ۱۴۳، ۱۳۷
 الجزائر ۱۹۶، ۱۹۴، ۱۱۸، ۱۱۷، ۲۶
 جلال آباد ۱۶۶، ۶۵، ۴۸
 چین ۶۹
 حربی پوھنتون ۲۱۸، ۲۱۳
 حرمین شریفین ۲۲۳، ۱۹۸
 خاورمیانہ ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۴۸
 دھمزنگ ۱۹
 دیوار برلین ۱۸۰، ۱۵۳
 روسیہ ۱۲۷، ۱۲۶، ۱۱۳، ۹۹، ۹۶، ۹۵، ۹۲، ۹۱، ۹۰، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۷۷، ۷۱، ۷۰، ۳۵، ۳۴، ۲۱
 ریاض ۱۶۴، ۱۵۰، ۱۴۷
 زابل ۱۳۴
 سالنگ ۱۶۵، ۴۷
 سمرقند ۱۷۹، ۳۴
 سوڈان ۲۰۱، ۱۹۶، ۱۹۵، ۱۹۴، ۱۶۳، ۶۳
 شبہ جزیرہ ابیری ۱۶۱
 شرق میانہ ۲۲۲، ۲۲۰، ۱۹۷، ۱۶۳، ۱۴۳
 شوربازار ۲۳۴، ۶۱
 طایف ۸۶
 عراق ۲، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۰۳، ۲۰۰، ۱۹۹، ۱۹۸، ۱۹۷، ۱۶۵، ۱۶۴، ۱۶۳، ۱۶۱، ۱۶۰، ۶۷، ۱۶
 ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۰
 عربستان سعودی ۲۲۴، ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۶۴، ۸۶، ۶۲
 غزنی ۱۳۴، ۲۱
 فُرات ۱۶۴

- فرانسه ۱۷،۹۳،۱۱۹،۱۶۱
 فلسطين ۳۵،۳۸،۵۱،۱۱۸،۱۵۴،۱۵۵،۱۶۰،۱۶۳،۱۷۹،۱۸۰،۱۹۷
 فیض آباد ۱۳۰
 فیلیپین ۱۵۵
 قاره آسیا ۳۳،۱۶۳
 قرغه ۶۵
 قزاقستان ۱۴۱
 قندهار ۱۳۴
 کابل ۸،۱۹،۲۱،۴۸،۴۹،۵۰،۶۱،۶۳،۸۶،۸۷،۸۸،۹۴،۱۱۵،۱۳۰،۱۳۳،۱۳۹،۱۴۰،۱۴
 ۸،۱۵۰،۱۵۱،۱۵۲،۱۶۶،۱۸۹،۲۱۴،۲۱۹،۲۲۰،۲۲۷،۲۳۵
 کارته سخی ۶۴
 کامبوج ۱۶۶
 کربلا ۱۶
 کشمیر ۳۵،۳۸،۵۱،۷۳،۷۵،۷۶،۷۷،۱۵۵،۱۸۰،۱۹۷
 کمبریج ۱۶۱
 کنلز ۱۹،۴۸
 کتر ۶۵،۱۳۴
 کویت ۱۶۴،۱۶۵،۱۹۶،۱۹۷،۱۹۸،۲۰۰،۲۱۲،۲۱۳،۲۲۰،۲۲۲،۲۲۳،۲۲۴،۲۲۵
 لبنان ۱۸۵
 لغمان ۱۹،۶۱،۶۵،۱۰۳،۱۳۴
 لندن ۱۱۹
 لوگر ۴۸
 لیون ۹۰،۱۶۱
 مدینه ۱۱۴
 مزار شریف ۶۲،۱۲۷
 مسکو ۵۰،۹۱،۱۴۸،۱۵۰،۱۵۱
 مصر ۱۰۳،۱۴۸،۱۶۰،۱۶۳
 مغرب زمین ۱۴۹،۱۶۱،۱۶۲،۱۷۱
 مکّه مکرمه ۸۶،۱۱۵،۱۷۸،۱۸۲
 نایجریا ۱۹۶
 ننگرهار ۴۸،۶۵
 نیمروز ۴۸
 هرات ۴۸،۹۴،۲۱۸،۲۳۱،۲۳۲

هسيانيه ۱۷۰،۲۳۵

هلمند ۱۳۴

هند ۳۵،۵۱،۷۶،۷۷،۱۶۱

هندوستان ۵۰،۵۱،۶۵،۷۷،۲۱۰

هوتل انترکانتینال ۲۳۳

ورسج ۴۸

ولز ۱۱۹

احزاب و گروه‌ها:

- احزاب کمونیست ۲۱۰
- اخوان المسلمین ۹۵، ۹۶
- اروپایی‌ها ۱۶۱، ۷۰
- ازبیک ۱۴۱، ۲۳۶
- استادان ۲۱۳، ۱۸۹، ۱۵۹، ۱۰۸، ۶۲، ۶۱
- اسماعیلیه ۹۵
- اصحاب کهف ۱۶
- افغان‌ها ۲۰۴، ۱۴۹، ۵۰
- امت اسلامی ۲۲۳، ۲۲۱، ۱۵۹، ۷۵، ۵۵، ۳۶، ۳۲، ۲۶
- امریکایی‌ها ۱۶۶
- اموی‌ها ۱۶۰
- انجینیران ۱۹۴
- انصار ۱۱۴، ۸۴
- اهل تشیع ۲۳۶
- اهل حل و عقد ۲۰۶، ۲۰۵، ۶۳
- آواره‌گان ۱۵۰
- اورینگا ۱۹۹
- اوس ۱۱۴
- بلوچ ۲۳۶
- بنی اسرائیل ۱۶۸، ۱۶۷
- بهشتیان ۲۱۲
- تاجیک ۲۳۶، ۱۴۱، ۳۴
- جبهه نجات اسلامی ۱۱۷
- جماعت اسلامی ۷۵، ۷۶
- جمعیت اسلامی ۲۱۸، ۲۱۳، ۲۰۷، ۱۸۹، ۱۷۲، ۱۵۷، ۱۰۳، ۶۳، ۶۱، ۴۵، ۳۹، ۲۷، ۱۳
- جنبش‌های اسلامی ۲۲۲، ۲۱۳، ۱۹۲، ۱۶۵، ۱۶۰، ۹۷

جوانان ۱۷، ۱۶۸، ۱۵۷، ۱۵۵، ۱۴۹، ۱۴۰، ۱۴۰، ۶۸، ۶۳، ۵۷، ۳۴، ۲۷، ۲۶، ۱۹، ۱۸، ۱۶، ۱۵، ۱۳

۱، ۲۲۲، ۲۲۱، ۲۱۳، ۱۹۴، ۱۷۲

جوانان الجزایری ۲۶

جوانان تاجیک ۳۴

حزب اسلامی ۶۳

حزب دموکراتیک خلق ۲۱۸

حزب کمونیست ۱۵۲، ۱۵۱، ۹۱، ۹۰، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۵۰، ۴۹

حزب وطن ۲۱۸

حکومت اسلامی مجاهدین افغانستان ۱۲۰

حکومت مجاهدین ۲۳۴، ۲۳۳، ۲۲۶، ۲۰۶، ۲۰۲، ۲۰۱، ۱۵۲، ۱۴۸، ۸۸

خلافت اسلامی ۱۶۲

خلافت‌های اموی ۱۶۰

خلافت‌های عباسی ۱۶۰

خلقی‌ها ۹۸، ۲۶، ۲۲

خواهران ۱۴۳، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۹

دکتوران ۱۹۴

دوزخیان ۲۱۲

روس‌ها ۱، ۱۵۲، ۱۵۱، ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۰، ۱۱۵، ۹۶، ۹۴، ۹۲، ۹۰، ۸۷، ۸۶، ۸۵، ۶۳، ۵۰، ۳۴

۵۳، ۲۳۶، ۲۳۲، ۲۱۸، ۱۹۳، ۱۸۵، ۱۸۰، ۱۷۸، ۱۶۶، ۱۵۶، ۵۳

زعمای مسلمان ۲۰۰

زنان ۲۳۴، ۱۵۵، ۱۴۹، ۱۴۲، ۷۶

ساتنمن‌ها ۲۱۳

سلاطین غربی ۱۶۲

سنی ۲۳۶

سیک‌ها ۷۷

شورای اهل حلّ و عقد ۱۵۲

صلیبی‌ها ۱۹۴

عرب‌ها ۲۳۶، ۱۸۰، ۱۰۳

علما ۶۹

علمای دین ۳۵

قشون سرخ ۱۷۸

قوماندانان ۱۰۴، ۱۳۴، ۱۸۴، ۱۸۹، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۳

کاندیدان ۱۹۴

کشورهای اسلامی ۳۳، ۳۴، ۹۵، ۱۰۸، ۱۱۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۸۱،

۱۸۳، ۱۸۴، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۳، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۳، ۲۲۵، ۲۳۳، ۲۳۵

کشورهای خلیج ۱۶۴

کشورهای غربی ۸۸، ۱۵۱، ۱۶۳، ۱۹۲

کمونیستان مسیحی ۱۹۵

کمونیست‌ها ۱۸، ۲۳، ۶۳، ۸۶، ۹۰، ۹۲، ۹۳، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۱۹۳

کمیته نظامی ۴۵، ۱۰۸، ۱۸۹

کمیسارها ۲۱۳

کنفرانس وزرای خارجه اسلامی ۹۴، ۱۴۹، ۱۵۲، ۱۵۳

کودکان ۱۷، ۱۸، ۶۰، ۶۱، ۹۰، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۸۰

گرنگا ۱۹۵

لوی جرگه ۹۳

مأمورین ۷۹، ۱۹۶، ۲۰۲، ۲۰۷

مجاهدین ۱۷، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۴۷، ۴۹، ۶۳، ۶۶، ۷۷، ۸۶، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۹۶، ۹۷،

۱۰۳، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۱۹، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۳۱، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۷، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳،

۱۵۵، ۱۵۶، ۱۶۵، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۸۵، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۲۳، ۲۲۴،

۲۲۶، ۲۲۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶

مجوسی‌ها ۱۸۲

محصلین ۵۷، ۶۴

مستشرقین ۱۶۱

مستضعفین ۲۰۵

مسلمانان ۱۸، ۲۵، ۳۱، ۳۲، ۳۴، ۳۵، ۳۷، ۳۸، ۳۹، ۵۵، ۶۰، ۶۵، ۶۷، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۶، ۷۷،

۸۱، ۸۲، ۸۳، ۸۴، ۸۵، ۸۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۴، ۱۱۲، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۱۷، ۱۲۸، ۱۴۲، ۱۴۳، ۱۵۴، ۱

۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۶۷، ۱۷۰، ۱۷۱، ۱۷۹، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۹۰، ۱۹۲، ۱
۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۱، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۲، ۲۱۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲
۲۴، ۲۲۵، ۲۳۲
مسیحی‌ها ۱۸۲، ۶۷
مشرکین ۱۸۲، ۳۷
معلولین ۳۹، ۳۱، ۳۹، ۴۰، ۵۵
ملحدان کمونیست ۱۹۳
ملل متحد ۵۱، ۹۳، ۹۴، ۱۴۹، ۱۵۵، ۱۹۶، ۱۹۷
مهاجرین ۵۵، ۸۴، ۹۳، ۹۶، ۱۰۴، ۱۱۵، ۱۳۳، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۳، ۱۷۷، ۱۸۰، ۲۳۱
مؤرخین ۳۳، ۱۶۱
مؤرخین غربی ۱۶۱
موساد اسرائیل ۱۱۳
مؤمنان ۳۱، ۳۲، ۴۱، ۶۹، ۱۴۷، ۲۰۰، ۲۲۰
نسل جوان ۱۲۱، ۱۷۰، ۲۲۲
نهضت اسلامی ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۶۳، ۸۱، ۱۶۲، ۱۶۶، ۱۸۰، ۱۹۲، ۱۹۴، ۱۹۶، ۲۳۱، ۲۳
۲

هندوها ۱۱۶

یهودان روسی ۱۵۴

مفاهیم و اصطلاحات:

- اپوزیسیون ۹۵
 اجینت ۹۵
 اختناق ۱۹۲، ۱۹۳
 اُخْطُوط ۱۱۳
 اخلاص ۳۹، ۴۲، ۹۶، ۹۹، ۱۰۸
 اخلاق اسلامی ۱۷۲، ۱۷۳
 اخوانی ۹۵
 اداره ۲۶، ۱۱۳، ۱۳۵، ۱۴۸
 ارجاع ۱۲
 آزادی ۶۲، ۶۳، ۷۶، ۷۷، ۱۱۶، ۱۳۹، ۱۴۰، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۹۷، ۲۲۲، ۲۲۳
 استخراج ۱۲
 استعمار ۳۴، ۱۵۴، ۱۸۱، ۱۹۴، ۲۲۱
 استقامت ۱۵، ۱۶، ۲۰، ۲۱، ۳۷، ۹۷، ۱۴۰، ۱۵۰، ۲۱۸
 استقلال ۵۵، ۵۹، ۹۶، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۴۹، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۶
 اسلام ۱۷، ۶۹، ۱۵۴، ۱۶۰
 اشتراکیت ۶۸
 اصیل ۱۲
 اعتماد ۹۶
 اغفال ۱۷
 اقتصاد ۱۷، ۷۰، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۳۰
 امپریالیسم ۱۵۴
 امنیّت ۴۹، ۵۵، ۱۰۴، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۸۹
 انتخابات ۸۸، ۸۹، ۹۱، ۹۳، ۹۴، ۹۵، ۱۰۴، ۱۱۷، ۱۱۸، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۷، ۲۰۸، ۲۳۶
 انسائیّت ۱۷
 انقلاب اسلامی ۱۵، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۴، ۲۶، ۲۹، ۳۱، ۴۰، ۴۱، ۴۸، ۹۶، ۹۷، ۹۸، ۱۰۷، ۱۰۸
 ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۶، ۱۵۹، ۱۶۳، ۱۷۲، ۱۸۱، ۱۸۹، ۱۹۳، ۱۹۵، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹

ایدیولوژی ۹۷
ایمان ۳۲،۴۲،۶۶،۱۸۴،۱۹۹،۲۲۶
بازسازی ۱۵۳،۱۵۶
باطل ۴۲،۱۳۲،۱۷۰،۱۹۱
برادری ۹۶
برنامہ ریزی ۱۸۲
بصیرت ۲۰،۲۰۶
پارلمان ۱۵۰،۱۹۴
پرازیت ۱۶۹
پرچم ۱۶
پکت ۱۸۲،۱۹۴
پیشرفت ۹۷،۱۰۹،۱۶۲،۱۶۳،۱۶۵
تاریخ سیاسی ۶۹،۱۶۰
تجاوز ۲۱۸
تجرد ۹۶
تراویح ۴۲
تربیت ۶۳،۹۶،۱۰۷،۱۴۲،۱۹۶
ترور ۹۳،۱۱۴،۱۲۱،۱۹۳
تسلط ۱۵۴
تفسیر ۲۲۳
تقوی ۳۹،۵۵،۷۰،۱۰۳،۱۲۱،۲۰۱
تمامیت ارضی ۱۵۱،۱۵۶
تہجد ۶۱
توحید ۳۲
ثبات ۹۶
ثواب ۳۹،۴۴،۱۷۰
جامعہ اسلامی ۱۰۸،۲۰۳،۲۰۹
جاهلیت ۶۸، ۱۶۱

جنايات ۲۱۸

جنگ سرد ۱۵۱، ۱۵۳، ۱۵۴

جهاد ۱۵، ۱۷، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۳۱، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۶، ۳۷، ۳۹، ۴۰، ۴۱، ۴۲، ۴۳، ۴۷، ۴۸، ۵۵،

۶۶، ۶۷، ۹۶، ۱۰۳، ۱۰۴، ۱۲۰، ۱۲۵، ۱۳۹، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۵۹، ۱۶۶، ۱۷۷، ۱۷۹

، ۱۸۰، ۲۰۰، ۲۰۲، ۲۰۵، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۶

جهان ۱۲۰، ۱۸۱

جهان سوم ۱۸۱

الحداد ۱۵، ۱۸، ۲۲، ۵۹، ۶۰، ۱۶۰، ۱۷۷، ۱۸۹، ۲۲۰

حکومت اسلامی ۱۶، ۲۳، ۲۴، ۳۵، ۸۴، ۸۵، ۱۰۸، ۱۲۰، ۱۵۵، ۱۵۶، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱

۹۴، ۲۳۲، ۲۳۵

خلافت ۱۶۰، ۱۶۲

خودخواهی ۱۶۳

خودسازی ۱۵۷، ۱۵۹، ۱۷۱، ۱۷۲

دسایس ۲۱۸

دعوت ۸۲

دموکراسی ۱۱۷

دولت اسلامی ۱۱۴، ۱۵۶، ۱۸۲

دیسپلین ۲۷

دین ۱۱

ذلت ۶۸، ۱۷۸، ۱۸۱

رفراندوم ۹۳

ستون پنجم ۱۱۵

سعادت ۳۹، ۴۱، ۱۱۲

سقاک ۴۸

سکولاریزم ۱۹۱

سکولاریست ۱۳۲

سلوک اسلامی ۱۷۲

سلول ۱۹۲

- شامخ ۳۱
 شجاعت ۱۶،۲۰،۶۷،۱۴۲
 شریعت ۶۳،۱۱۲،۱۶۴،۱۹۴،۱۹۵،۱۹۶
 شهادت ۱۶،۴۱،۹۶،۲۱۸
 شهامت ۳۱،۳۲،۳۹،۹۶،۱۴۰،۲۰۸،۲۱۱
 صبر ۱۵،۱۶،۲۰،۲۱،۳۷،۹۷،۱۴۰،۱۵۰،۲۱۸
 صدق ۳۲،۲۱۸
 صفا ۳۲
 صلح ۴۹،۵۰،۱۲۰،۱۵۱،۱۵۲،۱۵۴،۱۵۵،۱۵۶،۱۹۹،۲۰۰
 طاعون ۱۶۹
 طلسم ۳۹
 طهارت ۵۵
 ظلم ۲۲،۵۱،۷۶،۱۹۳،۲۰۱
 عبادت ۴۲،۶۱،۱۱۰،۱۲۱،۱۷۹
 علم ۲۲،۴۸،۸۲،۱۶۲،۲۰۶
 عمل ۱۵۴
 غیبت ۱۶۹،۲۱۱
 فحشا ۱۹۳
 فداکاری ۳۲
 فشرده ۱۷
 فقر ۱۱۰،۱۱۴،۱۵۲،۱۶۵،۲۰۴
 قتل ۱۴۸
 کافر ۲۳،۵۹،۶۷،۷۶،۸۹،۹۲،۱۰۴،۱۳۲،۲۰۴
 کپیتالیزم ۶۸،۶۹
 کرامت ۱۴۹،۱۵۶،۲۰۱
 کفار ۲۳،۹۹،۱۰۴،۱۳۳،۱۸۲،۲۲۵
 کفر ۱۵،۱۸،۲۲،۴۰،۵۹،۶۹،۷۷،۱۶۰،۱۸۹،۲۲۰،۲۲۴،۲۲۵
 کمونیزم ۱،۱۷،۱۸،۲۱،۲۲،۲۳،۲۳،۳۴،۳۸،۳۹،۴۰،۵۵،۶۶،۶۹،۷۷،۸۶،۸۷،۸۸،۹۰،۱

- ۱۳، ۱۱۶، ۱۲۶، ۱۴۱، ۱۵۳، ۱۵۴، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۸۱، ۱۸۲، ۱۸۵، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱
 ۹۳، ۱۹۴، ۲۲۰، ۲۳۴
 کودتا ۱۴۸، ۱۳۳، ۱۳۲، ۹۵، ۲۶، ۲۴
 مارکسیزم ۱۸، ۱۷
 مالکیت اشتراکی ۱۷
 مسلمان ۲۱۸
 مسئولیت ۱۲۰
 مظلوم ۲۰۱، ۱۹۹، ۱۹۷، ۱۹۳، ۱۷۸، ۱۴۹، ۸۹، ۷۶
 معرفت ۱۶۲
 مقتضیات ۱۸
 ملت، ۸۵، ۸۱، ۷۷، ۷۶، ۷۵، ۶۷، ۶۶، ۵۵، ۵۱، ۵۰، ۴۹، ۴۱، ۴۰، ۳۵، ۲۴، ۲۳، ۲۲، ۲۱، ۱۸
 ۱۵۰، ۱۴۹، ۱۴۸، ۱۴۷، ۱۴۱، ۱۳۹، ۱۲۰، ۱۱۶، ۱۱۵، ۱۰۴، ۹۷، ۹۶، ۹۵، ۹۳، ۹۲، ۹۰، ۸۶
 ۱۹۳، ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۸۹، ۱۸۵، ۱۸۰، ۱۷۹، ۱۷۷، ۱۶۷، ۱۵۶، ۱۵۵، ۱۵۴، ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۵۱،
 ۲۲۶، ۲۲۵، ۲۲۴، ۲۲۳، ۲۲۲، ۲۲۰، ۲۱۳، ۲۱۲، ۲۰۷، ۲۰۴، ۲۰۳، ۲۰۱، ۱۹۷، ۱۹۵، ۱۹۴،
 ۲۳۵، ۲۳۴، ۲۳۲، ۲۳۱
 ملیشه ۱۶۹
 مناظره ۱۵۹
 منحنی ۱۸
 منحوس ۲۱۸
 منطق ۲۱۱، ۱۷
 میکانیزم ۱۳۵
 میکروپ ۱۶۹
 ناتو ۱۹۴، ۱۸۲
 ناسیونالیست ۱۴۸
 نِعْمَ البَدَل ۲۰۲
 هجرت ۱۵۶، ۱۵۲، ۹۹، ۸۴، ۸۲، ۶۷، ۶۲
 هویت اسلامی ۱۵۲، ۸۵
 واجب ۱۹۰

وارسا ۱۸۲،۱۹۴
وجوب ۱۹۰
وحدت ملی ۱۵۲،۱۵۶
وحشیانه ۲۱۸

رویکردها



** قرآن کریم؛

الف) منابع عربی:

- ۱- ابن اثیر، عزالدین (۱۴۱۷). أسد الغابة فی معرفة الصحابة، دار الکتب العلمیة، بیروت - لبنان؛
- ۲- ابن الاثیر، عزالدین (۱۳۸۵). الكامل فی التاريخ، ج: ۲، دار صادر و دار بیروت - لبنان؛
- ۳- ابن حبان، محمد بن حبان بن أحمد (۱۴۱۴). صحیح ابن حبان، الطبعة الثانية، الناشر: مؤسسة الرسالة، بیروت؛
- ۴- ابن سعد، محمد (۱۴۱۴). الطبقات الكبرى، ج: ۲، الطبعة الأولى، دار الفکر، للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان؛
- ۵- ابن عدي، عبدالله (۱۴۰۹). الكامل في ضعفاء الرجال، ج ۵، الناشر: دار الفکر، بیروت - لبنان؛
- ۶- ابن قدامة، عبدالله بن محمد (۱۴۱۷). المغنی، ج ۱۰، الطبعة الثالثة، الناشر: دار عالم الکتب، للطباعة والنشر والتوزيع - الرياض؛
- ۷- ابویوسف، یعقوب بن ابراهیم (۱۳۵۵). الآثار، المحقق: أبو الوفا الأفغانی، الناشر: لجنة إحياء المعارف العثمانية - حیدرآباد؛
- ۸- أحمد بن حنبل (۱۴۱۴). مسند الإمام أحمد بن حنبل، الطبعة الأولى، دار ابن کثیر، للطباعة والنشر والتوزيع، بیروت - لبنان؛
- ۹- ألبانی، محمد ناصر الدین (۱۴۱۵). السلسلة الأحاديث الصحيحة، الناشر: مكتبة المعارف؛
- الإيجي، عبدالرحمن بن أحمد (بی تا). المواقف فی علم الکلام، ج ۳، دار عالم الکتب، بیروت - لبنان؛
- ۱۰- البخاري، محمد بن إسماعيل (۱۴۰۷). صحيح البخاري، الطبعة الثالثة، دار

ابن كثير: بيروت - لبنان؛

١١- البخاري، محمد بن اسماعيل (بي.تا). التاريخ الكبير، الناشر: دار الكتب العلمية؛

١٢- البزار، الحافظ الإمام أبي بكر أحمد بن عمرو بن عبد الخالق العتكي (١٤٠٩).

البحر الزخار - بمسند البزار، الطبعة الأولى، الناشر: مؤسسة علوم القرآن؛

١٣- البنيان المخصوص؛ صوت الخط الإسلامي الأصيل في أفغانستان، العدد

١٨- ٢٦، شعبان ١٤٠٩ هـ / مارس ١٩٨٩ م؛

١٤- البيهقي، أحمد بن الحسين بن علي بن موسى (١٤٢٣). شعب الإيمان،

الطبعة الأولى، الناشر: مكتبة الرشد للنشر والتوزيع بالرياض بالتعاون مع الدار

السلفية بيومباي بالهند؛

١٥- الترمذي، محمد بن عيسى بن سورة (١٣٩٨). الجامع الصحيح سنن

الترمذي، تحقيق: أحمد محمد شاكر، الطبعة الثانية، الناشر: دار إحياء التراث

العربي - بيروت؛

١٦- التل، عبد الله (بي.تا). خطر اليهودية العالمية على الإسلام والمسيحية، ناشر:

دار القلم؛

١٧- الجويني، إمام الحرمين (١٩٩٧). الغيائي - غياث الأمم في التياث الظلم،

الناشر: دار الكتب العلمية؛

١٨- الحرائي، تقي الدين أبو العباس أحمد بن عبد الحليم بن تيمية (١٤٢٦).

مجموع الفتاوى، المحقق: أنور الباز - عامر الجزائر، الطبعة الثالثة، الناشر: دار

الوفاء؛

١٩- الحلي، العلامة (١٤١٩). تذكرة الفقهاء، ج ٩، الطبعة: الأولى، (بي.جا)؛

٢٠- الذهبي، شمس الدين محمد بن أحمد بن عثمان (١٤١٣). سير أعلام

النبلاء، ناشر: مؤسسة الرسالة؛

٢١- زامباور، المستشرق (٢٠٠٠). معجم الأنساب والأسرات الحاكمة في التاريخ

الإسلامي، ج: ٢، الناشر: دار الرائد العربي، بيروت - لبنان؛

٢٢- زرواق، نصير (٢٠١٠). مقاصد الشريعة الإسلامية في فكر الإمام سيّد

قطب، الطبعة الأولى، الناشر: دار السلام للطباعة والنشر والتوزيع والترجمة،

القاهرة - مصر؛

٢٣- السيد، مجدى فتحي (بى تا). ١٠٠ قصة عن على بن طالب، الناشر: المكتبة التوفيقية؛

٢٤- الصلابى، على محمّد (١٤٢١). الدولة العثمانية، عوامل النهوض وأسباب السقوط، الطبعة الأولى، دار التوزيع والنشر الإسلامية؛

٢٥- الطبراني، حافظ أبى القاسم بن سليمان بن احمد (١٤١٥). معجم الأوسط، الناشر: دار الحرمين، للطباعة والنشر والتوزيع، القاهرة؛

٢٦- الطبراني، حافظ أبى القاسم سليمان بن أحمد (بى تا). المعجم الكبير، ج ٨، الناشر: مكتبة ابن تيمية، القاهرة؛

٢٧- الطبري، أبو جعفر (١٣٨٧). تاريخ الطبري، ج: ٣، الطبعة الثانية، الناشر: دار التراث - بيروت؛

٢٨- الطبري، أبو جعفر محمد بن جرير (١٤١٥). تفسير الطبري، ج ١٤، الطبعة الأولى، الناشر: مؤسسة الرسالة، للطباعة والنشر والتوزيع، بيروت - لبنان؛

٢٩- العقاد، عباس محمود (١٩٩٨). عبقرية عمر، ادارة النشر، ٢١ ش أحمد عرابى - المهندسين - القاهرة، الناشر: دار النهضة مصر للطباعة والنشر والتوزيع؛

٣٠- العقيلي، أبى جعفر محمد بن همرو بن موسى بن حماد (١٤٠٤). الضعفاء الكبير، ج ٤، الطبعة الأولى، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت - لبنان؛

٣١- القرضاوى، يوسف (١٣٨٧). التطرف العلمانى فى مواجهة الإسلام (نموذج تركيا وتونس)، دار الشروق، القاهرة؛

٣٢- الماوردي، أبى الحسن علي بن محمّد بن حبيب (١٤٠٩). الأحكام السلطانية والولايات الدينية، الطبعة الأولى، الناشر: مكتبة دار ابن قتيبة - الكويت؛

٣٣- مورو، محمّد (بى تا). انتصر الأفغان وسقط المنجل والسندان، المختار الإسلامى، الطبعة الأولى، (بى جا)؛

٣٤- نجفى، محمّد حسن بن باقر (١٣٩٢). جواهر الكلام فى شرح شرايع الإسلام، ج ٢١، نوبت چاپ ششم، ناشر: اسلامية؛

٣٥- النووي، محيي الدين أبى زكريا يحيى بن شرف (١٤٢٦). منهاج الطالبين

- الطالبين وعمدة المفتين، الطبعة الأولى، الناشر: دار المنهاج، بيروت-لبنان؛
- ٣٦- النيسابوري، حسن بن محمّد (١٤١٦). غرائب القرآن و رغائب الفرقان، الطبعة الأولى، الناشر: دار الكتب العلمية، بيروت-لبنان؛
- ٣٧- النيسابوري، أبو الحسين مسلم بن الحجاج بن مسلم القشيري (بي تا)، صحيح مسلم، الناشر: دار الجيل بيروت + دار الأفاق الجديدة-بيروت؛
- ٣٨- الهندي، علامه علاء الدين على المتقى بن حسام الدين (١٤٠٥). كنز العمال فى سنن الأقوال والأفعال، الطبعة الخامسة، مؤسسة الرسالة، بيروت-لبنان؛
- ٣٩- الهيثمى، نور الدين على بن أبى بكر (١٤١٤). مجمع الزوائد ومنبع الفوائد، عدد الأجزاء عشرة اجزاء، مكتبة القدسى.

ب) منابع فارسی:

- ۱- ابوک، کریس (۱۳۸۴). ترکیه، ترجمه: مهسا خلیلی، چاپ اول، انتشارات ققنوس، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۲- احمد باقی، اسماعیل (۱۳۹۱). دولت عثمانی از اقتدار تا انحلال، مترجم: رسول جعفریان، چاپ سوم، ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ایران؛
- ۳- احمدیان، عبدالله (۱۳۸۸). سیمای صادق فاروق اعظم عمر بن خطاب، نوبت چاپ: دوم، ناشر: اداره دارالنشر افغانستان؛
- ۴- انصاری، خواجه بشیراحمد (۱۳۷۰). نهضت اسلامی الجزایر در یک آزمون بزرگ، (مقاله) میثاق خون؛ ارگان نشراتی انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی، دور دوم نشراتی، سال ششم، شماره یازدهم، ماه دلو، نمبر مسلسل: ۸۹؛
- ۵- انصاری، سلطان محمد (۱۳۹۴). جغرافیای عمومی ولایات افغانستان، نوبت چاپ: اول، ناشر: انتشارات بین‌المللی سرور سعادت، محل چاپ: کابل، چهارراهی دهن باغ؛
- ۶- آرلوف، الکساندر (۱۳۸۹). تاریخ سری جنایت‌های استالین، مترجم: عنایت‌الله رضا، انتشارات کتاب‌سرا، تهران؛
- ۷- آشوری، داریوش (۱۳۹۳). دانشنامه سیاسی، چاپ: بیست‌وسوم، ناشر: انتشارات مروارید، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۸- بختیاری، سعید (۱۳۹۴). اطلس جامع گیتاشناسی ۹۴ - ۹۳، تهیه و تدوین: واحد پژوهش و تألیف گیتاشناسی، چاپ: اول، چاپ: هامون، ناشر: مؤسسه جغرافیایی و کارتوگرافی گیتاشناسی، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۹- بلک، آنتونی (۱۳۸۶). تاریخ اندیشه سیاسی اسلام (از عصر پیامبر تا امروز)، ترجمه: محمد حسین وقار، چاپ سوم، ناشر: انتشارات اطلاعات، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۱۰- بنا، امام شهید حسن (۱۳۸۰). نگرش‌هایی در اسلام، مترجم: مصطفی

اربابی، ناشر: سنت تایباد، ایران؛

۱۱- بهاء، ثریا (۱۳۹۱). رها در باد، ناشر: شرکت کتاب؛

۱۲- بیّات، عبدالرسول و جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷). فرهنگ واژه‌ها، نوبت چاپ: دوّم، ناشر: مؤسسه اندیشه و فرهنگ دینی؛

۱۳- بیدل، عبدالقادر (۱۳۹۲). دیوان بیدل دهلوی، نوبت چاپ: سوّم، ناشر: نگاه، تهران، ایران؛

۱۴- حافظ، خواجه شمس‌الدین محمّد (۱۳۸۴). دیوان حافظ شیرازی، ناشر: نگاران قلم، نوبت، محل چاپ: قم، ایران؛

۱۵- حسن، حسن ابراهیم (۱۳۸۵). تاریخ سیاسی اسلام، ترجمه: ابوالقاسم پاینده، نوبت چاپ: اوّل، چاپخانه: ماه منظر، محل چاپ: تهران، ایران؛

۱۶- حق شناس، شیراحمد نصری (۱۹۸۴ م). دسایس و جنایات روس در افغانستان: از امیر دوست محمّد تا ببرک، ناشر: کمیته فرهنگی دفتر مرکزی جمعیت اسلامی افغانستان؛

۱۷- الخالدي، صلاح عبدالفتاح (۱۳۸۲). خلفای راشدین از خلافت تا شهادت، ترجمه: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ: دوّم، چاپخانه: مهارت، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛

۱۸- دانشیار، امیر اعتماد (۱۳۷۱). جنگ افغانستان و شوروی عامل فروپاشی جهانی کمونیزم، نوبت چاپ: اوّل، چاپ: گلینی، ناشر: مؤسسه انتشارات بهینه، تهران، ایران؛

۱۹- دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۲). لغت‌نامه، محل نشر: تهران، ایران؛

۲۰- ربانی، برهان‌الدین (۱۳۹۰). قیام توفنده در قلب کشور، چاپ سوّم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، مطبوعه شبیر، کابل، افغانستان؛

۲۱- ربانی، برهان‌الدین (۱۳۹۴). یادی از دو شهید، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، نوبت چاپ: نخست، چاپخانه: بهیر، محل چاپ: کابل، افغانستان؛

۲۲- ربانی، برهان‌الدین (۱۳۹۵). محمّد ﷺ نخستین مربی و آموزگار بشریت، چاپ سوّم، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، چاپخانه بهیر، کابل،

- ۲۳- ربانی، برهان‌الدین (بی‌تا). داود خان درگذشته ننگین، حاضر جنایت‌بار، مستقبل هولناک، بی‌جا؛
- ۲۴- ربانی، برهان‌الدین (بی‌تا). سیمای زعامت داود خان، بی‌جا؛
- ۲۵- رزق، جابر (۱۳۸۰). اخوان‌المسلمین در کشتارگاه‌های ناصر، مترجم: مصطفی اربابی، ناشر: تابیاد، ایران؛
- ۲۶- ریاض، محمّد (۱۳۵۴). ادبیات فارسی در شبه‌قاره هند و پاکستان (مقالات)، مجله هنر و مردم؛
- ۲۷- سباعی، مصطفی (۱۳۹۰). ستارگان هدایت، مترجم: امیر صادق تبریزی، نوبت چاپ: دوم، ناشر: انتشارات گردستان؛
- ۲۸- سباعی، مصطفی (۱۳۹۱). سیرت نبوی، درس‌ها و اندرزها، مترجم: فضل‌الرحمن فاضل، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ۲۹- شارقی، محمّدکاظم (۱۳۶۰). ارزش خون در کمونیزم و اسلام، (مقاله)، میثاق خون، ص: ۴۴، شماره سیزدهم، ناشر: انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی افغانستان؛
- ۳۰- صرافیزدی، غلامرضا و صبری، محسن (۱۳۹۱). سازمان‌های بین‌المللی و نظریه‌های روابط بین‌الملل، چاپ نخست، نشر: انتشارات قومس، تهران، ایران؛
- ۳۱- علی بابایی، غلامرضا (۱۳۸۷). فرهنگ سیاسی آرش، چاپ سوم با اضافات، ناشر: انتشارات آشیان، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۳۲- عمید، حسن (۱۳۸۸). فرهنگ فارسی عمید، (یک جلدی)، ناشر: انتشارات: فرهنگ‌نما، نوبت چاپ: اول، محل چاپ: تهران، ایران؛
- ۳۳- غزالی، ابوحامد، امام محمّد (۱۳۹۸). کیمیای سعادت، با مقدمه: بهاء‌الدین خرّمشانی، چاپ پنجم، ناشر: مؤسسه انتشارات نگاه، تهران، ایران؛
- ۳۴- فارسی، ابومهدی (بی‌تا). داستان شهادت حسین بن علی - و سخنی درباره ماه محرّم، ناشر: کتابخانه عقیده؛
- ۳۵- فرهنگ، میر محمّدصدیق (۱۳۸۸). افغانستان در پنج قرن اخیر، جلد

- اول و دوم، به کوشش محمدابراهیم شریعتی، ناشر: انتشارات عرفان، چاپ: بیستم، تهران، ایران؛
- ۳۶- قرضاوی، یوسف (۱۳۷۹). فقه سیاسی. مترجم: عبدالعزیز سلیمی، نوبت چاپ: اول، نشر احسان، چاپ: مهارت، تهران، ایران؛
- ۳۷- قرضاوی، یوسف (۱۳۸۱). اخوان المسلمین هفتادسال دعوت، تربیت و جهاد، مترجم: عبدالعزیز سلیمی، چاپ نخست، ناشر: نشر احسان، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۳۸- قطب، سیّد (۱۳۸۷). نشانه‌های راه، ترجمه: محمود محمودی، نشر احسان، چاپ اول، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۳۹- قطب، محمد (بی‌تا). انسان بین مادی‌گری و اسلام، مترجم: سیّدهادی خسروشاهی، نوبت چاپ: ششم، ناشر: کلبه شروق؛
- ۴۰- کامگار، جمیل الرحمن (۱۳۸۲). کرونولوژی حوادث تاریخی افغانستان، نوبت چاپ: دوم با اضافات، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ۴۱- کامگار، جمیل الرحمن کامگار (۱۳۸۷). تاریخ معارف افغانستان، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل، افغانستان؛
- ۴۲- کیران، روجر و کنی، توماس (۱۳۸۵). خیانت به سوسیالیسم، پس پرده فروپاشی اتحاد شوروی، ترجمه: محمدعلی عمویی، چاپ: دوم، نشر: اشاره، تهران، ایران؛
- ۴۳- لوبون، گوستاو (۱۳۸۱). تمدن اسلام و عرب، مترجم: فخر داعی گیلانی، نوبت چاپ: اول، ناشر: کتاب‌فروشی علمی؛
- ۴۴- ماندلا، نلسون (۱۳۹۲). زندگی‌نامه خودنوشت نلسون ماندلا، ترجمه: علی‌رضا جباری آذرنگ، چاپ اول، انتشارات قطر، محل نشر: تهران، ایران؛
- ۴۵- محمود، عبدالحلیم (۱۳۹۹). اسلام و سوسیالیسم، مترجم: برهان‌الدین ربانی، چاپ‌خانه بهیر، ناشر: مرکز تدوین آثار رهبر شهید، محل نشر: کابل، افغانستان؛
- ۴۶- میتروخین، واسیلی (۱۳۹۰). ک.جی. بی، در افغانستان، ترجمه: احمدضیا رهگذر، نوبت چاپ: یکم، ناشر: بنگاه انتشارات میوند، کابل،

افغانستان؛

- ۴۷- النرشخی، ابوبکر بن جعفر (۱۳۶۳). تاریخ بخارا، ناشر: توس، نوبت چاپ دوّم، مکان چاپ: تهران، ایران؛
- ۴۸- مشعل؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان بیرون از مرز، شماره ۳ - ۵ نمبر مسلسل ۴۱، نومبر ۱۹۸۹ مطابق عقرب ۱۳۶۸ هـ ش؛
- ۴۹- میثاق خون؛ ارگان نشراتی انجمن نویسندگان و سخنوران جمعیت اسلامی، سال چهارم، شماره: ۵ و ۶، سال ۱۳۶۸ هـ ش؛
- ۵۰- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، دور ششم، سال دوازدهم، شماره ۳۶، ۳۰ قوس ۱۳۹۲ هـ ش؛
- ۵۱- هفته‌نامه مجاهد؛ ارگان نشراتی جمعیت اسلامی افغانستان، سال سیزدهم نشراتی، شماره ۱۲۲، پنجشنبه، ۱۷ جوزای ۱۳۶۹ هـ ش؛
- ۵۲- وبسایت پیام آفتاب؛ تاریخ: چهارشنبه، ۲۰ حوت ۱۳۹۹ هـ ش، ساعت: ۳۰: ۱۱ پیش از ظهر، <http://payam-aftab.com/fa/doc/news>.